

۳۹۲

کایهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۵ آذر ماه تا ۱ دی ماه ۱۴۰۱ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۵۸

اعدام

برای
بقا؟!!

هرگز!



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباحزاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۵۸ (۳۹۲)

جمعه ۲۵ آذرماه تا ۱ دی ماه ۱۴۰۱

۱۶ تا ۲۲ دسامبر ۲۰۲۲



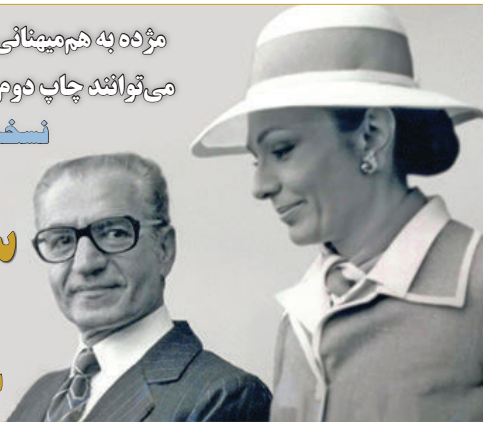
مژده به هم میهنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و بامسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

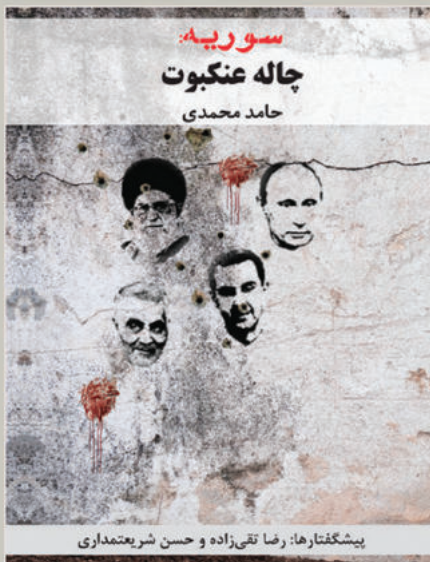
فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

سرمقاله - اسطوره‌ای که شاهدیم / ال‌ا‌هه بقراط ۴

اعدام برای بقا؟! هرگز! ... / حامد محمدی، روشنک آسترکی ۴-۵

شهبانو فرح پهلوی: من دعانمی کنم و به قدرت مردم ایمان دارم! ... / ۶

پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت سالروز اعلامیه جهانی حقوق بشر ... / ۷

شاهدخت نور پهلوی به مردم ایران: ما ایرانیان در تبعید از هر فرصتی ... / ۷

بیانیه شهبانو فرح پهلوی به مناسبت اعدام محسن شکاری ... / ۷

مردم ایران: بجای «صدور بیانیه» سفرای جمهوری اسلامی را اخراج کنید ... / ۸-۹

گزارش تکان دهنده و تحقیقی گاردین: شلیک عمدی سر کوبگران جمهوری ... / ۹

کسی که از «پسامدرن» و «پسااستعمار» می گوید ... / آلن پوزنر (دی ولت) ۱۰

نگاهی دوباره به انقلاب مشروطیت ایران (۴) ... / احمد احرار ۱۱

معنایی به نام هویدا (۱۴) ... / عباس میلانی ۱۲-۱۳

هر چه سر کوب بیشتر شود، گور جمهوری اسلامی عمیق تر کنده می شود! ... / ۱۴

سقوط بازار بورس و افزایش قیمت سکه طلا به ۱۸ میلیون تومان ... / ۱۵

رستاخیز ملی ایرانیان و فلج شدن جمهوری اسلامی ... / امیر طاهری (انستیتو کیت استون) ۱۶-۱۷

مراسم اعطای بورس به عبدالرضا انصاری در لندن ... / ۱۷

تداوم اعتراضات شبانه با وجود فضای امنیتی؛ اختلاف عوامل نظام در ... / ۱۸

جانباختگان میهن و بستگانی که از شدت اندوه عزیزان دق می کنند ... / ۱۹

اصل «مساعی لازم» و قصور عامدانه‌ی جمهوری اسلامی در ... / محمود مسائلی ۲۰-۲۱

دومین اعدام جوانان معترض ایران؛ جمهوری اسلامی مجیدر ضارهنوردرا کشت ... / ۲۲-۲۳

قطع کمک‌های مالی جمهوری اسلامی به گروه‌های فلسطینی از آغاز خیزش ... / ۲۳

تشدید خشم و انزجار عمومی علیه جمهوری اسلامی پس از اعدام محسن شکاری ... / ۲۴-۲۵

نیویورک تایمز: پرش دیگر این نیست که آیا ایرانیان جمهوری اسلامی را ... / ۲۶-۲۷

۷۰ روز نامه نگار طی سه ماه گذشته بازداشت شدند ... / ۲۷

تکان دهنده؛ بار دیگر چوبه‌های دار برای بقای نظام ... / ۲۸-۲۹

چین حق حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه را نادیده گرفت ... / ۲۹

رئیس سابق صداوسیما: مدیران و مقامات جمهوری اسلامی یا ادامه دهند و ... / ۳۰-۳۱

برگزاری جلسات قرآن برای سر کوبگران! ... / ۳۱

پولپاشی حکومت بین نیروهای مسلح برای هل دادن ماشین سر کوب ... / ۳۲

امضای سند همکاری دستگاه قضایی جمهوری اسلامی با روس‌ها ... / ۳۲-۳۳

اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل به دلیل سر کوب‌های ... / ۳۳

نگرانی درباره اجرای حکم اعدام سامان صیدی در روزهای آینده ... / ۳۴

تکان دهنده؛ امیر حسین ۱۵ ساله با چند ساچمه در بدن زندانی است ... / ۳۵

تکان دهنده؛ پدر محمد مهدی کرمی: وکیل تسخیری جواب تلفن ما را نمی دهد ... / ۳۶-۳۷

تداوم بر کناری و بازداشت مسئولان و مدیران نظام؛ نوبت به معاون ارزی بانک ... / ۳۷

بر کناری‌های بی سروصدا در نهادهای نظامی - قضایی ... / ۳۸

تورم بالاتر از ۷۰ درصد در بیش از یک سوم استان‌ها ... / ۳۹

افزایش انتقادات و انزجار از جمهوری اسلامی پس از اعدام مجیدر ضارهنورد ... / ۴۰-۴۱

افزایش شتابان قیمت هادردو بازار مهم ایران ... / ۴۱

امیر نصر آزادانی فوبالیست بازداشت شده در خطر «اعدام» ... / ۴۲

توقف موقت حکم اعدام ماهان صدرات برای اعاده دادرسی ... / ۴۳

تکرار سناریو نخبه‌های جمهوری اسلامی؛ پنج ورزشکار به عنوان متهمان ... / ۴۴

رای نهایی پرونده متروپل با ۴۳ جانباخته اعلام شد ... / ۴۵

افزایش نگرانی هادرباره اعدام محمد بروغنی نوجوان ۱۹ ساله ... / ۴۶

پاسخ مقامات جمهوری اسلامی به آژانس: وقتی اسلحه راحت وارد می شود ... / ۴۶-۴۷

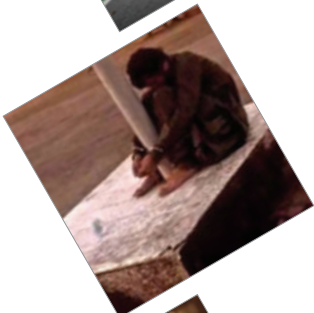
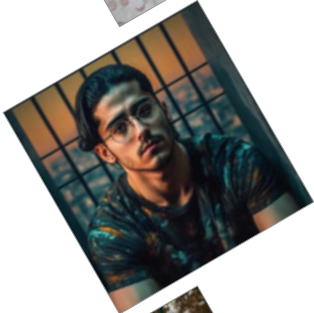
تشدید حملات سایبری به زیرساخت‌های جمهوری اسلامی همزمان با ... / ۴۷

سونیا شریفی نوجوان ۱۶ ساله به «محاربه» متهم شد! ... / ۴۸

پرتاب کولموگوتف به پایگاه‌های بسیج و نهادهای حکومتی ... / ۴۹

پشت جلد - عکس هفته / حسین محمدی ۲۶ ساله بازگیر حرفه‌ای تئاتر یکی از ۱۶ متهم پرونده ۵۰

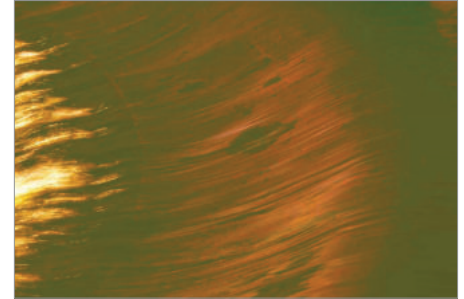
بازنشر
بازنشر



سرمقاله

اسطوره‌ای که شاهدیم

هرچه بیشتر زمان می‌گذرد، واقعیت دوغانگی طبیعت بیش از پیش خود را در رویدادهای سیاسی- اجتماعی ایران به نمایش می‌گذارد. واقعیتی که عمدتاً در اسطوره‌ها و روایات باستانی کشورهای مختلف از جمله ایران و شاهنامه‌اش به آن پرداخته شده اما حقیقتی جاری در زمان و مکان جامعه بشریست که مضمون هزاران اثر هنری و ادبی نیز قرار گرفته است. این حقیقت، امروز، صرف نظر از پیشینه‌ی روایت صد ساله



از تاریخ مشروطه و مشروعه، چیزی جز نبرد همیشگی بین نیروهای نیکی و پلیدی، نور و تاریکی، خیر و شر، زندگی و مرگ نیست! نبرد معروف «تشتیر»، ایزد باران یا آب، با «اپوش»، دیو خشکسالی و بیابان، که پیش از انقلاب اسلامی ۵۷ کودکان در کتاب فارسی دبستان با آن آشنا می‌شدند. و البته همواره پیروزی با نور و نیکی و باران و زندگی بوده است.

انقلاب ۵۷ پیروزی پلیدی بر کشوری بود که با فراز و نشیب راه نیکی در پیش گرفته بود. آنچه جمهوری اسلامی در ایران بر سر مردم و کشور آورده، گذشته از ویرانی محیط زیست و اقتصاد، از تیرباران‌ها و چوبه‌های دار و تجاوز به دختران و پسران در زندان‌ها از همان روزهای نخست تا تکرار چرخه خشونت که به شکل قتل‌های زنجیره‌ای و ترور در داخل و خارج کشور و فشارهای تصورناپذیر فیزیکی و روحی و روانی در کوچه و خیابان علیه زنان و جوانان، هرگز متوقف نشد. امروز نیز فاشیسم مذهبی به رهبری فرتوت‌ترین و فرسوده‌ترین تفکر ارتجاعی تاریخ جهان برای مقابله با خیزش انقلابی، ملی، فرهنگی و اسطوره‌ای مردم ایران از ارتکاب هیچ جنایتی در خیابان و زندان پروا ندارد و در حالی که آخرین نفس‌ها را می‌کشد و پیکر زخم‌خورده‌اش در حال تجزیه و فرو ریختن است، از همه بازوهای زخمی خود اعم از تجزیه‌طلبان و لایب‌گران و صادراتی‌هایی که برای روزهای مبدا سرمایه‌گذاری کرده بود، بهره می‌گیرد.

آنچه در زبان «صفت عالی» نامیده می‌شود، در مورد جمهوری اسلامی بیشترین کاربرد را دارد: حکومتی که جان‌سخت‌ترین، پلیدترین، سیاه‌ترین تاریکی‌ها و تاریک‌ترین سیاهی‌ها، شرترین و مرگبارترین است. نه فقط خمینی که مُرد و خامنه‌ای که پایش لب گور است، بلکه این حکومت و همه زمامداران و مدافعان پیدا و پنهانش، از گور برآمدن حکمرانی ضحاک در جهان واقعی قرن بیستم و بیست و یکم هستند و واقعی بودنش آنهم در دنیای مدرن، ابعاد تصورناپذیر پلیدی و جنایات جمهوری اسلامی را بیشتر نمایان می‌کند.

ما شاهدان یک واقعیت اسطوره‌ای هستیم که اگر پیش از روی کار آمدن این حکومت کودک‌کش کسی آن را تصویر می‌کرد، امکان نداشت عین «داستان ضحاک» کسی آن را باور کند! اما پایان اسطوره و واقعیت بی‌تردید یکیست: مردمی که به دنبال نور و نیکی و زندگی هستند، بر تاریکی و پلیدی این رژیم مرگبار پیروز خواهند شد.

تیتراول

اعدام برای بقا؟! هرگز!



● «بسته‌ای که جمهوری اسلامی عملاً در ارتباط با سرکوب وحشیانه‌ی مردم و همکاری تسلیحاتی با روسیه در جنگ علیه اوکراین و تأمین مالی و تسلیحاتی شبه‌نظامیان و افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم ارائه داده، به اندازه کافی انگیزه برای کشورهای غربی در بر دارد که برای سقوط آن، سرانجام در سمت درست و کنار مردم ایران قرار بگیرند.»

احکام هم «غیرقانونی» و هم «غیرشرعی» بر اساس آخرین آمارهای ارائه شده از سوی نهادهای حقوق بشری، ۱۸ هزار و ۴۲۶ نفر از آغاز خیزش اعتراضی تا ۲۳ آذرماه بازداشت شدند. این افراد کسانی هستند که اطلاعات آنها اعلام شده و پیش‌بینی می‌شود شمار بازداشت‌شدگان بیش از آمار رسمی باشد. همچنین شمار جانباختگان اعتراضات به ۴۹۴ تن رسیده که ۶۸ نفر از آنها کمتر از ۱۸ سال سن دارند.

بجز حسین شکاری و مجیدرضا رهنورد که حکم اعدام آنها به اجرا درآمده، دست‌کم ۱۳ معترض دیگر در دادگاه به «اعدام» محکوم شده‌اند و ۱۰ نفر نیز با اتهامات سنگین «محاربه»، «افساد فی الارض» و «بغی» روبرو هستند و احتمال صدور حکم اعدام برای آنها بالا آرزوی شده. برای شماری از بازداشت‌شدگان نیز حبس‌های «طویل‌مدت» تا ۲۵ سال صادر شده است.

اینهمه در حالیست که از لحظه بازداشت این شهروندان، تا بازجویی و اقرار به زور و صدور کیفرخواست و محاکمه، روندی حتماً مغایر با قوانین خود جمهوری اسلامی طی می‌شود. گزارش‌های تأیید شده از شکنجه شدید متهمان برای اعتراف اجباری حکایت دارد. در یک نمونه دکتر حمید قره‌حسنلو رادیولوژیستی که در پرونده کشته شدن یک بسیجی در کرج به اعدام محکوم شده، زیر شکنجه دچار شکستگی در چند نقطه بدن از جمله دنده‌ها شد و بخشی از ریه او از کار افتاد. با وجود انجام عمل جراحی، این محکوم به اعدام همچنان در آی‌سی‌یو بستری است!

قوه قضاییه همچنین در اقدامی غیرقانونی از دسترسی متهمان به وکیل تعیینی (انتخابی) خودداری کرده و وکلای تسخیری نیز در اکثر موارد پیگیر پرونده نیستند و

سه ماه از آغاز خیزش سراسری و انقلابی در ایران می‌گذرد. تداوم اعتراضات و اعتصابات با وجود سرکوب‌های خشن، حکومت را با بی‌سابقه‌ترین بحران داخلی طی ۴۳ سال حیات آن روبرو کرده است. عزم مردم آزادیخواه به ویژه نسل‌های جوان برای تغییرات اساسی در کشور ستون‌های قدرت را به لرزه درآورده و نظام راهکاری جز توسل به زور ندارد. به اعتقاد بسیاری تحلیلگران آیت‌الله‌ها در وضعیتی قرار گرفته‌اند که اگر ماشین سرکوب نباشد کارشان تمام است.

در هفته‌ای که گذشت، حکومت دو جوان معترض به نام محسن شکاری و مجیدرضا رهنورد را در تهران و مشهد اعدام کرد. قاتلان سپیده دم بعد از اذان، سرکوبگران و بسیجی‌هایی را که نقاب سیاه بر چهره دارند در گوشه‌ای از شهر با تدابیر شدید امنیتی جمع می‌کند و طناب دار را بالا می‌کشد. در این میان، چنین به نظر می‌رسد که قتل‌های حکومتی چنان سازماندهی شده که در هر شهری با ظرفیت بالای اعتراضی، دست‌کم یک نفر را اعدام کنند. اما بسیاری براین باورند که «النصر بالربعب» و پیروزی با ارباب و وحشت‌آفرینی که در تمام این چهار دهه عنصر جدایی‌ناپذیر حکومت بود دیگر اثر ندارد.

نیروهای امنیتی از محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد و ده‌ها نفر دیگر زیر شکنجه اعتراف اجباری گرفته‌اند و در دادگاه‌های نمایشی با وکلای تسخیری که عمدتاً مزدوران خود نظام و قوه قضاییه هستند، با اتهامات واهی چون «محاربه»، «افساد فی الارض» و «بغی» محاکمه شده‌اند. برخی از این جوانان در دادگاه محکوم به اعدام شده و برخی دیگر در بیم صدور حکم توسط قاضی همچنان زندانی‌اند.



سفرای جمهوری اسلامی را از کشورهای خود اخراج کنند. او تأکید می‌کند: «ما خواستار اعمال قانون ماگنیتسکی با مسدود کردن دارایی‌ها و ممنوعیت سفر برای مقامات رژیم و خانواده‌های آنها هستیم. ما باید به روشنی تأکید کنیم که آنها هزینه نقض آشکار حقوق بشر برای رژیم ظالم‌شان را می‌پردازند.» نازنین افشین‌جم در ادامه می‌افزاید: «ساکت ماندن کشورهای گروه هفت به رژیم ایران مجوز اجرای اعدام‌های بیشتر و خشونت بیشتر علیه معترضان را می‌دهد.»

در این میان وضعیت نظام با انقلاب ملی مردم در داخل و کارزار جهانی در سیاست بین‌المللی چنان بحرانی شده که حتا اصلاح‌طلبان نیز بی‌سر و صدا تلاش می‌کنند سفره‌شان را از نظام جدا کنند. آنها اعتراف می‌کنند اکثریت مردم از جمهوری اسلامی عبور کرده‌اند و به صراحت می‌گویند ملت دنبال خواستار «براندازی» و «تغییر رژیم» هستند.

در چنین شرایطی، شواهدی در دست نیست که جمهوری اسلامی بتواند خود را از تنگنایی که گرفتارش شده نجات دهد. تحلیلگران معتقدند ایران در فضایی ناگزیر از اُفت و خیزهای یک دگرگونی تاریخی قرار گرفته و حرکت کُلی خیزش انقلابی مردم به سوی چشم‌اندازی می‌رود که در آن

کرده‌اند پایگاهی مستحکم برای پژواک صدای مردم داخل است. این گستردگی سبب شد صدای انقلاب ایران به گوش غربی‌ها که چهار دهه با آیت‌الله‌ها مامشات کرده‌اند برسد. آنها اینبار نتوانستند گوش‌هایشان را بگیرند و چشم‌هایشان را ببندند زیرا دود شرارت‌های زمامداران حکومت در ایران به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وابستگان آنها به چشم خود آنها نیز رفته است.

علاوه بر مجموعه گسترده‌ای از تحریم‌ها، تشکیل کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر سازمان ملل در مورد سرکوب‌ها در ایران و اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد بخشی از اقدامات دولت‌های خارجی و مدافعان دموکراسی علیه جمهوری اسلامی است. هرچند که این پرسش مطرح است که جامعه جهانی از نظر سیاسی و حقوقی چه اقدام بیشتری می‌تواند برای تقویت جنبش مردم ایران انجام دهد؟ آیا صرفاً تحریم افراد و نهادهای حکومتی مؤثر است؟ یکی از خواست‌های مردم ایران اخراج سفرای جمهوری اسلامی از اروپاست. آنها از دولت‌های غربی و متحدانشان می‌خواهند سفارت‌های خود را در تهران ببندند یا دست‌کم سفرایشان را از تهران فرا بخوانند.

از پاسخگویی به تماس خانواده متهمان خودداری می‌کنند. وکلای تسخیری به «مرکز وکلا و کارشناسان رسمی و مشاوران قوه قضائیه» وابسته و بسیاری از آنها بازپرسان و قاضی‌های پیشین قوه قضائیه هستند. این وکلا مجوز وکالت خود را بجای کانون وکلا که نهاد صنفی در ایران است، بطور مستقیم از قوه قضائیه دریافت کرده‌اند.

صدور فله‌ای احکام اعدام با اتهامات سنگینی چون محاربه، واکنش شدید جامعه وکلا و حقوقدانان، و حتی مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم را در پی داشته است. «غیرشرعی» بودن و «تردید» در حکم صادر شده علیه جوانانی که بسیاری از آنها حتی اقدام به ضرب و جرح انسان دیگری نکرده‌اند، عدم در دست نبودن اسناد لازم و کافی در دادگاه، نداشتن فرصت دفاع از سوی متهم، عدم احراز ارتکاب جرم «محاربه»، از جمله ایرادهای حقوقی و فقهی وارد شده بر این احکام است.

جامعه جهانی در کنار مردم ایران

خانواده‌های زندانی‌ها و مردم و همچنین جامعه بین‌الملل پیگیرانه به دنبال نجات این محکوم‌شدگان هستند. در همین حال کم نیستند آنهایی که در سکوت در گوشه‌ای از



جمهوری اسلامی سقوط خواهد کرد. این تصور که ممکن است ایران به قیل از ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ برگردد، از محالات است. برای جمهوری اسلامی وضعیت به ویژه در این نکته دشوارتر می‌شود که مسئله نقض فاحش حقوق بشر و سرکوب مردم ایران به پرونده ارسال تسلیحات مرگبار به روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین گره خورده است. بر این موضوع که برای اروپا اولویت و اهمیت اساسی دارد، می‌بایست تأمین مالی و تسلیحاتی شبه‌نظامیان و همچنین افزایش غنی‌سازی اورانیوم را تا درجه‌ای که برای ساخت سلاح اتمی کاربرد دارد، افزود. این «بسته»ی جمهوری اسلامی به اندازه کافی انگیزه برای کشورهای غربی در بر دارد که برای سقوط آن، سرانجام در سمت درست و کنار مردم ایران و آزادی و حقوق آنان قرار بگیرند.

حامد محمدی، روشنگر آسترکی

آنطور که از اظهارات مقامات غربی از جمله آلمان پیداست اقداماتی برای قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی در حال انجام است. اتحادیه اروپا و کانادا نیز با تکیه بر «قانون ماگنیتسکی» به دنبال اعمال تحریم‌های عملی به ویژه در مورد بلوکه کردن دارایی‌های جمهوری اسلامی هستند. اموالی که بجای آنکه صرف رفاه مردم ایران شود خرج تروریسم و جنگ‌افروزی و تولید شبه‌نظامیان شده است.

ضرورت اجرای «قانون ماگنیتسکی» علیه جمهوری اسلامی نازنین افشین‌جم نویسنده و هنرمند ایرانی‌تبار کانادایی و فعال حقوق بشر به کیهان لندن می‌گوید دولت‌های غربی به ویژه اعضای «گروه هفت» باید واکنش‌های شدیدتری نسبت به جمهوری اسلامی نشان دهند. آنها باید سفارت‌های خود را در ایران ببندند و سفیران را از تهران فرا بخوانند و

ایران در زندان‌ها زیر شکنجه جان می‌بازند یا چنان فشاری را در بازجویی‌ها تحمل می‌کنند که بعد از آزادی تصمیم می‌گیرند به زندگی خود پایان دهند تا از شر آنچه برآنان گذشته خلاص شوند!

بی‌تردید مقامات ارشد نظام از هزینه بالای اجرای احکام اعدام مطلع‌اند آنهم در حالی که ایستادگی مردم در مقابل سرکوبگران، ریزش و تلفات پیش‌بینی نشده در میان آنها داشته است. به بیان دیگر قتل بازداشتی‌ها گرفتن انتقام توسط حکومت از مردم است و به عنوان راهکاری برای ارتقاء روحیه نیروهای امنیتی و بسیجی‌ها با هدف هُل دادن ماشین سرکوب ارزیابی می‌شود.

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد خیزش آزادیخواهانه در ایران گستردگی جغرافیای آن فراتر از مرزهای ایران است. هر جا که ایرانیان در این ۴۳ سال تبعید شده و یا مهاجرت

شهبانو فرح پهلوی در گفتگو با روزنامه آلمانی «بیلد»: من دعا نمی‌کنم و به قدرت مردم ایمان دارم!



● شهبانو فرح پهلوی در پاسخ به این پرسش که «چه اتفاقی باید بیفتد تا زنان مثل سابق دوباره دارای حقوق برابر شوند؟» می‌گوید: «چه اتفاقی باید بیفتد؟ سقوط و نابودی این رژیم! تا بتوان در ایران یک دموکراسی داشت که انسان‌ها اعم از زن و مرد، از هر دین و مذهب و طبقه‌ای در آزادی زندگی کنند.»

● «از طریق اینترنت بسیاری از زنان جوان تازه فهمیده‌اند که پیش از این حکومت، وضعیت در کشورشان چگونه بود. آنها تبلیغات منفی را که علیه حکومت شاه جریان داشت به پرسش کشیده‌اند. بسیاری از جوانان والدین خود را مقصر روی کار آمدن رژیمی می‌دانند که آنها را با خشونت و سرکوب به بند کشیده است.»

● «اگر من با این مصاحبه این امکان را داشته باشم که به نیروهای امنیتی و وابستگان نیروهای انتظامی پیامی بدهم، می‌گویم: تظاهرکنندگان را نگشاید! آنها هم میهنان شما هستند! فرزندان شما در آینده باید با فرزندان این کشته‌شدگان زندگی کنند!»

وی سال‌هاست که برای بسیاری از ایرانیان مانند گذشته «مادر ملت» است. شهبانو فرح پهلوی، ۸۴ ساله، با روزنامه «بیلد» درباره اعتراضات نسل جوان و شجاعی صحبت می‌کند که پس از مرگ مهسا امینی، ۲۲ ساله، علیه رژیم اسلامی با قدرت تمام قدمی کشد و می‌بازد. سقوط این رژیم برای آنان دیگر یک آتوپیا و آرمان نیست.

بیلد: علی‌احضرت، آیا امروز هم به ایران فکر کردید؟

شهبانو: من در تمام مدت به ایران فکر می‌کنم. تقریباً ۲۴ ساعته به خبرهای فارسی گوش می‌دهم. هر روز تلفن و ایمیل از ایرانیان در سراسر دنیا دارم. تماس مستقیم در ایران البته مشکل است. بسیاری از جوانان می‌خواهند با من حرف بزنند. شماره تلفن خودشان را می‌گذارند و من به آنها خبر می‌دهم که به اسم فلان و بهمان با آنها تماس خواهم گرفت. در صحبت‌ها از آنها می‌پرسم که چه برنامه‌ای دارند و آنها را در مسائل مثبت تشویق می‌کنم.

-نظرتان درباره انقلاب کنونی چیست؟

-آنچه در ماه‌های اخیر در ایران روی داده، باورنکردنی است. این نخستین بار در تاریخ است که چنین کیفیتی در تظاهرات دیده می‌شود. و زنان شجاع آن را آغاز کرده‌اند؛ زنان جوان، دختران! حالا در سراسر دنیا راهپیمایی‌های اعتراضی برای آزادی ایران برگزار می‌شود؛ در آمریکا، آلمان، اتریش، فرانسه و کشورهای دیگر، همه جا! صدها هزار تن اعم از زن و کودک و مرد و دانشجو و کارگران و پزشکان و دانشمندان و هنرمندان به خیابان‌ها رفته‌اند. این همبستگی جهانی به مردم و به ویژه به زنان در ایران شهادت می‌بخشد. همانگونه که می‌دانید، بسیاری از معترضان در حال حاضر زندانی شده‌اند. این بسیار غم‌انگیز است چرا که بسیاری از تظاهرکنندگان کشته می‌شوند، از جمله نوجوانان و کودکان.

-با اینهمه زنان همچنان در برابر رژیم می‌ایستند و می‌گویند: دیگر بس است! ما دیگر حجاب نمی‌خواهیم و می‌خواهیم حقوق برابر داشته باشیم.

-دختران و زنان چنان از چند دهه پیش رنج می‌کشند که

بزرگ بود؛ به همین دلیل به او می‌گویم: مانند یک خلبان بر فراز مسائل پرواز کن! بسیاری توقع دارند که او ایران را آزاد کند. ۴۰ سال است که فشار این مسئولیت بر روی او سنگینی می‌کند.

-صادقانه، آیا فکر می‌کنید انقلاب زنان واقعا رژیم را ساقط خواهد کرد؟

-امید مداوم من همواره قدرت من بوده است. همزمان بسیار وحشتناک است که انسان‌ها، نوجوانان و حتی کودکان بسیاری در این خیزش کشته می‌شوند. جوانان، دختران شانزده هفده ساله ناگهان دیگر به خانه و آغوش مادران و پدران‌شان بر نمی‌گردند. من نمی‌دانم رژیم این نیروهای سرکوب را چگونه شستشوی مغزی کرده. اگر من با این مصاحبه این امکان را داشته باشم که به نیروهای امنیتی و وابستگان نیروهای انتظامی پیامی بدهم، می‌گویم: تظاهرکنندگان را نگشاید! آنها هم میهنان شما هستند! فرزندان شما در آینده باید با فرزندان این کشته‌شدگان زندگی کنند!

-مثل گذشته بسیاری از ایرانیان شما را همچنان «مادر ملت» می‌دانند...

-اینکه مرا «مادر» می‌نامند در قلبم می‌نشیند؛ الان هم که در اینباره صحبت می‌کنم تنم مورمور می‌شود. این عنوان برایم بسیار مهم‌تر از عنوان سلطنتی و یا تاجم است.

-آیا گاهی در خیال به شورتاتان سفر می‌کنید؟

-وقتی چشم‌بند را می‌بندم، در شمال و در کنار دریای کاسپین هستم، جایی که همه چیز با طراوت و سبز رشد کرده. من هرگز چشم‌انداز دماوند، کوه آتشفشانی با شکوه ایران را از پنجره اتاقم فراموش نمی‌کنم.

-گاهی دعا می‌کنید؟

-نه؛ من دعا نمی‌کنم و به ندرت گریه می‌کنم. من به قدرت مردم ایمان دارم.

*منبع: روزنامه «بیلد»

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

سرانجام علیه آنچه بر آنها رفته دست به انقلاب زده‌اند: ازدواج اجباری دخترکان، حجاب اجباری، چندهمسری و عقاید تحمیلی و غیره. از طریق اینترنت بسیاری از زنان جوان تازه فهمیده‌اند که پیش از این حکومت، وضعیت در کشورشان چگونه بود. آنها تبلیغات منفی را که علیه حکومت شاه جریان داشت به پرسش کشیده‌اند. بسیاری از جوانان والدین خود را مقصر روی کار آمدن رژیمی می‌دانند که آنها را با خشونت و سرکوب به بند کشیده است.

-چه اتفاقی باید بیفتد تا زنان مثل سابق دوباره دارای حقوق برابر شوند؟

-چه اتفاقی باید بیفتد؟ سقوط و نابودی این رژیم! تا بتوان در ایران یک دموکراسی داشت که انسان‌ها اعم از زن و مرد، از هر دین و مذهب و طبقه‌ای در آزادی زندگی کنند. من همیشه می‌گویم: نور بر تاریکی پیروز خواهد شد و ایران دوباره از خاکستر خود برخاست.

-فراخواندن نام پسر شما، رضا پهلوی (۶۲ساله) نیز در میان میلیون‌ها ایرانی در اروپا و آمریکا همواره بلندتر می‌شود. فکر می‌کنید ایشان آماده‌اند تا به کشور خود بازگردند؟

-می‌دانید او در تمام این سال‌ها چه می‌کرده؟ بطور خستگی‌ناپذیر همواره با فکر هم میهنان خود تلاش می‌کرده و از بسیاری از آنان حمایت کرده است. او چندین دهه است که از طریق کتاب و اخبار و اینترنت پیام‌های دلگرم‌کننده برای آزادی ایران اعلام کرده است.

-آیا ایشان قصد به قدرت رسیدن دارند؟

-آنچه او واقعا می‌خواهد، این است که مردم تصمیم بگیرند کدام نظام برای آنها بهتر است. اما اگر ایرانیان بخواهند، او با کمال میل با توصیه‌های خود از تصمیم آنها پشتیبانی خواهد کرد. او مدافع دموکراسی و حقوق بشر و تمامیت ارضی کشور است.

-شما به ایشان چه توصیه‌ای می‌کنید؟

-من به او می‌گویم: همیشه خودت باش! او یک خلبان



شاهدخت نور پهلوی به مردم ایران: ما ایرانیان در تبعید از هر فرصتی برای رساندن خواسته‌های شما به تصمیم‌گیرندگان مؤثر جهان استفاده می‌کنیم!

در حالی که حکومت کشورم ثروت ملی را خرج تقویت سازمان‌های تروریستی می‌کند، اگر با تبعیض جنسیتی و دینی زندگی می‌کردم، در آنصورت شنیدن عبارات کلی از زبان کسی که در کشوری آزاد زندگی می‌کند، باعث رنجیدن من می‌شد.»
شاهدخت نور می‌افزاید: «بنابراین من خواهم چیزی بگویم که به گفتنش بیارزد. راستش این است که هیچیک از ما خواب به چشمان نمی‌آید. من هر روز پیام‌های شما را می‌بینم و شما را با تمام وجود در روح و جان خود حس می‌کنم و حتی خوابتان را می‌بینم.»

وی با اشاره به تلاش‌هایی که ایرانیان خارج کشور در حمایت از مردم ایران و حقوق آنها پیش می‌برند ادامه می‌دهد: «بله، ما ایرانیان در تبعید و حتی افرادی خارج از جامعه ایرانی که صدای شما را به گوش جهان می‌رسانند، هر طور که بتوانیم با شرکت و سازماندهی اعتراضات، و با بالا بردن آگاهی افکار عمومی، این کار را انجام می‌دهیم.»

فرزند ارشد شاهزاده رضا پهلوی سخنان خود را چنین پایان می‌دهد: «ما از هر فرصتی برای ملاقات با رهبران کشورهای دموکراتیک استفاده می‌کنیم تا اطمینان حاصل کنیم که پیام و خواسته‌های شما به درستی به گوش تصمیم‌گیرندگان مؤثر در جهان می‌رسد و دچار سوء برداشت نمی‌شوند. اینکه آنها با وجود همه پنهانکاری‌های رژیم، بدانند شما با چه وضعیتی روبرو هستید. اینکه آنها به رژیم بفهمانند که رهبران جهان آزاد این رژیم تروریستی را پاسخگو خواهند کرد.»



بیانیه شهبانو فرح پهلوی به مناسبت اعدام محسن شکاری

● «من به عنوان یک مادر، از صمیم قلب با خانواده و مادر محسن، و نیز همه خانواده‌ها و مادرانی که جگرگوشه‌هایشان را در این انقلاب ملی-میهنی از دست داده‌اند، همدردی می‌کنم.»

رژیم خونریز و جوان‌کش جمهوری اسلامی، اینبار جان جوانی دیگر را در زندان گرفت. جاویدنام #محسن_شکاری تنها ۲۳ سال داشت و همچون دیگر جوانان و مردم ایران، آرزویی جز زندگی با عزت و آزادی و آبادی ایران نداشت. من به عنوان یک مادر، از صمیم قلب با خانواده و مادر محسن، و نیز همه خانواده‌ها و مادرانی که جگرگوشه‌هایشان را در این انقلاب ملی-میهنی از دست داده‌اند، همدردی می‌کنم.
رژیم اهریمنی تلاش می‌کند با پخش اعتراضات اجباری

و سناریوسازی‌های دروغین، جنایات خود را توجیه کند. اطمینان دارم که شما فرزندان و هم‌میهنانم، فریب این ترندهای کهنه و شکست‌خورده را نمی‌خورید و در کنار خانواده‌های جانباختگان می‌ایستید.
اتحاد و همبستگی بی‌ظیرتان را حفظ کنید.
به امید صبح روشن آزادی و پیروزی نور بر تاریکی.
فرح پهلوی
۱۸ آذر ۱۴۰۱ / ۹ دسامبر ۲۰۲۲

پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت سالروز اعلامیه جهانی حقوق بشر: صدای انقلاب شما در جهان طنین انداخته و مورد ستایش مردمان آزاده جهان و ایرانیان خارج از میهن است



● حق زندگی در آزادی و رفاه و برابری زن و مرد از جمله ارزش‌های زمان ماست که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بازتاب گسترده‌ای دارد و این همان ارزش‌هایی‌ست که در چهار دهه گذشته از سوی حکومت ولایت فقیه در ایران لگدمال شده است.

● من یکبار دیگر از نیروهای انتظامی ایران در هر لباس و مقامی که هستند می‌خواهم که تن به کشتار و سرکوب هم‌میهنان ندهند. آنها همه کودکان، خواهران، برادران، مادران و پدران شما هستند.
هم‌میهنانم

هفتاد و چهارمین سالروز اعلامیه جهانی حقوق بشر امسال در شرایطی برگزار می‌شود که نظام جهل و سیاهی در ایران برای بقای قدرت خود از هیچ جنایت حتی کشتار کودکان و جوانان دریغ نداشت و ندارد.

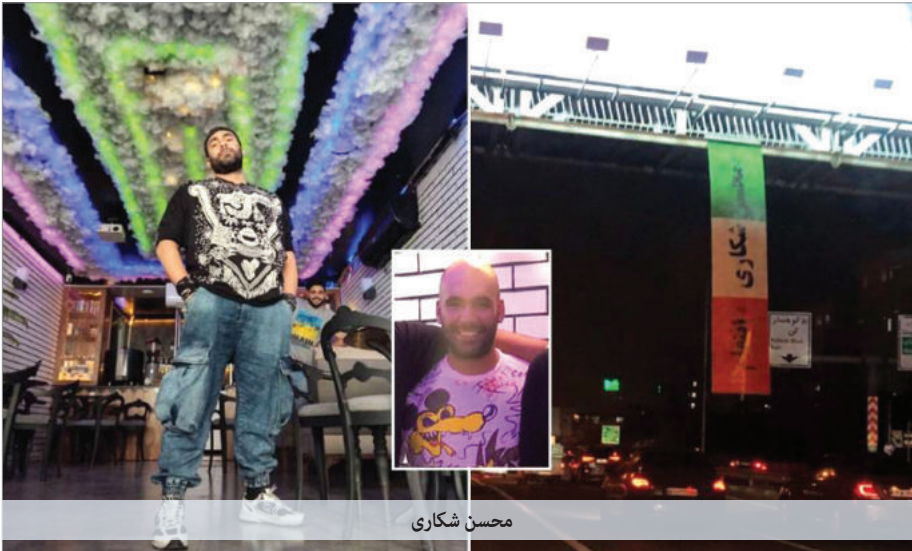
شما فرزندانم، کودکان، دختران، دانشجویان، استادان، کارگران و پیران و جوانان، با رویارویی با گلوله، زندان و شکنجه، حماسه تازه‌ای در تاریخ پر فراز و نشیب ایران آفریدید.

شعار انقلاب شما، زن زندگی آزادی، گویای تمام آرزوهای ملت ماست. حق زندگی در آزادی و رفاه و برابری زن و مرد از جمله ارزش‌های زمان ماست که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بازتاب گسترده‌ای دارد و این همان ارزش‌هایی‌ست که در چهار دهه گذشته از سوی حکومت ولایت فقیه در ایران لگدمال شده است. صدای انقلاب شما در جهان طنین انداخته و مورد ستایش مردمان آزاده جهان و ایرانیان خارج از میهن است. من یکبار دیگر از نیروهای انتظامی ایران در هر لباس و مقامی که هستند می‌خواهم که تن به کشتار و سرکوب هم‌میهنان ندهند. آنها همه کودکان، خواهران، برادران، مادران و پدران شما هستند.

به امید پیروزی نور بر تاریکی و آزادی ایرانزمین
فرح پهلوی

۱۹ آذر ۱۴۰۱ / ۱۰ دسامبر ۲۰۲۲

مردم ایران خطاب به رهبران دنیا: بجای «صدور بیانیه» سفرای جمهوری اسلامی را اخراج کنید؛ امام جمعه تهران: تشکر از قوه قضاییه که اولین اغتشاشگر را اعدام کرد!



محسن شکاری

غربی که حتی معترضان را با خشونت سرکوب می‌کنند، از روش‌های متناسب و استاندارد بهره گرفته است!»

شماری از مردم می‌گویند سیاست جمهوری اسلامی «النصر بالرعب» (پیروزی با ارباب به دست می‌آید) است. آنها معتقدند نظام فقط زبان زور را می‌فهمد و باید برای متوقف کردن اعدام‌ها از سرکوبگران و حکومت انتقام گرفت. شماری نیز اخراج سفرای جمهوری اسلامی از کشورهای غربی و متحدان آنها در سراسر جهان را راهبرد مفید برای حمایت از مردم ایران می‌دانند.

در مقابل، مسئولان حکومت نمک بر زخم مردم می‌پاشند و آنها را بیش از پیش خشمگین می‌کنند. احمد خاتمی امام جمعه تهران و عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان با اشاره به اعدام محسن شکاری گفته است: «ما تشکر می‌کنیم از قاطعیت قوه قضاییه که در همین روزها اولین اغتشاشگر را به حکم قانون پای چوبه دار فرستاد تا بدانند قانون در این کشور حکمفرماست.»

امیررضا خادم قهرمان پیشین کشتی ایران و از چهره‌های سرشناس ورزشی در واکنش به اعدام محسن شکاری خطاب به رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی نوشته است: «در عجبم که شما چگونه در مدت کوتاه به این نتیجه و قطعیت رسیدید که رای به کشتن یک هم‌نوع دهید.»

مهدی مهدوی کیا بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران نیز با بازنشر ویدئوی گریه‌های خانواده محسن شکاری پس از اعدام او در اینستاگرام نوشت: «چقدر عجله برای گرفتن جان یک جوان.»

مهدوی کیا با اشاره به پرونده‌های فساد مالی جمهوری اسلامی، پرسیده است چرا احکام مفسدان اقتصادی اجرا نمی‌شود. علی کریمی فوتبالیست پیشین تیم ملی ایران و چهره مخالف جمهوری اسلامی نیز با انتشار یک استوری در اینستاگرام خود در واکنش به خبر اعدام محسن شکاری نوشت: «منتظر انتقام اعدام محسن شکاری باشید.»

علی کریمی خطاب به مردم نیز از آنها خواسته است تا سکوت نکنند زیرا جمهوری اسلامی بدون واکنش مردم باز هم دست به جنایت و اعدام‌های دیگر خواهد زد.

در این میان، کارزاری در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاده که صدور بیانیه و اعلام محکومیت جمهوری اسلامی توسط مقامات غربی را بی‌فایده می‌داند و از آنها می‌خواهد که دست به اقدام عملی بزنند. خواست این کارزار نیز بسته شدن سفارتخانه‌های اروپایی در تهران و اخراج سفرای جمهوری اسلامی از کشورهای غربی است.

در همین ارتباط، آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا ابراز «بهت» کرده و به رژیم ایران توصیه می‌کند که دست از سرکوب بردارد: «از اعدام محسن شکاری بهت‌زده‌ایم. پیام ما به رهبران ایران واضح است: به این سرکوب وحشیانه پایان دهید. به تلاش برای پاسخگو کردن رژیم ایران ادامه خواهیم داد.»

جو زپ بولر مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز با اشاره به اینکه از اعدام محسن شکاری «وحشت‌زده» شده است گفته «شورای امور خارجه اتحادیه اروپا در نشست وزیران، چگونگی برخورد مقامات جمهوری اسلامی با اعتراضات و لزوم احترام به حقوق اولیه بشر را بررسی خواهد کرد.»

این اظهارات مقامات اروپا و آمریکا در حالیست که گویی نخستین بار است که یک مخالف و معترض توسط جمهوری اسلامی اعدام می‌شود و یا بار اول است که اعتراضات مردم وحشیانه سرکوب می‌شود! از سوی دیگر ابراز «بهت» و «وحشت» از سوی این مقامات بیانگر این است که آنها به راستی یا شناخت واقعی از حکومت جمهوری اسلامی ندارند و یا خود را سال‌ها به «کوچه علی‌چپ» زده‌اند!

آنانلا بربوک وزیر امور خارجه آلمان در واکنش به اعدام محسن شکاری نوشته است «غیرانسانی بودن رژیم ایران حد و مرز ندارد.»

وزارت خارجه فرانسه نیز در بیانیه‌ای با محکوم کردن صدور و اجرای حکم اعدام علیه معترضان بر تعهد این کشور به آزادی تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم ایران تأکید و اعلام کرده «خواسته‌های آنها برای آزادی بیشتر و احترام به حقوقشان مشروع است و باید شنیده شود.»

اولین واکنش عملی اروپایی‌ها به اعدام محسن شکاری تحریم ۲۹ مقام جمهوری اسلامی و سه نهاد مرتبط با سرکوب‌ها بوده است.

جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید با انتشار یک توئییت از «اعدام ناعادلانه و ظالمانه» محسن شکاری به عنوان اقدامی در جهت «ترساندن مردم شجاع ایران» نام برد. سالیوان همچنین ضمن ابراز همدردی با خانواده شکاری، نوشت: «حکومت ایران را برای خشونت بی‌رحمانه‌ای که علیه مردم خودش به کار گرفته پاسخگو می‌دانیم.»

وزارت خارجه جمهوری اسلامی اما در پاسخ به واکنش‌های مقامات غربی درباره اعدام محسن شکاری در دروغ‌هایی عجیب اعلام کرده: «ایران در مقابله با اغتشاشات، نهایت خویشتنداری را به خرج داده و بر خلاف بسیاری از رژیم‌های

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا ابراز «بهت» کرده و می‌گوید، «از اعدام محسن شکاری بهت‌زده‌ایم.»

جو زپ بولر مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز «وحشت‌زده» شده و گفته است «شورای امور خارجه اتحادیه اروپا در نشست وزیران، چگونگی برخورد مقامات جمهوری اسلامی با اعتراضات و لزوم احترام به حقوق اولیه بشر را بررسی خواهد کرد.»

این اظهارات مقامات اروپا و آمریکا در حالیست که گویی نخستین بار است که یک مخالف و معترض توسط جمهوری اسلامی اعدام می‌شود و یا بار اول است که اعتراضات مردم وحشیانه سرکوب می‌شود! از سوی دیگر ابراز «بهت» و «وحشت» از سوی این مقامات بیانگر این است که آنها به راستی یا شناخت واقعی از حکومت جمهوری اسلامی ندارند و یا خود را سال‌ها به «کوچه علی‌چپ» زده‌اند!

اولین واکنش عملی اروپایی‌ها به اعدام محسن شکاری تحریم ۲۹ مقام جمهوری اسلامی و سه نهاد مرتبط با سرکوب‌ها بوده است.

شماری از مردم می‌گویند سیاست جمهوری اسلامی «النصر بالرعب» (پیروزی با ارباب به دست می‌آید) است. آنها معتقدند نظام فقط زبان زور را می‌فهمد و باید برای متوقف کردن اعدام‌ها از سرکوبگران و حکومت انتقام گرفت. شماری نیز اخراج سفرای جمهوری اسلامی از کشورهای غربی و متحدان آنها در سراسر جهان را راهبرد مفید برای حمایت از مردم ایران می‌دانند.

احمد خاتمی امام جمعه تهران: «ما تشکر می‌کنیم از قاطعیت قوه قضاییه که در همین روزها اولین اغتشاشگر را به حکم قانون پای چوبه دار فرستاد تا بدانند قانون در این کشور حکم‌فرماست.»

شماری از مقامات ارشد بین‌المللی با محکوم کردن اعدام محسن شکاری در ایران اعلام کردند که جمهوری اسلامی را به خاطر نقض حقوق بشر و سرکوب خشونت‌بار مردم در ایران پاسخگو خواهند کرد! اما مردمی که در خیابان‌های کشور با دست خالی با رژیم مسلح و سرکوبگر مبارزه می‌کنند این پشتیبانی‌های لفظی و یا تحریم‌های مقامات حکومت را کافی نمی‌دانند و می‌گویند رهبران دنیا بهتر است بجای صدور بیانیه و تحریم‌های نه چندان اثربخش دست به اقدام عملی بزنند و از جمله سفرای جمهوری اسلامی را از کشورهای خود اخراج کرده و سفیران خود را از تهران فرا بخوانند.



گزارش تکان دهنده و تحقیقی گاردین: شلیک عمدی سرکوبگران جمهوری اسلامی به صورت و سینه و اندام جنسی زنان معترض!

غزل تصویری از خودش را در حالی که چشم راستش پانسمان است در اینستاگرام منتشر کرده و نوشته که «آخرین تصویری که چشم راستم ثبت کرد؛ لبخند آن شخص موقع شلیک کردن بود.» این پست در پی فشارهای امنیتی حذف شد.

شمار افرادی که در شهرهای مختلف بینایی خود را در پی اصابت گلوله ساچمه‌ای از دست داده‌اند آنقدر زیاد است که چندی پیش بیش از ۴۰۰ متخصص و جراح چشم پزشکی در ایران با امضای نامه‌ای خطاب به محمود جباروند دبیر انجمن چشم پزشکی ایران، نسبت به کور کردن عمدی معترضان از سوی سرکوبگران هشدار دادند.

یکی از چشم‌پزشکانی که این نامه را امضا کرده در گفتگو با گاردین گفته که چهار بیمار او از ۵۰ تا ۱۰۰ درصد بینایی خود را به دلیل اصابت گلوله ساچمه‌ای به چشمانشان از دست دادند.

او گفته یکی از بیمارانش جوان ۲۰ ساله‌ای بود که ۱۸ گلوله ساچمه‌ای به سر و صورتش اصابت کرده بود. او گفته «حس وحشتناکی داشتم، خیلی خشمگین بودم و با دیدن درد این بیماران اشک در چشمانم حلقه می‌زد. چشم حساس‌ترین قسمت بدن انسان است. فکر کردن به این مجروحان جوان که باید تا آخر عمر با این نابینایی یا کم‌بینایی زندگی کنند بسیار دردناک است.»

این پزشک با بیان اینکه برآورد می‌شود ۱۰۰۰ نفر در اعتراضات هفته‌های گذشته از ناحیه چشم آسیب دیده باشند گفته هنوز انجمن چشم‌پزشکی و مقامات مسئول پاسخی به نامه ۴۰۰ متخصص چشم نداده‌اند.

جراحات چشم اما در خانه یا در مطب قابل درمان نیست و اغلب مجروحان نیازمند به مراجعه به کلینیک‌های تخصصی چشم‌پزشکی هستند. این موضوع سبب شده که مقامات جمهوری اسلامی نظارت بر کلینیک‌ها و بیمارستان‌ها را افزایش دهند.

چشم‌پزشک دیگری در استان فارس در شهر شیراز درباره فشارهای امنیتی شدید بر کلینیک‌ها و چشم‌پزشکان به گاردین گفته که «به تازگی یک مأمور در مقابل اورژانس چشم‌پزشکی بیمارستان مستقر شده و هر فردی را که به اورژانس چشم پزشکی وارد یا از آن خارج می‌شود زیر نظر می‌گیرد. کارت شناسایی ما کادر درمان را هم هربار موقع ورود و خروج کنترل می‌کند. این نخستین بار است که چنین چیزی در بیمارستان می‌بینم و به نظر می‌رسد در پی پذیرش تعداد پرشماری از معترضان با جراحات چشمی این اقدام را کرده‌اند.»

او را در تظاهرات گیر آورده‌اند، به دور او حلقه زدند و به سمت اندام جنسی او شلیک کردند؛ «دو گلوله ساچمه‌ای به اندام جنسی و ده‌ها گلوله به ران‌های او فرو رفته بود. من توانستم گلوله‌هایی را که در ران او بود را خارج کنم اما خارج کردن دو گلوله اصابت کرده به اندام جنسی وی بسیار مشکل بود. چون یکی از آنها در میان مجاری ادرار و مجاری واژن قرار گرفته بود و به شدت خطر عفونت و آسیب به اندام‌های جنسی وجود داشت و از او خواستم برای خارج کردن و درمان زخم این دو گلوله به یک پزشک زنان معتمد مراجعه کند.»

پزشک دیگری در کرج با تأیید شلیک عمدی نیروهای سرکوبگر به پستان و اندام جنسی دختران و زنان معترض گفته که «نیروهای امنیتی چون عقده حقارت دارند، به صورت و اندام جنسی زنان شلیک می‌کنند و می‌خواهند با آسیب‌رساندن به جوانان، عقده‌های جنسی خود را ارضاء کنند.» یک پزشک در استان مازندران نیز در گفتگو با گاردین گفته که به دلیل تهدیدهای امنیتی به صورت مخفیانه اقدام به درمان معترضان مجروح می‌کند و بارها برای درمان بیمارانش ناچار شده ده‌ها گلوله را از بدن آنها خارج کند. او افزوده که «اکثر زنان از مراجعه به بیمارستان خجالت می‌کشند و بسیاری از آنها در خانه تحت درمان قرار می‌گیرند که این مسئله بسیار خطرناک است.»

در ادامه گزارش گاردین به نقل از مصاحبه‌شوندگان تأکید شده که «چنین خشونت‌های وحشتناک مبتنی بر جنسیت با توجه به حکومت زن‌ستیزانه آیت‌الله‌هایی که در انقلاب ۵۷ قدرت را در دست گرفتند و با سرکوب وحشیانه که غالباً زنان قربانی آن بودند، قدرت خود را تثبیت کردند، تعجب‌برانگیز نیست!»

بخش دیگری از این گزارش به اصابت گلوله ساچمه‌ای به چشم معترضان و نابینا شدن شمار زیادی از آنها پرداخته است. یک پزشک جراح اهل تهران از مرد مجروح ۲۵ ساله‌ای گفته که در نخستین روزهای اعتراضات در تهران از ناحیه هر دو چشم، سر و صورت مورد اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای قرار گرفته بود. این پزشک گفته که مرد جوان «تقریباً از هر دو چشم کور شده بود و تنها می‌توانست نور و روشنایی را تشخیص دهد. وی اصلاً در شرایط خوبی نبود.»

گاردین به موارد متعدد گزارش شده درباره آسیب جدی به چشمان شهروندان که هدف گلوله ساچمه‌ای سرکوبگران قرار گرفته اشاره کرده است. از جمله غزل رنجکش دختر جوان دانشجوی بندرعباسی که در بازگشت از محل کار از چشم راست مورد اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای قرار گرفت و نابینا شد.

● یک پزشک ساکن اصفهان از یکی از بیمارانش که دختر جوان بیست و چند ساله است روایت کرده که مأموران امنیتی او را در تظاهرات گیر آورده‌اند، به دور او حلقه زدند و به سمت اندام جنسی او شلیک کردند!

● پزشک دیگری در کرج با تأیید شلیک عمدی نیروهای سرکوبگر به سینه و اندام جنسی دختران و زنان معترض گفته که «نیروهای امنیتی چون عقده حقارت دارند، به صورت و اندام جنسی زنان شلیک می‌کنند و می‌خواهند با آسیب‌رساندن به جوانان، عقده‌های جنسی خود را ارضاء کنند.»

● یک پزشک جراح اهل تهران از مرد مجروح ۲۵ ساله‌ای گفته که تقریباً از هر دو چشم کور شده و تنها می‌توانست نور و روشنایی را تشخیص دهد. وی اصلاً در شرایط خوبی نبود. ● برآورد می‌شود ۱۰۰۰ نفر در اعتراضات هفته‌های گذشته از ناحیه چشم آسیب دیده باشند.

روزنامه بریتانیایی گاردین در گزارشی تحقیقی که در گفتگو با چند عضو کادر درمان در ایران تهیه شده، تأکید کرده که مأموران سرکوبگر جمهوری اسلامی بطور عمدی به سر، صورت و اندام جنسی زنان در ایران شلیک کرده و آنها را در این اندام مجروح می‌کنند.

در این گزارش تکانه‌دهنده که روز پنجشنبه ۱۷ آذرماه برابر با ۸ دسامبر ۲۰۲۲ منتشر شده آمده که ۱۰ متخصص پزشکی که صدها معترض را در هفته‌های گذشته درمان کرده‌اند در گفتگوهای جداگانه با روزنامه گاردین تأکید کرده‌اند معترضانی که با گلوله‌های ساچمه‌ای هدف قرار گرفته‌اند غالباً دچار آسیب‌های جدی در بدنشان شده‌اند بطوریکه ده‌ها گلوله ساچمه‌ای در اعماق گوشت و بافت‌های اندامشان فرو رفته است.

کادر درمان گفته‌اند که طی هفته‌های گذشته در معاینه و درمان معترضانی که مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند متوجه تفاوت قابل توجهی در محل جراحی زنان و مردان شدند. نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی مردان را بیشتر از ناحیه قسمت پشت و ران‌ها و باسن هدف قرار داده‌اند در حالی که زنان و دختران از ناحیه صورت، پستان و اندام‌های جنسی هدف گلوله سرکوبگران قرار گرفته‌اند.

یک پزشک متخصص ساکن اصفهان که موارد متعددی از مجروحان با گلوله‌های ساچمه‌ای را تحت درمان قرار داده گفته که سرکوبگران بطور مشخص قصد داشته‌اند زیبایی و زایش این زنان را مورد هدف قرار داده و از بین ببرند.

پزشک ساکن اصفهان از یکی از بیمارانش، یک دختر جوان بیست و چند ساله، روایت کرده که مأموران امنیتی

کسی که از «پسامدرن» و «پسااستعمار» می‌گوید، چیزی را پنهان می‌کند!

● از قرار معلوم ما در یک عصر «پسافکت» -پسا- یا فراحقیقی زندگی می‌کنیم. اما چه چیزی قرار است پس از آنکه فکت‌ها را پشت سر گذاشتیم بیاید؟! چنین عصر و زمانه‌ای را، بدون ارجاع به آنچه ظاهراً دیگر نیست، چگونه بنامیم؟! این واقعیت که ما هیچ کلمه و نامی برای آن نداریم و همچنین هیچ مفهوم و هیچ درکی هم از آن نداریم، ما را به این اندیشه رهنمون می‌شود که «پسافکت» اصولاً وجود ندارد! آنچه هنوز و همچنان وجود دارد، همانا حقیقت و دروغ است!

● آنچه نشانه گرفته شده است، اساس و بنیان روشنگریست: فردیت و فرد خردمند!

● اینها می‌گویند، آن چیست که باید در پی مدرنیته بیاید. اما، می‌توان آن چیز را حدس زد، و دانست، که اصلاً چیز خوبی نیست. پسامدرن (پست مدرن) همان پیشافاشیسم است!

آلن پوزنر (دی ولت) - چپ‌ها با پیشنهادهایی چون «پسا» و «پسین» اعلام می‌دارند که بر ایدئولوژی‌های قدیمی چیره گشته‌اند ولی ترجیح می‌دهند آنچه را باید از پس این «پسا» بیاید روشن و دقیق نگویند و به این ترتیب از انتقاد می‌گریزند.

ظاهراً ما در یک عصر «پسافکت» -پسا- یا فراحقیقی زندگی می‌کنیم. اما چه چیزی قرار است پس از آنکه فکت‌ها را پشت سر گذاشتیم بیاید؟! چنین عصر و زمانه‌ای را، بدون ارجاع به آنچه ظاهراً دیگر نیست، چگونه بنامیم؟! این واقعیت که ما هیچ کلمه و نامی برای آن نداریم و همچنین هیچ مفهوم و هیچ درکی هم از آن نداریم، نشان می‌دهد که «پسافکت» اصولاً وجود ندارد! آنچه هنوز و همچنان وجود دارد، همانا حقیقت و دروغ است! واقعیت و تخیل! همانطور که کارل مارکس در جایی گفته بود: هر آنکس که آب را چیزی ساختگی می‌انگارد، دیگر دیر دیر، هنگامی که در حال غرق شدن است، درمی‌یابد که اشتباه می‌کرده!

و این، همانگونه که برای «پسافکت» صادق است، در مورد «پسامدرنیسم» نیز صدق می‌کند. پس از مدرنیته چه می‌آید؟! در معماری نیز، پسامدرن هیچ چیزی بیش از بازی با عناصر کلاسیک در فرم نبوده است! مثل لباس سنتی بجای مینی‌ژوپ! هیچ چیز در این معماری نبود که نتوان با کلنگ دوسر یا گوی تخریب بهترش کرد!

این «پسا» در فلسفه اما آسیب‌های به مراتب بیشتری وارد آورده است. از وقتی عده‌ای فرانسوی خسته از تمدن، تکه‌پاره‌هایی از آثار ضدمدن نیچه و هایدگر را با مقداری مارکس و فروید مخلوط کرده و هم می‌زنند، کار دائمی فیلسوف‌ها شده «دکانستراکشن» یا ساختارشکنی و شالوده‌شکنی مداوم! اما نه اینکه هدف توپ تخریب‌شان تزئینات و آرایه‌های گچی باشد، نه! بلکه اساس و بنیان روشنگری را هدف گرفته‌اند: فردیت را، فرد خردمند را!

لیکن چه خواهد شد، چه خواهد آمد، پس از آنکه خرد و عقلانیت، فرد و فردیت بطور کامل نابود و تار و مار شد؟ قرار است پس از آن وارد چه عصر و دوره‌ای شویم؟ دوران توده‌های بی‌خرد و جاهل؟! اما این را که پیشتر نیز داشتیم! از ترس همین پیامد است که در این بین



می‌بایست همه‌ی انسان‌ها را به عنوان برادران و خواهران برابر دید و دریافت، و همینگونه نیز با آنها رفتار کرد، از کجا می‌آید؟ از دوران روشنگری اروپا! این، همانا زیباترین حاصل و فرزند روشنگری اروپاست؛ همان مدرنیته‌ای که امروز برخی زن/مرد مشتاقانه در تلاش‌اند بر آن چیره شوند تا برچیده شود! همان مدرنیته‌ای که همراه است با منش، مشی و نگرشی که حقیقت را در فکت‌ها و واقعیت‌ها می‌جوید؛ فکت‌هایی که به ما می‌گویند، «دی ان ای» ما واقعا از ما برادر و خواهر می‌سازد، و فرهنگ‌های ما همیشه از دیرباز همچون شبکه‌ای بهم پیوسته بوده و نیز با تأثیرپذیری از یکدیگر هم می‌برده‌اند و هم می‌رُوده‌اند.

دلایلی وجود دارد- من اینجا تأکید می‌کنم- دلایلی هست، برای اینکه که چرا نمایندگان تئوری‌های «پسا-» و «-پسین» می‌گویند که پس از عبور از فکت‌ها و واقعیت‌ها و مدرنیته، پس از استعمارزدایی کامل از تک‌تک مغزها، می‌خواهند ما را به کدامین سرزمین موعود هدایت کنند. ما اما بدان آگاهیم که این ره به کجا می‌برد، به ناکجاآباد. می‌دانیم که آنجا بوده‌ایم و آن را دیده‌ایم.

من یکی که در هر حال خواسته‌ام این است و دوست دارم در یک جامعه‌ی مدرن زندگی کنم؛ جامعه‌ای که در برابر گفتمان آزاد سر خم می‌کند، واقعیت‌ها و فکت‌ها را بزرگ می‌دارد و ارج می‌نهد- وفاداری و احترام به «پیروی از علم» دارد. جامعه‌ای که پسااستعماریست، و از همین رو نیز چندفرهنگی و جهانگرا است، سرمایه‌داری و دموکراتیک است. و این وصف آنقدر قدیمی است که آرمانی و اتوپیا به نظر می‌رسد!

*منبع: روزنامه آلمانی «دی ولت» (ژوئیه ۲۰۲۰)

*نویسنده: آلن پوزنر Alan Posener ژورنالیست آلمانی- بریتانیایی

*ترجمه و تنظیم: مهناز طالبی طاری

برخی تئورسین‌های «پسااستعمار» دیگر نه از عبارت «پسامدرنیسم» بلکه از «مدرنیته‌ی پسین و متأخر» سخن می‌گویند. این «پسین» بودن، خود خواهان و جویای نوعی حال و هوای زیبای غروب است- چنانکه در گذشته‌ها بود؛ و یقین از طلوعی که در حال آمدن است- تداعی‌گر مفهوم محبوب روزگاران کهنه‌ی ۱۹۶۸ است! همان «سرمایه‌داری پسین یا متأخر»!

اما لاقلاً آن رادیکال‌های ۵۰ سال پیش می‌دانستند پس از «سرمایه‌داری پسین» قرار است چه چیزی بیاید: سوسیالیسم! و از این رو خود را در معرض انتقاد و تخریب قرار دادند، چراکه آن سوسیالیسم از نظر مفهومی تعریف شده بود، و اینجا و آنجا واقعا وجود داشت؛ همان «سوسیالیسم واقعا موجود» که فرو پاشید. این اشتباه را اما منتقدان امروزی «مدرنیته‌ی پسین» مرتکب می‌شوند. اینها می‌گویند، آن چیست که باید در پی مدرنیته بیاید. اما، می‌توان آن چیز را حدس زد، و دانست، که اصلاً چیز خوبی نیست. پسامدرن (پست‌مدرن) همان پیشافاشیسم است!

وانگهی این اصطلاح «پسااستعمار» هم عبارت عجیبی است؛ چراکه نمایندگان آن در صدد اثبات این موضوع‌اند که برای افکار و شیوه‌های اندیشه‌ی استعماری هنوز و تا آینده‌ای دور پایانی در چشم‌انداز نیست؛ که به ویژه «پیرمردان سفید» همچنان نگاهی تحقیرآمیز و از بالا به افراد غیرسفیدپوست دارند. و این، چه بسا درست هم باشد؛ به ویژه در میان همین دسته از دانشگرایان سفیدپوست پرمدعا که همزمان در تلاشند با خودشیرینی و چاپلوسی در صدر این جنبش قرار گیرند، بر آنها غالب شوند و برایشان تعیین‌تکلیف نیز کنند؛ چنانکه گویی «مردمان رنگین‌پوست» خود قادر به بیان خواسته‌هایشان نیستند!

اما این ادعا و خواست بحق و موجه که بنا بر آن

نگاهی دوباره به انقلاب مشروطیت ایران (۴)

(کیهان لندن شماره ۱۱۳۸-۱۱۳۴) آذر تا دی ۱۳۸۵

احمد احرار

و واهمه نبود که مبدا او را تنها به دست آورده کارش را بسازند و یا تعیدش نمایند. فقط اطمینانش به واسطه بودن احتشام السلطنه بود و توکل بر خدا کرده بی اطلاع نوکرهایش که در بیرون انتظار او را دارند از در دیگر رفتند به ملاقات اتابک و من آدمم به شما (دولت آبادی) اطلاع بدهم. از این خبر بی نهایت مسرور گشته او را دعا کردم. فردا صبح زود هر دو می‌رویم احتشام السلطنه را خیلی تردماغ ملاقات می‌نمائیم. می‌گوید مجلس دیشب به خوشی گذشت و هیچکس ملتفت نشد. اتابک اعظم و آقا سید محمد از یکدیگر اطمینان حاصل کردند. ورقه از طرف اتابک اعظم به‌عنوان دعوت از علما و رجال و اعیان نوشته می‌شود. آن ورقه را می‌فرستند ما بخوانیم، آقا سید محمد ملاحظه کند، اگر پسند شد طبع و برای رجال دولت و علما و تجار فرستاده شود که روز معین به دربار بیایند و از میان آن مجلس چند تن از دانشمندان، از رجال دولت و ملت که از اوضاع عالم باخبر باشند، منتخب شده بنشینند. مطابق شرع اسلام با رعایت ملاحظات زمان و معاهدات دول، قانونی مرتب نمایند و به‌صحه همایون برسد و اجرا گردد.

فردای آن روز نوشته مزبور از طرف اتابک اعظم می‌رسد متضمن اظهار شکرگزاری خداوند بر موفقیت خود به انجام این کار خیر، تمجید زیاد از شاه و بیان ثمره عدل و داد در مملکت و عاقبت، دعوت نمودن به حضور در مجلس دربار و ترغیب زیاد به حسن موافقت ملت با دولت.

نوشته را می‌خوانیم و مقرر می‌شود پس از آن که از نظر سید هم گذشت و اصلاحاتی در آن شد به طبع برسد ولی این رقعته از جانب اتابک اعظم برای دعوت فرستاده نشود، بلکه رقعته مختصر به‌عنوان ذیل نوشته و ارسال گردد (برحسب امر قدر قدرت ملوکانه، روز فلان، ساعت فلان در دربار معدلت مدار حاضر شده اوامر ملوکانه را اصفا نمایند) و بعد از انعقاد مجلس، آن ورقه از جانب شاه خطاب به اتابک اعظم و عموم ملت در مجلس خوانده شود و هم مقرر می‌گردد که احتشام السلطنه از سایر آقایان اعضای حوزه اسلامی هم ملاقاتی کرده باشد که اگر معلوم شد با طباطبائی مذاکراتی هست تصور نکنند اختصاصی در میان است و این واقعه روز شنبه سوم شهر ربیع‌الاول ۱۳۲۴ است.»

دستخط مظفرالدین شاه دایر به تشکیل مجلسی از طبقات هفتگانه در تاریخ ۱۴ جمادی‌الآخره صادر شد. بنابر این دیدار محرمانه عین‌الدوله و آقا میر سید محمد حدود ده ماه قبل از صدور فرمان صورت گرفته است و به‌طوری که ملاحظه شد در این تاریخ، صدر اعظم و پیشوای روحانی نسبت به تشکیل «مجلس دربار» و تعیین کمیته‌ای از اشخاص بصیر و با خبر از اوضاع عالم به‌منظور تدوین «قانونی مطابق شرع اسلام با رعایت ملاحظات زمان و معاهدات دول» توافق می‌کنند.

روز بعد، یعنی یکشنبه چهارم ربیع‌الاول خبری از دعوتنامه می‌شود و شب بعد، عین‌الدوله ضمن ملاقاتی با احتشام السلطنه به وی می‌گوید مصلحت دیده است قبل از انعقاد مجلس عمومی، جلسه‌ای با حضور وزرا و امرا تشکیل دهد و آنان را از اصلاحاتی که در نظر است، آگاه کند.

در این مجلس است که اختلاف نظرها ظاهر می‌شود.

دنباله دارد

کرد و گفت جریده آزاد را خواندید. والله اگر امروز ما جلو این جراید را نگیریم مورد مؤاخذه و قهر خدا و رسولش خواهیم بود. شما پیشوایان دین شریف هستید. برای چهار روزه زندگی دنیا نمی‌شود این طور زیر بار مزخرفات این مردم رفت و سخن گفت، پس جراید آزاد در مملکت اسلامی بی‌جاست.

اما مسأله دیگر، شما را به‌خدا و به مسلمانی شما و وجدان شما ببینید سزاوار است که پیشوایان و مجتهدین دین شریف اسلامی در پای منبر حاضر باشند و یک نفر واعظ متهم بایبه‌العقیده، در بالای منبر هزاران ناسزا نسبت به علما و پیشوایان و نسبت به بزرگان دین و نسبت به وزرا و اعیان و اشراف و غیرها بگوید و شما در پای منبر گوش کنید و خنده نمائید و از نطافی و لفاظی او تعریف و تمجید نمائید. دیگر برای طبقه علما چه باقی گذارده‌اند و شما فقط با عنوان آیت‌الله و سیدین السننید و چهار شاهی پول هوایی مغرور شده‌اید. اسم اینها را چه باید بگذاریم؟ والله بی‌خود شما با این عبارات خوشوقت و مغرور گردیده‌اید. این مردم به شما راه نمی‌برند. امروزه چون محتاج به شما هستند شما را با لفظ به مراتب عالیه رسانده‌اند برای این که قوه و قدرتی به دست بیاورند. آن وقت شما را از درجات علیا به مرتبه سفلی برمی‌گردانند.»

طباطبائی بیش از سایر روحانیون به تأسیس حکومت ملی و برقراری عدالت و کوتاه کردن دست ظلمه از سر ملت عقیده و در این راه اهتمام داشت اما او نیز به هر حال یک مجتهد بود و نمی‌توانست خود را یکسره از این نگرانی برهاند که مشروطیت مبدا حوزه اقتدار علمای دین را نیز مانند عمال حکومت، محدود و زمین را برای پیشرفت آراء و افکار «غرب‌زده‌ها» یا «بابی‌ها» به‌قول شیخ نوری هموار کند.

حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی در خاطرات خود (حیات یحیی) دیدار محرمانه‌ای را که قبل از صدور فرمان تشکیل مجلس از سوی مظفرالدین شاه به سعی احتشام السلطنه بین آقا سید محمد طباطبائی با صدر اعظم وقت، عبدالمجید میرزا عین‌الدوله، صورت گرفته بود، از قول ملک‌المتکلمین این گونه گزارش می‌کند:

«اول شب سید (به خانه احتشام السلطنه) وارد شد. بعد از تعارفات رسمی، از یک طرف من (ملک‌المتکلمین) و از طرف دیگر احتشام السلطنه او را به رفتن به ملاقات اتابک اعظم (عین‌الدوله) ترغیب کردیم و گفتیم رشته حیات ملی ما مثل مو باریک شده، اگر امشب شما مخالفت نمائید و با یک ملاقات با اتابک اعظم آن را محکم نسازید گسسته خواهد شد و در تاریخ این مملکت شما را خودخواه یاد خواهند کرد و اگر خلاف نفس کرده بروید و این شخص را با خود همراه نمائید و با هم بسازید، مردم صالح را دور خود جمع کنید و متفقاً رو به اصلاح امور جامعه قدم بردارید، روح ملت را از خود شاد کرده نام نیک خود را پایدار می‌نمائید.

بالآخره سید راضی می‌شود که با قرآن استخاره کند اگر مساعدت کرد برود و اگر مساعدت نکرد منصرف گردد. قبول کردیم، مشغول نماز شد. بعد از نماز سجده طولانی نمود و گریه کرده بعد استخاره نمود، آیه مناسبی آمد. این استخاره سید را منقلب کرده حاضر نمود از همه چیز چشم پوشیده روانه خانه اتابک بشود اما خالی از ترس

آزادی در اسلام کفر است!

میرزا هاشم خان محیط مافی، در ادامه گزارش خود از دیدار بیهیانی و طباطبائی (سیدین سندی) با شیخ فضل‌الله نوری، دلایل بست‌نشینی و مخالفت شیخ با مجلس مشروطه را از زبان وی چنین آورده است:

«مجلس برای ما خیلی خوب است. مشروطیت خیلی بی‌جاست. اما مشروطه باید قوانین و احکامش سر مویی از طریقه شرع مقدس نبوی خارج نشود. پس ما را در موضوع مشروطیت ابداً حرفی نیست.

اما آزادی که جزو مشروطیت نیست. وانگهی، مگر شما دو بزرگوار نمی‌دانید که آزادی در اسلام کفر است. مخصوص این آزادی که این مردم تصور کرده‌اند. این آزادی کفر در کفر است. من شخصاً از روی آیات قرآن بر شما اثبات و مدلل می‌دارم که در اسلام آزادی کفر است. اما فقط در آزادی زبان یک چیز است که فقط و فقط در خیر عموم اگر کسی چیزی به خاطرش می‌رسد بگوید لاغیر. اما نه تا اندازه‌ای باید آزاد باشد که بتواند توهین از کسی بکند. مراد از خیر عموم، ثروت است و رفتن در راه ترقی است و پیدا کردن معدن.

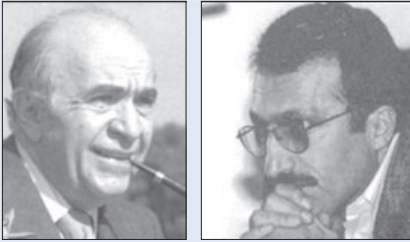
در این موقع حاج شیخ دست برد از زیر کتابی یک ورقه روزنامه درآورد به دست آقای طباطبائی داد. معظم‌له تصور کردند که در این جریده هم بعضی مطالب مضحکی مثل جریده صوراسرافیل وسایرین نوشته است. آقای طباطبائی با این قصد روزنامه را گرفت و با صدای بلند بنا کرد به خواندن تا به مرور به مطالب اثمه اطهار و مخصوص به حضرت سیدالشهدا و حضرت ابوالفضل علیه‌السلام رسید. در اینجا آقای طباطبائی خواست آهسته‌تر بخواند حصار به‌صدا درآوردند.

ناچار با صدای رسا خواندند که نسبتهای بی‌ربط و عاری از حقیقت داده و مردم را شماتت کرده که شما مردمان نادان چرا این قدر اعتقاد به این اشخاص دارید که در هزار و سیصد سال قبل به یزیدین معاویه یاغی شد، قشون فرستاد خود و همراهانش را کشتند. حالا این مردم روضه‌خوانی می‌نمایند، خرج می‌دهند و مال خود را بی‌جهت تفریط می‌نمایند. یک جماعتی به خاک کریلا اعتقاد دارند. این خاک چه مزیت و برتری با خاکهای دیگر دارد؟ اگر بخواهیم تمام مطالب جریده مزبور را تمام درج کنم اسباب ملالت مسلمانان و خوانندگان خواهد شد. مراد این است که این مرد پست‌فطرت بی اندازه اثمه اطهار را توهین و تحقیر کرده بود.

بعد از آنی که آقای طباطبائی این روزنامه را خواندند، یکمرتبه بی‌اختیار به‌گریه درآمد. هرقدر خواست خودداری نماید نتوانست. سایرین از گریه ایشان به‌گریه درآمدند. همانقدر که ساکت شدند دو مجتهد، شیخ نوری و دو نفر وکیل و هیجده نفر علما و جمعی طلاب و غیره که در این محضر حاضر بودند تمامی ساکت و خاموش شدند. همه ساکت و مبهور به یکدیگر نگاه می‌کردند. هیچ سخنی مطرح نشد. در این وقت پیشخدمت طباطبائی دید یک ربع ساعت است این حضرات ساکت هستند. اشاره کرد نوکرهای شیخ چائی و غلیان آوردند، آن وقت حضرات به‌خود آمدند.

شیخ نوری آغاز سخن نمود. خطاب به آقای طباطبائی

معمایی به نام هویدا (۱۳)



نوشته دکتر عباس میلانی

مذاکرات بنی صدر و مبشری با آیت الله خمینی
در خصوص محاکمه هویدا

بازنشسته

خمینی ظاهراً با محاکمه هویدا در يك دادگاه علنی موافقت کرد ولی پنهانی به خلخالی دستور داد کار را تمام کند

دو تن از کارمندان دفتر رئیس جمهوری که گزارشی محرمانه در باره بند و بست ملایان با آمریکا تهیه کرده بودند به اتهامات واهی دستگیر و اعدام شدند
(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد تا مهرماه ۱۳۸۰ شماره های ۸۷۷-۸۶۱)

دکتر عباس میلانی، متن انگلیسی کتاب خود را با عنوان Persian Sphinx انتشار داد.

«اسفنکس» در اساطیر نام يك موجود افسانه ایست که انسان و اندام شیر که بر دروازه شهری نشسته بود و هر کس می خواست وارد شهر شود مجبور بود به معمایی که او مطرح می کرد پاسخ دهد. اگر پاسخ صحیح بود، اجازه ورود می یافت و الا سرش به باد می رفت.

این کلمه اما به معنی شخص پیچیده و مرموز وارد زبانهای اروپایی شده و به کسانی اطلاق می شود که نمی توان از اسرار و افکارشان سر درآورد.

آیا هویدا واقعا چنین پدیده ای بود و باقی ماندن او در مقام نخست وزیری به مدت سیزده سال يك معماست؟ قضاوت در این مورد با خواننده کتاب است که به لطف شش سال کار نویسنده و گفتگوی او با دوستان و دشمنان و مخالفان و موافقان هویدا، با شخصیت وی از زوایای مختلف آشنایی پیدا می کند.

چنان که قبلا نوشتیم، هرآینه آگاهان و صاحب نظران در باره این کتاب و مندرجات آن نظری داشته باشند ما استقبال می کنیم به شرط آن که هدف، روشنتر شدن موضوعات و کمک به تصحیح و تکمیل تاریخ باشد.

صادق خلخالی بارها گفته است که من هر چه کردم طبق دستور صریح «امام» بوده است. تمام شواهد و قرائن نیز تأیید می کنند که خلخالی لاقال در این گفته اش صادق است. محاکمه سریع هویدا و به قتل رساندن او طبق دستور پنهانی خمینی صورت گرفت در حالی که دولت موقت و شورای انقلاب طرفدار تشکیل يك دادگاه واقعی بود.

دکتر عباس میلانی در «معمای هویدا» اطلاعات تازه ای راجع به این ماجرا به دست می دهد. فعالیت های هویدا در زندان به ارسال این پیام های مخفیانه محدود نبود.

در اواسط فروردین، یادداشتی به اسدالله مبشری نوشت که در آن زمان هنوز وزیر دادگستری دولت موقت بود. در نامه از مبشری تقاضای يك ملاقات خصوصی کرد. در عین حال، نوشته بود که اگر او را در دادگاه علنی محاکمه کنند، او نیز هر آنچه را در باره تاریخ دوران پهلوی می داند باز خواهد گفت. هویدا ظاهراً دریافته بود که تنها امکان زنده ماندن در این است که سرنوشتش را به دست دولت موقت بسپارد. می دانست که تنها دولت موقت ممکن بود برای رسیدگی جدی به پرونده هویدا، دادگاهی عادلانه و علنی تشکیل دهد. به همین خاطر نه تنها در روز نخست انقلاب با یکی از وزرای این دولت تماس گرفت، بلکه بعدها، آن چنان که از این نامه و شواهد دیگر بر می آید، می کوشید سرنوشتش را به دست این دولت بسپارد. اما واقعیت این بود که مبشری، به رغم آن که در ظاهر بالاترین مقام



ابوالحسن بنی صدر در مصاحبه اورینا فالاجی با خمینی؛ ۱۳۵۸

تبرئه خواهد کرد.»

آیت الله خمینی زیر بار نمی رفت. می گفت این جنایتکاران مستحق دادگاه نیستند. ولی پس از چندی، دستکم به ظاهر، متقاعد شد. به بنی صدر و مبشری دستور داد که به تهران بازگردند و کار تدارک دادگاه علنی هویدا را بیازانند. دیدار این سه نفر نزدیک غروب به پایان رسید. مبشری تصمیم گرفت روز بعد به دیدار هویدا برود و او را در جریان این تصمیمات تازه بگذارد.

اما به رغم این قول و قرارها، به رغم وعده و عیدهای آیت الله خمینی، روز بعد از ملاقاتش با بنی صدر و مبشری، حدود ساعت سه بعد از ظهر، هویدا را وارد دادگاه خلخالی کردند. بنی صدر به تاکید می گفت: «هیچکس جز خمینی قدرت نداشت در مورد دادگاه هویدا تصمیمی بگیرد.»

خلخالی هم بارها در بیست سال اخیر. به تصریح و تلویح، این نظر بنی صدر را تأیید کرده است. به کرات گفته است هر چه کرده، به دستور امامش بود. برای نمونه، همزمان با بیستمین سالگرد انقلاب، خلخالی در گفتگویی با خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز دوباره تاکید کرد که، «هر چه کردم، به فرمان مقدس امام بود. فقط آن چه را که او می خواست می کردم.»

چرا از دادگاه علنی می ترسیدند؟

در آن زمان، رژیم جمهوری اسلامی درگیر رقابت های درونی شدیدی بود. به علاوه، کارگزاران رژیم نگران کودتای سلطنت طلبان هم بودند.

قضایی مملکت بود، در عمل هیچ قدرتی نداشت. حتی از ملاقات با هویدا در زندان هم عاجز بود. گردانندگان زندان قصر، ظاهراً به تأسی از دستورات روحانیونی چون خلخالی، جلوی چنین ملاقاتی را گرفته بودند.

مبشری که از ناکامی تلاش هایش مستاصل شده بود، به بنی صدر توسل جست. هر دو می دانستند که در همه مسائل مهم مملکت، تصمیم نهایی با آیت الله خمینی است. می دانستند که سرنوشت هویدا و چند و چون دادگاه او نیز در زمره مهمترین مسائل روزند. به همین خاطر با هلی کوپتری به قم پرواز کردند و به دیدار رهبر انقلاب رفتند. کیسه ای پر از اسناد و همچنین یادداشت هویدا را که روی يك تکه کاغذ زرد رنگ کوچک نوشته بود همراه خود بردند. مبشری حتی در آن زمان با برخی از فعالان سابق کنفدراسیون هم تماس گرفته بود و خواسته بود اسناد و مدارکی علیه هویدا را در اختیارش بگذارند. بنی صدر و مبشری به آیت الله خمینی گفتند که، «این کیسه پر از اسنادی است که توسط وزارت دادگستری جمع آوری شده و همه موید ابعاد فساد رژیم سابق اند»، گفتند هویدا هم حاضر است، در صورتی که در دادگاهی علنی مورد محاکمه قرار گیرد، هر چه می داند بگوید. بنی صدر تاکید کرد که چنین دادگاهی پیروزی بزرگی برای انقلاب محسوب خواهد شد. می گفت از این طریق می توانیم در دادگاه افکار عمومی ایران و جهان، رژیم سابق را محکوم کنیم. به مرشد و مراد آن روزگار می گفت با این کار، «تاریخ نیز ما را

هویدا در دادگاه دوم

دفترچه یادداشت، تصاویری است که روزنامه‌ها در آن زمان از دادگاه هویدا به چاپ رساندند و در آنها دفترچه را می‌توان روی میز عسلی دید. معلوم نیست بعد از آن روز بر آن دفترچه چه رفت و آیا امروز نشانی از آن سراغ می‌توان کرد یا نه.

چهره حصار به نظر هویدا عباس‌تر و غیر دوستانه‌تر از دادگاه اول آمد.

تعداد روزنامه‌نگاران حاضر بی‌شک محدودتر بود. هادی غفاری که تندروپها و فحاشی‌ها و لفاظی‌های به ظاهر انقلابی‌اش، و شایعه دل‌بستگی‌اش به خشونت، شهره خاص و امش کرده بود چون شکارچی بی‌حصوله‌ای در کنار هویدا نشست. دیگر از هویدایی که در روزهای اول انقلاب، بی‌پروا از دستاوردهای دولتش دفاع می‌کرد، نشان چندانی باقی نبود.

این بار انگار آرام و با وقار تسلیم سرنوشت محتوم خود شده بود. با لحنی نگران از خلخال پرسید: «آیا اینها همه پاسداران انقلاب‌اند؟» خلخال سؤال هویدا را بی‌جواب گذاشت. در عوض، با لحنی تند و سرزنش‌آمیز پرسید، «مگر چه فرقی می‌کند؟ برادران پاسدار مثل ساواکیهای شما که نیستند.»

حدود ساعت سه بعد از ظهر دادگاه رسماً آغاز به کار کرد. آیاتی از قرآن تلاوت شد و سپس متن کیفرخواست را، که بی‌کم و کاست عین همان کیفرخواست دادگاه اول بود، قرائت کردند. هنوز برخواندن این هفده ماده به پایان نرسیده بود که ناگهان صدای پره‌های هلی‌کوپتری کار دادگاه را متوقف کرد. اضطراب و دلهره در هوا موج می‌زد. هلی‌کوپتر پایین آمد. در جایی، درست مقابل پنجره اتاقی که دادگاه در آن جریان داشت، لحظه‌ای توقف کرد. پروازش یکسره غیر مترقبه بود. حتی معلوم نبود از چه مقامی اجازه پرواز دریافت کرده بود. هدفش هم روشن نبود. آیا قصد قربت داشت یا مقاصدی خصمانه را دنبال می‌کرد؟ هیچکس جواب هیچ یک از این پرسشها را نمی‌دانست. ناچار ترکیبی از خوف و ابهام، و شاید حتی خوف و رجا، دادگاه را به فلج موقتی دچار کرد.

قاعدا خلخال و هویدا هیچکدام نمی‌دانستند که شب قبل هزی پرشت مسئول بخش ایران در وزارت امور خارجه امریکا، خبردار شد که دادگاه هویدا به زودی از سر گرفته خواهد شد و جان هویدا در خطر است.

او نیز بلافاصله به «چارلز ناس» شارژدافر وقت امریکا در ایران، تلگراف زد و از او خواست که هر چه زودتر با مقامات ایرانی ملاقات کند و مراتب نگرانی دولت امریکا از وضع هویدا را به اطلاع دولت ایران برساند.

بعد از ظهر روز بعد، ناس با ابراهیم یزدی ملاقات کرد که آن روزها هنوز از چهره‌های فعال دولت موقت بود. به محض آنکه ناس نام هویدا را بر زبان آورد، یزدی هم به لحنی که، «دوستانه بود، نه صادقانه» از جنایات ساواک داد سخن داد. پرونده‌هایی را از کشوی میزش بیرون کشید. می‌گفت اسناد جنایات ساواک است. می‌گفت هویدا در همه این جنایات دست داشت.

بالاخره هم سخنانش را با ذکر این نکته به پایان برد که به رغم همه این واقعیات، جان هویدا به هیچ روی در خطر نیست. بعدها معلوم شد که درست در زمانی که یزدی این وعده‌ها را می‌داد، هویدا در دادگاه خلخال بود و چه بسا که حتی سرنوشتش هم تعیین شده یا رقم خورده بود. ناس می‌گفت: «هرگز نفهمیدم که آیا به راستی وقتی یزدی با من حرف می‌زد هنوز نمی‌دانست که بر هویدا چه رفته یا آن که به من دروغ می‌گفت و تظاهر می‌کرد.»

دنباله دارد

وقتی هویدا را وارد دادگاه کردند، حدود چهل نفر در اتاق بودند. کتی چرمی و بلوز نازک یقه گردی به تن داشت. یقه پیراهن تیره رنگش از بلوز بیرون زده بود. شلوار کبریتی قهوه‌ای رنگی به پا داشت. یکی دو روز قبل از آغاز محاکمه، شخص ناشناسی به منزل دکتر فرشته انشاء زنگ زد و دستور داد یک دست لباس تازه برای هویدا به زندان بیاورند. به نظر روستایی می‌آمد هم او بیشتر هم چند بار زنگ زده بود. در ایران نیز، مانند دیگر کشورهای جهان، زبان پدیده‌ای سخت اجتماعی است واژگان و شگردهای زبانی هر کس لاجرم مبری طبقاتی دارد و ریشه‌های اجتماعی و جغرافیایی گوینده سخن را باز می‌گوید. دکتر فرشته انشاء هم هویت



خلخال رختخواب خود را پشت اتاق «دادگاه» پهن کرده بود و همانجا می‌خوابید

احتمالاً روستایی مامور زندان را از همین طریق دریافته بود. می‌دانیم که برای بیش و کم تمام مردان و زنان روستایی ایران، نام زن بخشی از ناموس اوست. قدسی است و خصوصی، و از گزند چشم و گوش و زبان نامحرم به دورش باید داشت. به همین خاطر، مردان روستا معمولاً همسران خود را هرگز به نام واقعی‌شان خطاب نمی‌کنند. می‌خواهند نه تنها چهره که نام زن را نیز در پشت پرده پنهان و محفوظ کنند. ناچار حجابی برای نام همسرشان بر می‌گزینند. و از رایج‌ترین این حجابهای لفظی، نام پسر ارشد خانواده است. مامور زندان هم، به تأسی از این سنت، در تماسهای تلفنی خود، دکتر فرشته انشاء را، به اعتبار نام پسرش، «مادر علی» می‌خواند. این بار گفته بود، «مادر علی، یک دست لباس تازه و دوامپیش را بیاورید زندان.»

هویدا که وارد اتاق شد، هوا دم کرده و فضا پر التهاب بود. او را در صندلی ساده‌ای که در وسط اتاق جای داشت نشانند. روبرویش رئیس دادگاه و مشاوران و دادستان پشت میز واحدی نشسته بودند. دو عسلی کوچک در کنار صندلی هویدا بود. و برخلاف دادگاه اول، این بار می‌توانست در صورت لزوم از آنها برای نوشتن استفاده کند. دفترچه یادداشت قطوری را که جلدش از چرم بود روی یکی از عسلی‌ها گذاشت. هویدا در یکی از روزهای اول که در زندان جمهوری اسلامی بود از دکتر فرشته انشاء خواسته بود که دفترچه یادداشتی برایش فراهم کند. می‌گفت: «می‌خواهم آن چه را در اینجا بر من می‌رود در این دفتر بنویسم.» آخرین رد پای این

روحانیون تندرو، به رهبری آیت‌الله خمینی، به این نتیجه رسیدند که برپایی یک دادگاه علنی به ضررشان تمام خواهد شد. می‌دانستند که چنین دادگاهی دستکم دو سه هفته طول خواهد کشید. و با تأکید بر ضوابط قانونی و عرف حقوقی، با مال دست نیروهای میانه‌رو را تقویت خواهد کرد. ناچار سیاست قصاص و کین‌خواهی سریع را بردآوری سنجیده و قانونی یک دادگاه واقعی رجحان نهادند. البته به گمان بنی‌صدر، آیت‌الله خمینی، خلخال را به محاکمه هویدا واداشت. می‌گفت، «بعضیها می‌ترسیدند که در طول دادگاه، زد و بندهایشان با امریکاییها رو شود. به علاوه، بعضی دیگر هم هر

کدام می‌ترسیدند پرونده‌هاشان علنی شود و به همین خاطر سعی داشتند که رأی خمینی را بزنند و نگذارند دادگاهی علنی برای هویدا تشکیل شود. در نخستین روز انقلاب، وقتی دفاتر ساواک به دست ما افتاد، ناگهان متوجه شدیم که حدود چهل پرونده محرمانه مفقودند. این آقایان نگران بودند که هویدا در دادگاه زد و بندهای آنها را بر رژیم شاه فاش خواهد کرد. می‌ترسیدند از حق حسابهایی بگویند که بعضی از آنها از دولت می‌گرفتند.

وقتی بعدها دو تن از کارمندان دفتر من گزارشی محرمانه، در صد صفحه، در باره زد و بندهای آنها با امریکا تدارک کردند، هر دو را بلافاصله به اتهاماتی واهی دستگیر و اعدام کردند.» بنی‌صدر می‌گفت در شورای انقلاب هم، که عملاً کار اداره مملکت را به عهده داشت، همه، بدون استثنا دستکم در ظاهر طرفدار یک دادگاه علنی برای هویدا بودند. به دیگر سخن، تنها کسی که قدرت و جرأت داشت که خلخال را به محاکمه هویدا، آن هم در دادگاهی انقلابی بیش و کم مخفی وادارد آیت‌الله خمینی بود و لاغیر. انگیزه آیت‌الله خمینی هر چه بود، در یک نکته شکی نمی‌توان داشت. با محاکمه هویدا به دست خلخال «پاکسازی» گسترده ادارات دولتی نیز آغاز شد و پس از چندی، لوزه بر اندام یک یک کارمندان، افسران ارتش، یهودیها، بهایی‌ها و جملگی مخالفان رژیم اسلامی ایران انداخت. طولی نکشید که اسلام پنهانی تنها ضامن بقا و ایمنی شد و مهم هم نبود که این تدین ریشه در ایمان واقعی داشت یا تظاهری بیش نبود.



تظاهرات ایرانیان خارج کشور / تولوز / فرانسه / ۳ دسامبر ۲۰۲۲

هرچه سرکوب بیشتر شود، گور جمهوری اسلامی عمیق تر کنده می شود! اعتراف محمدرضا باهنر: بسیج مردم علیه حکومت در داخل و خارج ایران بی نظیر است!

شدن برخی از سرمایه‌های اجتماعی، کمبود شرکت مردم در انتخابات بوده و دشمنان به این تحلیل رسیده‌اند که نظام، اقتدار و مشروعیت و مقبولیت خود را از دست داده و لغزان شده و باید با یک بسیج همگانی بین‌الملل کار را تمام کنند و لذا بحث تغییر نظام را مطرح کردند... البته در برخی مواقع واژه «تغییر نظام» را به واژه «تغییر رفتار نظام» اصلاح می‌کردند اما به تعبیر رهبر معظم انقلاب، رفتارهایی را می‌خواهند تغییر دهیم که به اصطلاح خود نظام و ماهیت آن تغییر کند. بنابراین اینها خیلی متفاوت نیست و هدف‌گذاری دشمنان روی تغییر نظام و یا تغییر رفتارهای نظام است.»

باهنر در ادامه افزود: «رویکرد تحلیل دوم بر این استوار بود که چون مشروعیت و مقبولیت نظام ضعیف شده، سرمایه‌های اجتماعی قدری ذوب شده و از بین رفته بنابراین موقعیت مناسبی است که تیر خلاص را بزنیم و داستان را تمام کنیم.»

نکته قابل توجه این است که باهنر که مرتب بر «دشمنان» تأکید می‌کند همان فردیست که در سال ۹۹ اعتراف کرد اگر در اعتراضات ۹۸ مردم بیشتری به آن می‌پیوستند، انقلاب می‌شد! حالا این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره رفتار کشورهای غربی در مواجهه با اعتراضات اخیر و علت آن می‌گوید: «اروپایی‌ها به یکباره خیلی عیان به میدان آمدند اما قبلاً قدری لاپوشانی داشتند و ظاهر را حفظ می‌کردند. برخی این موضوع را به جریان درگیری روسیه و اوکراین و داستان پهنادهای تحلیل می‌کنند و اینکه مدعی بودند ایران در این جنگ رسماً از روسیه حمایت می‌کند؛ در کنار آن وضعیت نامناسب اروپا در بحث زستان و کمبود انرژی هم قدری اروپا را عصبانی و تحریک کرد که در نتیجه اقداماتی انجام دادند که بی‌نظیر بود.»

محمدرضا باهنر که از قرار معلوم به خاطر منصبی که دارد می‌بایست «مصلحت نظام» را تشخیص دهد، عین رهبری نظام و دیگر مقامات به فرافکنی می‌پردازد و در قالب «تحلیل» برای توضیح علل خیزش انقلابی مردم ایران به هر چیزی چنگ می‌اندازد جز آنچه واقعیت و در برابر چشم است و سال‌هاست از زبان مردم در شعارها و استقامت و پایداری آنها در برابر سرکوبگران به گوش می‌رسد: مردم جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند و هر چه این نظام از آنها بیشتر به قتل برساند، فقط گور خود را عمیق‌تر کنده و حکم ارتکاب جنایت مقامات خود را پیشاپیش صادر کرده است!

انتخابات باز می‌گشت؛ سال ۹۶ و ۹۸ بیشتر بهانه‌ها، مسائل اقتصادی و موضوعاتی مثل گرانی‌ها و بنزین بود و شروع اعتراض سال ۱۴۰۱ بیشتر با مسائل فرهنگی بود... او اما با قادر به درک این نکته نیست و یا به روی خود نمی‌آورد که علت همه این اعتراضات سیاسی است و به نظام جمهوری اسلامی بر می‌گردد! همه مشکلات اقتصادی و فرهنگی



محمدرضا باهنر

کشور که جان مردم را با ناکارآمدی و سرکوب مداوم به لب رسانده، ناشی از ساختار مذهبی و فاسد و تمامیت‌خواه این حکومت است!

باهنر که وی نیز مانند دیگر مقامات رژیم عسینان و خشم و انزجار مردم را به «دشمنان» نسبت می‌دهد افزود، «درباره اینکه چرا دشمنان به صورت متمرکز و با استفاده از همه ابزارها برای رویارویی وارد میدان شدند، تحلیل‌های متفاوت و متضادی وجود دارد؛ عده‌ای می‌گویند که چون ایران خیلی پیشرفت کرده و تحریم‌ها را پشت سرگذاشته و به سرعت رو به جلو حرکت می‌کند، نظام‌های ظالم و استکبار بین‌الملل به این جمع‌بندی رسیدند که باید ترمز دستی ایران را بکشند و این پیشرفت‌ها را متوقف کنند.» این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه می‌گوید، «برخی هم معتقدند که این حوادث به دلیل آب

● پس از اعدام محسن شکاری مقامات حکومت و هواداران نظام و رسانه‌های وابسته موج رجزخوانی علیه مردم به راه‌انداخته‌اند و علنی خط و نشان می‌کشند. مقامات حکومت و هواداران نظام و رسانه‌های وابسته موج رجزخوانی علیه مردم به راه‌انداخته‌اند و علنی خط و نشان می‌کشند. در مقابل اما مردم هم پا پس نکشیده و بر تداوم اعتراضات و تعمیق آن تا سرنگونی رژیم اسلامی تأکید می‌ورزند.

● محمدرضا باهنر که از قرار معلوم به خاطر منصبی که دارد می‌بایست «مصلحت نظام» را تشخیص دهد، عین رهبری نظام و دیگر مقامات به فرافکنی می‌پردازد و در قالب «تحلیل» برای توضیح علل خیزش انقلابی مردم ایران به هر چیزی چنگ می‌اندازد جز آنچه واقعیت و در برابر چشم است و سال‌هاست از زبان مردم در شعارها و استقامت و پایداری آنها در برابر سرکوبگران به گوش می‌رسد: مردم جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند و هر چه این نظام از آنها بیشتر به قتل برساند، فقط گور خود را عمیق‌تر کنده و حکم ارتکاب جنایت مقامات خود را پیشاپیش صادر کرده است!

اعدام محسن شکاری جوان معترض به اتهام «راه‌بندان» و «زخمی کردن مأمور» واکنش حکومت به سه روز اعتصاب عمومی در ایران بود. مقامات حکومت و هواداران نظام و رسانه‌های وابسته موج رجزخوانی علیه مردم به راه‌انداخته‌اند و علنی خط و نشان می‌کشند. در مقابل اما مردم هم پا پس نکشیده و بر تداوم اعتراضات و تعمیق آن تا سرنگونی رژیم اسلامی تأکید می‌ورزند.

محمدرضا باهنر نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی به ایرنا گفته «در اغتشاشات اخیر از نظر بسیج همه نیروهای خارجی، معاند، دولت‌های خارجی، سازمان‌های مردمی (NGO)ها، سلب‌یتی‌ها، ایرانی‌های مقیم خارج از کشور و افراد پرمخاطب خارج از کشور، اتحاد بی‌نظیری در بین آنها به وجود آمد تا بتوانند اغتشاشات را پوشش بدهند، مردم را تحریک کنند و کار را جلو ببرند.»

او در این مصاحبه که پنجشنبه ۱۷ آذر منتشر شد توضیح داد: «مقایسه این حوادث که در دو دهه گذشته روی داد، نشان می‌دهد که جنس این اتفاقات هر بار تغییر می‌کند؛ برای مثال در سال ۷۸ و ۸۸ ظاهر قضیه از یکسری اعتراضات سیاسی آغاز شد که در سال ۸۸ بطور مشخص به موضوع



سقوط بازار بورس و افزایش قیمت سکه طلا به ۱۸ میلیون تومان؛ چشم انداز منفی تورم در ماه‌های پایانی سال

۴۲۰۰ تومانی، گندم را ۴۵۰۰ از کشاورز می خریدند، کشاورز کشت گندم نمی کرد. این دولت قیمت خرید گندم را به ۱۲۵۰۰ افزایش یافت نتیجه این شد که امسال به جای ۴.۵ تن، ۷.۵ تن گندم از کشاورز خریداری شد و ۳ میلیون تن وابستگی کمتر شد. دولت شبکه گندم و آرد را اصلاح کرد، مردم سختی کشیدند اما نتوانستیم تبیین درست بکنیم.»

این ادعاها در صورتی مطرح می شود که کارشناسان اقتصادی نظراتی عکس دارند و مردم نیز هیچ آثار و نشانه‌ای از کاهش تورم یا بهبود شرایط معیشتی و اقتصادی خود احساس نمی کنند.

گزارش‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که تورم گروه خوراکی‌ها همچنان در صدر جدول آمار قرار دارند و تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها در آبان امسال در بیش از یک سوم استان‌های ایران بالاتر از ۷۰ درصد بوده است. تورم بالای مواد غذایی سبب رانده شدن شمار بیشتری از خانوارهای تنگدست و کم‌درآمد به زیر خط فقر مطلق شده است. در آخرین ماه‌های سال آثار کسری بودجه دولت بیش از پیش در اقتصاد نمایان شده و همین موضوع فشار تورمی را افزایش داده است. در چنین شرایطی پیش‌بینی می‌شود قیمت‌ها در بازارهای ارز و طلا افزایشی باقی مانده و تورم بیشتری به بازارهای مصرف تحمیل شود.

در همین رابطه مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور به وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته است دلار ۴۰ هزار تومانی تا پایان آذر ماه غیرمحمول نیست. بر اساس توضیحات این اقتصاددان، نرخ برابری دلار در دو ماه گذشته بار دیگر روند صعودی پرشتابی را در پیش گرفته و از مرز ۳۷ هزار تومان نیز فراتر رفته است.

مرتضی افقه «بی‌ثباتی‌های بین‌المللی و ادامه تحریم‌ها و بن‌بست مذاکرات» را عامل افزایش دوباره نرخ دلار عنوان کرده و گفته که سیاست‌های دولت برای کنترل نرخ دلار هم کارساز نیست: «دولت در کشور ما برخلاف همه کشورهای قابل توجهی از دلایل جهش قیمت ارز از تحولات بیرون کشور سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین دولت تنها ابزاری که برای کنترل قیمت در دست دارد همین مواردی است که تاکنون به کار گرفته و آثارش هم محدود و کوتاه مدت است.»

وخیم اقتصاد ایران و ارزش پایین ریال است. قیمت سکه تمام نیز به ۱۸ میلیون و ۱۲۰ هزار تومان رسید که در تاریخ اقتصاد ایران بی‌سابقه و رکوردی تازه است. هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز امروز با قیمت یک میلیون و ۵۹۹ هزار تومان معامله شد و بار دیگر در آستانه ورود به کانال یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان قرار گرفته است.

افزایش قیمت‌ها در بازار طلا و ارز و همچنین نوسان شدید بازار بورس پیام منفی برای بازارهای مصرفی از جمله مواد غذایی در بر خواهد داشت. در حالیکه قیمت‌ها در بازار کالاهای مصرفی نیز همچنان افزایشی است اما تحمیل تورم بیشتر به بازار مواد خوراکی از توان بسیاری از شهروندان که با درآمدهایی زیر خط فقر زندگی می‌کنند، خارج است. آمارها حکومتی نشان می‌دهد طی یک سال گذشته در بازار مواد خوراکی، روغن مایع ۲۸۷ درصد، ماکارونی ۱۳۴ درصد، برنج ۱۳۰ درصد، سیب زمینی ۱۱۹ درصد، مرغ ۱۰۴ درصد، شیر ۸۴ درصد، قند ۷۸ درصد، تخم مرغ ۶۳ درصد، رب گوجه ۶۲ درصد و شکر ۵۹ درصد افزایش داشته است. همچنین گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که در آبان ماه ۱۴۰۱، ۵۳ قلم خوراکی منتخب در نقاط شهری، ۲۹ قلم افزایش قیمت بالاتر از نرخ تورم سالانه (۴۷.۳) داشته‌اند!

این آمارها بر اساس گزارش‌های وزارتخانه‌ها که غالباً بر قیمت‌های دستوری و مصوب است تنظیم شده اما به عقیده بسیاری از کارشناسان افزایش اکثر مواد غذایی بیش از آن ارقامی بوده که دولت مدعی است.

در این میان ابراهیم رئیسی و دیگر دولتمردان معتقدند مدیریت تیم اقتصادی دولت خوب بوده و وضعیت بهتر هم خواهد شد. ابراهیم رئیسی هفته گذشته در سخنانی ادعا کرد که تورم کاهش پیدا کرده است!

این ادعاها از سوی مقامات غیردولتی هم تکرار می‌شود. حسین طائب رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه در هفته گذشته در مراسمی به مناسبت روز دانشجو در دانشگاه علوم پزشکی مشهد مدعی شد که «در آرزو ۴۲۰۰ تومانی فساد بود و دولت این فساد را از بین برد.»

حسین طائب مدعی شده بود که «سال گذشته ۴.۵ میلیون تن گندم از کشاورزان خریداری شد، چون با ارز

● شاخص بورس امروز شنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۱ با ریزش ۴ هزار و ۲۵۴ واحدی در سطح ۴۱۲ هزار و ۸۳۰ واحدی ایستاد. قیمت سکه تمام نیز به ۱۸ میلیون و ۱۲۰ هزار تومان رسید که در تاریخ اقتصاد ایران بی‌سابقه و رکوردی تازه است.

● پیش‌بینی می‌شود قیمت‌ها در بازارهای ارز و طلا افزایشی باقی مانده و تورم بیشتری به بازارهای مصرف تحمیل شود.

در نخستین روز از سومین هفته آذرماه بازارهای مختلف ایران شرایط پر التهابی را سپری کردند. در ساعات اولیه فعالیت بورس، شاخص بازار بیش از ۴ هزار واحد ریزش کرد و همزمان در بازار طلا، قیمت هر سکه به بیش از ۱۸ میلیون تومان رسید.

شاخص بورس امروز شنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۱ با ریزش ۴ هزار و ۲۵۴ واحدی در سطح ۴۱۲ هزار و ۸۳۰ واحدی ایستاد. همچنین شاخص کل فرابورس (آیفکس) ۱۰۸ واحد پائین آمد و در سطح ۱۸ هزار و ۴۵۵ واحد قرار گرفت.

به گفته تحلیلگران بورس، ریزش سنگین شاخص در شرایطی رخ داد که شرکت‌های بزرگی که از کاهش ظرفیت تولید به علت کمبود گاز خبر داده بودند همگی قرمزپوش شدند. ریزش این شرکت‌ها موجب افزایش عرضه در بازار شد و موج خروج پول حقیقی نیز بزرگ‌تر شد.

در مجموع معاملات شنبه، ارزش خالص تغییر مالکیت حقوقی به حقیقی بازار برای سیزدهمین روز متوالی منفی شد و ۳۹۷ میلیارد تومان پول حقیقی از بورس خارج شد که بالاترین رقم در سه هفته اخیر است.

بیشترین خروج پول حقیقی به سهام خودرو (شرکت ایران خودرو) اختصاص داشت که ارزش تغییر مالکیت حقیقی به حقوقی آن ۵۹ میلیارد تومان بود. پس از خودرو، نمادهای خسپا (شرکت سایپا) و خاور (شرکت ایران خودرو دیزل) بیشترین خروج پول حقیقی را داشتند.

در بازار ارز و طلا نیز شرایط متلاطمی برقرار، و قیمت‌ها برای موجی از افزایش دوباره خیز برداشته است. هر دلار آمریکا روز شنبه ۱۹ آذر به قیمت ۳۶۷۹۰ تومان معامله شد و نرخ یورو نیز به ۳۸۸۰۰ رسید؛ ارقامی که بیانگر شرایط

رستاخیز ملی ایرانیان و فلج شدن جمهوری اسلامی



● سه نکته در این رستاخیز ملی روشن است: یکی اینکه قابل مهار نیست؛ دیگر اینکه نیروی محرکه آن هنوز نتوانسته خواست خود را سازماندهی و به قدرت تبدیل کند. و سوم، با اینهمه، این رستاخیز جمهوری اسلامی را فلج کرده است.

● با وجود عمق و وسعت اعتراضات جاری که اعتصابات گسترده در بیش از ۳۰ شهر در ایران آن را تأیید می‌کند، حاکمیت خمینی‌گرا هنوز عاجز از درک آنچه است که در ایران روی می‌دهد. با گسلی که میان واکنش طبیعی آن-سرکوب هرگونه مخالفی- و عدم اعتماد به نفس رژیم وجود دارد، این رژیم، فلج بودن خود را به تمامی سپهر سیاسی ایران گسترش داده و فقط به این امید دارد تا با بی‌عملی و محافظه‌کاری نجات پیدا کند.

● در این میان، علی‌خامنه‌ای رهبر کنونی جمهوری اسلامی هیچگاه تحسین خود را از «انزوی شکوهمند» کره شمالی پنهان نکرده و شاید هنوز رویای پیاده کردن آن را در جمهوری اسلامی در سر می‌پروراند. اما حتی تحقق این رویا هم نیاز به پایان گرفتن رستاخیز ملی جاری دارد. در حالی که به نظر نمی‌رسد حتی چن‌گیرهای آیت‌الله‌ها هم قادر به گرفتن چن رستاخیز ملی ایرانیان باشند.

امیر طاهری (انستیتو گیت‌استون)- با گذشت نزدیک به سه ماه از رستاخیز ملی علیه حکومت جمهوری اسلامی در ایران، سه نکته روشن شده است.

اول اینکه، حتی اگر این رستاخیز اُفتی برای تجدید نیرو داشته باشد، که دور از انتظار هم نیست، اما بعید به نظر می‌رسد به سادگی خاموش گردد. انرژی نهفته در رستاخیز ملت ایران چنان شتابی به آن بخشیده که با گذشت زمان قابل مهار نبوده و حتی و خوشبین‌ترین سران حکومت نیز نمی‌توانند به پایان آن امیدوار بوده و این انرژی و شتاب را نادیده بگیرند.

دوم آنکه، بیشتر آنانی که این توان و انرژی را به حرکت درآورده‌اند، یعنی ده‌ها هزار تن از مردان و زنانی که همه هستی خود را به مخاطره انداخته و آشکارا یکی از ددمنش‌ترین رژیم‌های تاریخ معاصر را به چالش کشیده‌اند، در حالی که می‌دانند خواهان چه هستند، اما نمی‌دانند چگونه خواست‌های خود را به یک واقعیت سیاسی و اعمال قدرت تبدیل کنند.

سومین نکته که برای من روشن شده آنست که نظام خمینیست در مسیر تصمیم‌گیری برای برون رفت از این بن‌بست تاریخی که ایران را با آن مواجه کرده، فلج شده است.

واقعیت آنست که ناتوانی رژیم حتی برای ارائه یک توضیح یا روایت منسجم از آنچه در حال رخ دادن است بر هیچکس پوشیده نیست.

یکی از جناح‌های رژیم، بگذارید آنها را «شترمرغ‌های عمابه به سر» بنامیم، اصرار دارند آنچه در تمامی کلانشهرها و شهرستان‌های ایران در حال وقوع است، «اغتشاشات پراکنده‌ای» هستند که آبشخور آن از یکسو اسرائیل، آمریکا، فرانسه، انگلستان، و از سوی دیگر، مُشتی تجزیه‌طلب هستند که جاسوسان تُرک و عرب آنها را تحریک می‌کنند.

طبق اظهارات برخی از «بزرگ شترمرغان»، که شامل «شترمرغ عظماء» نیز می‌شود، آنها بر این باورند: «آنچه ما

ناراضی‌ها اعتراف می‌کنند، اما فوراً بر مواضع خود تأکید کرده، یا هیچ راه حلّ عملی در مقابل ناراضی‌ها ارائه نمی‌دهند.

جناح سوم حکومتی‌ها را می‌توان «طوطی‌های ساکت‌مانده» نامید: آیت‌الله‌های بزرگ و کوچک، سرداران، سیاستمداران، سرمایه‌داران بزرگ، هنرمندان مطرح در جامعه، فیلسوفان خانه‌نشین‌شده، و آنهایی که هیچکس نمی‌داند چرا اصلاً نام و نشانی بهم زده‌اند؛ همیشه در پرحرفی و روده‌درازی سردمدار همه بودند، اما به یکباره در جریان این رستاخیز ساکت شده‌اند.

عدم کارایی دارودسته خمینیست برای تهیه و ارائه یک روایت پذیرفتنی و منسجم و ارائه یک سیاست راهبردی که ظاهراً در رابطه با بقای این رژیم باشد پیشکش! این ناتوانی به پاسخی خونین و آشفته از سوی رژیم به این رستاخیز ملی منتهی شده است. طبق آمار غیررسمی، بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ تن از اعتراض‌کنندگان توسط نیروهای انتظامی و اطلاعاتی کشته و بیش از ۱۵۰۰۰ تن دستگیر شده و در زندان بسر می‌برند. در زمان نگارش این مقاله، حکم اعدام ۴ تن نیز به اجرا گذاشته شده است.

شاهد آن هستیم»، «اغتشاشات» است؛ واژه‌ای به عاریه گرفته شده از گویش عربی، که ریشه‌ای‌ترین مفهوم خالص آن یعنی «تزریق ناخالصی». مانند اضافه کردن فلز مس یا بُرُنز به طلا. به عبارت دیگر، خمینیسم، طلای ناب است و آنهایی که آن را به چالش کشیده‌اند «تزریق‌کنندگان ناخالصی» در آن هستند. با چنین بینشی، دشوار نیست تا ببینیم چرا ارائه چنین لاطائلات متافیزیکی، قادر به ارائه یک سیاست‌گذاری جدی نیز نمی‌تواند باشد.

مشکل این است از آنجایی که خمینی‌گرایی، مانند هیتلرگرایی و کیم‌گرایی گُره شمالی، بر پایه ستایش کیش شخصیت «رهبر» یا «پیشوا» بنا نهاده شده، کار بسیار دشواریست تا شخص دیگری در محفل حاکمان روایت متفاوت پذیرفتنی‌تری ارائه کند.

در دو هفته آغازین این رستاخیز، شماری از آخوند‌های رسمی و نیمه رسمی، که شامل ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری اسلامی نیز می‌شود، تلاش کردند تا روایت‌هایی بر مبنای «نه سیخ بسوزد نه کباب» ارائه بدهند. بگذارید ایندسته را «قاطرهای تقیه‌کار» بنامیم که دو پهلو حرف زده و دودوزه‌باز هستند. آنها بطور ضمنی، دست‌کم به برخی

مراسم اعطای بورسیه عبدالرضا انصاری در لندن



مهندس عبدالرضا انصاری

را بر عهده دارد.

آتوسا خطیری دانشجوی دکترا در دانشکده یورک در رشته حقوق انسانی در مبارزه با تروریسم تحصیل می‌کند. وی که معلومات و تجربیات ارزشمندی در زمینه قانون مدنی، مهاجرت و پناهندگی سیاسی دارد، بطور داوطلبانه به مردم کمک می‌کند.

او همچنین به عنوان یک کارآفرین اجتماعی در حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و افرادی که تحت تأثیر تعارض و بی‌عدالتی قرار گرفته‌اند تلاش کرده و قصد دارد به درک بیشتر و تصمیم‌گیری برای سیاست مؤثر کمک نماید.

در مراسم اعطای بورسیه، نخست رضا انصاری و نازنین انصاری با اهدای جوایز به برندگان مراسم را افتتاح کردند. سپس پروفیسور روجا فضائلی و کامران اشرف درباره خیزش کنونی ایران با الهام از حقوق زنان و درباره آینده حقوق بشر در ایران و سراسر جهان سخنانی ایراد کردند.

بورسیه تحصیلی انصاری ۱۵۰۰ پوند است. متقاضیان واجد شرایط برای سال تحصیلی ۲۰۲۳-۲۰۲۴ باید درخواست خود را تا ۱۷ نوامبر ۲۰۲۳ به بنیاد آموزشی پرشیا ارسال کنند. برای اطلاعات بیشتر در مورد بورسیه لطفاً به وبسایت بنیاد پرشیا مراجعه کنید.

بنیاد آموزشی پرشیا یک سازمان خیریه و ثبت شده در انگلستان است. برنامه و هدف این موسسه، حمایت تحصیلی از ایرانیان در سراسر جهان است که مایل‌اند از طریق پیگیری خدمات عمومی به جوامع خود کمک کنند.

برای حمایت از بنیاد آموزشی پرشیا و بورسیه برای دانشجویان ایرانی لطفاً به این لینک مراجعه کنید و یا با ایمیل info@persia.education تماس بگیرید.

● بنیاد پرشیا اولین دریافت‌کنندگان کمک هزینه تحصیلی انصاری را به مناسبت روز حقوق بشر اعلام کرد.

هیئت مستقل پژوهشگران بنیاد پرشیا دو بانوی برجسته و فرهیخته ایرانی را برای دریافت بورسیه تحصیلی انصاری جهت حقوق انسانی و خدمات اجتماعی واجد شرایط دانسته است.

بنیاد آموزشی پرشیا بورسیه انصاری را به یاد بنیانگذار آن، «عبدالرضا انصاری»، که معتقد بود سرمایه‌گذاری در آموزش جوانان باعث رونق بیشتر اقتصاد جهانی می‌شود، تأسیس کرد. چنین دیدگاه و همچنین سوابق درخشان او الهام‌بخش ایجاد بنیاد آموزشی پرشیا برای حمایت و توانمندسازی جوانان و متخصصان جوان ایرانی در بریتانیا و فراتر از آن بود.

هر ساله یک هیئت مستقل پرشیا از بین متقاضیان واجد شرایط، دریافت‌کننده بورسیه تحصیلی عبدالرضا انصاری را انتخاب می‌کند. نتایج این گزینش حدوداً یک ماه پس از پایان مهلت نام‌آوری و تقریباً همزمان با سالروز درگذشت عبدالرضا انصاری اقتصاددان و سیاستمدار پیش از انقلاب ۵۷ اعلام می‌شود.

این هیئت امسال الهه اسلامی و آتوسا خطیری را انتخاب کرد. الهه دانشجوی دکترا در دانشگاه اروپای مرکزی است که به بررسی پویایی جنبش زنان ایران می‌پردازد. او در حال مطالعه، تحقیق و انجام یک پروژه دانشگاهی به نام آرشيو آزادی است که برای گردآوری و حفظ رسانه‌های اجتماعی و شواهد تصویری از قیام کنونی در ایران طراحی شده است. او همچنین مدیریت یک کنفرانس آکادمیک با عنوان «رسانه‌های اجتماعی و توانمندسازی زنان در جنوب جهانی»

قرارداد به منظور تأمین انرژی سوخت کشورهاشان به چهار گوشه جهان مسافرت می‌کنند، اما هیچیک حاضر به توقف در ایران نیستند؛ کشوری که در دورانی بزرگ‌ترین صادرکننده نفت در جهان بود. سمینار یک‌هفته‌ای از پیش برنامه‌ریزی شده برای بزرگداشت چهلمین سال تأسیس شبکه حزب‌الله که روح‌الله خمینی آن را راه انداخت، فسخ شده و به ۳۰۰ و اندی از «برادران» گفته شده تا در خانه بمانند. در این میان، علی خامنه‌ای رهبر کنونی جمهوری اسلامی هیچگاه تحسین خود را از «انزوای شکوهمند» کره شمالی

با اینهمه روند در خور توجهی با دقت در آماری که در بالا داده شد آشکار می‌شود. تقریباً ۶۰ درصد کشته‌شدگان از ۹ شهر در دو استان ایران هستند: سیستان و بلوچستان و کردستان.

نزدیک به نیمی از تمام دستگیرشدگان از ۳۰ شهر از مجموع ۹۰۰ کلانشهر و شهرستان‌های ایران، در ۱۱ استان از ۳۱ استان‌های ایران هستند، که استان تهران، مازندران و خوزستان، بیشترین شمار را در میان همه استان‌ها دارند. در مورد مناطقی که دستگیرشدگان زود آزاد شدند نیز ناهمگونی‌های شگفتی‌آفرینی می‌توان دید. در برخی مناطق، برای نمونه بوشهر، قزوین، ساری و اهواز، بسیاری از بازداشت‌شدگان پس از چند روز آزاد شدند؛ شاید به این دلیل که چنانچه شهردار ساری در مازندران گفته بود، ظرفیت زندان‌ها تکمیل بوده! در ده‌ها مورد، خانواده‌های دستگیرشدگان با گذاشتن وثیقه نقدی و ملکی عزیزان خود را از بند رژیم رها کردند.

در برخی موارد، آزادی زودهنگام مربوط به مواردیست که دستگیرشدگان از وابستگان خانوادگی خمینی‌گراها یا هنرمندان مطرح در جامعه بوده‌اند و خبر زندانی بودن آنها به مدت طولانی، به سود رژیم تمام نمی‌شد.

عدم انسجام و نابسامانی رژیم در شیوه پاسخگویی به اعتراض‌کنندگان زمانی نیز آشکار می‌شود که سردرگمی در چگونگی و گیج‌سری در مراجعی را شاهد هستیم که دستگیرشدگان را محاکمه می‌کنند. حکومت خمینیست شماری دادگاه‌های متفاوت دارد: «اسلامی»، «مدنی» و یا «انقلابی» که می‌توان دادگاه‌های نظامی، امنیتی و «ویژه روحانیت» را نیز به آنها اضافه کرد که توسط روحانیون نزدیک به حکومت اما نه بخشی از دولت اداره می‌شود. بیش از یک هفته از اجرای تأسفار حکم اعدام ۴ تن در بلوچستان می‌گذرد و ۱۷ تن دیگر در تهران و کردستان منتظر اجرای حکم اعدام هستند. اما هنوز معلوم نیست کدام دادگاه این احکام را ابلاغ کرده است.

با وجود عمق و وسعت اعتراضات جاری که اعتصابات گسترده در بیش از ۳۰ شهر در ایران آن را تأیید می‌کند، حاکمیت خمینی‌گرا هنوز عاجز از درک آنچه است که در ایران روی می‌دهد. با گسلی که میان واکنش طبیعی آن- سرکوب هرگونه مخالفتی- و عدم اعتماد به نفس رژیم وجود دارد، این رژیم، فلج بودن خود را به تمامی سپهر سیاسی ایران گسترش داده و فقط به این امید دارد تا با بی‌عملی و محافظه‌کاری نجات پیدا کند.

ناتوانایی حاکمیت در ارائه یک برنامه راهبردی منسجم در قبال مشکلات پیش رو، فلج شدن آن در سیاست خارجی را نیز رقم زده است. پیشبرد به اصطلاح «مذاکرات اقی» که رؤسان جمهوری رژیم در گذشته و حال آن را پادزهری برای تمامی نابسامانی‌ها در ایران معرفی می‌کرده‌اند، اگر نه کاملاً منتفی، بلکه متوقف شده چرا که شرکت‌کنندگان در آن ترجیح می‌دهند تا ببینند بحران کنونی جمهوری اسلامی به کجا ختم می‌شود.

چندین سفر از سوی رهبران دیگر کشورها شامل شهباز شریف نخست‌وزیر پاکستان و نیکولاس مادورو رئیس‌جمهور ونزوئلا به زمان دیگری بدون تعیین وقت بعدی موکول شده‌اند. بعد از ۱۰ سال مذاکره با چین برای خرید گاز طبیعی از ایران، این کشور تصمیم گرفت تا قرارداد ۶۰ ساله‌ای را با قطر منعقد کند. گفتگو با روس‌ها برای خرید تسلیحات نیز متوقف شده؛ با آنکه تحریم معاملات تسلیحاتی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد در اکتبر سال گذشته به پایان رسید. در حالی که رهبران کشورهای صنعتی جهان برای بستن

*منبع: انستیتو گیت‌استون

*نویسنده: امیر طاهری

*ترجمه و تنظیم: داریوش افشار

تداوم اعتراضات شبانه با وجود فضای امنیتی؛ اختلاف عوامل نظام در مورد پیامدهای سرکوب وحشیانه و اعدام



تظاهرات شبانه محله محور

«تئوری النصر بالرعب در قبال این ملت به ستوه آمده از ظلم کارایی ندارد.»

در همین ارتباط، جلیل رحیمی جهان آبادی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به نظام هشدار داده «با جمع کردن مردم از کف خیابان صورت مسئله پاک نمی‌شود.» وی می‌گوید: «ما یک رفتار غیرمنطقی در پیش گرفتیم و سرمایه‌های اجتماعی را سوزاندیم؛ فوتبال‌بست‌ها، هنرمندان و فعالین سیاسی و یا مسئولی که تا دیروز سر کار بود را به حاشیه بردیم و می‌خواهیم آنها را ساکت کنیم و این یکدست‌سازی مملکت را قدرت به حساب می‌آوریم؛ در حالی که این ضعف است!»

بر اساس گزارشی که معاونت تأمین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مرکز فرماندهی و کنترل سپاه در مورد «راهبردهای معاندین برای روزهای آینده» نوشته است و رونوشتی از آن رسانه‌ای شد به ارگان‌های مربوطه اعلام شده معترضان به دنبال استمرار تجمعات به صورت محله‌محور و حرکت به سمت مراکز شهرها هستند. همچنین این دو مرکز هشدار داده‌اند معترضان «برای اتصال ناآرامی‌ها به مناسبات دی‌ماه از جمله سالگرد «حوادث دی‌ماه ۹۶ و هواپیمای اوکراینی» تلاش می‌کنند.

برخی منابع نیز می‌گویند وزارت اطلاعات در گزارشی تفصیلی پیش‌بینی کرده که ادامه روند اعتراضات و نتایج آن بر اقتصاد کشور در اوایل بهمن ماه منجر به افزایش شدید قیمت‌های مواد خوراکی و نیازهای اولیه مردم خواهد شد. این دستگاه حضور بسیار گسترده‌تر مردم در تظاهرات اعتراضی را در این حالت پیش‌بینی می‌کند.

با بالا گرفتن دامنه‌ی اختلافات و تناقضات و سردرگمی در حکومت، ریزش‌ها و برکناری‌ها نیز تشدید شده است. طی روزهای گذشته رئیس سازمان حسابرسی و رئیس گمرک عزل شدند. صحبت از برکناری رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی نیز مطرح است و دو معاون وزیر «به خاطر قصور و کوتاهی» برکنار شده و یک مشاور وزیر نیز به اتهام اختلاس بازداشت شده است.

نیروهای امنیتی در اغلب شهرها از صبح به حالت آماده‌باش درآمده بودند و اجازه شکل‌گیری تجمعات را نمی‌دادند. هرجا که تجمعی شکل می‌گرفت آنها از فواصل دور و نزدیک با اسلحه پینت بال مردم را هدف قرار می‌دادند.

اظهارات مقامات حکومتی در مورد اجرای حکم اعدام شکاری و صدور احکام اعدام برای چند جوان دیگر مردم را بیش از پیش خشمگین کرده است. آنها شمشیر از رو بسته و بدون هرگونه ملاحظه‌ای مانند همیشه جنایت و وحشیگری را بر اساس احکام قرآنی و فقهی تأیید می‌کنند! حجت‌الاسلام محمدتقی نقدعلی عضو کمیسیون حقوقی مجلس شورای اسلامی در اظهاراتی ضدبشری می‌گوید «حکم اعدام محسن شکاری، مبارک است.» او با اشاره به اینکه «حکم، خیلی هم دیر اجرا شد» تأکید کرده «اجرای چنین حکمی مانند آبی است که در لحظه تشنگی باید به مردم داده شود!»

خانواده‌هایی که فرزندانشان در زندان هستند نگران تا نیمه‌های شب در سرمای هوا پشت در ورودی زندان اوین و «رجایی‌شهر» می‌ایستند تا از حال عزیزانشان خبری بگیرند. روزنامه «کیهان تهران» در گزارشی نوشته است «اجرای حکم اعدام محسن شکاری از یکسو اظهارات و اقدامات مداخله‌جویانه برخی کشورها و مقامات غربی را در پی داشته و از سوی دیگر باعث وحشت پادوهای آمریکا و اسرائیل از مجازات‌های اشرار جنایتکار شده است و سعی می‌کنند تا با اعتبارزدایی از حکم مجازات یک محارب، پرده دیگری از پروژه اغتشاش و آشوب را به نمایش بگذارند.»

در این گزارش تأکید می‌شود «نکته‌ای که نباید از آن غافل شد یقه‌درانی برخی مدعیان اصلاحات برای مجازات کسانی است که در قد و قامت محارب و مفسد فی‌الارض به روی مردم و مدافعان امنیت اسلحه کشیده و باعث سلب امنیت و رعب و وحشت شهروندان شده‌اند.»
اشاره کیهان تهران به بیانیه محسن کربوبی است که گفت

● مخالفان نظام می‌گویند صدور و اجرای حکم اعدام بازداشتی‌ها بر اساس «تئوری النصر بالرعب» بی‌فایده است. دو روز بعد از اعدام محسن شکاری در تهران در مناطقی مانند هفت‌حوض، نازی آباد، ستارخان، جنت‌آباد، جاده قدیم شمیران/ کوروش کبیر (شریعتی) و آریاشهر (صادقیه)، در گوهردشت و گلشهر کرج گوهردشت و همچنین در تبریز، سنندج، رشت، رودسر، اهواز و قم و چند شهر دیگر مردم به یاد محسن شکاری به خیابان‌ها آمدند و علیه حکومت تظاهرات کردند.

● روزنامه «کیهان تهران» در گزارشی ادعا کرده «اجرای حکم اعدام محسن شکاری باعث وحشت پادوهای آمریکا و اسرائیل از مجازات‌های اشرار جنایتکار شده است!»

● حجت‌الاسلام محمدتقی نقدعلی عضو کمیسیون حقوقی مجلس شورای اسلامی در اظهاراتی ضدبشری می‌گوید «حکم اعدام محسن شکاری، مبارک است!»

● جلیل رحیمی جهان آبادی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به نظام هشدار داده «با جمع کردن مردم از کف خیابان صورت مسئله پاک نمی‌شود.»

● با بالا گرفتن دامنه‌ی اختلافات و تناقضات و سردرگمی در حکومت، ریزش‌ها و برکناری‌ها نیز تشدید شده است. طی روزهای گذشته رئیس سازمان حسابرسی و رئیس گمرک عزل شدند. صحبت از برکناری رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی نیز مطرح است و دو معاون وزیر «به خاطر قصور و کوتاهی» برکنار شده و یک مشاور وزیر نیز به اتهام اختلاس بازداشت شده است.

با وجود اقدامات حکومت برای ایجاد فضای ترس و وحشت شبانه شب ۱۹ آذرماه در تهران در مناطقی مانند هفت‌حوض، نازی آباد، ستارخان، جنت‌آباد، جاده قدیم شمیران/ کوروش کبیر (شریعتی) و آریاشهر (صادقیه)، در گوهردشت و گلشهر کرج گوهردشت و همچنین در تبریز، سنندج، رشت، رودسر، اهواز و قم و چند شهر دیگر مردم به یاد محسن شکاری به خیابان‌ها آمدند و علیه حکومت تظاهرات کردند.

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:

۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵

تماس بگیرید.



Believe in
children
Barnardo's

او نان آور خانواده بود و علت بازداشتش یک ماه پیش از «جمعه خونین زاهدان» هم درگیری با یک بسیجی پرنفوذ بوده است؛ او نه سابقه سرقت داشته و نه تا کنون دست به اسلحه زده بود.

خواهر خدانور در گفتگویی کوتاه با «اعتماد» گفته که «۸ خواهر هستیم و خدانور تنها پسر خانواده بود. یکی از خواهرانم هم که ۲۱ سال داشت بعد از ماجرای که برای خدانور اتفاق افتاد، دق کرد و مُرد».

او گفته که «خدانور نامزد داشت و گچکار بود. از بچگی گچکاری می‌کرد و خرج خانواده را می‌داد. البته مادر هم تا قبل از اینکه خدانور کار کند همه ما را یک‌ه و تنها بزرگ کرد. بعد هم که خدانور بزرگ شد او خرج مادر و خواهرم را می‌داد».

خدانور به دلیل «بگومگو» با یک بسیجی بازداشت شده بود و وقتی تیر خورد تازه با سپردن وثیقه از زندان آزاد شده بود. خواهرش در اینباره توضیح داد: «خدانور دو، سه ماه قبل از اینکه کشته شود، دستگیر شده بود. دلیل بازداشت خدانور «بگومگو» با یک بسیجی بوده است. تازه از زندان آزاد شده بود که این اتفاق برایش افتاد. عکسی هم که از خدانور منتشر شده مربوط به زمانی است که در کلانتری بود. پس از یکی، دو ماه هم با قید وثیقه آزاد شد. ما هم درست نمی‌دانیم به چه دلیل زندان رفته بود. وقتی هم که از زندان آزاد شد همان روزی که معروف به جمعه خونین زاهدان است، خدانور هم کشته می‌شود. البته اول تیر می‌خورد و چند روزی در بیمارستان تامین اجتماعی زاهدان بستری می‌شود بعد هم می‌میرد. پس از آنهم عکسش زمانی که در کلانتری به میله پرچم دستبند زده شده بود، پخش شد».

خواهر خدانور اتهامات دزدی، سرقت مسلحانه و درگیری مسلحانه علیه برادرش را به شدت تکذیب کرده است.

یکی از ساکنان زاهدان و از نزدیکان خدانور هم ماجرای تیر خوردن این جوان را اینطور توضیح می‌دهد: «یک مثال برایتان می‌زنم. در هر نقطه‌ای اگر تصادفی رخ می‌دهد افراد خواه ناخواه جمع می‌شوند که ببینند چه خبر شده است؟ حالا جمعه خونین زاهدان را خاطراتان است؟ همان روز خدانور و چند نفر از دوستانش وقتی صدای شلیک را می‌شنوند سریع به محل می‌روند که ببینند ماجرا چیست! همانجا خدانور گلوله می‌خورد و بر زمین می‌افتد».

این منبع آگاه گفته «دوستانش گفته بودند که خدانور در لحظه‌ای که روی زمین می‌افتد، گفته بود مرا به بیمارستان برسانید. مادر و خواهرم غیر من کسی را ندارند. بعد هم مادرش برای اینکه خدانور زنده بماند، نذر می‌کند که روزه بگیرد و در تمام مدتی که خدانور در بیمارستان بود مادرش زبان روزه بالای سر او بود و ذکر خدا را بر لب تکرار می‌کرد و می‌گفت خدایا؛ خدانور را به من برگردان. حتی زمانی که آب میوه و کیک برای مادر خدانور بردند از گلویش پایین نمی‌رفت. با اینکه روزه بود و گرسنه».

این منبع آگاه نیز جان باختن یکی از خواهران خدانور از داغ برادر را تأیید کرده و گفته که «یکی از خواهران خدانور هم پس از مرگ برادرش دچار حمله قلبی شد و جانش را از دست داد. برخی منابع محلی نیز گزارش کرده‌اند که وضعیت مادر خدانور بعد از مرگ دخترش وخیم‌تر شده است».

خدانور یکی از هزاران شهروند بی‌شناسنامه ساکن استان سیستان و بلوچستان بوده و به نظر می‌رسد همین موضوع سبب شده جمهوری اسلامی با خیال راحت هویتی دروغین را با اتهامات خودساخته به این جوان شاد و برومند نسبت دهد.

جانباختگان میهن

و بستگانی که از

شدت اندوه عزیزان

دق می‌کنند



خدانور لجه‌ای

جمهوری اسلامی تلاش کرد روایتی دروغین از هویت خدانور لجه‌ای و علت بازداشت وی به افکار عمومی ارائه کند. مهدی شمس‌آبادی دادستان عمومی انقلاب اسلامی زاهدان ۱۹ آبان‌ماه به خبرگزاری فارس گفته بود: «خدانور لجه‌ای سابقه ۱۶ فقره سرقت مسلحانه داشته و دهم مهر حین یک سرقت دیگر در درگیری مسلحانه با مأموران کشته شده است. چگونگی کشته شدن لجه‌ای در دستگاه قضایی استان در حال بررسی است».

دادستان عمومی انقلاب اسلامی زاهدان در ادامه دروغ‌هایش گفته بود که «هویت خدانور لجه‌ای، صادق کبدانی، معروف به یاغی و از اتباع افغانستان است و تیرماه سال جاری به جرم سرقت مسلحانه بازداشت و ۲۷ مرداد با وثیقه آزاد شده بود».

همان زمان ادعاهای مقامات جمهوری اسلامی از سوی منابع محلی رد می‌شد چرا که خدانور به دلیل صفحه اینستاگرامش دست‌کم در میان اهالی زاهدان و به ویژه جوانان چهره شناخته شده‌ای بود.

اکنون با گذشت بیش از دو ماه از جان باختن خدانور، روزنامه «اعتماد» حقایقی از زندگی خدانور را در گفتگو با یکی از خواهران و یکی دیگر از نزدیکان او منتشر کرده است.

برخلاف ادعای مقامات قضایی، خدانور لجه‌ای ایرانی بوده و در حاشیه شهر زاهدان و محله شیرآباد ساکن بود. خدانور گچکار بود، نامزد داشت و قرار بود به زودی ازدواج کند.

● خدا نور لجه‌ای جوان ۲۷ ساله‌ای که در حاشیه زاهدان زندگی می‌کرد ۱۰ مهرماه و در «جمعه خونین زاهدان» تیر خورد و در بیمارستان جان باخت.

● خدانور و چند نفر از دوستانش وقتی صدای شلیک را می‌شنوند سریع به محل می‌روند که ببینند ماجرا چیست! همانجا خدانور گلوله می‌خورد و بر زمین می‌افتد.

● برخلاف ادعای مقامات قضایی، خدانور لجه‌ای ایرانی بوده و در حاشیه شهر زاهدان و محله شیرآباد ساکن بود. خدانور گچکار بود، نامزد داشت و قرار بود به زودی ازدواج کند. او نان آور خانواده بود و یکی از خواهرانش از غم وی دق کرد.

در پایان سومین ماه از انقلاب ملی در ایران ۴۸۵ تن طی سرکوب حکومت جان باختند. خانواده جانباختگان همچنان زیر شدیدترین فشارهای امنیتی قرار دارند و جدا از رنج عمیق از دست دادن عزیزان، آزار و اذیت‌های نهادی امنیتی نیز بر درد آنها افزوده است. در یکی از دردناک‌ترین اتفاقات، خواهر ۲۱ ساله خدانور لجه‌ای از رنج از دست دادن برادرش دق کرد و قلب‌اش از تپش ایستاد.

در سومین ماه از انقلاب ایران و با وجود اینکه جمهوری اسلامی با ایجاد فضای دهه شصتی، اعدام معترضان را به عنوان آخرین حربه سرکوب در دستور کار قرار داده، مردم همچنان خیزش ملی را پیش می‌برند.

هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران اعلام کرد از ۲۶ شهریور تا نوزدهم آذر ۴۸۵ نفر در اعتراضات ایران جان خود را از دست داده‌اند که ۶۸ نفر از آنها کمتر از ۱۸ سال سن داشتند.

خبرگزاری هرانا همچنین تعداد بازداشت‌شدگان را هم تا پایان نوزدهم آذر ۱۸۲۵۹ نفر اعلام کرد. در سومین ماه اعتراضات، شمار شهرهای معترض به ۱۶۰ شهر افزایش یافته است. ۱۴۳ دانشگاه کشور نیز به اعتراضات پیوسته‌اند.

خانواده جانباختگان از جمله قربانیان سرکوب‌های جمهوری اسلامی هستند که شاید کمتر به آنچه پس از جان باختن عزیزانشان تجربه می‌کنند پرداخته شود. این خانواده‌ها پس از خاکسپاری و برگزاری مراسم همچنان زیر شدیدترین فشارهای امنیتی قرار دارند و جدا از رنج عمیق از دست دادن عزیزان، آزار و اذیت‌های نهادی امنیتی نیز بر درد آنها افزوده است.

خدانور لجه‌ای جوان ۲۷ ساله‌ای که در حاشیه زاهدان زندگی می‌کرد ۱۰ مهرماه در «جمعه خونین زاهدان» جان باخت. خدانور یکی از جانباختگانی بود که تصاویر و ویدئوهای او به سرعت در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد. خدانور یک صفحه اینستاگرامی داشت که خیلی فعال بود و ویدئوهایی از رقص و شادی‌های خودش را در آن منتشر می‌کرد.

جدا از ویدئوهای رقص خدانور که شور زندگی و امید در آنها موج می‌زد یک تصویر از خدانور در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که او را در حیاط پاسگاهی در زاهدان نشان می‌داد که به دستانش که دور میله پرچم حلقه شده بود دستبند زده بودند و یک بطری آب به فاصله یک متری او قرار داده بودند.

این تصویر واکنش‌های زیادی از سوی افکار عمومی برانگیخت. گفته شده بود خدانور چند هفته پیش از آنکه در «جمعه خونین زاهدان» با گلوله مأموران جمهوری اسلامی کشته شود، بازداشت شده بود و مأموران نه تنها او را در حیاط پاسگاه به میله پرچم بسته بودند بلکه برای شکنجه او که تشنه بود و درخواست آب کرده بود یک بطری آب نزدیکش گذاشته بودند و گفته بودند اگر می‌توانی آب را بردار!

اصل «مساعی لازم» و قصور عامدانه‌ی جمهوری اسلامی در انجام تعهدات بین‌المللی (بخش سه)



©گرافیک از کیهان لندن

از عضویت تعهداتی را که به موجب این منشور بر عهده گرفته‌اند با حسن نیت انجام دهند. حال از آنجا که حفاظت از حقوق بشر ذاتی همه مردم در جهان در مرکز اهداف ملل متحد (بند اول مقدمه، مواد ۱، ۱۳، ۵۵، ۶۱، ۶۸) قرار گرفته است، همه کشورهای عضو می‌بایست با حسن نیت کافی هر نوع اقدام شایسته و ضروری، یعنی اهتمام و سعی لازم، را برای اجرا و پیشبرد اهداف ملل متحد به کار گیرند. به موجب منشور ملل متحد، اهتمام لازم نسبت به احترام، اجرا، و پیشبرد حقوق بشر، نه تنها ماهیت یک اصل حقوق بین‌الملل را به خود می‌گیرد، در عین حال از نقطه نظر فرآیند اجرایی، به منزله تضمینی برای اجرای آن اصل حقوق بین‌الملل است. این تضمین‌ها در معاهدات اصلی ۹گانه حقوق بشر بین‌المللی، نهادهای نظارتی، و مکانیزم‌های پیگیری قصور دولت‌ها در انجام تعهدات خود، مورد تأیید قرار گرفته و شیوه‌های اجرایی آنها نیز توصیف شده است.

با در نظر داشتن اهمیت موضوع اهتمام لازم به عنوان تعهدی برای کشورها به موجب حقوق بین‌الملل، حتی در صورتی هم که هنوز شک و شبهه‌هایی در باره اهمیت این اصل وجود داشته باشد، می‌توان به موجب ماده ۲۸ اساسنامه دادگاه دادگستری بین‌المللی، آنرا در زمره یک اصل حقوقی در حال ظهور توصیف کرده، و آنرا در ردیف منابع حقوق بین‌الملل قرار داد. به موجب این ماده، بند سوم، اهتمام لازم به عنوان «اصول کلی حقوقی که توسط کشورهای متمدن به رسمیت شناخته شده است» می‌تواند برای واداشتن دولت‌ها به متعهد ساختن خود به آن، به کار رود. رویه‌های قضایی از یکسو و رفتار دمکراسی‌ها از دیگرسو، نشان می‌دهد که آنها اغلب خود را به این اصل متعهد نگه داشته‌اند. یک چنین تعهدی به موجب بند سوم از این ماده منبع حقوق بین‌الملل عمومی به حساب آمده، و در نتیجه این ضرورت را اقتضا می‌سازد که دیگر کشورها هم به آن پایبند باشند. یعنی اینکه دیگر کشورها نیز می‌بایست خود را به اصل اهتمام لازم برای اجرا و پیشبرد حقوق بشر متعهد سازند.

این فرضیه در دفاع از ضرورت انجام تعهد کشورها به اصل اهتمام لازم برای اجرا و پیشبرد حقوق بشر، شواهدی از پشتیبانی توسط دادگاه بین‌المللی دادگستری را هم با خود دارد. در دعوی میان سازمان بهداشت جهانی و مصر که برای رفع و رجوع به دادگاه ارجاع داده شد تا با رای مشورتی خود قضیه را بطور مسالمت‌آمیز حل نماید، دادگاه تعهدات کشورها را نه فقط از ناحیه رضایت کشورها و ماهیت قراردادی

بین‌المللی برای پیشبرد ترقی اقتصادی و اجتماعی تمام ملل. هرچند که این اهداف گسترده بوده و توضیح آنها موضوع مقالات و کتاب‌های بسیار است، اما از نقطه نظر اهداف این نوشتار می‌توان بخش کوچکی از آنها را در بند سوم از ماده ۱ منشور خواند. مهمترین هدف سازمان ملل متحد «حصول همکاری بین‌المللی در حل موضوعات بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستی است، و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد-جنس-زبان یا مذهب» است. در این بند با تکیه بر موضوعاتی که در امتداد حقوق بنیادین و ذاتی انسان‌ها گسترش یافته، دولت‌ها را به موجب توافقی که برای پذیرش اهداف ملل متحد پذیرفته‌اند، فرا می‌خواند تا اقدامات لازم را برای حصول به این اهداف به عمل آورند. در ماده ۵۵ منشور نیز چنین اهدافی که ضرورت اقدامات دولت‌ها را اقتضا می‌کند، مورد بازتاکید قرار گرفته است: «ارتقای سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی... حل مسائل بین‌المللی اقتصادی-اجتماعی-بهداشتی و مسائل مربوط به آنها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزشی... احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد-جنس و زبان یا مذهب». ماده ۵۶ منشور نیز کلیه اعضای ملل متحد را متعهد می‌سازد تا برای نیل به این اهداف بطور فردی و یا دستجمعی با سازمان ملل متحد همکاری نمایند. این تعهدات کشورها برای دستیابی به اهداف ملل متحد همه بخش‌های فعالیت‌های ملل متحد از جمله موضوعات حقوق بشر را در بر می‌گیرد. یک نکته دیگر هم این است که به موجب ماده ۱۰۳ منشور «در صورت تعارض بین تعهدات اعضاء ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آنها بر طبق هر موافقتنامه بین‌المللی دیگر، تعهدات مندرج در منشور مقدم خواهد بود». بنابراین هیچ کشوری نمی‌تواند این داعیه را در قصور خود نسبت به انجام تعهدات بین‌المللی مطرح سازد که فرضاً آن کشور عضو سازمان ملل متحد نیست و یا اینکه به موجب معاهدات دیگری، نمی‌تواند خود را به تعهدات مندرج در منشور متعهد نگه دارد.

اینگونه تعهدات مندرج در منشور، همچنین دولت‌ها را موظف می‌سازد به این دلیل که با رضایت خود به سازمان ملل متحد پیوسته‌اند، همه سعی و تلاش خود را با حسن نیت برای انجام آن تعهدات به کار گیرند. به موجب بند دوم از ۲ منشور کلیه اعضاء به منظور تضمین حقوق و مزایای ناشی

● به موجب منشور ملل متحد، اهتمام لازم نسبت به احترام، اجرا، و پیشبرد حقوق بشر، نه تنها ماهیت یک اصل حقوق بین‌الملل را به خود می‌گیرد، در عین حال از نقطه نظر فرآیند اجرایی، به منزله تضمینی برای اجرای آن اصل حقوق بین‌الملل است. این تضمین‌ها در معاهدات اصلی ۹گانه حقوق بشر بین‌المللی، نهادهای نظارتی، و مکانیزم‌های پیگیری قصور دولت‌ها در انجام تعهدات خود، مورد تأیید قرار گرفته و شیوه‌های اجرایی آنها نیز توصیف شده است.

● جمهوری اسلامی به دلایل ذاتی نمی‌تواند اصل «اهتمام لازم» را رعایت کرده و به اصول حقوق بشر و یا دیگر پیمان‌های حقوقی بین‌المللی متعهد باشد.

محمود مسائلی - مفهوم اهتمام لازم سنگ بنای فعالیت‌های مربوط به قانونگذاری و اجرای آنها در مجموعه ملل متحد در حیطه حقوق بشر را بنیاد گذاشته است. این اهتمام نه تنها در ابعاد سیاسی و وظیفه‌ای که دولت‌ها در قبال حفاظت از حقوق بشر دارند، بلکه دارای ابعادی است که به ضرورت حفاظت از حقوق مردم در دیگر ابعاد زندگی مانند تضمین‌هایی برای آنان در برابر فعالیت‌های شرکت‌های تجار و خدماتی نیز هست. عمده این مساعی لازم برای حقوق بشر مردم شامل اقداماتی است که باید توسط یک شرکت انجام شود تا نه تنها از بروز خسارت‌ها و خطرات احتمالی نسبت به کارکنان جلوگیری کند، بلکه مشتریان و کسانی را که از خدمات این شرکت‌ها استفاده می‌کنند، نیز محافظت کند.

اصل «اهتمام لازم» و حقوق بشر

اصلی‌ترین ابعاد حقوقی اصل اهتمام لازم در زبان سیاسی مندرج در منشور ملل متحد به کار رفته که در واقع ترجمان اصلی نقش حقوق بین‌الملل در تنظیم و کنترل رفتار کشورهای است. منشور ملل متحد در مقدمه خود این وظیفه غیرقابل اجتناب را بر عهده کشورهای عضو می‌گذارد تا برای پیشبرد اهداف ملل متحد، آنگونه که توافق کرده‌اند، اقدام کنند. این اهداف بسیار گسترده را می‌توان در یک جمله از بند دوم منشور خلاصه کرد:

همراهی و مدارا کردن و زیست در حال صلح با یکدیگر با روحیه حسن همجواری و متحد ساختن قوای خود برای نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی، و قبول اصول و ایجاد روش‌هایی که عدم استفاده از نیروهای مسلح را جز در راه منافع مشترک تضمین نماید، و توسل به وسایل و مجاری

ج) ردیابی اثربخشی اقدامات و فرآیندها برای رسیدگی به تأثیرات نامطلوب حقوق بشر به منظور اطلاع از کارآمد بودن آنها.

د) ارتباط در مورد چگونگی پرداختن به تأثیرات و نشان دادن طرفین سودبر- به ویژه سودبران مؤثر- که سیاست‌ها و فرآیندهای کافی وجود دارد.

بطور خلاصه، اهتمام لازم خواه به عنوان یک اصل و قاعده حقوق بین‌المللی، و خواه به عنوان یک فرآیند اجرایی و اداری برای انجام تعهدات دولت‌ها، امروزه در موضوعات حقوق بشری باید جایگاه بالایی داشته باشد. هرچند که در ادبیات حقوقی بین‌المللی، این اصل مورد توجه قرار گرفته است، در کشورهایی که باید گذار از استبداد به آزادی و دموکراسی را طی کنند، اصل یادشده همچنان ناشناخته باقی مانده است. پس باید تلاش کرد تا اهمیت این اصل را برای فعالان حقوق بشر توضیح داد تا بتوانند مواضع خود را با تحولات جهانی برای پیشبرد حقوق بشر به گونه‌ای مؤثر هماهنگ سازند.

قصور ذاتی مذهب سیاسی در قبال اصل اهتمام لازم

فرضیه‌ای که در آغاز این نوشتار در بخش اول به بحث گذاشته شد این بود که جمهوری اسلامی ایران نه تنها به عنوان یک مدل حکومتی دینی، بلکه اساساً هر نوع حکومت مذهبی دیگری، به دلیل محدودیت‌های ذاتی که تفکر مذهبی وجود دارد، نمی‌تواند خود را با اندیشه‌های حقوق بشری و یا دموکراتیک همگام سازد. در گفتمان سیاسی مذهب، رابطه میان مردم و حکومت از نوع رابطه میان خالق و مخلوق است که توسط حکومت دینی نمایندگی می‌شود. در این گفتمان مفاهیم مدرن مربوط به حکومت مانند نهادهای اداری و سیاسی، مفهوم کشور و ملت، حقوق و وظایف، و امثالهم به دلیل داعیه الهی بودن اساس و جوهره مذهب، نمی‌تواند جایگاهی در حوزه اندیشه سیاسی و اداری کشور داشته باشد، زیرا دولت و حاکمیت فقط کارگزار خداوند تلقی شده و برابر او خود را مسئول می‌داند. بنابراین، حکومت از مفهوم نمایندگی به معنی متعارف کلمه فاصله ذاتی و جوهری گرفته و خود را فقط نماینده خداوندی می‌داند که دستورات او فقط توسط گروهی که خود را نخبگان مذهب می‌دانند، قابل درک است. علاوه بر این، چنین رابطه‌ای از نوع دستوری بوده و بر مبنای یک میثاق اولیه میان خداوند و مخلوقات او تعریف می‌شود. یک چنین میثاق از قبل تهیه شده و دستوری از بالا به پایین، در ذات خود نمی‌تواند با مفهوم قراردادی سیستم نمایندگی در دنیای مدرن در جوامع آزادی‌سازگاری داشته باشد.

جمهوری اسلامی از این ناتوانی ذاتی حکومت مذهبی منفک و جدا نبوده و نیست. بنابراین هرگز نمی‌تواند به احترام به قواعد و اصول حقوق بشر بین‌المللی پایبند باشد. بطور طبیعی به دلیل همین تضاد ذاتی میان گفتمان مذهب و گفتمان جامعه مدرن، به ویژه حقوق بشر، جمهوری اسلامی و به اصطلاح دولتمردان آن نمی‌توانسته، و نمی‌تواند تمایلی به انجام اصل مهم «اهتمام لازم» داشته باشند. به همین دلیل، جمهوری اسلامی نمی‌تواند تعهدات خود را به موجب منشور ملل متحد و نیز اسناد حقوق بشری با حسن نیت انجام دهد. این قصور ذاتی نظام سیاسی حاکم بر ایران امروز نه تنها می‌بایست برای جامعه دانشگاهی و مدنی روشن شود، همچنین می‌بایست در مرکز توجهات بین‌المللی قرار گیرد. از طریق توجه به این موانع ساختار و ماهوی همراه با مذهب، جامعه بین‌المللی، به ویژه نهادهای جامعه مدنی، خود را از فریب‌های حکومت و داعیه احترام به قوانین بین‌المللی رها ساخته، و از این طریق می‌توانند نگرش متفاوتی برای به چالش کشیدن حکومت دینی اتخاذ نمایند.

دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ناظر بر تعاملات بین‌المللی از دیگرسو، توسعه می‌بخشد. همین توسعه‌یافتگی روابط، پلی ارتباطی میان اهتمام لازم به عنوان یک اصل و یا قاعده حقوقی، و اهتمام لازم به عنوان فرآیندی اجرایی و کارکردی، به وجود می‌آورد. به همین‌سان دولت‌ها می‌بایستی اهتمام لازم را به عنوان یک اصل حقوقی بین‌المللی به اجرا گذاشته، و در عین حال آنرا به عنوان فرآیندی کارکردی برای اجرای قانون



دکتر محمود مسائلی

برای نظارت بر شرکت‌ها جاری سازند. راهنمای یادشده این وظیفه دولت‌ها را وضوح توضیح داده است. وظیفه دولت برای حفاظت، یک معیار رفتاری است. بنابراین، دولت‌ها به خودی خود مسئول نقض حقوق بشر توسط بازیگران خصوصی نیستند. با این حال، کشورها ممکن است در مواردی که چنین سوء استفاده‌هایی به آنها نسبت داده شود، یا در مواردی که اقدامات مناسب برای جلوگیری، تحقیق، مجازات و جبران سوء استفاده بازیگران خصوصی انجام ندهند، ممکن است تعهدات حقوق بشر بین‌المللی خود را نقض کنند. در حالی که دولت‌ها عموماً در تصمیم‌گیری درباره این مراحل اختیار دارند، باید طیف کاملی از اقدامات پیشگیرانه و اصلاحی مجاز، از جمله سیاست‌ها، قوانین، مقررات و قضاوت را در نظر بگیرند. دولت‌ها همچنین وظیفه دارند از حاکمیت قانون حمایت نموده و آنرا ترویج کنند، از جمله این اقدامات شامل اتخاذ تدابیری برای تضمین برابری در برابر قانون، انصاف در اجرای آن، از طریق ایجاد پاسخگویی کافی، اطمینان قانونی، و شفافیت رویه‌ای و قانونی است.

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر اجرای اهتمام لازم برای رعایت حقوق بشر را شامل اقداماتی توسط شرکت‌ها می‌داند که به موجب آن بطور فعالانه تأثیرات نامطلوب حقوق بشری بالقوه و بالفعل را که با آن درگیر هستند مدیریت کنند. این اقدامات چهار پایه اصلی دارد:

الف) شناسایی و ارزیابی اثرات نامطلوب واقعی یا بالقوه حقوق بشری که شرکت ممکن است از طریق توسط روابط تجاری با عملیات، فعالیت‌های خود ایجاد کند یا در آن نقش داشته باشد، یا ممکن است مستقیماً محصولات یا خدمات آن مرتبط باشد.

ب) ادغام یافته‌های حاصل از ارزیابی‌ها و تأثیرات آن در فرآیندهای شرکت مربوطه و انجام اقدامات مناسب با توجه به آن در تأثیرات.

→ معاهدات دانست، بلکه از همه مهمتر اعلام کرد که چنین تعهداتی در همان اصول عمومی حقوق بین‌الملل ریشه دارند. علاوه براین، دولت‌ها می‌بایستی بر اساس حسن نیت، و با حداقل ممکن تعصب و جانبداری، تعهدات خود را به عهده گیرند. اختلاف از این بابت بود که سازمان بهداشت جهانی دفتر منطقه‌ای خود را بدون اطلاع مصر از این کشور به محلی دیگر خارج از مصر منتقل کرد. دادگاه در نظریه مشورتی خود ضمن تأکید بر ضرورت مذاکرات متقابل میان طرفین بر اساس حسن نیت، اعلام نمود که چنین حسن نیتی برای مذاکرات متقابل، برخاسته از اصول حقوق بین‌المللی است: «تعهدات متقابل آنها بر اساس اصول و قواعد حقوقی بین‌المللی، هم بر عهده سازمان و هم بر مصر براین وظیفه است که با حسن نیت با هم در مورد این موضوع که تحت چه شرایطی و با چه روش‌هایی انتقال دفتر منطقه‌ای به مصر می‌تواند انجام شود، را به مشورت بگذارند.» دادگاه در نظریه مشورتی خود بر اصل تعهد به مذاکره متقابل به عنوان اهتمام لازم در جهت اصول حقوقی بین‌المللی تأکید کرده است. منظور این است که علاوه بر اسناد معاهدات بین‌المللی، و یا رویه‌های رفتاری ثابت شده کشورها، بر رویه قضایی هم بر ضرورت انجام اهتمام لازم برای تحقق تعهدات کشورها تأکید داشته است.

اینگونه استدلال‌های حقوقی، علاوه بر معاهدات و رویه‌های قضایی حقوقی بین‌المللی، و به ویژه در موارد متعدد و روشنی در حوزه حقوق بشر بین‌المللی، در ارکان و ارگان‌های ملل متحد، در خصوص نظارت بر رفتار شرکت‌ها و امور تجاری و اقتصادی نیز مورد توجه شایانی قرار گرفته است.

اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر توسط دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، در صدر همه این اصول به «تعهدات موجود کشورها برای احترام، حمایت و اجرای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» در عرصه تجارت و خدمات پرداخته است. در ادامه این تأکید، اصول راهنمای یادشده اعلام می‌دارد که «بنگاه‌های تجاری به عنوان ارگان‌های تخصصی جامعه که وظایف تخصصی را انجام می‌دهند، ملزم به رعایت کلیه قوانین قابل اجرا و رعایت حقوق بشر هستند.» این ملزم بودن به رعایت قوانین با به اجرا گذاشتن اصل اهتمام لازم همراه و عجین می‌باشد: «تعهدات حقوق بشر بین‌المللی کشورها ایجاد می‌کند که حقوق بشر افراد در قلمرو و یا حوزه قضایی خود را محترم بشمارند، از آنها حمایت نموده و اجرا نمایند. این تعهدات شامل وظیفه محافظت در برابر نقض حقوق بشر توسط اشخاص ثالث، از جمله شرکت‌های تجاری است.» البته در قانون مرکزی این تعهدات کشورها اصل عدم زیان و آسیب قرار دارد. به موجب این اصل هیچ فرد حقیقی و یا حقوقی نباید شرایطی را باعث شود که به موجب آن به دیگران خسارت‌هایی وارد شود؛ یعنی اینکه حقوق بشر ذاتی آنها و به ویژه اصل برابری خدشه‌دار گردد. دقت و مراقبت کافی در انجام تجارت و کسب و کار و یا انجام خدمات وظیفه‌ای است که به موجب حقوق بشر بر عهده شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری و خدماتی گذاشته شده است. این الزام به حمایت از حقوق بشر مستلزم اتخاذ تدابیر ضروری برای جلوگیری از نقض تمامیت، آزادی عمل، یا حقوق بشر افراد یا گروه‌هاست. بطور طبیعی این تعهدات را نمی‌توان بدون مراقبت و دقت و اهتمام لازم به عمل آورد. در این رابطه اهتمام لازم از ابعاد اصولی خود به عنوان قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل عبور نموده و ابعاد فرآیندی اجرایی خود را به اجرا می‌گذارد. اما برای اینکه اهتمام لازم توسط شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری به اجرا گذاشته شود، در اصل دولت‌ها باید اهتمام لازم را برای وضع قوانین ناظر بر فعالیت‌های آن بنگاه‌ها به عمل آورند. در اینجا است که اهتمام لازم ابعاد کارکردی خود را در امتداد روابط سازمانیافته‌ای میان دولت‌ها و شرکت‌ها از یکسو، و

دومین اعدام جوانان معترض ایران؛ جمهوری اسلامی مجیدرضا رهنورد را کشت و به خاک سپرد!



جانباخته راه میهن مجیدرضا رهنورد

مشهد به ریاست قاضی سیدهادی منصوری صادر شده است.

یک منبع آگاه در این رابطه به خبرنگاری هرانا گفته که «حکم اعدام مجیدرضا رهنورد توسط دادگاه بدوی صادر و به وکیل تسخیری او ابلاغ شده است. با این حال مجیدرضا امکان داشتن وکیل تعیینی یا انتخابی نداشته و در دادگاه همه چیز را از قبل برای محکوم کردنش مهیا کرده بودند. حتی به او حق دفاع از خودش را هم ندادند.»

جمهوری اسلامی با اتهام زنی به بازداشت شدگان و اعدام آنها به دنبال بازتولید ساز و کار سرکوب و قلع و قمع جوانان معترض برای بقای نظام و پایان بخشیدن به خیزش انقلابی مردم در ایران است.

هفته گذشته نیز محسن شکاری جوان ۲۳ ساله که سوم مهرماه در تهران بازداشت شده بود به اتهام «بستن خیابان ستارخان» و «زخمی کردن یک بسیجی» اعدام شد. جمهوری اسلامی حتی نتوانسته بود محسن شکاری را به قتل کسی متهم کند و بسیجی مسلح و سرکوبگری که قوه قضاییه مدعی بود توسط محسن زخمی شده، سالم بود و تنها یک خراش عمیق روی شانه داشت که ۱۳ بخیه خورده بود.

فاصله بازداشت تا برگزاری دادگاه، صدور حکم و اجرای حکم درباره محسن شکاری نیز مانند ماهان صدرات به سرعت و غیرمعمول پیش رفت بطوری که محسن سوم مهرماه بازداشت و ۷۵ روز بعد اعدام شد.

اعدام مجیدرضا رهنورد تنها چند روز پس از اجرای حکم محسن شکاری و در حالیکه اعدام محسن با واکنش‌های زیادی از سوی شهروندان و مقامات دیگر کشورها روبرو بود، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی تحت هیچ شرایطی حاضر نیست از مواضع ویرانگر و سرکوبگرانه عقب نشینی کند.

شمار دیگری از بازداشت شدگان اعتراضات نیز با اتهامات «محرابه» و «افساد فی الارض» روبرو هستند. اتهاماتی که دست قاضی یا همان حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب اسلامی را برای صدور حکم اعدام باز گذاشته و حتی اگر شاکیان پرونده رضایت بدهند، باز حکم اعدام به دلیل نوع اتهام که موضوع مدعی‌العموم است قابل اجرا خواهد بود.

برخی از شهروندان بازداشت شده که با دو اتهام سنگین «محرابه» و «افساد فی الارض» روبرو شدند به «اعدام» محکوم شده و برخی دیگر هنوز در انتظار تشکیل دادگاه یا صدور حکم از سوی حاکم شرع هستند.

به گزارش سازمان عفو بین‌الملل، ۱۲ شهروند که در اعتراض‌های هفته‌های اخیر بازداشت شده بودند،

رضوی از کلیه عوامل انتظامی و امنیتی که در کوتاه ترین زمان ممکن نسبت به انجام وظایف قانونی خود اقدام کرده و همچنین مسولان و هیات رسیدگی کننده قضایی که با توجه به ۳ اصل صحت، دقت و سرعت به این پرونده رسیدگی کرده و به مطالبات عمومی در جهت برقراری نظم و امنیت و برخورد با اغتشاشگران و قانون‌شکنان پاسخ گفتند، تقدیر و تشکر کرد.

منابع آگاه اعلام کردند که مجیدرضا رهنورد بدون اثبات اتهامات و زیر شکنجه و اعترافات اجباری و صرفاً با فیلمی بی‌کیفیت از دوربین مدار بسته متهم به قتل شده است. همچنین گفته شده به احتمال خیلی زیاد حکم اعدام این جوان روز شنبه در محله‌ای که در آن کار و زندگی می‌کرده، محله خُر عاملی، و در ملاء عام اجرا می‌شود. مجیدرضا، رزمی‌کار و کشتی‌گیر بوده و تصاویری از او در حال تمرین منتشر شده است.

نخستین تصویر منتشر شده از مجیدرضا چند روز پس از بازداشت و در اتومبیل مأموران حکومتی در راه انتقال به دادگاه، نیز نشان می‌دهد از بینی او خون جاریست. تصویر دیگر در دادگاه نیز وی را با دست شکسته و گچ گرفته نشان می‌دهد که بیانگر شکنجه کردن اوست.

برخی منابع او را مالک یک فروشگاه کیف و کفش در مشهد معرفی کرده‌اند که پس از بازداشت مغازه او نیز پلمب شده است. تصاویر دیگری نشان می‌داد مزدوران جمهوری اسلامی با شکست شیشه‌های خانه مجیدرضا رهنورد که به همراه والدین و خواهرش در آن زندگی می‌کرد و شعارنویسی بر روی دیوارهای خانه، آرامش این خانواده را به هم ریخته و آنها را شکنجه می‌دادند.

روند قضایی پرونده مجیدرضا رهنورد حتی بر خلاف قوانین جمهوری اسلامی بوده است. مجیدرضا رهنورد روز ۲۸ آبان بازداشت شد. دادستان مرکز استان رضوی روز سوم آذر یعنی کمتر از یک هفته پس از بازداشت مجیدرضا اعلام کرد پرونده او به دادگاه ارسال شده است. به بیان دیگر بازداشت، بازجویی، اعتراف‌گیری، تکمیل پرونده، صدور کیفرخواست همگی طی چهار پنج روز انجام شده است!

نخستین جلسه دادگاه مجیدرضا رهنورد پنج روز پس از ارسال پرونده به دادسرا، در هشتم آذر برگزار شده بود و در کمتر از دو هفته هم جلسات دادگاه برگزار شد، هم قاضی حکم صادر کرده و حکم به اجرای احکام ابلاغ و در ملاء عام اجرائی شده است.

خبرگزاری هرانا روز گذشته گزارش داده بود که حکم «اعدام» مجیدرضا به اتهام «محرابه» در دادگاه انقلاب

ساعت هفت صبح به خانواده‌ی مجیدرضا رهنورد زنگ زدند، بیدارشان کردند و گفتند برید بهشت رضا قطعه ۶۶، بچه‌تان رو اعدام کردیم و خودمان خاکش کردیم.

بازداشت، بازجویی، اعتراف‌گیری، تکمیل پرونده، صدور کیفرخواست همگی طی چهار پنج روز انجام شده و مجیدرضا تنها ۲۳ روز بعد از بازداشت اعدام شد.

جمهوری اسلامی با اتهام زنی به بازداشت شدگان و اعدام آنها به دنبال بازتولید ساز و کار سرکوب و قلع و قمع جوانان معترض برای بقای نظام و پایان بخشیدن به خیزش انقلابی مردم در ایران است.

خبرگزاری قوه قضاییه از اجرای حکم اعدام مجیدرضا رهنورد یکی از بازداشت شدگان اعتراضات هفته‌های گذشته در مشهد خبر داد. این حکم در حالی اجرا شده که مجیدرضا روز ۲۸ آبان بازداشت و تنها ۲۳ روز بعد توسط جمهوری اسلامی کشته شد!

خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اعدام مجیدرضا رهنورد «در ملاء عام» خبر داده است. جمهوری اسلامی مجیدرضا رهنورد را متهم کرده بود که با سلاح سرد دو بسیجی مسلح و سرکوبگر را به قتل رسانده و چهار تن را مجروح کرده است. وبسایت خبرگزاری میزان پس از اعلام این خبر از دسترس خارج شده و تا زمان تنظیم این گزارش همچنان در دسترس نیست.

حساب کاربری ۱۵۰۰ تصویر گزارش داده که ساعت هفت صبح به خانواده‌ی مجیدرضا رهنورد زنگ زدند، بیدارشان کردند و گفتند برید بهشت رضا قطعه ۶۶، بچه‌تان را اعدام کردیم و خودمان خاکش کردیم.

این حساب توییتری در خبر تکاندنده دیگری با انتشار تصویری از مجیدرضا و مادرش در زندان یا قوه قضاییه نوشته که «مادر مجیدرضا رهنورد را به ملاقات او بردند اما هیچ صحبتی از اعدام نکردند و مادرش با لبخند و امید به اینکه پسرش آزاد می‌شود آنجا را ترک کرد. و امروز صبح زمانی بالا سر جسم بی‌جان پسرش رسید که نیروهای جمهوری اسلامی داشتند مجیدرضا را در تنهایی به خاک می‌سپردند.»

خبرگزاری میزان در خبر اعدام این جوان نوشته که «حکم صادره پس از بررسی مجدد توسط قضات دیوان عالی کشور و تأیید آنها و سپری شدن همه تشریفات قانونی و شرعی، صبح امروز در ملاء عام و با حضور جمعی از مردم شهر مشهد اجرا شد.»

این گزارش افزوده که پس اجرای حکم اعدام مجیدرضا رهنورد، غلامعلی صادقی رئیس کل دادگستری خراسان

قطع کمک‌های مالی جمهوری اسلامی به گروه‌های فلسطینی از آغاز خیزش سراسری در ایران



یکی از شبه نظامیان گروه تروریستی حماس

رژیم ایران وابسته‌اند.

این منابع مدعی شدند که حقوق رهبران و اعضای این گروه‌ها و تامین هزینه‌های «فعالیت‌های مختلف» آنها را جمهوری اسلامی تأمین می‌کند.

در گذشته نیز مقامات حماس اعتراف کرده بودند که جمهوری اسلامی به آنها کمک مالی و نظامی می‌کند.

این منابع می‌گویند دلیل توقف کمک‌های مالی پنهانی جمهوری اسلامی مربوط به آغاز تظاهرات ضدحکومتی در ایران و فشارهای همه جانبه داخلی و خارجی علیه این حکومت است.

عدم پرداخت پول به گروه‌های تروریست فلسطینی باعث بحران در نواز غزه و سایر مناطق فلسطینی‌نشین شده تا جایی که بعضی گروه‌ها و افراد حتا قادر به پرداخت هزینه قبوض و هزینه‌های جاری خود نیستند.

اخیراً یک منبع ساکن غزه در «جهاد اسلامی»، گروهی که پس از انقلاب اسلامی ۵۷ مستقیم توسط جمهوری اسلامی تأسیس شد، به وبسایت خبری المانیاتور گفت که رهبران این گروه با نگرانی شدید اعتراضات در داخل ایران را دنبال می‌کنند. این منبع گفت: «ما نگرانیم که اعتراضات بر آینده حمایت مالی و نظامی ایران نیز تأثیر بگذارد!»

محمود زهار از اعضای بلندپایه حماس در دی‌ماه ۱۳۹۹ افشا کرد که «حاج قاسم سال ۲۰۰۶ وقتی تقاضای کمک کردیم فوراً درخواست ما را پاسخ داد و فردا در فرودگاه ۲۲ میلیون دلار در چمدان به ما تحویل داد.»

قبادلو، امیر نصر آزادانی، پژمان فاطمی، مهسا محمدی، محسن مظلوم، محمد فرامرزی، وفا آذربای، فهیمه کریمی، سهیل خوشدل، جواد زرگران، بهراد علی کناری، محمدامین اخلاقی، شایان چارانی، مهدی محمدی، آریین فرزام‌نیا، توماج صالحی، امیرمهدی جعفری، امین‌مهدی شکرالهی، محمد حسینی، نحیب محمدی، رضا شاکر زواردهی، علی معظمی گودرزی از دیگر متهمانی هستند که اتهام «افساد فی الارض» و یا «محرابه» به آنها زده شده است و گفته می‌شود حکم اعدام نیز علیه برخی از آنان صادر شده است.

● با توقف کمک‌های مالی رژیم ایران به گروه‌های تروریستی فلسطینی بحران در غزه آغاز شده است.

● روزنامه فلسطینی «القدس» فاش کرد که جمهوری اسلامی سه ماه است انتقال کمک‌های مالی به تعدادی از گروه‌های فلسطینی را متوقف کرده است.

● حقوق رهبران و اعضای این گروه‌ها و تامین هزینه‌های «فعالیت‌های مختلف» آنها را جمهوری اسلامی تأمین می‌کند و اکنون حتا برای تأمین پرداخت قبوض و مخارج جاری خود دچار بحران شده‌اند.

● اخیراً یک منبع ساکن غزه در «جهاد اسلامی»، گروهی که پس از انقلاب اسلامی ۵۷ مستقیم توسط جمهوری اسلامی تأسیس شد، به وبسایت خبری المانیاتور گفت که رهبران این گروه با نگرانی شدید اعتراضات در داخل ایران را دنبال می‌کنند. این منبع گفت: «ما نگرانیم که اعتراضات بر آینده حمایت مالی و نظامی ایران نیز تأثیر بگذارد!»

روزنامه فلسطینی «القدس» روز یکشنبه ۱۳ دسامبر (۲۰ آذرماه) در گزارشی فاش کرد که جمهوری اسلامی انتقال کمک‌های مالی به تعدادی از گروه‌های فلسطینی را متوقف کرده است.

این روزنامه به نقل از منابع آگاه ناشناس در لبنان نوشت که این گروه‌ها در حال حاضر سه ماه است از رژیم ایران پولی دریافت نکرده‌اند و دچار بحران مالی شده‌اند. علاوه بر حماس، گروه‌های جهاد اسلامی و جبهه خلق برای آزادی فلسطین نیز از جمله گروه‌هایی هستند که به کمک مالی

که در طول بازداشت او را سه بار پای چوبه دار برده و همه فرایند اعدام بجز کشیدن چارپایه از زیر پای محکوم را انجام داده‌اند.

سامان یاسین (صیدی) خواننده و هنرمند محبوب در زندان «رجایی‌شهر»، محسن هاشم‌زهی ۲۴ ساله محبوب در زندان زاهدان، محمد بروغنی بازداشت شده در پاکدست، اکبر غفاری بازداشت شده در تهران از دیگر بازداشت‌شدگان اعتراضات هستند که به اعدام محکوم شده‌اند.

شمار دیگری از شهروندان بازداشت شده از جمله محمد

حکم اعدام گرفته‌اند. هنوز آمار مشخصی از شهروندانی که با خطر اعدام روبرو هستند در دست نیست. برخی منابع شمار شهروندان در معرض اعدام به دلیل اتهامات «محرابه» و «افساد فی الارض» را بیش از ۲۶ نفر عنوان می‌کنند.

در یکی از پرونده‌هایی که حکم آن هفته گذشته از سوی دادگاه انقلاب کرج اعلام شد ۱۶ شهروند شامل یک زن و پانزده مرد به اتهام قتل یک بسیجی محاکمه شدند. کل دادگاه فقط سه جلسه و طی شش روز برگزار شد.

این دادگاه برای پنج نفر حکم اعدام و برای ۱۱ متهم دیگر از جمله سه نوجوان ۱۷ تا ۱۸ ساله «حبس‌های طولی‌المدت» تا ۲۵ سال صادر کرده است. متهمان این پرونده همگی از شرکت‌کنندگان در مراسم چهلم حدیث نجفی در کرج هستند که توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشته شد. پس از برگزاری این مراسم نیروهای امنیتی، لباس شخصی و ضد شورش به مردم حمله‌ور شدند و در پی درگیری مردم با مأموران یک بسیجی مسلح که به سرکوب مردم مشغول بود، به نام روح‌الله عجمیان کشته شد. بر اساس گزارش‌ها محمدمهدی کرمی، سیدمحمد حسینی، حمید قره‌حسنلو، رضا آریا و حسین محمدی پنج شهروندی هستند که در این پرونده به اعدام محکوم شده‌اند.

نام‌های دیگری از شهروندان بازداشت شده که در پرونده‌هایی دیگر به «اعدام» محکوم شدند نیز منتشر شده است؛ نقطه مشترک همه این احکام، عدم پذیرش اتهامات از سوی متهمان و برگزاری سریع و عجولانه دادگاه و روند دادرسی غیرقانونی حتی بر مبنای قوانین ناکارآمد جمهوری اسلامی است.

ماهان صدرات جوان ۲۳ ساله متولد سال ۱۳۷۸ از بازداشت‌شدگان اعتراضات نیز که پیشتر در دادگاهی غیرقانونی به اعدام محکوم شده بود، در خطر سپرده شدن به چوبه دار قرار دارد.

ماهان در حالی به اتهام «محرابه» به «اعدام» محکوم شده که به هیچ فردی آسیب وارد نکرده است. در کیفرخواست او آمده که «محرابه از طریق کشیدن سلاح سرد (چاقو) به نحوی که موجب ایجاد ناامنی و ترس در محیط شده است، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، آتش زدن موتورسیکلت و تخریب گوشی شاکي خصوصی و ایراد جرح عمدی با چاقو نسبت به شاکي!»

ماهان ۲۰ مهر در تهران بازداشت شد و ۱۲ آبان در شعبه بیست‌وشش دادگاه انقلاب تهران به اتهام «محرابه» و «اقدام علیه امنیت ملی» محاکمه شد. اکنون در کمتر از ۴۰ روز از برگزاری دادگاه، حکم اعدام او صادر و با وجود رضایت شاکیان، حکم اعدام او به اجرای احکام ابلاغ شده است. یکی از شاکیان خصوصی ماهان صدرات اعلام کرده حکم او به مدت دو روز به «تعویق» افتاده است. این دو روز، شامگاه امشب دوشنبه ۲۱ آذر به پایان می‌رسد و احتمال اعدام این جوان در روزهای آینده وجود دارد.

سهند نورمحمدزاده متولد ۱۳۷۵ از شهروندان معترض در تهران است که مهر امسال بازداشت و ۱۶ آبان به اتهام «محرابه» در شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب تهران محاکمه شد. اتهام «محرابه» از طریق تخریب و ایجاد حریق در وسایل عمومی به منظور اخلال در نظم و امنیت کشور و مقابله با حکومت اسلامی، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و اخلال در نظم و آسایش عمومی از طریق شرکت در «تجمعات» به او بسته شده است.

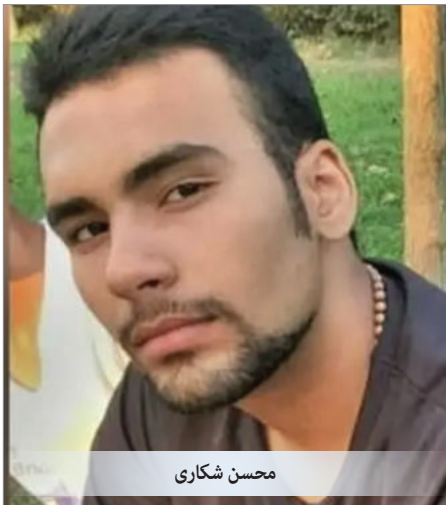
در حالی که سهند نیز به هیچ فردی آسیب نرسانده اما به اعدام محکوم شده است. بر اساس گزارش‌ها سهند برای اعتراف و اقرار زیر فشارهای شدید روانی قرار داشته بطوری

تشدید خشم و انزجار عمومی علیه جمهوری اسلامی پس از اعدام محسن شکاری؛ اعدام‌ها و «داغ» کردن مردم به فرمان خامنه‌ای است!



کردن حکم اعدام در کمتر از ۵۰ روز نیز با قوانین و روند دادرسی خود قوه قضاییه در تضاد است. غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه روز دوشنبه ۱۴ آذرماه گفته بود که احکام برخی از افراد متهم به «محاربه» و «افساد فی الارض» که در اعتراضات هفته‌های گذشته بازداشت شده‌اند قطعی شده و به زودی اجرا خواهد شد.

رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی افزوده بود که روند دادرسی و برگزاری دادگاه شماری از معترضان بازداشتی که به اعدام و زندان‌های طولانی محکوم شده‌اند «در زمان



محسن شکاری

کوتاه، واقعاً واقعاً کوتاه» انجام شده و تأکید کرده بود که این احکام به سرعت اجرا می‌شود.

حساب کاربری «حافظه تاریخی» در توئیتر امروز پس از انتشار خبر اعدام محسن شکاری سخنان علی خامنه‌ای در دو روز قبل از صدور حکم اعدام محسن شکاری به جرم «بستن خیابان» را منتشر کرده که گفته: «ماشین‌سوار را تهدید می‌کنند که باید بایستی. اینها باید مجازات بشوند.

داشتن وکیل انتخابی محروم بوده و حتی در دادگاه امکان دفاع از خود نیافته است. پرونده این معترض جوان پس از فرجام‌خواهی جهت بررسی به دیوان عالی کشور ارسال و در نهایت به تأیید این مرجع قضایی رسیده بود.

یک منبع آگاه به کیهان لندن گفته پس از مدتی از بازداشت محسن شکاری یک وکیل دادگستری برای پذیرفتن وکالت او به دادرسی مراجعه کرده اما دادرسی مدعی شده متهم (محسن شکاری) وکیل تعیینی نخواست است. وکیل تسخیری محسن شکاری نیز مانند بسیاری دیگر از وکلای مشابه از افراد «امین» و «مورد اعتماد» جمهوری اسلامی بوده است. بطور مشخص دادرسی به دروغ از قول متهم گفته او وکیل تعیینی نمی‌خواهد یا در تلاش بوده تا روند صدور و اجرای حکم اعدام را سریع‌تر و آسان‌تر پیش ببرد!

بر اساس اطلاعاتی که به کیهان لندن رسیده محسن شکاری در حالی به اتهام مجروح کردم «مأمور» نظام حین خدمت روبرو شده که آن مأمور یک بسیجی لباس شخصی بوده که بدون داشتن منصب رسمی به سرکوب کردن مردم معترض مشغول بوده است. این اطلاعات حاکی از آنست که سندی دال بر زخمی شدن این بسیجی توسط محسن شکاری وجود نداشته و از سوی دیگر این فرد اصلاً بستری نشده و وضعیت وخیمی نداشته و فقط یک زخم روی شانه او وجود داشته که ۱۳ بخیه خورده است! محسن شکاری جرمی مرتکب نشده بود و به گفته همبندی‌هایش در زندان اوین، خودش فکر می‌کرد توسط رژیم تهدید می‌شود و صدور حکم اعدام صرفاً برای ترساندن او و دیگر جوانان معترض بوده است! او گمان نمی‌کرد جمهوری اسلامی وی را بدون هیچ سوء سابقه و صرفاً برای بستن خیابان و زخمی شدن یک بسیجی با چوبه دار به قتل برساند!

جدا از اینکه صدور حکم اعدام به اتهام «بستن خیابان» و «زخمی کردن یک بسیجی» با قوانین خود جمهوری اسلامی سازگاری ندارد، روند بازجویی، تشکیل پرونده، دادگاه، صدور حکم، تأیید حکم، ابلاغ حکم به اجرای احکام و اجرا

● علی خامنه‌ای دو روز قبل از صدور حکم اعدام محسن شکاری به جرم «بستن خیابان» گفته بود: «ماشین‌سوار را تهدید می‌کنند که باید بایستی. اینها باید مجازات بشوند. قوه قضاییه باید اینها را مجازات کند. قدیم زخم‌هایی را که خوب نمی‌شد با آهن سرخ در آتش داغ می‌کردند. داغ آماده است!»

● سندی دال بر زخمی شدن فرد بسیجی که محسن شکاری به آن متهم شده وجود نداشته و از سوی دیگر این فرد اصلاً بستری نشده و وضعیت وخیمی نداشته و فقط یک زخم روی شانه او بود که ۱۳ بخیه خورده است!

● به گفته همبندی‌های محسن شکاری در زندان اوین، او فکر می‌کرد فقط از سوی قوه قضاییه تهدید می‌شود و صدور حکم اعدام صرفاً برای ترساندن او و دیگر جوانان معترض بوده است.

● با اعدام محسن شکاری، خطر اعدام دیگر شهروندان بازداشت شده که به اعدام محکوم شده‌اند یا با اتهامات سنگین «محاربه» و «افساد فی الارض» روبرو هستند بیش از پیش سبب نگرانی شده است.

● سخنگوی وزارت خارجه فرانسه از وضع تحریم‌های جدید علیه رژیم ایران به دلیل نقض حقوق بشر خبر داده و گفته که وزیران خارجه اتحادیه اروپا قرار است اعمال تحریم‌های جدید علیه افراد و نهادهای ایرانی را به دلیل دست داشتن در سرکوب‌ها و همچنین صادرات پیهاد به روسیه مورد بحث و تبادل نظر قرار دهند.

● سازمان عفو بین‌الملل: جامعه بین‌المللی باید فوراً از مقامات جمهوری اسلامی بخواهد اعدام‌های برنامه‌ریزی شده را متوقف کند و از اعدام به عنوان ابزار سرکوب سیاسی علیه معترضان و تلاش تباهاکارانه برای پایان دادن به خیزش مردمی دست بردارد.

اجرای حکم اعدام محسن شکاری جوان ۲۳ ساله بیش از پیش به خشم و انزجار در میان مردم علیه نظام جمهوری اسلامی دامن زده است. ابعاد گسترده‌ی واکنش‌ها به اقدام وحشیانه حکومت اسلامی در برابر شهروندان معترض به مقامات کشورهای دیگر نیز رسیده و افکار عمومی ایران و جهان نسبت به اعدام شمار دیگری از معترضان ابراز نگرانی می‌کند.

محسن شکاری جوان ۲۳ ساله که در اعتراضات سوم مهرماه در خیابان ستارخان تهران بازداشت شده بود، پامداد روز پنجشنبه ۱۷ آذرماه ۱۴۰۱ به اتهام «بستن خیابان ستارخان» و «زخمی کردن مأمور» به دار آویخته شد.

محسن شکاری پس از دستگیری کمتر از ۴۰ روز بعد به تاریخ ۱۰ آبان در دادگاه انقلاب تهران به اتهام «محاربه از طریق کشیدن سلاح به قصد جان و ایجاد رعب و وحشت و سلب آزادی و امنیت مردم و همچنین جرح عمدی با سلاح سرد به مأمور بسیج حین انجام وظیفه و مسدود کردن خیابان ستارخان تهران و اخلاق در نظم و امنیت جامعه» به اعدام محکوم شد.

بر اساس گزارش‌ها، حکم بدوی دادگاه مبنی بر اعدام محسن شکاری تنها ۱۸ روز پس از بازداشت صادر شده و او چه در دوران بازداشت و بازجویی و چه در طول دادگاه از

سیاسی علیه معترضان و تلاش تباهاکارانه برای پایان دادن به خیزش مردمی دست بردارد.

محمود امیری مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران نیز معتقد است که اعدام محسن شکاری «پس از محاکمه در بیدادگاه حکومت» باید با واکنش بسیار جدی روبرو شود و «کسانی که در خارج از کشور هستند از دولت‌هایشان بخواهند که که فوراً واکنش نشان دهند.»

پینا پیچرنو معاون پارلمان اروپا نیز در واکنش به خبر اعدام محسن شکاری در توییته نوشت: «محسن شکاری یکی از پسرانی که در اعتراضات ایران بازداشت شد، امروز صبح به دار آویخته شد. این نخستین حکم اعدام جنون‌آمیزی است که علیه یک معترض در ایران به اجرا در می‌آید.»

پنی وانگ وزیر خارجه استرالیا هم در اظهاراتی گفت «ما از جمهوری اسلامی می‌خواهیم که اعدام‌ها را فوراً متوقف کند و به تلاش جهت پاسخگو کردن ایران برای این کار، از طریق سیستم چندجانبه و با همکاری شرکای خود، ادامه خواهیم داد.»

آن‌کلر لژاندر سخنگوی وزارت خارجه فرانسه از وضع تحریم‌های جدید علیه رژیم ایران به دلیل نقض حقوق بشر خبر داده و گفته که وزیران خارجه اتحادیه اروپا قرار است اعمال تحریم‌های جدید علیه افراد و نهادهای ایرانی را به دلیل دست داشتن در سرکوب‌ها و همچنین صادرات پهپاد به روسیه مورد بحث و تبادل نظر قرار دهند.

جیمز کلورلی وزیر امور خارجه بریتانیا هم با ابراز «خشم» از اعدام محسن شکاری شهروند معترض در توییترش نوشته که «جهان نمی‌تواند چشم خود را بر خشونت نفرت‌انگیزی که رژیم ایران علیه مردم خود مرتکب شده، ببندد.»

آلنالتا بربوک وزیر امور خارجه آلمان نیز در واکنش به اعدام محسن شکاری نوشته که «غیرانسانی بودن رژیم ایران حد و مرزی ندارد» و «محسن شکاری به علت مخالفت با رژیم در یک محاکمه خائنه و کوتاه محکوم و اعدام شد. با این حال تهدید به اعدام مانع از آزادیخواهی مردم نخواهد شد.» اینهمه در حالیست که خط و نشان‌های جمهوری اسلامی برای شهروندان و تهدید آنها به سرکوب بیشتر ادامه دارد. حسین اشتری فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ۱۶ آذر در سخنانی در دانشکده افسری «امام حسن» گفت که «پلیس تا کنون در قبال این معترضان از خود خویشتنداری نشان داده و از این پس قاطعانه با آنها برخورد خواهد کرد.»

حسین اشتری همچنین شهروندان معترض را «فتنه‌گران» نامید و افزود: «بیش از ۷۰ روز است که پلیس در میدان مقابل با فتنه‌گران حضور مقتدرانه دارد.»

سازمان اطلاعات فراجا هم روز گذشته در بیانیه‌ای مدعی شد که «استکبار، رژیم صهیونیستی، تجزیه‌طلبان، سلطنت‌طلبان و منافقین، آرامش و امنیت توأم با آینده‌ای روشن برای مردم سرافراز ایران اسلامی را بر نمی‌تابند و با استفاده از تمام ظرفیت‌های رسانه‌ای و اقدامات سیوعانه و مذبوحانه، راهبرد شیطانی خود مبنی بر ایجاد اغتشاش و ناامنی را در قالب یک جنگ تمام عیار شناختی دنبال می‌کنند.»

در این بیانیه آمده که «به دشمنان ضدانقلاب، منافقان کوردل، و مزدوران آنها هشدار می‌دهد که امنیت شهروندان خط قرمز مجموعه انتظامی بوده و با مخلان و تعدی-کنندگان در این عرصه بدون ملاحظات برخورد می‌شود.»

این در حالیست که بر اساس تازه‌ترین گزارش سازمان حقوق بشر ایران، در جریان سرکوب اعتراضات تا کنون دست‌کم ۴۵۸ شهروند از جمله ۶۳ کودک به‌دست مأموران انتظامی و امنیتی جمهوری اسلامی کشته شده‌اند.

که «پسرم! محسن شکاری! به تو افتخار می‌کنم! تو نماد مظلومیت مردم ایران هستی! تو آشکارکننده جنایت عریان جمهوری اسلامی علیه انسانیت هستی! سوز جگر مادرت را حس می‌کنم اما، تو و جوانانی مثل تو از جان خود گذشتند اما از ایران نه! هیچوقت نام تو از تاریخ ایران محو نخواهد شد.» با اعدام محسن شکاری، خطر اعدام دیگر شهروندان



پزشکان در اعتراض به حکم اعدام حمید قره‌حسنلو، پزشک زندانی، مقابل اوین تجمع کردند

بازداشت شده که به اعدام محکوم شده‌اند یا با اتهامات سنگین «محرابه» و «افساد فی الارض» روبرو هستند بیش از پیش سبب نگرانی شده است.

بر اساس گزارش سازمان‌های حقوق بشری بیش از ۲۶ شهروند در خطر اعدام قرار دارند که حکم اعدام برخی از آنها صادر و ابلاغ شده است.

حمید قره‌حسنلو، علی معظمی گودرزی و سامان یاسین، سه شهروند معترض هستند که به اعدام محکوم شده‌اند. کاربران و خانواده‌های آنها نسبت به احتمال اعدام آنها در روزهای آینده ابراز نگرانی کرده‌اند.

مادر سامان یاسین (صیدی)، رپر بازداشتی اهل کرمانشاه که در تهران دستگیر شد، در ویدیویی که منتشر کرده خطاب به مردم و نهادهای حقوق بشری و جامعه جهانی می‌گوید: «به داد پسرم برسد تا اعدام نشود. کجای دنیا دیده‌اید به خاطر یک سطل آشغال، جان عزیزی را بگیرند؟ پسر من هنرمند است، آشوبگر نیست.»

پیش از این جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران، از تشدید سرکوب اعتراضات ابراز نگرانی کرده و گفته بود مقام‌های جمهوری اسلامی کارزار صدور حکم اعدام برای معترضان به راه انداخته‌اند.

احتمال اعدام شهروندان معترض بازداشت شده که با اعدام محسن شکاری آغاز شده واکنش‌های بین‌المللی را نیز در پی داشته است.

سازمان عفو بین‌الملل در توییته با اعتراض و اعلام انزجار از اعدام محسن شکاری نوشته که او سه هفته پیش در دادگاهی ساختگی و ناعادلانه محکوم و حکم اعدام کمتر از سه هفته پس از محکومیت اجرا شده است. سازمان عفو بین‌الملل تأکید کرده که اجرای این حکم «غیر انسانی بودن» ساختار قوه قضاییه را بار دیگر آشکار کرده است.

این سازمان بین‌المللی با هشدار نسبت به خطری که ده‌ها شهروند معترض دیگر را با همین سرنوشت تهدید می‌کند نوشته که جامعه بین‌المللی باید فوراً از مقامات جمهوری اسلامی بخواهد تا تمامی اعدام‌های برنامه‌ریزی شده را متوقف کند و از اجرای مجازات اعدام به عنوان ابزار سرکوب

قوه قضائیه باید اینها را مجازات کند. قدیم زخم‌هایی را که خوب نمی‌شد با آهن سرخ در آتش داغ می‌کردند. داغ آماده است!

اعدام محسن شکاری بلافاصله پس از انتشار خبرش با واکنش‌های گسترده‌ای روبرو شده است. بابک عاقبتی مستندساز و طراح گرافیک که حدود بیست روز در

زندان هم‌بند محسن شکاری بود، با انتشار یادداشتی در اینستاگرامش درباره او نوشت: «محسن تو کافه کار می‌کرد. تا صبح از عشقش به گیم حرف می‌زد. داستان‌های گاد آف وار رو واسم تعریف می‌کرد. از تنه‌پایش می‌گفت. روزی آخر که شنا می‌زد، می‌امد با هم شنا می‌زدیم. آگه بعضی وقتا غذا اضافه [در زندان] گیرش می‌امد، به منم حال می‌داد، صدام می‌کرد دو تا لقمه بخورم.»

در ادامه این یادداشت خطاب به محسن شکاری نوشته شده که «کاش شبای آخر جای خوابت رو جلوی جاخواب من ننداخته بودی. کاش وقتی از بازجویی برگشتی، یه قلپ



سامان یاسین (صیدی)

نوشابه واسه‌مون نیاورده بودی. کاش با حرارت از انواع قهوه و نحوه‌ی آماده کردنش نگفته بودی. کاش امروز صبح قهوه درست کردم، تو زنده بودی. کاش این خبر ندیده بودم. کاش اینقدر حامد بد نبود. کاش اینقدر از خودم بدم نمی‌ومد. کاش...»

گوهر عشقی مادر ستار بهشتی وبلاگ‌نویس جانباخته در بازداشتگاه‌های جمهوری اسلامی نیز در توییته نوشته

نیویورک تایمز: پرسش دیگر این نیست که آیا ایرانیان جمهوری اسلامی را سرنگون می‌کنند!



علی خامنه‌ای در جمع عوامل و مسئولان نظام

برخی می‌گویند این فقط یک تغییر تاکتیک موقت برای آرام کردن اوضاع است.

توانایی سرکوبگری رژیم ایران- دست‌کم روی کاغذ- همچنان هولناک است. علی خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا فرماندهی ۱۹۰ هزار نفر اعضای مسلح سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ده‌ها هزار بسیجی را که وظیفه آنها القای ترس و وحشت عمومی است بر عهده دارد. ارتش جمهوری اسلامی ارگانی غیرایدئولوژیک با حدود ۳۵۰ هزار نیروست که بعید است در سرکوب شرکت کند، اما امید معترضان به پیوستن آنها به مخالفان تا کنون ثمر نداشته است.

نیویورک تایمز اشاره می‌کند تا کنون منافع سیاسی و اقتصادی خامنه‌ای و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بهم گره خورده است. اما تداوم تظاهرات و شعارهای «مرگ بر خامنه‌ای» ممکن است این روند را تغییر دهد. وی می‌پرسد: «آیا نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی می‌خواهند به کشتار ایرانی‌ها ادامه دهند تا حکومت یک آخوند ۸۰ ساله منفور و بیمار را حفظ کنند؟ کسی که بنا بر گزارش‌ها امیدوار است قدرت را به مجتبی پسرش که به اندازه خودش منفور است منتقل کند!»

اینکه درون سرویس‌های امنیتی ایران چه می‌گذرد نیز همچنان مثل یک جعبه سیاه است اما این احتمال وجود دارد که مانند ارتش تونس و مصر در سال ۲۰۱۱ برخی از آنها به این فکر کرده‌اند که آیا با از بین بردن دیکتاتور ممکن است منافع خود را حفظ کنند یا نه.

چارلز کورتزمن جامعه‌شناس در کتاب مهم خود به نام «انقلاب تصورناپذیر در ایران» می‌نویسد: «تناقض (پارادوکس) جنبش‌های انقلابی در این است که آنها تا زمانی که انبوه حامیان منتقد را جذب نکنند، قابل دوام نیستند اما برای جذب این توده‌های حامی می‌بایست بادوام به نظر برسند تا از آنها حمایت شود!»

البته جنبش اعتراضی در ایران هنوز به نقطه اوج نرسیده، اما نشانه‌های فراوانی وجود دارد که بخشی از جامعه ایران در مورد تداوم و بقای رژیم تردید دارند. نیویورک تایمز به نقل از سرنین ستوده وکیل مدافع حقوق بشر و زندانی سیاسی که از حامیان اصلاحات بجای انقلاب بود می‌نویسد: «آنچه مردم می‌خواهند تغییر رژیم و عدم بازگشت به گذشته است و آنچه ما از اعتراضات و اعتصابات کنونی که اکنون آغاز شده است می‌بینیم، امکان تغییر رژیم یک واقعیت است.»

مانند بسیاری از رژیم‌های خودکامه جمهوری

مدرن و خواستار تغییر که به تمدن ۲۵۰۰ ساله خود افتخار می‌کنند در مقابل یک رژیم فرتوت و منزوی که ۴۳ سال بی‌رحمانه فقط به فکر حفظ قدرت بوده است.

به اعتقاد نویسنده، علی خامنه‌ای با یک معضل مواجه است و آن اینکه اگر چشم‌انداز تغییر به مردم ارائه نکند، اعتراض‌ها ادامه خواهد یافت ولی اگر انعطاف نشان دهد این خطر را دارد که ضعیف ظاهر شود و معترضان را جسورتر کند. او می‌نویسد حتی اگر اعتراضات در این مقطع آرام شود، به نظر می‌رسد که رابطه میان حکومت و جامعه ایران را دچار تغییر کرده از جمله در مورد سرپیچی از حجاب و «عمامه‌پرانی».

در این مقاله آمده در جریان اعتراضات در ایران نمادهای حکومتی تخریب و یا به آتش کشیده می‌شوند از جمله خانه‌موزه‌ی روح‌الله خمینی در خمین و اعتراضات اجتماعی و اعتصابات کارگری در پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها و اعتصابات بازاریان یادآور وضعیت ایران در روزهای منتهی به سرنگونی حکومت پادشاهی در سال ۱۳۵۷ است.

مبانی فکری علی خامنه‌ای و مریدانش «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل» و تأکید بر حجاب است. فلسفه حکومت برای خامنه‌ای بر اساس فروپاشی سه حکومت اقتدارگرا شکل گرفته و تقویت شده است: سقوط سلطنت ایران در سال ۱۹۷۹، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و بهار عربی در سال ۲۰۱۱. برداشت خامنه‌ای از هر یک از این رویدادها این بوده است که هرگز سازش نکنند. او خواستار تشدید فشارها شده و توصیه کرده هرگز بر سر اصول مصالحه نکنید! خامنه‌ای هر زمان که در مسیر دوگانه‌ی اصلاحات و سرکوب مواجه شده، همیشه سرکوب را دوچندان کرده است.

الکسی دو توکویل سیاستمدار فرانسوی می‌گوید: «خطرناک‌ترین لحظه برای یک حکومت بد وقتی است که به دنبال اصلاح راه خود باشد.» خامنه‌ای می‌داند که لغو رسمی حجاب اجباری دروازه‌ای به سوی آزادی خواهد بود و از سوی بسیاری از ایرانیان به عنوان یک اقدام آسیب‌پذیر تعبیر خواهد شد، نه لطف و بخشش! او می‌داند ایرانیان فقط به آزادی پوشش رضایت نخواهند داد، بلکه جرأت پیدا می‌کنند تا تمام آزادی‌هایی را که در حکومت دینی از آنها سلب شده بگیرند از جمله آزادی نوشیدن، خوردن، خواندن، عشق ورزیدن، تماشا کردن، گوش دادن و مهمتر از همه، گفت‌وگوهای که می‌خواهند.

نشانه‌هایی از شکاف درون نظام نیز وجود دارد. در حالی که برخی از مقامات پیشنهاد کرده‌اند «گشت ارشاد» جمع شود،

● کریم سجادیپور تحلیلگر سیاسی عضو بنیاد «کارنگی برای صلح بین‌المللی» در مقاله‌ای برای «نیویورک تایمز» می‌نویسد در ایران نبردی تاریخی بین دو نیروی قدرتمند و آشتی‌ناپذیر شکل گرفته: جمعیتی عمدتاً جوان و مدرن و خواستار تغییر که به تمدن ۲۵۰۰ ساله‌ی خود افتخار می‌کنند در مقابل یک رژیم فرتوت و منزوی که ۴۳ سال بی‌رحمانه فقط به فکر حفظ قدرت بوده است.

● برداشت خامنه‌ای از سقوط سلطنت ایران در سال ۱۹۷۹، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و بهار عربی در سال ۲۰۱۱ این است که برای حفظ قدرت هرگز سازش نکنند. خامنه‌ای می‌داند که لغو رسمی حجاب اجباری دروازه‌ای به سوی آزادی خواهد بود و از سوی بسیاری از ایرانیان به عنوان یک اقدام آسیب‌پذیر تعبیر خواهد شد، نه لطف و بخشش! او می‌داند ایرانیان فقط به آزادی پوشش رضایت نخواهند داد، بلکه جرأت پیدا می‌کنند تا تمام آزادی‌هایی را که در حکومت دینی از آنها سلب شده بگیرند از جمله آزادی نوشیدن، خوردن، خواندن، عشق ورزیدن، تماشا کردن، گوش دادن و مهمتر از همه، گفت‌وگوهای که می‌خواهند.

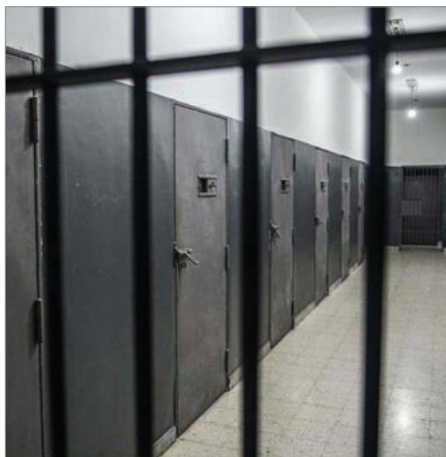
● اینکه درون سرویس‌های امنیتی ایران چه می‌گذرد نیز همچنان مثل یک جعبه سیاه است اما این احتمال وجود دارد که مانند ارتش تونس و مصر در سال ۲۰۱۱ برخی از آنها به این فکر کرده‌اند که آیا با از بین بردن دیکتاتور ممکن است منافع خود را حفظ کنند یا نه.

● تاریخ بارها نشان داده است که هیچ سرویس اطلاعاتی، تئوری سیاسی یا الگوریتمی نمی‌تواند بطور دقیق زمان و نتیجه قیام‌های مردمی را پیش‌بینی کند: سی‌آی‌ای در اوت ۱۹۷۸ کمتر از شش ماه قبل از سرنگونی پادشاهی در ایران، ارزیابی کرد که ایران حتا در یک «وضعیت پیش از انقلاب» هم قرار ندارد!

با تداوم خیزش سراسری در ایران حتا مدعیان «اصلاحات» به نقطه‌ای رسیده‌اند که می‌گویند مردم عزم خود را برای «تغییر رژیم» جزم کرده‌اند. تحلیلگران معتقدند حکومت سردرگم شده و ریزش‌ها در بدنه‌ی نظام شدت گرفته است.

کریم سجادیپور تحلیلگر سیاسی عضو بنیاد «کارنگی برای صلح بین‌المللی» در مقاله‌ای که «نیویورک تایمز» ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر) منتشر کرد با طرح این پرسش که «آیا مردم ایران آیت‌الله‌ها را سرنگون می‌کنند؟! با اشاره به تداوم سه ماهه اعتراضات می‌نویسد در ایران نبردی تاریخی بین دو نیروی قدرتمند و آشتی‌ناپذیر شکل گرفته: جمعیتی عمدتاً جوان و





۷۰ روزنامه‌نگار طی سه ماه گذشته بازداشت شدند؛ ۳۵ روزنامه‌نگار همچنان بلا تکلیف هستند

● طی سه ماه گذشته ۷۰ روزنامه‌نگار بازداشت شده‌اند که حدود نیمی از آنان را با قرار وثیقه آزاد کرده‌اند.

● کمیته و هیئت اجرایی پیگیری وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران همچنین خبر داد تعداد قابل توجهی از روزنامه‌نگاران نیز «احضار» شده‌اند.

کمیته و هیئت اجرایی پیگیری وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، فهرستی از وضعیت ۳۵ روزنامه‌نگاری که در جریان اعتراضات اخیر ایران دستگیر شده و همچنان در بازداشت بسر می‌برند، منتشر کرده است. بر اساس گزارش این انجمن، از آغاز خیزش انقلابی مردم ایران تاکنون و بر مبنای گزارش‌های رسمی و غیر رسمی، حدود ۷۰ روزنامه‌نگار بازداشت شده‌اند که حدود نیمی از آنان را با قرار وثیقه آزاد کرده‌اند.

کمیته و هیئت اجرایی پیگیری وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران همچنین خبر داد علاوه بر این بازداشت‌ها، تعداد قابل توجهی از روزنامه‌نگاران نیز «احضار» شده‌اند.

در این گزارش اسامی، زمان و مکان بازداشت شماری از روزنامه‌نگاران بازداشت شده، به شرح زیر آمده است:

علی خطیب‌زاده، روزنامه‌نگار خبرگزاری موکریان

زمان بازداشت: ۲۹ شهریور سقز

مرضیه طلائی، روزنامه‌نگار خبرگزاری موکریان

زمان بازداشت: ۲۹ شهریور سقز

مسعود کردپور، مسوول آژانس خبری موکریان

زمان بازداشت: ۲۹ شهریور بوکان

یلدا معیری، عکاس خبری (بازداشت در حین فعالیت رسانه‌ای)

زمان بازداشت: ۳۰ شهریور تهران

هاشم مودن‌زاده، فعال رسانه‌ای

زمان بازداشت: ۳۰ شهریور تهر

نیلوفر حامدی، روزنامه‌نگار شرق

زمان بازداشت: ۳۱ شهریور تهران

هدی توحیدی، خبرنگار

زمان بازداشت: ۳۱ شهریور

زهرا توحیدی، خبرنگار سیاسی

زمان بازداشت: ۳۱ شهریور،

روح‌الله نخعی، روزنامه‌نگار

زمان بازداشت: اول مهر

علیرضا خوشبخت، روزنامه‌نگار حق‌التحریر

زمان بازداشت: اول مهر

ویدا ربانی روزنامه‌نگار حق‌التحریر

زمان و محل بازداشت: دوم مهر تهران

آریا جعفری، عکاس خبرگزاری ایسنا اصفهان

زمان و محل بازداشت: سوم مهر اصفهان

علیرضا جباری دارستانی، خبرنگار اجتماعی مهر

زمان و محل بازداشت: سوم مهر تهران

مهرنوش طافیان، خبرنگار محلی در خوزستان

زمان و محل بازداشت: ششم مهر اهواز

الهه محمدی، روزنامه‌نگار هم‌میهن

زمان و محل بازداشت: هفتم مهر تهران

نسرین حسینی، خبرنگار روزنامه محلی اتفاقیه

زمان و محل بازداشت: هشتم مهر بجنورد

اشکان شمی‌پور، فعال رسانه‌ای اهل خوزستان

زمان بازداشت: ۹ مهر

شهریار قنبری، مدیر مسوول نشریه بادبان

زمان و محل بازداشت: ۱۰ مهر خرم‌آباد

امید طحان بیدهنی، خبرنگار آزاد و سابق خبرگزاری مهر

زمان و محل بازداشت: ۱۲ مهر تهران

محمد زارع فومنی، مدیر مسوول روزنامه صدای اصلاحات

زمان بازداشت: ۱۷ مهر

صبا شعردوست، خبرنگار حق‌التحریر

زمان بازداشت: ۱۹ مهر

افشین غلامی، سردبیر ماهنامه تفکر انتقادی

زمان بازداشت: از تاریخ ۲۰ مهر تاکنون «مفقودالثر» شده است

فرخنده آشوری، خبرنگار آزاد و خبرنگار سابق خبرگزاری فارس

زمان و محل بازداشت: ۲۵ مهر شیراز

فرزانه یحیی‌آبادی، خبرنگار محلی در آبادان

زمان بازداشت: ۲۷ مهر

ملیحه درکی، عکاس و خبرنگار در شیراز

زمان و محل بازداشت: چهار آبان آبادان

احسان پیربرناش، روزنامه‌نگار ورزشی و طنزنویس

زمان بازداشت: شش آبان

نازیلا معروفیان، خبرنگار رویداد ۲۴ و خبرنگار سابق دیده‌بان ایران

زمان بازداشت: هشت آبان (پس از انتشار مصاحبه با پدر

مهسا امینی)

مرضیه (زینب) امیری قهفرخی، روزنامه‌نگار فعال حوزه زنان

و کارگری

زمان بازداشت: ۱۰ آبان

سجاد رحمانی، روزنامه‌نگار گیلانی و عضو خانه مطبوعات گیلان

زمان بازداشت: ۲۲ آبان

فهیمة نظری، خبرنگار حوزه تاریخ

زمان بازداشت: ۲۳ آبان

فاطمه ناصررنجبر، روابط عمومی دیجی کالا

زمان بازداشت: آبان ماه

رضا اسدآبادی، خبرنگار حوزه کارگری خبرگزاری ایلنا

زمان بازداشت: دوم آذر

امید هرمزی، روزنامه‌نگار ورزشی

زمان بازداشت: سوم آذر

مریم وحیدیان، خبرنگار حوزه کارگری و شبکه شرق

زمان و محل بازداشت: ششم آذر، خانه‌اش در تهران

حسین یزدی، مدیر رسانه‌های ایران تایمز و مبین ۲۴

زمان و محل بازداشت: ۱۴ آذر اصفهان

→ اسلامی نیز مدت‌هاست که با ارباب و وحشت‌آفرینی حکومت می‌کند، اما نشانه‌های زیادی وجود دارد که ترس مردم در حال از بین رفتن است. ورزشکاران و بازیگران زن حجاب از سر برمی‌دارند و زندانیان سیاسی مانند حسین رونقی با وجود زندان و شکنجه همچنان مخالفت خود با رژیم را علنی اعلام می‌کنند. همچنین گشتار معترضان بجای جلوگیری از اعتراضات، اغلب منجر به برگزاری مراسم سوگواری می‌شود که تظاهرات را تداوم می‌بخشد.

اگر ایدئولوژی «ضدامپریالیسم» اساس سازماندهی و اتحاد نیروی مخالف در سال ۱۳۵۷ بود، اصول سازماندهی جنبش اجتماعی-اقتصادی و قومی امروز، بر اساس کثرت‌گرایی و میهن‌دوستی قرار گرفته است. چهره‌های این جنبش نه ایدئولوگ‌ها یا روشنفکران، بلکه ورزشکاران، موسیقیدانان و مردم عادی به ویژه زنان و اقلیت‌های قومی هستند که شجاعت غیرقابل توصیفی از خود نشان داده‌اند. شعارهای آنها میهن‌دوستانه و مترقی است از جمله «ما از ایران نمیریم، ایران را پس می‌گیریم» و «زن، زندگی، آزادی».

خواسته‌های جنبش کنونی بطور درخشان در آهنگ شروین حاجی‌پور به نام «برای» که به سرود اعتراضات بدل شده طنین‌انداز گشت: ترانه‌ای که «بهشت اجباری» را به چالش می‌کشد و داشت یک زندگی عادی را آرزو می‌کند.

از سوی دیگر، برخی مقامات ارشد اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل اخیراً اعلام کردند که معتقدند اعتراضات در ایران برای رژیم تهدید جدی محسوب می‌شود. اما تاریخ بارها نشان داده است که هیچ سرویس اطلاعاتی، تئوری سیاسی یا الگوریتمی نمی‌تواند بطور دقیق زمان و نتیجه قیام‌های مردمی را پیش‌بینی کند: سی‌آی‌ای در اوت ۱۹۷۸ کمتر از شش ماه قبل از سرنگونی پادشاهی در ایران، ارزیابی کرد که ایران حتا در یک «وضعیت پیش از انقلاب» هم قرار ندارد!

این به این دلیل است که حتا خود بازیگران این معادله- در این مورد مردم و رژیم ایران- نمی‌توانند پیش‌بینی کنند که در جریان این رویداد چگونه رفتار خواهند کرد.

عباس امانت استاد تاریخ معتقد است یکی از کلیدهای ماندگاری تمدن ایران، که مربوط به دوران ۲۵۰۰ سال پادشاهی است، قدرت فرهنگ و تمدن ایرانی در برابر بیگانگان و متخاصم است. امانت به نیویورک تایمز می‌گوید: «برای نزدیک به دو هزار سال، فرهنگ سیاسی ایرانی و در معنایی وسیع‌تر، گنجینه‌ی ابزار تمدن ایرانی با موفقیت توانست فاتحان ترک، عرب و مغول را تغییر دهد: «زبان فارسی، اسطوره‌ها و خاطرات تاریخی ماندگار شد. ایرانیان متجاوزان را متقاعد کردند که از فرهنگ والای ایرانی در شعر، غذا، نقاشی، شراب، موسیقی، جشنواره‌ها و آداب قدردانی کنند.»

از همین رو نیز وقتی روح‌الله خمینی در سال ۱۳۵۷ به قدرت رسید، انقلاب فرهنگی را پیاده کرد. او در پی آن بود که هویت کاملاً اسلامی را جایگزین میهن‌دوستی ایرانی کند. علی‌خامنه‌ای هم همان روال را ادامه داد، اما خودش از معدود مؤمنان واقعیست که باقی مانده‌اند. در حالی که جمهوری اسلامی به دنبال تسلط بر فرهنگ ایرانی بود، این فرهنگ و میهن‌پرستی ایرانی است که جمهوری اسلامی را تهدید به نابودی می‌کند.

کریم سجادپور در پایان می‌نویسد «چهار دهه قدرت سخت جمهوری اسلامی در نهایت توسط دو هزاره‌ی قدرت نرم فرهنگی ایران شکست خواهد خورد. پرسش دیگر این نیست که آیا این اتفاق می‌افتد یا نه، بلکه این است که چه زمانی؟! تاریخ به ما آموخته است که بین شجاعت یک اپوزیسیون و عزم یک رژیم رابطه معکوس وجود دارد و فروپاشی استبداد اغلب از رویدادی غیرقابل تصور به مرور به ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل می‌شود.»

تکان دهنده؛ بار دیگر چوبه‌های دار برای بقای نظام؛ حکم اعدام ماهان صدرات از بازداشت‌شدگان اعتراضات به اجرای احکام رفت

جمهوری اسلامی در ارتباط با مخالفان و معترضان کاری جز حذف و اعدام انجام نداده است. جرم همه نیز مخالفت با نظام است!

محسن شاکری نیز مانند ماهان نه فردی را کشته بود نه حتی در قتل مشارکت داشت. او به دلیل «بستن خیابان ستارخان» و با ادعای زخمی کردن یک بسیجی به «محاربه» متهم و به «اعدام» محکوم شد. بسیجی مسلح و سرکوبگری که در زمان بازداشت محسن شاکری زخمی شده بود، صحیح و سالم است و فقط شانه او یک خراش عمیق برداشته و بخیه خورده بود! فاصله بازداشت تا برگزاری دادگاه، صدور حکم و اجرای حکم درباره محسن شاکری نیز مانند ماهان صدرات به سرعت و غیرمعمول پیش رفت بطوری که محسن سوم مهرماه بازداشت و ۷۵ روز بعد اعدام شد.

شمار دیگری از بازداشت‌شدگان اعتراضات نیز با اتهامات «محاربه» و «افساد فی الارض» روبرو هستند. اتهاماتی که دست قاضی یا همان حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب اسلامی را برای صدور حکم اعدام باز گذاشته و حتی اگر شاکیان پرونده رضایت بدهند، باز حکم اعدام به دلیل نوع اتهام که موضوع مدعی‌العموم است قابل اجرا خواهد بود.

برخی از شهروندان بازداشت‌شده که با دو اتهام سنگین «محاربه» و «افساد فی الارض» روبرو شدند به «اعدام» محکوم شده و برخی دیگر هنوز در انتظار تشکیل دادگاه یا صدور حکم از سوی حاکم شرع هستند.

به گزارش سازمان عفو بین‌الملل، ۱۲ شهروند که در اعتراض‌های هفته‌های اخیر بازداشت شده بودند، حکم اعدام گرفته‌اند. هنوز آمار مشخصی از شهروندانی که با خطر اعدام روبرو هستند در دست نیست. برخی منابع شمار شهروندان در معرض اعدام به دلیل اتهامات «محاربه» و «افساد فی الارض» را بیش از ۲۶ نفر عنوان می‌کنند.

در یکی از پرونده‌هایی که حکم آن هفته گذشته از سوی دادگاه انقلاب کرج اعلام شد ۱۶ شهروند شامل یک زن و پانزده مرد به اتهام قتل یک بسیجی محاکمه شدند. کل دادگاه فقط سه جلسه و طی شش روز برگزار شد.

این دادگاه برای پنج نفر حکم اعدام و برای ۱۱ متهم دیگر از جمله سه نوجوان ۱۷ تا ۱۸ ساله «حبس‌های طولی‌المدت» تا ۲۵ سال صادر کرده است. متهمان این پرونده همگی از شرکت‌کنندگان در مراسم چهلم حدیث نجفی در کرج هستند که توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشته شد. پس از برگزاری این مراسم نیروهای امنیتی، لباس شخصی و ضد شورش به مردم حمله‌ور شدند و در پی درگیری مردم با مأموران یک بسیجی مسلح که به سرکوب مردم مشغول بود، به نام روح‌الله عجمیان کشته شد.

هرچند رسانه‌های داخلی نام متهمان این پرونده را کامل منتشر نکردند اما بر اساس گزارش‌ها محمد مهدی کرمی، سیدمحمد حسینی، حمید قره‌حسنلو، رضا آریا و حسین محمدی پنج شهروندی هستند که به اعدام محکوم شده‌اند. محمد مهدی کرمی از جمله متهمان ردیف اول این پرونده، ورزشکار حرفه‌ای و قهرمان کاراته است که چندین مدال در کارنامه ورزشی خود دارد.

حمید قره‌حسنلو رادیولوژیست ۵۳ ساله در کرج و از نیکوکاران جامعه پزشکی کشور است که به همراه همسرش بازداشت شد. برخی منابع اعلام کرده‌اند او از دروایش ←



ماهان صدرات

خبر داده و گفته است که این حکم به واحد اجرای احکام ارجاع داده شده است.

کاظم صدرات گفته که «عصر چهارشنبه، جلسه برگزار کردیم، رضایت شاکیان را جلب کردیم، دست این و آن را بوسیدیم تا این پرونده ختم به خیر شود. به قاضی پرونده همه مسائل اعلام شد، ما منتظر ختم به خیر شدن بودیم ولی امروز صبح یکی از وکلای پرونده با ما تماس گرفت و گفت که ساعت ۸ و نیم صبح ابلاغیه‌ای آمده که در آن قید شده که حکم ماهان به اجرای احکام ابلاغ شده است.»

پدر ماهان گفته که «ما حتی از زمان اجرای حکم هم خبر نداریم. می‌گویند پرونده امنیتی است و نمی‌دانیم چه کاری باید انجام دهیم. نمی‌دانم چه خاکی به سرم کنم. ماهان متولد ۷۸ است. او بارها در جلسه دادگاه گفته که چاقو دست او نبوده است اما حکم محاربه به ماهان دادند و حالا هم می‌گویند پرونده به اجرای احکام رفته است.»

همچنین روز پنجشنبه ۱۷ آذر نیز محمدرضا قنبرطلب یکی از شاکیان خصوصی پرونده به «شرق» گفته بود که همه شاکیان این پرونده از شکایت خود گذشته و اعلام رضایت کرده‌اند. به نظر می‌رسد گنجاندن اتهام «محاربه» علیه ماهان به این دلیل بوده که اگر شاکیان خصوصی رضایت دهند، باز هم قوه قضاییه بتواند به بهانه اتهام «محاربه» که به «مدعی‌العموم» نیز مربوط می‌شود، رضایت شاکیان را نادیده گرفته و حکم اعدام را اجرا کند!

بر اساس فایل صوتی که از تماس تلفنی ماهان صدرات با دوست دخترش امروز شنبه ۱۹ آذر منتشر شده، او برای رفع نگرانی از دوستش اطمینان می‌دهد که «نگران نباش! دو هفته تحمل کن؛ میام بیرون.»

تصمیم جمهوری اسلامی به اجرای حکم اعدام ماهان صدرات دو روز پس از اعدام محسن شاکری جوان ۲۳ ساله است که در جریان اعتراضات در خیابان ستارخان بازداشت شده بود. جمهوری اسلامی مطلقاً نه به اعتراضات شهروندان در شبکه‌های اجتماعی، نه به پیام‌ها و بیانیه‌ها و واکنش‌های بین‌المللی اعتنايي ندارد و مسیر سرکوب مرگبار و کشتار را پیش گرفته است. هر آنکه را بتواند در خیابان به قتل می‌رساند و هر آنکه دستگیر شود در زندان با تکیه بر قوانین واپسمانده و ضدبشری با قتل دولتی حذف می‌کند. در تمام ۴۴ سال گذشته

● در کمتر از ۴۰ روز از برگزاری دادگاه، حکم اعدام ماهان صدرات صادر و با وجود رضایت شاکیان، حکم اعدام او به اجرای احکام ابلاغ شده است.

● پدر ماهان صدرات: ما حتی از زمان اجرای حکم هم خبر نداریم. می‌گویند پرونده امنیتی است و نمی‌دانیم چه کاری باید انجام دهیم. نمی‌دانم چه خاکی به سرم کنم!

● بر اساس فایل صوتی که از تماس تلفنی ماهان صدرات با دوست دخترش امروز شنبه ۱۹ آذر منتشر شده، او برای رفع نگرانی از دوستش اطمینان می‌دهد که «نگران نباش! دو هفته تحمل کن؛ میام بیرون.»

● گنجاندن اتهام «محاربه» علیه ماهان به این دلیل بوده که اگر شاکیان خصوصی رضایت دهند، باز هم قوه قضاییه بتواند به بهانه اتهام «محاربه» که به مدعی‌العموم نیز مربوط می‌شود، رضایت شاکیان را نادیده گرفته و حکم اعدام را اجرا کند!

● برخی از شهروندان بازداشت‌شده که دو اتهام سنگین «محاربه» و «افساد فی الارض» به آنها زده شده، به «اعدام» محکوم شده و برخی دیگر هنوز در انتظار تشکیل دادگاه و صدور حکم از سوی قاضی یا همان حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی هستند.

حکم اعدام ماهان صدرات یکی از بازداشت‌شدگان خیزش ملی صبح امروز شنبه ۱۹ آذر و در روز جهانی حقوق بشر، به اجرای احکام ارجاع شده است. ابلاغ این حکم احتمال اجرای آن را طی ساعات و روزهای آینده افزایش داده و به نگرانی‌ها به شدت دامن زده است.

ماهان صدرات جوان ۲۳ ساله متولد سال ۱۳۷۸ از بازداشت‌شدگان اعتراضات که پیشتر در دادگاهی غیرقانونی به اعدام محکوم شده بود، در خطر سپرده شدن به چوبه‌دار قرار دارد. ماهان در حالی به اتهام «محاربه» به «اعدام» محکوم شده که به هیچ فردی آسیب وارد نکرده است. در کیفرخواست او آمده که «محاربه از طریق کشیدن سلاح سرد (چاقو) به نحوی که موجب ایجاد ناامنی و ترس در محیط شده است، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، آتش زدن موتورسیکلت و تخریب گوشی شاکسی خصوصی و ایراد جرح عمدی با چاقو نسبت به شاکسی!»

ماهان ۲۰ مهر در تهران بازداشت شد و ۱۲ آبان در شعبه بیست‌وشش دادگاه انقلاب تهران به اتهام «محاربه» و «اقدام علیه امنیت ملی» محاکمه شد. اکنون در کمتر از ۴۰ روز از برگزاری دادگاه، حکم اعدام او صادر و با وجود رضایت شاکیان، حکم اعدام او به اجرای احکام ابلاغ شده است.

ماهان صدرات از زمان بازداشت تا کنون در زندان تهران بزرگ (فشافویه) حبس بوده اما بر اساس آخرین گزارش‌ها به زندان «رجایی‌شهر» کرج منتقل شده است. انتقال او به زندان «رجایی‌شهر» می‌تواند نشان از آمادگی حکومت برای اجرای حکم اعدام او باشد.

ماهان صدرات مانند دیگر متهمانی که در اعتراضات هفته‌های گذشته بازداشت شده‌اند، از حق داشتن وکیل تعیینی (انتخابی) محروم بوده است. قاضی یا حاکم شرع در جلسه دادگاه به او اجازه دفاع نداده با اینهمه ماهان تأکید کرده که سلاح سرد نداشته و در ویدئویی هم که از مستندات دادگاه است، اثری از سلاح سرد نیست.

کاظم صدرات پدر ماهان در گفتگو با روزنامه «شرق» از تأیید حکم اعدام فرزندش در دیوان عالی رژیم جمهوری اسلام

چین حق حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه را نادیده گرفت؛ آیا جمهوری اسلامی «وجود» و جرأت اعتراض دارد؟!



نشست رئیس جمهوری چین کمونیست با رهبران شورای همکاری خلیج فارس

این بیانیه در حالی صادر شد که روز گذشته در پایان نشست سران عربستان و چین بیانیه مشترکی صادر شد که در آن بر لزوم تقویت همکاری‌های مشترک پکن و ریاض برای تضمین صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران تأکید شده است. دو طرف همچنین از جمهوری اسلامی ایران خواستند با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کند و به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پایبند باشد. آنها در بخش دیگری از بیانیه خود بر اهمیت احترام رژیم ایران به اصول حسن همجواری و عدم دخالت جمهوری اسلامی در امور داخلی کشورها تأکید کردند.

محمد جمشیدی معاون سیاسی دفتر ابراهیم رئیسی در واکنش به بیانیه نخست در تویییتی نوشته بود «همکاران چینی به یاد داشته باشند که وقتی سعودی و آمریکا از داعش و القاعده حمایت کردند، این ایران بود که با تروریست‌ها جنگید.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بارها بر ضرورت «راهبرد نگاه به شرق» تأکید کرده است از جمله در بهمن ۱۳۹۶ گفت «در سیاست خارجی، ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهای که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویتهای امروز ما است.»

اینهمه در حالیست که امارات حق حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه را به رسمیت نمی‌شناسد و این هم‌نویسی چین واقع در آسیای دور همراهی با امارات است که با واکنش کاربران در شبکه‌های اجتماعی روبرو شده است. احسان سلطانی پژوهشگر سیاسی در تویییتی خطاب به مقامات جمهوری اسلامی نوشته «حالا اگر وجود دارید سفیر چین را احضار کنید!»

کاربر دیگری به کنایه پرسیده آیا «وزارت خارجه جمهوری اسلامی جرأت دارد تایوان را به عنوان کشور مستقل شناسایی کند؟!»

● در «بند ۱۲» بیانیه مشترک رئیس جمهوری خلق چین و سران شورای همکاری خلیج فارس که ۱۸ آذر منتشر شد آمده «رهبران از تمامی تلاش‌های مسالمت‌آمیز شامل ابتکارها، پیشنهادهای امارات برای رسیدن به راهکار صلح‌آمیز برای حل مسئله سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، از راه مذاکرات دوجانبه بر مبنای قوانین بین‌المللی حمایت می‌کنند!»

● مواضع چین و هم‌نویسی با امارات چیزی جز نادیده گرفتن حق حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه نیست.

● این بیانیه با واکنش‌های منفی زیادی از سوی کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی مواجه شده است. یک پژوهشگر سیاسی در تویییتی خطاب به مقامات جمهوری اسلامی نوشته «حالا اگر وجود دارید سفیر چین را احضار کنید!». کاربر دیگری به کنایه پرسیده آیا جمهوری اسلامی جرأت دارد تایوان را به عنوان کشور مستقل به رسمیت بشناسد؟!

جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی آنقدر دچار ضعف است که سران کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و جمهوری خلق چین در بیانیه اجلاس پایانی مشترک خود خواستار حل مسالمت‌آمیز موضوع جزایر سه گانه (تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی) بین ایران و امارات شدند!

این بیانیه پس از آن صادر شد که چین و شورای همکاری خلیج فارس در بیانیه‌ای دیگر از رژیم ایران خواسته بودند که از «مداخله در امور داخلی کشورها» خودداری کند.

در «بند ۱۲» بیانیه مشترک رئیس جمهور چین و سران شورای همکاری خلیج فارس که ۹ دسامبر (۱۸ آذر) منتشر شد آمده «رهبران از تمامی تلاش‌های مسالمت‌آمیز شامل ابتکارها، پیشنهادهای امارات برای رسیدن به راهکار صلح‌آمیز برای حل مسئله سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، از راه مذاکرات ۲ جانبه بر مبنای قوانین بین‌المللی حمایت می‌کنند.»

گنابادی است. حمید قره‌حسنلو چنان شکنجه شده که دنده‌هایش شکسته و بخشی از ریه‌اش از کار افتاده و تصاویر منتشر شده از او در بیمارستان آثار ضرب و جرح و شکنجه را بر نقاط مختلف بدن او نشان می‌دهد.

در جلسه دادگاه نماینده دادستان گفته فرزانه قره‌حسنلو در بازجویی اعتراف کرده شوهرش یک لگد به بسیجی زده است. همچنین از ویدیویی که با موبایل از صحنه زد و خورد بسیجی گرفته شده هم به عنوان سند «کشف شده» در خانه این زوج نام برده شده است!

در همین جلسه دادگاه که در پی آن حمید قره‌حسنلو به «اعدام» محکوم شده، قاضی بارها او را «لیدر اغتشاشات» خطاب می‌کند در حالی که هربار این پزشک توضیح می‌دهد که مسیر به دلیل ترافیک بسته بوده و او و همسرش به همین دلیل از اتومبیل پیاده شده بودند. قاضی اصرار داشته که او لیدر اغتشاشات بوده و به همین دلیل با موبایلش فیلمبرداری کرده است.

حسین محمدی ۲۶ ساله جوان دیگر محکوم به اعدام در این پرونده نیز بازیگر حرفه‌ای تئاتر است. سعید روستایی کارگردان سرشناس آثاری مثل «ابد و یک روز» در واکنش به صدور حکم اعدام برای حسین محمدی نوشته که «این بازیگر توانا خشونت را حتی نمی‌تواند بازی کند. متهم نکند. نکشید. اعدام نکنید.»

نام‌های دیگری از شهروندان بازداشت شده که در پرونده‌هایی دیگر به «اعدام» محکوم شدند نیز منتشر شده است؛ نقطه مشترک همه این احکام، عدم پذیرش اتهامات از سوی متهمان و برگزاری سریع و عجولانه دادگاه و روند دادرسی غیرقانونی حتی بر مبنای قوانین ناکارآمد جمهوری اسلامی است.

سهند نورمحمدزاده متولد ۱۳۷۵ از شهروندان معترض در تهران است که مهر امسال بازداشت و ۱۶ آبان به اتهام محاربه در شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب تهران محاکمه شد. اتهام «محاربه از طریق تخریب و ایجاد حریق در وسایل عمومی به منظور اخلال در نظم و امنیت کشور و مقابله با حکومت اسلامی، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و اخلال در نظم و آسایش عمومی از طریق شرکت در تجمعات» به او بسته شده است.

در حالی که سهند نیز به هیچ فردی آسیب نرسانده اما به اعدام محکوم شده است. بر اساس گزارش‌ها سهند برای اعتراف و اقرار زیر فشارهای شدید روانی قرار داشته بطوری که در طول بازداشت او را سه بار پای چوبه دار برده و همه فرایندهای اعدام بجز کشیدن چارپایه از زیر پای محکوم را انجام داده‌اند.

سامان یاسین (صدیدی) خواننده و هنرمند محبوس در زندان «رجایی‌شهر»، محسن هاشم‌زهی ۲۴ ساله محبوس در زندان زاهدان، محمد بروغنی بازداشت شده در پاکدست، مجیدرضا رهنورد بازداشت شده در مشهد، اکبر غفاری بازداشت شده در تهران از دیگر بازداشت‌شدگان اعتراضات هستند که به اعدام محکوم شده‌اند.

شمار دیگری از شهروندان بازداشت شده از جمله محمد قبادلو، امیر نصر آزادانی، پژمان فاطمی، مهسا محمدی، محسن مظلوم، محمد فرامرزی، وفا آذربار، فهیمه کریمی، سهیل خوشدل، جواد زرگران، بهراد علی کناری، محمدمامین اخلاقی، شایان چارانی، مهدی محمدی، آرین فرزام‌نیا، توماج صالحی، امیرمهدی جعفری، امین‌مهدی شکرالهی، محمد حسینی، نجیب محمدی، رضا شاکر زواردهی، علی معظمی گودرزی از دیگر متهمانی هستند که اتهام «افساد فی الارض» و یا «محاربه» به آنها زده شده است و گفته می‌شود حکم اعدام نیز علیه برخی از آنان صادر شده است.

رئیس سابق صداوسیما: مدیران و مقامات جمهوری اسلامی اسلامی یا ادامه دهند و شریک ظلم باشند یا استعفا دهند



محمد سرافراز

می‌کند و سیستم امنیتی هم اختیار تام دارد و هر کاری بخواهد می‌کند و خب هر کسی [سیستم امنیتی خارجی] هم بخواهد کاری داخل کشور کند از همین طریق می‌آید و نه از طریق یک خبرنگار بدبختی که آمده چهار تا عکس بگیرد و گزارش تهیه کند. کما اینکه اسرائیل همین کار را کرده، درست در زمانی که آقای طائب در پیکره صداوسیما جاسوس‌تراشی می‌کرد، اسرائیلی‌ها آمدند دانشمندان هسته‌ای را ترور کردند، اسناد هسته‌ای را ربودند، مراکز هسته‌ای را منفجر کردند. هیچکدام هم مشخص نشد و اینکه [نهادهای امنیتی] می‌گویند کشف کردیم... همه ساختگی است.»

محمد سرافراز همچنین گفته «در سال‌هایی که باید اصلاحاتی به شکل ساختاری و اساسی صورت می‌گرفت، اتفاقی نیفتاده و روشی که در پیش گرفته شده برخورد با مردم و تحت فشار قرار دادن آنها در عرصه‌های مختلف، در زندگی اجتماعی و فردی‌شان، با این تصور که هرچه بیشتر فشار وارد کنیم، متهم‌شان کنیم، بهتر موفق می‌شویم، نشان داده که این روش‌ها جواب نمی‌دهد و اوضاع را بدتر می‌کند.» وی افزوده: «ما در جایی قرار گرفتیم که وقتی کارکرد دستگاه‌ها از بین می‌رود و کسی که مسئول هست نمی‌تواند به وظیفه خودش عمل کند و مجبور است به ظلم کمک کند، به بی‌عدالتی کمک کند، در موقعیتی هستیم که مسئولین باید انتخاب کنند؛ مسئولین ارشد کشور، مسئولین دستگاه‌های مختلف؛ هم این دستگاه‌ها از کارکرد اصلی خودشان خارج شوند و هم از چشم ملت افتادند و بی‌اعتمادی ایجاد شده؛ صحبت من اینجا اینست که ما در همین وضعیت قرار گرفتیم و کسانی که مسئولند... از پزشکی قانونی تا دولت تا وزارتخانه‌ها... یا باید ادامه دهند و شریک بی‌عدالتی و ظلم و جرم باشند یا باید استعفا بدهند و کنار بکشند؛ این حداقل کاری است که باید انجام دهند.»

محمد سرافراز در بخش دیگری از سخنان ساختار جمهوری اسلامی را آلوده به «فساد سیستماتیک» و «دروغ سیستماتیک» عنوان کرده و گفته که «اقتصاد ما در کلان به این شکل است که دولت‌ها هزینه و مخارج خود را بالا می‌برند در حالی که متناسب با آن درآمد ندارند لذا از طریق نظام بانکداری ناکارآمد و فاسد پول چاپ می‌کنند، نرخ ارز را افزایش می‌دهند و در نهایت با مکانیزم‌های

محمد سرافراز در بخشی از این گفتگو با اشاره به وضعیت نهادهای موازی امنیتی گفته که در حوزه مسائل امنیتی «کار به جایی رسیده که به تدریج قدرت نهادهای امنیتی بیشتر شده است. در نهادهای امنیتی، افرادی با اسم مستعار و ناشناخته وجود دارد که دارای اختیارات فوق‌العاده زیادی شده‌اند یعنی می‌توانند حتی به قضاوت قوه قضاییه بگویند چه جور حکم بدهید، چه جور زندانی کنید و...»

او درباره عملکرد نهادها و جریان‌های امنیتی موازی در جمهوری اسلامی نیز افزوده که «بخش زیادی از کارهای اینها خلاف قانون اساسی است اما چون کسی وجود ندارد با این افراد برخورد کند، هر کاری که دلشان می‌خواهد می‌کنند. ما می‌بینیم در اتفاقات روزهای اخیر و سال ۹۸ سیستم امنیتی ما هیچ چیزی را بر عهده نمی‌گیرد. در سال ۱۳۹۸ از ۳۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر کشته اعلام شده است اما حتی یک مورد وجود نداشته که بیابند بگویند ما اشتباه کرده‌ایم. هیچ چیزی بر عهده نمی‌گیرند و وقتی سیستم را در حالت امنیتی قرار می‌دهند تمام نهادها را از کارکرد خود خارج می‌کنند.»

او که همواره از منتقدان عملکرد مجتبی خامنه‌ای و تیم همراه او از جمله حسین طائب بوده، در این گفتگو نیز با اشاره به نقش مجتبی خامنه‌ای در سرکوب‌ها گفته «پیام من این است که این روش برخورد و زدن و گرفتن و کشتن جواب نخواهد داد و دیر یا زود به بن‌بست می‌رسد و باید این روش را کنار گذاشت و باید به پایان برسد.»

به گفته محمد سرافراز، تیم مجتبی خامنه‌ای و طائب سال‌هایی که او ریاست سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی را به عهده داشته در تلاش بودند بر این سازمان مسلط شوند و به همین دلیل هم با «جاسوس‌سازی» و «جاسوس‌نمایی» و «نفوذ تراشی» به دنبال این بوده‌اند واقعیت مهمی که تا به امروز پنهان مانده روشن نشود و آن «نفوذ زیاد دستگاه امنیتی اسرائیل موساد و دستگاه امنیتی آمریکا سازمان سیا از طریق همین سیستم‌های امنیتی» کشور است.

رئیس سابق صداوسیما جمهوری اسلامی در ادامه گفته که اتفاقاً دستگاه امنیتی دیگر کشورها از جمله موساد اگر بخواهد در جمهوری اسلامی نفوذ کند از طریق همین دستگاه‌های امنیتی نفوذ می‌کند چون «فهمیده‌اند که این نظام وقتی دچار مشکل می‌شود به سیستم امنیتی رجوع

● رئیس سابق سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی: «در نهادهای امنیتی، افرادی با اسم مستعار و ناشناخته وجود دارد که دارای اختیارات فوق‌العاده زیادی شده‌اند یعنی می‌توانند حتی به قضاوت قوه قضاییه بگویند چه جور حکم بدهید، چه جور زندانی کنید و...»

● «این روش برخورد و زدن و گرفتن و کشتن جواب نخواهد داد و دیر یا زود به بن‌بست می‌رسد و باید این روش را کنار گذاشت و باید به پایان برسد.»

● «شرکت‌های خصولتی یا رانتی در همه ارگان‌های دولتی و حکومتی وجود دارند. اقتصاد کلان کشور در دست اینها است که امکان رقابت عادلانه را از مردمی که یک سرمایه‌ای در اختیار دارند گرفته است.»

محمد سرافراز رئیس پیشین سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی در یک گفتگوی ویدئویی که به تازگی منتشر شده عنوان کرده که نظام «به فلاکتی رسیده که نمی‌تواند به کوچک‌ترین خواسته‌های مردم جواب دهد». محمد سرافراز که ادعا شده هم‌اکنون در ایران است، در این مصاحبه گفته مدیران و مقامات سازمان‌های حکومتی «یا باید ادامه دهند و شریک بی‌عدالتی و ظلم و جرم باشند یا باید استعفا بدهند و کنار بکشند؛ این حداقل کاری است که باید انجام دهند.»

شهرزاد میرقلی‌خانی کارمند پیشین «پرس تی‌وی» وابسته به صداوسیما حکومت در زمان ریاست محمد سرافراز به تازگی ویدئوی گفتگوش با سرافراز را در یوتیوب منتشر کرده است. او با انتشار لینک این گفتگو در صفحه توئیترش نوشته که «زمان ضبط ویدئوها مربوط به گذشته است. الان من در آلمان هستم و سرافراز در تهران.»

در این گفتگو که تاریخ آن اول نوامبر ۲۰۲۲، برابر با دهم آبان ۱۴۰۱، عنوان شده، محمد سرافراز که پیراهن سیاه بر تن دارد با اشاره به نقش مجتبی خامنه‌ای فرزند علی خامنه‌ای که از او به عنوان جانشین احتمالی رهبر جمهوری اسلامی یاد می‌شود، تأکید می‌کند «روش حکمرانی» جمهوری اسلامی «قابل دوام» نیست. وی با اشاره به سرکوب مردم معترض در کشور می‌گوید که «این روش برخورد و زدن و گرفتن و کشتن جواب نخواهد داد و دیر یا زود به بن‌بست می‌رسد و باید این روش را کنار گذاشت و باید به پایان برسد.»

برگزاری جلسات قرآن برای سرکوبگران! اعزام «آخوندهای آرامش‌بخش» به ۶۵ کلانتری تهران!



خبرگزاری بین‌المللی قرآن «ایکنا» گزارش داده برای پرسنل نیروی انتظامی در تهران کلاس قرآن برگزار می‌شود

استان با هشدار نسبت به «غفلت مسئولان در امور» گفته «دشمن از کوچک‌ترین خطای ما سوء استفاده کرده و بر طبل می‌کوبد، بنابراین باید مدیریت‌مان در حکومت دینی مبتنی بر امامت باشد بطوری که دائماً چشم و گوش‌مان به لسان مبارک مقام معظم رهبری باشد در اینصورت ضرر نمی‌کنیم.»

از سوی دیگر، در رده‌های مختلف نظام به ویژه از سوی روحانیون مدام در مورد «نفوذ در تمام دستگاه‌ها» هشدار داده می‌شود.

تداوم خیزش سراسری و اعتراضات با وجود سرکوب‌ها، دیدگاه کارکنان و نیروهای امنیتی را نسبت به واقعیت‌های موجود در جامعه تغییر داده و همزمان اختلاف بین آنها در ارزیابی از واقعیت را نیز تشدید کرده است. این در حالیست که علاوه بر تأثیر عواطف انسانی و فضای اجتماعی بر روی ذهن نیروهای سرکوبگر و درگیر شدن بخشی از آنها با عذاب وجدان، می‌بایست بر نقش مقاومت مردم و تأثیر «دفاع مشروع» در عقب‌نشینی و ریزش نیروهای نظامی و امنیتی تأکید کرد. در هفته‌های اخیر شمار زیادی از مأموران نیروی انتظامی در جریان اعتراضات کشته و زخمی شدند. در بعضی شهرها نیز مردم آنها را شناسایی کرده و در ساعات خارج از خدمت برخی را گوشمالی داده‌اند.

گزارش‌ها حاکیست در کلاس‌های «بصیرت‌افزایی» و مغزشویی که نظام برای تقویت روحیه نیروهای سرکوبگر به راه انداخته، علاوه بر تأکید روی ضرورت «دفاع از نظام دینی و نماینده امام زمان» یعنی سیدعلی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی «در برابر فتنه و اغتشاشات» به پرسنل نیروی انتظامی در مورد پیامدهای سقوط احتمالی نظام هشدار داده می‌شود و آخوندها برای آنها در این زمینه موعظه می‌کنند. در واقع پرسنل را می‌ترسانند که اگر نظام سقوط کند آنها نیز توسط مردم مجازات می‌شوند. حال آنکه این پرسنل اگرچه بخشی از بدنه نظام هستند ولی مسئولیتی که متوجه مقامات رژیم و آمران و فرماندهان آنهاست، متوجه آنها نیست که هر لحظه می‌توانند با پیوستن به مردم، سمت درست را انتخاب کرده و هم به سقوط نظام یاری رسانند و هم از کشتار بیشتر مردم جلوگیری کنند.

● موازی با پولپاشی بین نیروهای مسلح به ویژه نیروی انتظامی برای جلوگیری از ریزش‌ها در میان این نیرو جلسات قرآن و «بصیرت‌افزایی» نیز برای مغزشویی برگزار می‌شود.

● حجت‌الاسلام جعفر موحدیان رئیس عقیدتی سیاسی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ می‌گوید به ۶۵ کلانتری تهران روحانی اعزام شده تا سؤالات و موضوعات اعتقادی و سیاسی آنها را پاسخ بدهند که «باعث آرامش این مأموران خواهد شد!»

● آیت‌الله فلاحتی‌نماینده خامنه‌ای در گیلان در نشست با فرماندهان نیروی انتظامی این استان با هشدار نسبت به «غفلت مسئولان در امور» گفته «دشمن از کوچک‌ترین خطای ما سوء استفاده کند.»

● در رده‌های مختلف نظام به ویژه از سوی روحانیون مدام در مورد «نفوذ در تمام دستگاه‌ها» هشدار داده می‌شود. حکومت جمهوری اسلامی برای جلوگیری از ریزش در نیروهای مسلح به ویژه در میان پرسنل نیروی انتظامی که مستقیم در صف اول سرکوب‌ها قرار دارند روش‌های مختلفی را در پیش گرفته که یکی از اصلی‌ترین آنها پولپاشی است. اما از آنجا که به نظر می‌رسد با پولی که مشکلی از این پرسنل را حل نمی‌کند، باز هم نمی‌توان اعتماد زیادی به آنها داشت، موازی با آن جلسات قرآن و «بصیرت‌افزایی» جهت تشدید مغزشویی نیز برگزار می‌شود.

در همین ارتباط، حجت‌الاسلام جعفر موحدیان رئیس عقیدتی سیاسی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ از حضور روحانیون مشاور در ۶۵ کلانتری تهران خبر داده است.

وی می‌گوید «رسالت اصلی این افراد در کلانتری‌ها مشاوره برای کارکنان خودمان است یعنی حضور روحانی در بین نیروهای وظیفه و نیروهای کادر است تا سؤالات و موضوعات اعتقادی، سیاسی و... این عزیزان را پاسخ دهند.» موحدیان در عین حال توضیح داده حضور این آخوندها در کلانتری‌ها «با توجه به مأموریت‌های سخت و آسیب‌زای پلیس» است و «باعث آرامش این مأموران خواهد شد!»

آیت‌الله رسول فلاحتی‌نماینده علی خامنه‌ای در گیلان نیز در نشست با فرماندهان نیروی انتظامی و آخوندها در این

➔ مختلف ارزش پول ملی را پایین می‌آورند در نتیجه آنها که درآمدهای کمی دارند از ناحیه این سیاست‌ها ضرر می‌کند و فاصله طبقاتی در جامعه ما افزایش می‌یابد. در کنار این موضوع، شرکت‌های بزرگ رانتی با ماهیت مبهم خود در فساد اقتصادی نقش دارند.»

او در ادامه گفته که «این شرکت‌های خصولتی یا رانتی در همه ارگان‌های دولتی و حکومتی وجود دارند و زمانی که می‌خواهند به دولت گزارش دهند یا مالیاتی بپردازند، می‌گویند خصوصی هستیم و آنجایی که می‌خواهند از مزایا و رانت‌های قانونی استفاده کنند، خود را دولتی می‌نامند. این شرکت‌های خصولتی یا رانتی در همه ارگان‌های دولتی و حکومتی وجود دارند. اقتصاد کلان کشور در دست اینها است که امکان رقابت عادلانه را از مردمی که یک سرمایه‌ای در اختیار دارند گرفته است.»

سرافراز همچنین گفته که «این شرکت‌های بزرگ رانتخواه، هر جا ببینند سود کلانی وجود دارد، می‌روند و در آنجا چنبره می‌زنند. مثلاً یک زمانی اگر قرار باشد قیمت سکه و دلار افزایش پیدا کند، دلار و سکه بازار را جمع می‌کنند. در دوره تحریم‌ها هم عمده سود را همین شرکت‌های رانتی بردند چون در زمان تحریم اقتصاد مبهم می‌شود. یکی از دلایلی که موجب شده تا حالا ما در ماجرای برجام به نتیجه نرسیم یا تحریم‌ها پایان پیدا نکند، سود همین شرکت‌های رانتی است که از قبیل تحریم‌ها تأمین می‌شود.»

محمد سرافراز افزوده «در شرایطی قرار دارم که می‌دانم با زدن این حرف‌ها ممکن است هر نوع اتفاقی بیفتند و هر نوع برخوردی با من بشود، وصیتنامه هم نوشته‌ام.»

محمد سرافراز در سال ۱۳۹۳ با حکم علی خامنه‌ای به ریاست صداوسیما ریژیم رسید اما یک سال و نیم بعد در اردیبهشت ۱۳۹۵ استعفا داد. علت این استعفا کارشکنی مجتبی خامنه‌ای و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران عنوان شد. او پس از استعفا از صداوسیما همچنان عضو شورای حقوقی شورای عالی فضای مجازی باقی ماند.

شهرزاد میرقلی‌خان که با محمدسرافراز این گفتگو را انجام داده زندانی سابق در آمریکا است که ۱۵ سال پیش به اتهام تلاش برای ارسال تجهیزات نظامی به ایران در آمریکا بازداشت و محکوم شد و پنج سال در آن کشور زندانی بود. او پس از آزادی به عمان رفت و کمی بعد به عنوان مدیر روابط عمومی «پرس تی‌وی» رسانه انگلیسی‌زبان وابسته به جمهوری اسلامی منصوب شد.

پس از آنکه محمد سرافراز به عنوان ریاست صداوسیما حکومت فعالیت خود را آغاز کرد، شهرزاد میرقلی‌خانی را به عنوان بازرس ویژه منصوب کرد و ارتباط این دو نزدیک شد. پس از مدتی سازمان اطلاعات سپاه انقلاب اسلامی به ریاست وقت حسین طائب، شهرزاد میرقلی‌خانی را به جاسوسی متهم کرد. شهرزاد میرقلی‌خانی بار دیگر از ایران خارج شد و به عمان رفت و مدتی بعد هم محمد سرافراز از ریاست صداوسیما حکومت کناره‌گیری کرد.

طی سال‌های گذشته درباره ارتباطات محمد سرافراز و شهرزاد میرقلی‌خانی حاشیه‌های زیادی مطرح شده از جمله خبری مبنی بر اینکه در اردیبهشت ۹۸ محمد سرافراز به دیدار شهرزاد میرقلی‌خانی در یکی از کشورهای منطقه رفته و اسنادی را با خود برده و به او تحویل داده است. رسانه‌های اصولگرا این خبرها را تکذیب کردند. محمد سرافراز همچنین شهریور ۱۳۹۸ نسخه الکترونیک کتاب خاطراتش درباره ۲۴ سال حضورش در صداوسیما حکومت و دلایل استعفایش از مدیریت این سازمان را با نام «روایت یک استعفا» منتشر کرد که در آن نیز به فشار حسین طائب برای نفوذ در صداوسیما جمهوری اسلامی اشاره شده است.

امضای سند همکاری دستگاه قضایی جمهوری اسلامی با روسها در اوج سرکوبها



دیدار دادستان کل روسیه با محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی

- رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی: نباید به معترضانی که محکوم شده‌اند ارفاق کرد.
- مصطفی میرسلیم: فاصله بین دستگیری‌ها تا اعدام زیاد است!
- همزمان کارزار «کفالت سیاسی» در اروپا و بین سیاستمداران و مدافعان حقوق بشر گسترش می‌یابد. شماری از شهروندان و همچنین نمایندگان پارلمان آلمان «کفالت سیاسی» تعدادی از محکومان به اعدام در ایران را به عهده گرفته‌اند.
- ایگور کراسنوف دادستان کل روسیه به دعوت دادستان کل جمهوری اسلامی در سفر به تهران با دستگاه قضایی جمهوری اسلامی سند همکاری امضاء کرده است.
- حسین شریعتمداری: تنگه هرمز را ببندیم و کشتی‌های غربی را در تنگه هرمز مصادره کنیم ما ملت امام حسینیم!
- تهدید به بستن تنگه هرمز در سال‌های گذشته نیز بارها در ارتباط با برنامه اتمی و برای باج‌گیری عنوان شد اما جمهوری اسلامی هرگز جرأت نکرد دست به آن بزند از جمله به این دلیل که شریان خودش نیز قطع می‌شود. چه برسد به شرایط کنونی که به گفته‌ی ناظران و تحلیلگران، نظام در ضعیف‌ترین دوره‌ی عمر خود قرار گرفته و مباحث حول سقوط اجتناب‌ناپذیر آن دور می‌زند.

در شرایطی که احتمال اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن در سازمان ملل متحد به علت سرکوب

پولپاشی حکومت بین نیروهای مسلح برای هل دادن ماشین سرکوب؛ کارشناسان اقتصادی: پرداخت از کدام منبع؟!



اعتصاب کارکنان پتروشیمی سندج

اسلامی در مذاکرات وین پیش‌بینی کرده بود «هرچه توافق دیرتر شود، مشکلات اروپا در زمستان بیشتر می‌شود!» در تهران امیدوار بودند که بحران سوخت در اروپا در پی حمله نظامی روسیه به اوکراین باعث شود آنها در زمستان برای لغو تحریم‌ها علیه رژیم ایران امتیازات بیشتری بدهند اما وضعیت برعکس شد! قطع گاز چند واحد پتروشیمی و افزایش مصرف گاز با سرمایه هوا «زمستان سخت» پتروشیمی در خود ایران و با ناکارآمدی‌های مزمین جمهوری اسلامی آغاز شد. وبسایت «آفتاب» می‌نویسد بحران مدیریتی در حالی دومین دارنده منابع گازی جهان را دچار چالش جدی کرده است که رسانه‌های نزدیک به دولت مدت‌ها بود «زمستان سخت اروپا و التماس آنها برای گاز ایران» را نوید می‌دادند. برخی تحلیلگران می‌گویند هیچ چشم‌اندازی برای اینکه جمهوری اسلامی بتواند خود را از این بحران خلاص کند وجود ندارد. نسخه‌هایی که در گذشته حکومت با کمک اصلاح‌طلبان برای نجات نظام در شرایط اضطراری پیاده می‌کرد بی‌اثر شده و بازی‌های سیاسی آنها بین مردم خریدار ندارد و ترس مردمی که اکثر آنها را جوانان تشکیل می‌دهند از سرکوب توسط رژیم ریخته است. در چنین شرایطی، در بالاترین سطوح امنیتی تصمیم گرفته شده برای جلوگیری از ریزش نیروهای امنیتی با هدف هل دادن ماشین سرکوب، حقوق نیروهای مسلح ۲۰ درصد افزایش پیدا کند! حتا به آنها قول مسکن داده‌اند! در ماه‌های اخیر حقوق بخشی از کارگران واحدهای صنعتی استراتژیک و مستمری‌بگیران نیز برای متوقف کردن اعتصاب و کاستن از نارضایتی‌ها بین آنها افزایش پیدا کرد. با اینهمه کارشناسان اقتصادی می‌گویند پولپاشی در وضعیت به شدت وخیم اقتصادی خودش عامل افزایش تشدید تورم و فقیرتر شدن بخش‌های مختلف جامعه از جمله آنهایی که ظاهراً حقوق‌شان افزایش پیدا کرده می‌شود!

مهدی رعنائی مدیرکل مطالعات بخش عمومی وزارت اقتصاد و امور دارایی اعلام کرد که تا اول مردادماه امسال، ۶۱ درصد از درآمدهای نفتی مورد انتظار دولت تحقق نیافته است! به این ترتیب پرسش مهم این است که پس پرداخت این افزایش حقوق‌ها و وعده‌های دیگر مادی و مالی قرار است از کدام منبع تأمین شود؟!

- خبرگزاری رویترز می‌نویسد با تداوم ناآرامی‌ها و انزوای فزاینده جمهوری اسلامی به خاطر فشارهای غرب به دلیل سرکوب‌های امنیتی و روابط تسلیحاتی با روسیه، ارزش ریال در ایران به شدت سقوط کرده است.
- کارشناسان در مورد ورود اقتصاد ایران به دوره‌ای از رکود و تورم شدید هشدار می‌دهند. روزنامه «اعتماد» بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران می‌نویسد «تنش‌های سیاسی در کشور و اعتصابات و تعطیلی برخی بنگاه‌های خرده‌فروشی» از دلایل اصلی رکود است.
- در تهران عوامل حکومت امیدوار بودند که بحران سوخت در اروپا در پی حمله نظامی روسیه به اوکراین باعث شود آنها در زمستان برای لغو تحریم‌ها علیه رژیم ایران امتیازات بیشتری بدهند اما وضعیت برعکس شد! قطع گاز چند واحد پتروشیمی و افزایش مصرف گاز با سرمایه هوا، «زمستان سخت» در خود ایران آغاز شد.

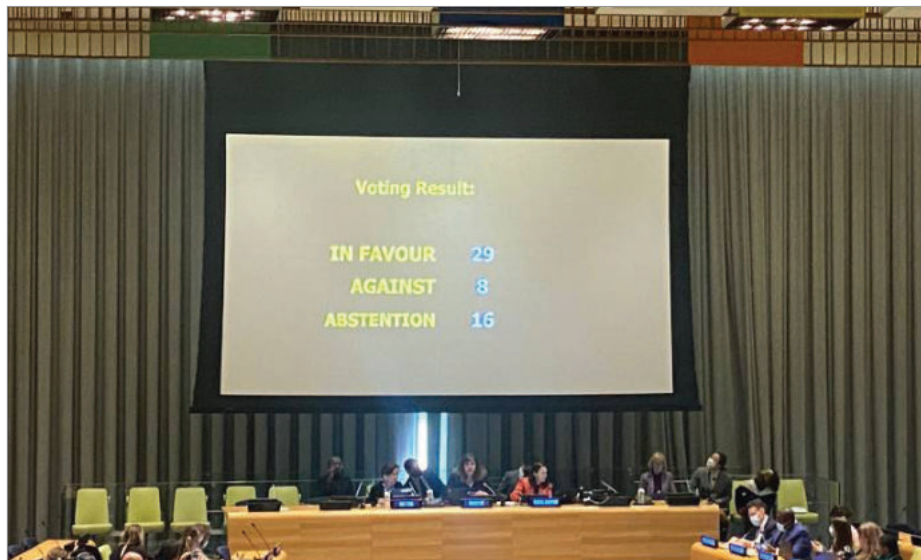
۱۲ هفته پس از آغاز خیزش‌های سراسری و اعتصابات با وجود اینکه مقامات ارشد نظام ادعا می‌کنند اوضاع را در کنترل دارند اما از یکسو اعتراضات تداوم یافته و از سوی دیگر پیامدهای بحران‌های داخلی و خارجی شدت فشارها علیه جمهوری اسلامی را بسیار افزایش داده است.

خبرگزاری رویترز با اشاره به سقوط ارزش ریال می‌نویسد، «با تداوم ناآرامی‌ها و انزوای فزاینده ایران در رویارویی با فشارهای غرب به دلیل سرکوب‌های امنیتی و روابط تسلیحاتی با روسیه، ارزش پول مشکل‌دار ایران در برابر دلار آمریکا از روز شنبه ۱۰ دسامبر به پایین‌ترین حد خود رسیده است.»

نرخ دلار در بازار غیررسمی ایران به بیشتر از ۳۷ هزار تومان رسیده و نرخ سکه طلا از ۱۸ میلیون تومان عبور کرده است. همزمان کارشناسان اقتصادی نسبت به رکود شدید در ماه‌های پایانی سال هشدار داده‌اند.

روزنامه «اعتماد» بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران می‌نویسد «تنش‌های سیاسی در کشور و اعتصابات و تعطیلی برخی بنگاه‌های خرده‌فروشی» از دلایل اصلی رکود است. سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی و از عوامل اصلی سرکوب‌ها در سخنانی عجیب مدعی است «دولت سیزدهم نشان داد بدون آمریکا و برجام می‌توان پیش رفت!» پیشتر محمد مردندی مشاور تیم مذاکره‌کننده جمهوری

اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل به دلیل سرکوب‌های سازمانیافته علیه مردم



نشست آکوسوک

در زندان‌ها مورد تجاوز قرار گرفتند و یا ربوده شده و از سرنوشت آنها خبری در دست نیست، علت اخراج این رژیم تبهکار از کمیسیونی است که اساساً برای عضویت در آن هیچ صلاحیتی نداشت.

در این نشست لیندا توماس گرینفیلد سفیر آمریکا در سازمان ملل پیش‌نویس قطعنامه را قرائت کرد. او گفت: «قطعنامه تهیه شده برای اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل پاسخ به صداهای جامعه مدنی در ایران و فعالان مدنی ایرانی در سراسر جهان است و پیامدهای جهانی خواهد داشت.» نماینده آمریکا تأکید کرد: «مهسا امینی را به جرم زن بودن کشتند.»

او همچنین گفت که مردم ایران از هر قشر و گروهی به خیابان آمدند و فریاد زدند «زن زندگی آزادی؛ اما زنان و دختران جوان را کشتند و ناپدید کردند.»

نماینده آمریکا اضافه کرد: «دلیل اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل بسیار روشن است. عضویت رژیم ایران لکه ننگی بر اعتبار این کمیسیون است.» این سخنان در حالیست که وقتی جمهوری اسلامی به عضویت این کمیسیون درآمد، بلافاصله ایرانیان مدافع دموکراسی به آن اعتراض کرده و خواستار اخراج رژیم ضدبشری و زن‌ستیز جمهوری اسلامی از این کمیسیون شدند.

چیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد «امروز در یک رای تاریخی، سازمان ملل متحد در واکنش به سرکوب سیستماتیک زنان و دختران توسط رژیم ایران، اقدام به اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زنان کرد. این رای نشانه دیگری از مشارکت فزاینده بین‌المللی درباره جمهوری اسلامی ایران برای پاسخگو کردن آن است. ایالات متحده با متحدان و شرکای خود در سراسر جهان همکاری می‌کند تا جمهوری اسلامی ایران را در مورد سرکوب و سوء رفتاری که علیه مردم خود، به ویژه معترضان زنان و دختران مرتکب می‌شود و خشونت‌هایی که با ارسال سلاح به روسیه علیه مردم اوکراین انجام می‌دهد، جوابگو کند.»

● لیندا توماس گرینفیلد سفیر آمریکا در سازمان ملل: مردم ایران از هر قشر و گروهی به خیابان آمدند و فریاد زدند «زن زندگی آزادی» اما زنان و دختران جوان را کشتند و ناپدید کردند... عضویت جمهوری اسلامی ایران لکه ننگی بر اعتبار کمیسیون مقام زن است.

● چیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید در بیانیه‌ای اعلام کرد «امروز در یک رای تاریخی، سازمان ملل متحد در واکنش به سرکوب سیستماتیک زنان و دختران توسط رژیم ایران، اقدام به اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زنان کرد.»

● سخنگوی دولت جمهوری اسلامی در توییتی نوشت «آمریکا بانی تعلیق عضویت ایران از کمیسیون مقام زن شد!»

قطعنامه اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل به اتهام سرکوب اعتراضات و خشونت علیه معترضان چهارشنبه ۱۴ دسامبر (۲۳ آذر) با ۲۹ رأی موافق، ۸ رأی مخالف و ۱۶ رأی ممتنع به تصویب رسید.

۲۹ کشور از ۵۲ عضو حاضر در جلسه این کمیسیون به اخراج جمهوری اسلامی رأی مثبت و ۸ کشور رأی منفی و ۱۶ کشور نیز رأی ممتنع دادند.

کشورهای بولیوی، چین، قزاقستان، نیکاراگوئه، نیجریه، عمان، روسیه و زیمبابوه به قطعنامه پیشنهادی جهت اخراج رژیم اسلامی ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل رأی مخالف دادند. نماینده کوبا که معمولاً در مجامع بین‌المللی به نفع جمهوری اسلامی رأی می‌دهد در این جلسه غیبت داشت.

خبرگزاری ایرنا در واکنش به تصویب این قطعنامه آن را «بدعت خطرناک آمریکا» نامید! سخنگوی دولت جمهوری اسلامی نیز در توییتی نوشت «آمریکا بانی تعلیق عضویت ایران از کمیسیون مقام زن شد!» در حالی که سرکوب خشن مردم و کشتار زنان از جمله دختران جوانی که علیه جمهوری اسلامی اعتراض کرده و به خاک و خون کشیده شده و یا

→ وحشیانه مردم زیاد است، اجرای حکم اعدام شیار دیگری از معترضان بازداشتی هم ایرانیان و هم جامعه بین‌المللی را به شدت نگران کرده است.

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی به قضاوت توصیه کرده «در جریان رسیدگی به پرونده اغتشاشات اخیر ارفاق به عده‌ای که برای شهروندان ناامنی ایجاد کرده‌اند و نقش موثری در ناآرامی داشته‌اند، ظلم به مردم است و نباید به آنها ارفاق شود.»

مصطفی میرسلیم نماینده مجلس شورای اسلامی نیز گفته «فاصله بین دستگیری عوامل ناآرامی‌ها تا اعدام آنها بسیار زیاد است. این عوامل باید در فاصله ۵ یا ۱۰ روز بعد از دستگیری اعدام شوند!» او تأکید کرد: «بنده قاطعانه از عملکرد قوه قضائیه در خصوص اتفاقات اخیر حمایت می‌کنم.»

سفر یک مقام ارشد قضایی روسیه به تهران
همزمان گزارش شد که ایگور کراسنوف دادستان کل روسیه به دعوت محمدجعفر منتظری دادستان کل جمهوری اسلامی به تهران سفر کرده است. او با رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی جلسه برگزار کرد اما جزئیات این نشست مشخص نیست.

یک ماه پیش نیز نیکلای پاتروشف دبیر شورای امنیت ملی روسیه به تهران سفر کرد و با علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی دیدار کرد. پیش از این مخالفان حکومت و همچنین دیپلمات‌های غربی نسبت به همکاری روسیه با جمهوری اسلامی در سرکوب اعتراضات مردم در ایران هشدار داده بودند.

حالا خبرگزاری ایرنا گزارش داده است که بین جمهوری اسلامی و روسیه تفاهنامه همکاری قضایی امضاء شده است. پیش از این کاظم جلالی سفیر رژیم ایران در مسکو اعلام کرده بود روسیه و ایران قصد دارند در آینده نزدیک یک توافقنامه همکاری جامع بلندمدت امضا کنند!

اینهمه در حالیست که کارزار «کفالت سیاسی» در اروپا و بین سیاستمداران و مدافعان حقوق بشر گسترش می‌یابد. شماری از شهروندان و همچنین نمایندگان پارلمان آلمان «کفالت سیاسی» تعدادی از محکومان به اعدام در ایران را به عهده گرفته‌اند. از جمله امید نوری‌پور رئیس حزب سبزه‌های این کشور کفالت توماج صالحی را قبول کرده و دکتر پدرام امامی رییس جامعه پزشکان هامبورگ کفالت دکتر حمید قره‌حسنلو را پذیرفته است.

برخی در جمهوری اسلامی به حکومت پیشنهاد می‌دهند علاوه بر اجرای سفت و سخت اعدام‌ها به تلافی حمایت غربی‌ها از اعتراضات مردم، دست به ماجراجویی‌های تکراری بزنند!

حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه «کیهان تهران» در سرمقاله این روزنامه با عنوان «مگر ما ملت امام حسین نیستیم؟!»، عبارتی که قاسم سلیمانی به کار برده است گفته تحریم فلان مسئول اروپایی و آمریکایی و احضار سفرای خارجی توسط وزارت خارجه «نه فقط از توازن لازم برخوردار نیست بلکه ضریب بازدارندگی آن نیز به سختی می‌تواند بالاتر از «صفر» تلقی شود!» او دوباره پیشنهاد بستن تنگه هرمز به تلافی حمایت غربی‌ها از اعتراضات و مصادره کشتی‌های کشورهای متخاصم در خلیج فارس را مطرح کرده است! تهدیدی که در سال‌های گذشته بارها در ارتباط با برنامه اتمی و برای باج‌گیری عنوان شد اما جمهوری اسلامی هرگز جرأت نکرد دست به آن بزند از جمله به این دلیل که شریان خودش نیز قطع می‌شود. چه برسد به شرایط کنونی که به گفته‌ی ناظران و تحلیلگران، نظام در ضعیف‌ترین دوره‌ی عمر خود قرار گرفته و مباحث حول سقوط اجتناب‌ناپذیر آن دور می‌زند.

نگرانی درباره اجرای حکم اعدام سامان صیدی در روزهای آینده؛ وکیل می گوید موکلش یک خراش هم به هیچ انسانی نیانداخته



کامل بخوانند و دفاعیات خود را ارائه دهند.» سازمان عفو بین‌الملل نیز روز سه‌شنبه ۲۲ آذر با اشاره به اینکه سامان صیدی از زندان اوین تهران به زندان «رجایی‌شهر» در استان البرز منتقل شده است، اعلام کرد این مسئله موجب شده است نگرانی‌ها از اینکه مبادا «حکم اعدام آقای صیدی تأیید شده» و «مقامات در حال آماده شدن برای اعدام او هستند» افزایش یابد.

این نهاد بین‌المللی حقوق بشری تأکید کرده است که سامان صیدی در یک «دادگاه نمایشی» محاکمه شده و نسبت دادن اتهام «محرابه» به او ناشی از اخذ «اعترافات زیر شکنجه» بوده است.

عفو بین‌الملل تأکید کرده که اطلاعاتی دریافت کرده است که بر اساس آن «مقامات برای گرفتن اعترافات اجباری»، سامان صیدی را «ضرب و شتم» کرده و ضمن «بدرفتاری»، او را «در معرض سرمای شدید قرار داده‌اند.»

این نهاد حقوق بشری بین‌المللی با اشاره به اینکه سامان صیدی در استوری‌های اینستاگرام خود از اعتراضات حمایت کرده بود و با آهنگ‌های رپ سیاسی خود از مقامات انتقاد می‌کرد، تأکید کرده که حکم اعدام سامان صیدی «ناقص حق حیات» مصرح در قوانین بین‌المللی است که «مجازات اعدام را برای جنایاتی که شامل قتل عمدی نیستند ممنوع می‌کند.»

سازمان عفو بین‌الملل نوشته که مقامات جمهوری اسلامی «باید فوراً هرگونه برنامه‌ریزی برای اعدام سامان صیدی را متوقف کنند و حکم اعدام او را لغو کنند» و همچنین درباره موضوع «شکنجه» سامان صیدی برای اعتراف‌گیری پاسخگو باشند.

سامان صیدی یکی از ده‌ها معترض بازداشت‌شده‌ای است که توسط مقامات امنیتی و قضایی با اتهاماتی سنگین روبرو شده است. در اعتراضات سه ماه گذشته در شهرهای مختلف در مجموع بیش از ۱۸ هزار و ۲۰۰ نفر بازداشت شده‌اند که ده‌ها نفر با اتهامات سنگین «محرابه»، «افساد فی الارض» و «بغی» روبرو شدند. این اتهامات به راحتی قاضی را آزاد می‌گذارد تا حکم «اعدام» معترض را صادر کند.

بیش از ۱۰ معترض تا کنون با حکم «اعدام» روبرو شده و شماری دیگر نیز همچنان در خطر صدور حکم قرار دارند. طی هفته گذشته حکم دو معترض محکوم به اعدام، محسن شکاری در تهران و مجیدرضا رهنورد در مشهد،

معلوم تیر دیگری به سمت آسمان شلیک می‌کند؛ اما نکته در خور توجه این است که در این فیلم، امکان تشخیص این موضوع وجود ندارد که فردی که دیده می‌شود، سامان صیدی است یا خیر. شما حتی اگر سامان را بشناسید، هم با دیدن این فیلم، نمی‌توانید تشخیص دهید که او سامان صیدی است یا فرد دیگری.»

این وکیل دادگستری افزوده که «یکی دیگر از ابهامات هم مربوط به همین گلوله‌ای است که می‌گویند شلیک شده است. دقت داشته باشید که هیچ اسلحه‌ای پیدا نشده است. می‌گویند سامان صیدی کلت داشته؛ اما نه کلت پیدا شده و نه گلوله شلیک‌شده از آن. در پرونده هم درج نشده که اسلحه یا گلوله آن پیدا شده است. می‌گویند در تصویر مشخص است که شلیک کرده است. اولاً که گفتم مشخص نیست آن تصویر متعلق به سامان صیدی است یا خیر، ثانیاً که مشخصاً نیست آتشی که دیده می‌شود، آتش شلیک گلوله است یا خیر. دست‌کم برای حل این ابهام، باید از یک فرد کارشناس بی‌طرف دعوت می‌شد تا نظرش را اعلام کند و این نظر ضمیمه پرونده شود.»

به گفته محمد اسماعیل بیگی «سامان صیدی در اظهاراتش اعلام کرده که تفنگ من، تفنگ ساچمه‌ای بوده است. تفنگ ساچمه‌ای طبیعتاً آتش شلیک ندارد. صدایی هم ندارد که مردم از شنیدن آن بترسند. می‌گویند که سامان موقع فرار، از ماشین، تفنگ را به بیرون انداخته است؛ درحالی‌که در فیلمی که موجود است، ماشینی وجود ندارد. سامان با پای پیاده مشغول فرار است.»

وکیل سامان صیدی گفته که «درخواست ما این است که حداقل اجازه خواندن پرونده به ما داده شود و سپس فرصتی در اختیارمان قرار گیرد تا بتوانیم دفاعیات خود و مستنداتمان را تقدیم دادگاه کنیم. عملاً فرصت دفاع خاصی وجود ندارد. به ما به عنوان وکلای تعیینی اجازه اعلام وکالت در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب داده نشد و ما را نپذیرفتند! چشم امید ما به این است که دیوان اجازه خواندن پرونده را بدهد، ۱۰ روز فرصت ارائه لایحه دفاعیه به ما بدهد و هم‌زمان مستندات خود مبنی بر بی‌گناهی سامان صیدی را برای بررسی به دیوان عالی کشور ارائه دهیم. همه خواسته ما، آن است که به این پرونده نه به شکل محرمانه، بلکه به شکل عادی اجازه رسیدگی داده شود؛ یعنی وکلای تعیینی در این پرونده ورود کنند، آن را

● سامان صیدی در جریان اعتراضات اخیر کشور به اتهام محاربه از طریق کشیدن کلت کمری و شلیک سه تیر، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور متهم و در دادگاه به «اعدام» محکوم شده است.

● وکیل سامان صیدی: می‌گویند سامان صیدی کلت داشته؛ اما نه کلت پیدا شده و نه گلوله شلیک‌شده از آن. امکان تشخیص وجود ندارد فردی که در ویدئو دیده می‌شود، سامان صیدی است یا خیر!

● عفو بین‌الملل تأکید کرده اطلاعاتی دریافت کرده است که بر اساس آن «مقامات برای گرفتن اعترافات اجباری»، سامان صیدی را «ضرب و شتم» کرده و ضمن «بدرفتاری»، او را «در معرض سرمای شدید قرار داده‌اند.»

سامان صیدی معروف به سامان یاسین، هنرمند و خواننده رپ، که در اعتراضات هفته‌های گذشته بازداشت شده به اتهام «محرابه» به اعدام محکوم شده است. وکیل سامان صیدی گفته موکلش حتی یک خراش به یک انسان نیانداخته است. در همین حال سازمان عفو بین‌الملل نسبت به اجرای حکم سامان صیدی هشدار داده است.

محمد اسماعیل بیگی وکیل تعیینی سامان صیدی رپر معترض اهل کرمانشاه درباره ایرادهای حقوقی دادرسی و حکم صادر شده علیه موکلش توضیحاتی داده و گفته وی حتی یک خراش به یک انسان نیانداخته و هیچ اقدامی علیه جان مردم و مأموران انجام نداده است.

سامان صیدی معروف به سامان یاسین متولد ۱۳۷۷ در جریان اعتراضات اخیر کشور به اتهام محاربه از طریق کشیدن کلت کمری و شلیک سه تیر، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور متهم و در دادگاه به «اعدام» محکوم شده است.

محمد اسماعیل بیگی وکیل تعیینی سامان صیدی گفته که «ما کلاً دو فیلم از سامان صیدی دیدیم که هر دو آنها از صداوسیما پخش شد. یکی از فیلم‌ها مربوط به جلسه رسیدگی برگزارشده در دادگاه بدوی است، فیلم دیگر هم در تلویزیون پخش و از سوی خانواده‌اش برای من ارسال شده است. در این فیلم دو صحنه وجود دارد، در یک صحنه از این فیلم که می‌گویند متعلق به سامان است، او در حال تیراندازی به سمت آسمان دیده می‌شود. مأموران مقابل او ایستاده‌اند و سامان به سمت آسمان شلیک می‌کند، بعد شروع به فرار کردن می‌کند که در این لحظه هم از فرار

«ملاقات کابینی داشتیم، امیرحسین گفت در سینه و شکم، سر و گردنم احساس درد دارم. یک ساچمه در سر، یک ساچمه در گردن و چندین ساچمه هم در سینه و شکم باقی مانده است. این ساچمه‌ها ممکن است عفونت کنند و مشکلات جسمی خطرناک برای امیرحسین ایجاد شود. امیرحسین می‌گفت که احساس می‌کند، ساچمه داخل سرش، حرکت کرده و جابجا شده است. می‌گفت، به بهداری کانون گفته است او را به بیمارستان مدنی کرج ببرند و این ساچمه‌ها را در آورند.» مادر رنج‌دیده امیرحسین می‌افزاید: «از وقتی که امیرحسین این حرف‌ها را زده تا همین الان، دلشوره‌ام را بریده، نمی‌دانم باید چه کار کنم، تورو خدا مسئولان به سلامتی این بچه رسیدگی کنند.»

روزنامه «اعتماد» جزییاتی از نحوه بازداشت و اتهام بستن و بازجویی امیرحسین را منتشر نکرده اما نوشته این روایت‌ها در دفتر روزنامه موجود است؛ با اینهمه مشخص است با امیرحسین رفتارهای ناخوشایندی در زمان بازداشت و بازجویی صورت گرفته است.

مادر امیرحسین گفته که «در بازجویی‌ها از امیرحسین می‌خواهند افرادی را معرفی کند که در تهیه کوکتل مولوتف همکاری داشته‌اند. امیرحسین قسم می‌خورد که من سر کار بوده‌ام و اصلاً کوله‌پشتی نداشتم، ولی از او می‌خواهند اسم برخی دوستانش را اعتراف کند. پسر من به من می‌گفت مامان اسم کی رو باید می‌دادم؟ اسم کسی را نمی‌دهد اما بعد از چند روز اعتراف می‌کند که کوکتل مولوتف مال خودش است. [نحوه اعتراف‌ها هم در دفتر روزنامه موجود است.] وقتی با امیرحسین صحبت کردم، گفت مامان به خدا دست من اصلاً به این کوکتل مولوتف نخورده است. می‌خواهم این واقعیت‌ها را بگویم اما دادگاه اجازه دیدار ما با رییس شعبه یا قاضی را نمی‌دهد.»

وکیل تسخیری امیرحسین همان وکیل تسخیری محمدمهدی کرمی جوان معترض محکوم به اعدام است و در این پرونده هم به شدت غیرمسئولانه و همراه با ماشین سرکوب عمل کرده است؛ وکیلی که هنوز نام وی از سوی رسانه‌های داخلی از جمله روزنامه «اعتماد» سانسور می‌شود. مادر امیرحسین گفته که «وکیل تسخیری امیرحسین که هیچ کاری نکرده است. من تازه زمانی که برگه پرینت قرار نهایی دادسرا را گرفتم، آنجا فهمیدم که وکیل من آقای [...] است. تازه شماره تماس وکیل را هم نداشتم، به زحمت شماره تلفنش را پیدا کردم و تماس گرفتم، آقای وکیل گفت: «خانم من نمی‌دانم درباره کدام پرونده صحبت می‌کنید؟ پرونده‌های من زیاد است. هرچه که لازم بوده، من احتمالاً نوشته‌ام.» گفتیم: «آقا شما وجدان داری، می‌خواهم بدانم چه دفاعی از این بچه من کرده‌ای؟» به من جواب داد: «خانوم من بیشتر از این نمی‌توانم با تو صحبت کنم.»

او افزوده «وکیل اصلاً با من حرف نمی‌زند؛ با تندی یا ما برخورد می‌کند. من با بازپرس شعبه ۷ فردیس صحبت کردم، ایشان به من گفت، بچه شما مظلوم و ریزنقش و کوچولوست. گفت دستش باز نیست، چند اتهام شدید در شعبه قبلی به او بسته‌اند که کار را سخت می‌کند. امیرحسین به من می‌گفت، این آقای بازپرس موقع بازپرسی مدام می‌گفت چرا این اعتراف را کرده‌ای؟ چرا این برگه را امضا کرده‌ای؟» مادر امیرحسین می‌گوید قاضی پرونده احکام سنگین صادر می‌کند: «بازپرس به من گفته همه چیز به قاضی بستگی دارد. این چند روز که پرونده به شعبه یک دادگاه انقلاب رفته، همه کار ما گریه و زاری بود، چون می‌دانستیم قاضی این شعبه احکام سنگینی می‌دهد. دست به دعا هستیم که در این پرونده معجزه‌ای شود و قاضی رای تندی صادر نکند.»



که می‌تواند حکم سنگینی برای او به همراه داشته باشد. در این میان وکیل تسخیری پرونده هم پاسخگو نیست و مادر امیرحسین هم نتوانسته وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی را برای آزادی موقت فرزندش فراهم کند.

مادر امیرحسین رحیمی در گفتگویی تک‌اندنده با روزنامه «اعتماد» چاپ تهران گفته فرزند نوجوانش با وجود یک ساچمه در سر، یک ساچمه در گردن و چندین ساچمه هم در سینه و شکم دو ماه است در کانون اصلاح و تربیت زندانی است. دادگاه برای این نوجوان وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی تعیین کرده اما مادر امیرحسین که سرپرست خانوار است نتوانسته این وثیقه را تأمین کند؛ وکیل تسخیری پرونده که مادر امیرحسین تا مدت‌ها حتی نام او را هم نمی‌دانسته، به تلفن جواب نمی‌دهد و التماس‌های این مادر به دادگاه برای تغییر قرار وثیقه به کفالت بی‌نتیجه بوده و فیش حقوقی را هم قبول نکرده و امیرحسین همچنان در زندان بسر می‌برد.

به گفته مادر امیرحسین این نوجوان روزها مدرسه می‌رفته و بعد از ظهرها هم در یک بنگاه معاملات مسکن کار می‌کرده و کمک‌خرج خانواده بوده است. روزی که مجروح و بازداشت شد، با مادرش تماس گرفته و گفته در حوالی محل کارش تظاهرات و تجمع است و قرار شده مادرش به دنبال او برود. مادر اما دو چهارراه پایین‌تر از محل کار امیرحسین با خیابان بسته شده توسط نیروهای انتظامی روبرو می‌شود و امیرحسین پیاده به سمت مادرش حرکت می‌کند. کمی جلوتر اما مأموران حمله می‌کنند و امیرحسین مورد اصابت گلوله ساچمه‌ای قرار می‌گیرد.

امیرحسین از یکسوی خیابان به سوی دیگر فرار می‌کند و در نهایت بازداشت شده و همراه شماری دیگر از بازداشت‌شدگان به خانه‌ای منتقل می‌شوند که پیشتر مالک آن به مردم در حال فرار پناه داده بود و بعد مأموران خانه را تصرف کرده بودند. در آن خانه یک کوکتل مولوتف بوده که مأموران گزارش کردند همراه امیرحسین بوده در حالی که به گفته مادر امیرحسین، این نوجوان از سر کار می‌آمده، حتی یک کوله هم همراهش نبوده و پیش از اصابت گلوله و فرار بستنی خریده بوده است!

امیرحسین با گذشت دو ماه از بازداشت همچنان چند گلوله ساچمه‌ای در بدن دارد و برای درمان او اقدامی نشده است. یکی از ساچمه‌ها در سر اوست که خودش احساس می‌کند گلوله تکان خورده است. مادرش در اینباره گفته که

تکان‌دهنده؛ امیرحسین ۱۵ ساله با چند ساچمه در بدن زندانی است؛ وکیل تسخیری به تلفن جواب نمی‌دهد!

● امیرحسین رحیمی با وجود یک ساچمه در سر، یک ساچمه در گردن و چندین ساچمه هم در سینه و شکم دو ماه است در کانون اصلاح و تربیت زندانی است.

● برای امیرحسین وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی تعیین شده اما مادرش نتوانسته این وثیقه را تأمین کند؛ وکیل تسخیری پرونده که نام وی در رسانه‌های داخلی از جمله «اعتماد» سانسور می‌شود، به تلفن جواب نمی‌دهد و التماس‌های این مادر رنج‌دیده به دادگاه برای تغییر قرار وثیقه به کفالت بی‌نتیجه بوده است.

● این نوجوان روزها مدرسه می‌رفته و بعد از ظهرها هم در یک بنگاه معاملات مسکن کار می‌کرده و کمک‌خرج خانواده بوده است.

امیرحسین رحیمی نوجوان ۱۵ ساله دو ماه پیش در اعتراضات کرج بازداشت شد. پیش از بازداشت مأموران او را با اسلحه‌ی ساچمه‌ای هدف قرار داده بودند. امیرحسین با چند ساچمه که همچنان با گذشت دو ماه در بدن و سر دارد، زندانی و متهم به همراه داشتن کوکتل مولوتف شده

➔ اجرا شد. اجرای این دو حکم نگرانی درباره اجرای احکام دیگر اعدام را افزایش داده است.

سازمان عفو بین‌الملل به تازگی نام بیست نفر معترض بازداشتی را که در معرض خطر اعدام قرار دارند مستند کرده است. بر اساس این گزارش «بازده نفر محکوم به اعدام» عبارتند از: ۱. سهند نورمحمدزاده، ۲. ماهان صدرات مدنی، ۳. منوچهر مهمان نواز، ۴. محمد بروغنی، ۵. محمد قبادلو، ۶. سامان (یاسین) سیدی، ۷. حمید قره حسلو، ۸. محمدمهدی کرمی، ۹. سید محمد حسینی، ۱۰. حسین محمدی، ۱۱. فردی ناشناس در استان البرز.

همچنین «سه نفری» که تحت محاکمه‌هایی به اتهام جرایمی با مجازات اعدام قرار گرفته‌اند و یا در خطر محکوم شدن به اعدام قرار دارند یا ممکن است قبلاً به اعدام محکوم شده باشند، بدون اطلاعات عمومی در مورد وضعیت آنها عبارتند از: ۱. سعید شیرازی، ۲. ابوالفضل مهری حسین حاجیلو، ۳. محسن رضازاده قره قلو.

عفو بین‌الملل اعلام کرده «شش نفر» هم ممکن است در انتظار یا تحت محاکمه به اتهامی با مجازات اعدام باشند که عبارتند از: ۱. اکبر غفاری، ۲. توماج صالحی، ۳. ابراهیم ریگی، ۴. امیر نصر آزادانی، ۵. صالح میرهاشمی، ۶. سعید یعقوبی.



محمد مهدی کرمی در دادگاه

تکان دهنده؛ پدر محمد مهدی کرمی جوان محکوم به اعدام: وکیل تسخیری جواب تلفن ما را نمی دهد؛ آدرس دفترش را هم نداریم!

مُرده و «جنازه اش» را اطراف دادگاه نظرآباد انداختند، اما موقع ترک آنجا متوجه شدند که هنوز زنده است.

شکنجه محمد مهدی فقط به ضرب و جرح در هنگام بازداشت خلاصه نشده و پس از انتقال به بازداشتگاه هم ادامه یافته است. مأموران حکومتی هر روز اندام جنسی اش را لمس و او را تهدید می کردند که به او تجاوز خواهند کرد.

عدم دسترسی به وکیل تعیینی (انتخابی) که هم درباره محمد مهدی و هم درباره دیگر بازداشت شدگانی که با اتهامات سنگین محاربه و افساد فی الارض روبرو هستند اتفاق افتاده مصداق دیگری از سرکوب بازداشت شدگان است.

محمد حسین آقاسی روز گذشته با انتشار تصویر محمد مهدی کرمی نوشته که «پدر و مادر متهم ردیف اول پرونده قتل بسیجی کرجی خواستند که فرجام خواهی او را قبول کنم. امروز صبح برای موافقت با امضای وکالتنامه به دادگاه صادر کننده حکم مراجعه کردم. رئیس دفترکل دادگاه انقلاب اعلام داشت که رئیس دادگاه نمی پذیرد، و اصرار پدر متهم نیز اثر نبخشد. محاکمه و مجازات بدون وکیل متهم.»

حمید قره حسنیلو پزشک رادیولوژیست یکی دیگر از متهمان پرونده کشته شدن بسیجی در کرج است که برادرش در گفتگو با بی بی سی فارسی گفته که برادرش از حق دسترسی به وکیل انتخابی محروم بوده و وکیل تسخیری هم با اصرار و تلاش [احتمالاً پرداخت وجه] از سوی خانواده قره حسنیلو تنها نیم ساعت با حمید دیدار داشته است. در دادگاه هم وکیل نه تنها دفاعی از حمید قره حسنیلو نکرده بلکه مدعی شده که او به واسطه پزشک بودن و ارتباط با کادر درمان، شرایط وی آبی برای خودش در بیمارستان ایجاد کرده که همین موضوع نیز از سوی قاضی علیه حمید استفاده شده است.

حمید قره حسنیلو به دلیل شکنجه شدید جسمی در بازداشت دچار شکستگی چند دنده و از کار افتادن بخشی از ریه شد. وضعیت جسمی حمید قره حسنیلو آنقدر حاد شد که او به بیمارستان منتقل شد و حتی روز دادگاه از بیمارستان او را به دادگاه آوردند و دوباره به بیمارستان بازگرداندند. حکم اعدام حمید قره حسنیلو در حالی از سوی مأمور قوه قضاییه به او ابلاغ شد که او تازه جراحی ریه را پشت سر گذاشته و در حال ریکاوری در بیمارستان بود.

سید محمد حسینی، رضا آریا و حسین محمدی سه متهم دیگری هستند که در این پرونده به اعدام محکوم شده اند. از سید محمد حسینی خبرهای زیادی منتشر نشده است. فعالان حقوق بشر نوشته اند پدر و مادر او در گذشته اند و او کسی را ندارد که مصرا نه پیگیر پرونده اش باشد.

به بچه من بدهید، اما او را اعدام نکنید. پسر من چندین قهرمانی کشور در رشته کاراته دارد. من دستفروش هستم و با نان کارگری او را بزرگ کرده ام. همه آشنایان، همسایگان و همکارانم می دانند من دستفروشی می کردم تا این پسر بتواند یک روپایی ورزشی بگیرد و افتخار آفرینی کند. من نمی دانم امروز دادم را به کجا ببرم. روزی که مهدی دستگیر شد، کفش کالج و شلوار راسته پوشیده بود. مگر با این تیپ کسی به تظاهرات می رود؟»

پدر محمد مهدی گفته که فرزندش «در فیلمی که از او منتشر شده می گوید، برای مراسم چهلم حدیث نجفی رفته اما این حرکت ناگهان به اعتراضات شدید ختم شد. به خدا به پیر به پیغمبر بچه من بی گناه است. به مسئول پرونده گفتیم این حکم را به بچه من نده، این بچه بی گناه است. به من گفتند، شما راضی هستی حکم خدا و پیغمبر را زیر سؤال بپزم؟!»
این پدر مستأصل و رنج دیده گفته که «به ما گفتند می توانید به حکم اعتراض کنید. یک هفته است به آقای وکیلی که قوه قضاییه تعیین کرده، زنگ می زنم، حتی جوابم را نمی دهد. این آقای وکیل حتی حاضر نشد، آدرس دفتر خود را به من بدهد. عکس مدال های سپرم را گرفتم که در پرونده بگذارد. یک استشهد هم از مسجد محل گرفتم اما هنوز نتوانستم ام روی پرونده بگذارم، شاید خدا خواست و در دیوان، حکم اعدام به حبس بدل شد. به خدا قسم این روزها زندگی نداریم (بعضی ماشاءالله می شکنند و اشک می ریزند). به هر کس می گویم، می گوید، پرونده امنیتی است، ولش کن! دو هزار نفر در اعتراضات چهلم حدیث نجفی حضور داشته اند، جرم همه را به روی پرونده پسر من آوار کرده اند.»

ماشالله کرمی در ادامه گفته که «از او می پرسم، مهدی، جان من این کارها را تو کرده ای؟ می گوید، به خدا بابا، قسم به دستان پینه بسته تو که من این کارها را نکرده ام. اما برای حکم اعدام، آیا جز اعتراف نیاز به سند و مدرکی نیست؟ آیا نباید این جزئیات بررسی شود. من اصلاً نمی دانم اینکه با شما صحبت می کنم، درست است؟ خدایی اگر هست که حتماً هست از آدم های بدبختی مثل ما، حفاظت کنه. ما هیچکس را نداریم و به خدا پناه می بریم. نمی دانم چه باید بکنم. مادر مهدی شب و روز گریه می کند و آه می کشد. اما دستمان به جایی بند نیست.»

محمد مهدی کرمی پیشتر در ملاقات با خانواده خود از آزار جسمی و روانی «شدید» خود توسط مأموران خبر داده بود. به گفته محمد مهدی هنگام بازداشت او را طوری کتک زده اند که بیهوش شده بود و نیروهای حکومتی فکر کردند که او

● ماشالله کرمی در نظرآباد استان البرز دستفروش دستمال کاغذی است و دو فرزند دارد: محمد مهدی و فرزند دیگری که معلول و خانه نشین است.

● در یک هفته گذشته و از روز صدور حکم تا کنون پدر محمد مهدی برای ثبت اعتراض روی حکم با وکیل تسخیری تماس می گیرد اما این تماس ها بی پاسخ مانده است.

● مأموران حکومتی هر روز اندام جنسی محمد مهدی را لمس و او را تهدید می کردند که به او تجاوز خواهند کرد.

پدر محمد مهدی کرمی جوان معترض محکوم به اعدام می گوید طی یک هفته گذشته و پس از صدور حکم اعدام برای فرزندش تماس ها با وکیل تسخیری برای گذاشتن اعتراض بر حکم صادره بی پاسخ مانده است. قوه قضاییه در پرونده معترضان بازداشت شده اجازه استخدام وکیل تعیینی را نداده و وکلای تسخیری این پرونده ها نه تنها کمکی به متهمان نکرده اند بلکه با اقداماتشان مسیر محکومیت و اجرای احکام سنگینی چون اعدام را هموار کرده اند.

محمد مهدی کرمی ۲۲ ساله و قهرمان کاراته از جمله شانزده معترضی است که در رابطه با کشته شدن یک بسیجی سرکوبگر به اسم روح الله عجمیان در درگیری مردم و سرکوبگران بازداشت شد. این درگیری در حاشیه مراسم چهلم حدیث نجفی از جانباختگان اعتراضات در کرج و پس از حمله مأموران حکومتی به شرکت کنندگان در این مراسم رخ داد.

محمد مهدی کرمی در کیفرخواست صادر شده در این پرونده به عنوان متهم ردیف اول محاکمه و هفته گذشته به اعدام محکوم شد. ماشالله کرمی پدر محمد مهدی در گفتگو با روزنامه «اعتماد» چاپ تهران گفته از روز صدور حکم تا کنون او مدام با وکیل تسخیری برای اعلام اعتراض بر حکم صادر شده علیه محمد مهدی تماس می گیرد اما این تماس ها بی پاسخ مانده است.

ماشالله کرمی در نظرآباد استان البرز دستفروش دستمال کاغذی است و دو فرزند دارد: محمد مهدی و فرزند دیگری که معلول و خانه نشین است.

ماشالله کرمی توضیح داده که «چهارشنبه ساعت ۲ بعدازظهر به ما زنگ زد و گفت بابا حکم ما را به ما داده اند؛ حکم من اعدام است. پسرم گریه می کرد و می گفت به مامان چیزی نگو... مادرش وابستگی زیادی به مهدی دارد. پسرم ورزشکار است و همیشه تلاش می کرد که افتخار کسب کند. اگر اتفاقی برای مهدی بیفتد، زندگی ما هم به پایان می رسد. به آقای آصف حسینی گفتم، تو رو خدا دو بار، حبس ابد



ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» می‌گوید اعتراضات به خاطر آن است که دشمن از پیشرفت‌های جمهوری اسلامی عصبانی است

تداوم برکناری و بازداشت مسئولان و مدیران نظام؛ نوبت به معاون ارزی بانک مرکزی و معاون پارلمانی دولت رسید

حسینی معاون پارلمانی دولت است. او در روزهای اخیر بارها در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود مردم را تهدید کرده بود. رسانه‌های داخلی گزارش دادند ابراهیم عزیزی نماینده کرمانشاه نیز که عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی است استعفا داده است. تسنیم گزارش داد نماینده‌ای که استعفا داده قرار است جایگزین معاون پارلمانی دولت شود. نکته مهم این است که حسینی چند روز قبل از آنکه عزل شود شایعه برکناری خود و برخی دیگر از مسئولان دولتی را رد کرده بود.

یک هفته پیش از این، رئیس سازمان برنامه و بودجه استعفا داده بود. البته بعضی منابع گفتند او قبل از آنکه عزل شود پیش‌دستی کرد و خودش کنار رفت.

در هفته‌های اخیر موجی از بازداشت و برکناری مقامات و مشاوران آنها و مدیران ارشد به راه افتاد. از جمله مدیرعامل پتروشیمی شیراز و دو نفر از معاونانش به اتهام فساد مالی و همچنین دو مدیربانکی بازداشت شدند.

در همین مدت پس از عزل رئیس سازمان حسابرسی و رئیس گمرک و برکناری دو معاون وزیر «به خاطر قصور و کوتاهی» و بازداشت یک مشاور وزیر به اتهام اختلاس، رئیس دادگاه و دادستان انتظامی قضا و نماینده علی خامنه‌ای در بسیج نیز تغییر کردند.

به این فهرست بلندبالا باید پناهندگی رئیس فدراسیون بوکس، استعفای رئیس بورس، عزل شهرداران ساری و ابهر، عزل رئیس پلیس زاهدان، عزل استاندار تهران، استعفای مجریان صداوسیما حکومت را نیز اضافه کرد.

مدیرعامل سابق فولاد مبارکه و چندین مدیر دولتی دیگر نیز بازداشت شدند. شمار مدیران و مسئولانی که به اسم یا عنوان شغلی در دو سه ماهه گذشته بازداشت شده‌اند دست کم به ۲۰ نفر می‌رسد.

بلندگوهایی تبلیغاتی و مؤمنان نظام می‌گویند راهبرد دشمن «القای ناکارآمدی نظام اسلامی» است اما واقعیت این است که این ناکارآمدی نه القاء بلکه یک واقعیت آشکار و غیرقابل کتمان است که پیامدها و آثار آن در عمل به وضوح دیده می‌شود.

در چنین شرایطی است که مقامات رژیم و رسانه‌های وابسته ترفند «نوسازی حکمرانی» یا «اصلاح در ساختار حکومت» را مطرح کرده‌اند و فکر می‌کنند شاید با آنچه برخی آن را «تحول» خیال می‌کنند بتوان دستی به سر و گوش جمهوری اسلامی کشید و آن را حفظ کرد. از همین رو، برکناری‌ها و بازداشت‌های مدیران را در پیامد این «نوسازی» تفسیر می‌کنند.

● در ایران در حالی که دلار به بیش از ۳۸ هزار تومان رسیده، معاون ارزی بانک مرکزی برکنار شد. حتا زمزمه‌هایی در مورد برکناری رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی مطرح شده اما خودش تکذیب می‌کند.

● یکی دیگر از آنهایی که از دولت برکنار شد سیدمحمد حسینی معاون پارلمانی دولت است. او تا هفته پیش برکناری خود را تکذیب می‌کرد!

● محمد ابراهیمی مدیرعامل سرمایه گذاری صندوق بانزشتگی کل کشور در حالی که کمتر از یک سال پیش به این سمت منصوب شد استعفا داده است.

● تعداد مدیران و مسئولان دولتی که در دو سه ماه اخیر در ایران بازداشت شده‌اند و اسم یا عنوان شغلی آنها رسانه‌ای شده دست کم به ۲۰ نفر می‌رسد.

● مقامات رژیم و رسانه‌های وابسته ترفند «نوسازی حکمرانی» یا «اصلاح در ساختار حکومت» را مطرح کرده‌اند و فکر می‌کنند شاید با آنچه برخی آن را «تحول» خیال می‌کنند بتوان دستی به سر و گوش جمهوری اسلامی کشید و آن را حفظ کرد. از همین رو، برکناری‌ها و بازداشت‌های مدیران را در پیامد این «نوسازی» تفسیر می‌کنند.

موج استعفا و برکناری مسئولان و مقامات حکومت در نهادها و ارگان‌های مختلف ادامه دارد. روز چهارشنبه ۲۳ آذرماه نیز شماری از مدیران ارشد جمهوری اسلامی که پست‌ها و مسئولیت‌های رده بالا به عهده داشتند از قطار حکومت که به سوی ناکجاآباد در حرکت است پیاده شدند. این در حالیست که با تداوم اعتراضات کنترل نرخ ارز از دست حکومت خارج شده و به رکوردی تازه رسیده است. هر دلار در بازار آزاد ایران به بیش از ۳۸ هزار تومان و قیمت هر یورو تا ۴۰ هزار تومان رسیده است. در اوج این بحران ارزی، افشین خانی معاون ارزی بانک مرکزی برکنار شد. این در شرایطی است که در روزهای اخیر حتا زمزمه‌هایی در مورد برکناری رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی مطرح شده است. حتا گفته شده است وی به دلیل اختلاف با مسئولان رده بالای حکومت «قهر» کرده است! هرچند او شایعه برکناری خود را تکذیب کرد.

در این میان، محمد ابراهیمی مدیرعامل سرمایه‌گذاری صندوق بانزشتگی کل کشور در حالی که کمتر از یک سال پیش به این سمت منصوب شد استعفا داده است اما علت آن مشخص نیست! فقط بعضی رسانه‌ها نوشته‌اند سرمایه‌گذاران و سهامداران ارشد این مجموعه نگران سرمایه‌های خود شده‌اند. یکی دیگر از آنهایی که از دولت برکنار شد سیدمحمد

رضا آریا کارمند شرکت تامین برق مترو و پدر دو کودک خردسال است و به گواهی دوستان و آشنایانش، رضا مجرم نیست بلکه مردی بسیار آرام و پدري مهربان و زحمتکش است.

حسین محمدی ۲۶ ساله جوان دیگر محکوم به اعدام در این پرونده نیز بازیگر حرفه‌ای تئاتر است. سعید روستایی کارگردان سرشناس آثاری مثل «ابد و یک روز» در واکنش به صدور حکم اعدام برای حسین محمدی نوشته که «این بازیگر توانا خشونت را حتی نمی‌تواند بازی کند. متهم نکشید. نکشید. اعدام نکنید.»

شمار دیگری از شهروندان در پرونده‌های دیگری به اعدام محکوم شده‌اند. ماهان صدرات جوان ۲۳ ساله متولد سال ۱۳۷۸ از بازداشت‌شدگان اعتراضات که پیشتر در دادگاهی غیرقانونی به اعدام محکوم شده بود، در خطر سپرده شدن به چوبه دار قرار دارد.

ماهان در حالی به اتهام «محرابه» به «اعدام» محکوم شده که به هیچ فردی آسیب وارد نکرده است. در کیفرخواست او آمده که «محرابه از طریق کشیدن سلاح سرد (چاقو) به نحوی که موجب ایجاد ناامنی و ترس در محیط شده است، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، آتش زدن موتورسیکلت و تخریب گوشی شاکي خصوصی و ایراد جرح عمدی با چاقو نسبت به شاکي!»

سهند نورمحمدزاده متولد ۱۳۷۵ از شهروندان معترض در تهران است که مهر امسال بازداشت و ۱۶ آبان به اتهام محرابه در شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب تهران محاکمه شد. اتهام «محرابه از طریق تخریب و ایجاد حریق در وسایل عمومی به منظور اخلال در نظم و امنیت کشور و مقابله با حکومت اسلامی، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و اخلال در نظم و آسایش عمومی از طریق شرکت در تجمعات» به او بسته شده است.

در حالی که سهند نیز به هیچ فردی آسیب نرسانده اما به اعدام محکوم شده است. بر اساس گزارش‌ها سهند برای اعتراف و اقرار زیر فشارهای شدید روانی قرار داشته بطوری که در طول بازداشت او را سه بار پای چوبه دار برده و همه فرایند اعدام بجز کشیدن چارپایه از زیر پای محکوم را انجام داده‌اند. سامان یاسین (صیدی) خواننده و هنرمند محبوب در زندان «رجایی‌شهر»، محسن هاشم‌زهی ۲۴ ساله محبوب در زندان زاهدان، محمد بروغنی بازداشت شده در پاکدست، اکبر غفاری بازداشت شده در تهران از دیگر بازداشت‌شدگان اعتراضات هستند که به اعدام محکوم شده‌اند.

شمار دیگری از شهروندان بازداشت شده از جمله محمد قبادلو، امیر نصر آزادانی، پژمان فاطمی، مهسا محمدی، محسن مظلوم، محمد فرامرزی، وفا آذربار، فهیمه کریمی، سهیل خوشدل، جواد زرگران، بهراد علی کناری، محمدمبین اخلاقی، شایان چارانی، مهدی محمدی، آرین فرزام‌نیا، توماج صالحی، امیرمهدی جعفری، امین‌مهدی شکرالهی، محمد حسینی، نجیب محمدی، رضا شاکر زواردهی، علی معظمی گودرزی از دیگر متهمانی هستند که اتهام «افساد فی الارض» و یا «محرابه» به آنها زده شده است و گفته می‌شود حکم اعدام نیز علیه برخی از آنان صادر شده است.

جمهوری اسلامی طی روزهای گذشته محسن شکاری و مجیدرضا رهنورد را در تهران و مشهد اعدام کرد. این دو شهروند معترض به ترتیب در تهران و مشهد بازداشت شده بودند. جمهوری اسلامی با سپردن جوانان معترض به چوبه دار به دنبال بقای نظام است اما واکنش مردم در روزهای گذشته به این دو اعدام نشان داده که این شیوه وحشیانه از سرکوب معترضان سبب نخواهد شد مردم از مسیر خیزش انقلابی عقب‌گرد کنند و جمهوری اسلامی را آسوده بگذارند.

برکناری‌های بی‌سر و صدا در نهادهای نظامی - قضایی؛ تنگ کردن حلقه «خودی‌ها» به اسم «اصلاح حکمرانی»؟!



گروهان طلاب و روحانیون بسیجی

در این میان یحیی رحیم صفوی دستیار و مشاور عالی خامنه‌ای نیز با فرافکنی و امتناع از این واقعیت که مردم هستند که جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند، در یک سخنرانی مدعی شده «هدف کلان دشمنان ایران این است که مردم را ناراحت و عصبانی کنند و جبهه مشترکی را علیه ایران تشکیل داده‌اند!»

حجت‌الاسلام حسین میرزایی عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیز در گفتگو با خبرنگاری «ایکنا» اظهارات ضدحکومتی را «اتفاقات ناگوار» و ناشی از «تسلط دشمن بر مغزها و اخلاص در تصمیم‌گیری» و «خلاء جهاد تبیین» دانسته و با انتقاد از عملکرد «شورای عالی انقلاب فرهنگی» گفته است: «در این اتفاقات در فقدان حضور فعال جبهه خودی در جنگ روایت‌ها شکل گرفته است.»

میرزایی خواستار تغییر حجت‌الاسلام سعیدرضا عاملی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی شده است! این خواست برای جابجایی نیز چیزی جز تلاش برای تنگ‌تر کردن حلقه‌ی خودی‌هایی نیست که اتفاقاً «دشمنان» با نفوذ در آنها توانسته‌اند ضربات متعدد امنیتی اعم از سایبری و فیزیکی به جمهوری اسلامی بزنند!

در چنین شرایطی برخی درون نظام بر «ضرورت اصلاح حکمرانی» تأکید می‌کنند. محمدرضا باهنر نایب رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه در روزهای اخیر مسئولان نظام جلساتی با علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی برگزار کردند گفته «اهمیت این جلسات بسیار بالاست چون من و دیگرانی که به این جلسه دعوت می‌شویم اصلاً فکر نمی‌کنیم که ایشان، خودسرانه این جلسه را برگزار کرده است؛ ما احتمال قوی می‌دهیم که این جلسه، از سوی حاکمیت تنظیم شده است و وقتی چنین جلسه‌ای برگزار می‌شود، یعنی قرار است اصلاحاتی انجام شود!» اصلاحاتی که طرح دوباره‌ی آن از یکسو نشانه‌ی استیصال نظام است و از سوی دیگر راهکاری جز حذف و به دور خود چرخیدن خودی‌ترین خودی‌های نظام ندارد!

با تداوم خیزش سراسری مردم ایران برکناری مقامات و مسئولان در نهادهای مختلف حکومتی ادامه دارد و اختلاف در بالاترین سطوح نظام حتماً میان جریان‌ها و گروه‌های مرتبط با رهبر جمهوری اسلامی علنی‌تر شده است.

پس از عزل رئیس سازمان حسابرسی و رئیس گمرک و برکناری دو معاون وزیر «به خاطر قصور و کوتاهی» و بازداشت یک مشاور وزیر به اتهام اختلاس، رئیس دادگاه و دادستان انتظامی قضات و نماینده علی خامنه‌ای در بسیج نیز تغییر کردند.

رهبر جمهوری اسلامی ۵ آذرماه در دیدار با بسیجی‌ها با بی‌اعتمادی تمام به آنها هشدار داده بود «مراقب نفوذ افراد ناپاب و فاسد در بسیج باشید!» وی بر اساس آیه قرآن به آنها توصیه کرد «روحیه خود را نپازید و سست نشوید!»

عزل برکناری حجت‌الاسلام محمدرضا تویسرکانی نماینده خامنه‌ای در بسیج اعلام نشد اما سردار پاسدار غلامرضا سلیمانی رئیس این تشکیلات طی سخنانی در مراسم معرفی نماینده جدید خامنه‌ای گفت: «هنوز جهاد تبیینی که مورد نظر رهبر انقلاب و متناسب با یورش‌های دشمن است، شکل نگرفته است.»

حجت‌الاسلام علی رضایی به عنوان مسئول جدید نمایندگی علی خامنه‌ای در بسیج منصوب شده است. سلیمانی رئیس بسیج در این ارتباط گفته «خود را موظف به پشتیبانی از حوزه نمایندگی ولی‌فقیه می‌دانیم و سعی وافری می‌کنیم حجت‌الاسلام رضایی در انجام رسالت‌شان مشکلی نداشته باشند و باید بیشتر از گذشته همراهی، همدلی و یکی بودن خود را نشان بدهیم!»

وی همچنین تأکید کرده «همه مسئولان بسیج باید در حوزه جهاد تبیین تلاش مضاعف کنند.» همه این هشدارها و نگرانی‌ها بیانگر تردید و ریزش در بدنه‌ی سیاسی-عقیدتی جمهوری اسلامی است که رژیم خود را همواره متکی بر آن می‌دیده است. این موضوع به نوبه‌ی خود سبب می‌شود تا حلقه‌ی خودی‌های نظام تنگ و تنگ‌تر شود بدون آنکه اطمینانی به همین حلقه نیز وجود داشته باشد!

● پس از عزل رئیس سازمان حسابرسی و رئیس گمرک و برکناری دو معاون وزیر «به خاطر قصور و کوتاهی» و بازداشت یک مشاور وزیر به اتهام اختلاس، رئیس دادگاه و دادستان انتظامی قضات و نماینده علی خامنه‌ای در بسیج نیز تغییر کردند.

● علت برکناری حجت‌الاسلام تویسرکانی نماینده خامنه‌ای در بسیج اعلام نشد اما سردار پاسدار سلیمانی رئیس این تشکیلات طی سخنانی در مراسم معرفی نماینده جدید خامنه‌ای گفت: «هنوز جهاد تبیینی که مورد نظر رهبر انقلاب و متناسب با یورش‌های دشمن است، شکل نگرفته است.»

● هشدارها و نگرانی‌های مقامات بیانگر تردید و ریزش در بدنه‌ی سیاسی-عقیدتی جمهوری اسلامی است که رژیم خود را همواره متکی بر آن می‌دیده است. این موضوع به نوبه‌ی خود سبب می‌شود تا حلقه‌ی خودی‌های نظام تنگ و تنگ‌تر شود بدون آنکه اطمینانی به همین حلقه نیز وجود داشته باشد!

● حجت‌الاسلام حسین میرزایی عضو کمیسیون فرهنگی مجلس اظهارات ضدحکومتی را «اتفاقات ناگوار» و ناشی از «تسلط دشمن بر مغزها و اخلاص در تصمیم‌گیری» و «خلاء جهاد تبیین» دانست و خواستار برکناری حجت‌الاسلام سعیدرضا عاملی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی شده است! این خواست برای جابجایی نیز چیزی جز تلاش برای تنگ‌تر کردن حلقه‌ی خودی‌هایی نیست که اتفاقاً «دشمنان» با نفوذ در آنها توانسته‌اند ضربات متعدد امنیتی اعم از سایبری و فیزیکی به جمهوری اسلامی بزنند!

● از درون نظام برخی بر «ضرورت اصلاح حکمرانی» تأکید می‌کنند. محمدرضا باهنر نایب رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفته حاکمیت جلساتی تنظیم کرده و «قرار است اصلاحاتی انجام شود!» اصلاحاتی که طرح دوباره‌ی آن از یکسو نشانه‌ی استیصال نظام است و از سوی دیگر راهکاری جز حذف و به دور خود چرخیدن خودی‌ترین خودی‌های نظام ندارد!



تورم بالاتر از ۷۰ درصد در بیش از یک سوم استان‌ها؛ سیستان و بلوچستان در صدر جدول گرانی!

● سیستان و بلوچستان، لرستان، مازندران، آذربایجان غربی، کرمان، همدان، ایلام، سمنان، هرمزگان، قزوین، خراسان شمالی و البرز دارای بالاترین میزان گرانی خوراکی‌ها هستند. ● دامنه تغییرات نرخ تورم سالانه در آبان‌ماه ۱۴۰۱ برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۷/۴۱ درصد برای دهک دهم تا ۲/۵۰ درصد برای دهک اول است.

گزارش‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که تورم گروه خوراکی‌ها همچنان در صدر جدول آمار قرار دارند و تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها در آبان امسال در بیش از یک سوم استان‌های ایران بالاتر از ۷۰ درصد بوده است. تورم بالای مواد غذایی سبب رانده شدن شمار بیشتری از خانوارهای تنگدست و کم‌درآمد به زیر خط فقر مطلق شده است.

گزارش مرکز آمار ایران از جزئیات آمار تورم آبان‌ماه نشان می‌دهد که تورم مواد خوراکی در این ماه در دوازده استان کشور بالاتر از ۷۰ درصد به ثبت رسیده که استان سیستان و بلوچستان با اختلاف در صدر فهرست بیشترین تورم مواد خوراکی است. بر اساس این گزارش تورم نقطه به نقطه سیستان و بلوچستان در آبان‌ماه ۸۴ درصد اعلام شده که بالاترین میزان گرانی خوراکی‌ها میان تمامی استان‌های کشور است. در رتبه دوم استان‌هایی با بیشترین گرانی مواد خوراکی، استان لرستان با تورم ۷۸ درصد در گروه خوراکی‌ها قرار گرفته است.

دیگر استان‌ها با بیشترین آمار تورمی شامل مازندران، آذربایجان غربی، کرمان، همدان، ایلام، سمنان، هرمزگان، قزوین، خراسان شمالی و البرز هستند.

استان زنجان با تورم ۵۷ درصد در گروه خوراکی‌ها نیز پایین‌ترین نرخ تورم این گروه در آبان را ثبت کرده است. بر این اساس، میان بالاترین و کمترین تورم خوراکی رقم خورده در میان استان‌ها، نزدیک به ۱۷ درصد اختلاف وجود دارد.

مرکز آمار ایران پیشتر متوسط تورم نقطه به نقطه در آبان امسال را ۱/۴۸ درصد برآورد کرده بود که نشان می‌داد؛ خانوارهای کشور میانگین ۱/۴۸ درصد بیشتر از آبان ۱۴۰۰ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. گزارش مرکز آمار ایران همچنین نشان می‌دهد که نرخ تورم نقطه‌ای برای خانوارهای شهری ۳/۴۷ درصد است که نسبت به ماه قبل ۴/۰ واحد درصد کاهش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی ۳/۵۲ درصد بوده که نسبت به ماه قبل ۹/۰ واحد درصد کاهش داشته است.

دامنه تغییرات نرخ تورم سالانه در آبان‌ماه ۱۴۰۱ برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۷/۴۱ درصد برای دهک دهم تا ۲/۵۰ درصد برای دهک اول است. این در حالی است که در مهر ماه، دامنه تغییرات نرخ تورم سالانه برای دهک‌های

خوراکی قرار گرفته، وضعیت سوء تغذیه کودکان به مرز هشدار رسیده است.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی شاپور اهواز درباره به فقر و شکاف طبقاتی گسترده در کشور گفته که «یکی از معیارهای شکاف طبقاتی نسبت دهک دهم به دهک اول است و افزایش آن نشان‌دهنده افزایش فاصله طبقاتی است که در حال حاضر در کشور به ۱۵ رسیده است؛ به این معنی که دهک دهمی‌ها ۱۵ برابر بیشتر از دهک اول کسب درآمد می‌کنند و هر چقدر این عدد کمتر باشد نشان‌دهنده فاصله طبقاتی کمتر و هر چقدر بیشتر باشد نشان‌دهنده فاصله طبقاتی بیشتر است و ایران در حال حاضر از جمله کشورهایی است که در آن این عدد بالا است.»

مرتضی افقه در تحلیل چنین شرایطی توضیح داده که «ساختارها در حال حاضر در کشور در جهت تجمع ثروت در دست اقلیتی است که محرومیت انبوهی از مردم از تولید ملی را در پی خواهد داشت و دهک دهم از جمله افرادی هستند که می‌توان آنها را ابرثروتمند تلقی کرد و حتی اختلاف ثروت این دهک از سایر دهک‌های پردرآمد و ثروتمند نیز بسیار زیاد است.» او با اشاره به اینکه حتی دهک ششم از ۱۰ دهک درآمدی کشور نیز از جمله کم‌درآمدها هستند گفته که «طبقه متوسط طبق محاسبات و برآوردها به شدت لاغر و کوچک شده است و حتی می‌توان تا دهک ششم را در دهک درآمدی پایین تلقی کرد و از بین رفتن طبقه متوسط تبعات اجتماعی بلند مدت نگران‌کننده‌ای خواهد داشت. شکاف طبقاتی عوارض اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای دارد که سال‌ها است نمود و بروز پیدا کرده است و بخشی از ریشه اعتراضات فعلی را نیز می‌توان در نابرابری درآمدی و فقر و متراکم شدن ثروت در بخشی کوچکی از جامعه جست‌وجو کرد که همسو شدن آن با خواسته‌های اجتماعی منجر به انفجار خشم شده است.»

به عقیده مرتضی افقه «فقر یک عامل بازدارنده برای رشد و پیشرفت اقتصادی است و فاصله طبقاتی کارایی و مشارکت در فرایند توسعه را مختل می‌کند. فقر از جنبه‌های مختلف بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد؛ یکی از جنبه تأثیر بر رشد فکری و جسمی کودکان است که به دلیل تغذیه نامناسب در دوره کودکی و عدم تأمین نیازهای لازم در میان مدت و بلند مدت رخ می‌دهد و افراد نمی‌توانند در فرایند توسعه مشارکت داشته باشند و از طرف دیگر احساس تبعیض و نارضایتی منجر به کاهش بهره‌وری افراد خواهد شد و عملاً بهره‌وری لازم مانند یک فرد در شرایط عادی را از بین خواهد برد و چه به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم گسترش فقر بر کاهش رشد اقتصادی و نابرابری به صورت یک دور باطل اثرگذار خواهد بود.»

مختلف هزینه‌ای از ۸/۴۰ درصد برای دهک دهم تا ۷/۴۸ درصد برای دهک اول در تغییر بوده است. افزایش تورم، عمیق‌تر شدن رکود، کاهش درآمدهای کشور و ذخائر ارزی و فرار سرمایه از کشور به افزایش فقر و نابرابری در کشور دامن می‌زند. ضریب جینی شاخصی اقتصادی برای محاسبه توزیع ثروت در میان مردم است و به عقیده کارشناسان این شاخص طی سالهای گذشته به شدت افزایش پیدا کرده است.

در این میان تحمیل فشار تورمی به حقوق‌بگیران و کم‌درآمدها به معنای توسعه فقر بیشتر است و یکی از علل مهم افزایش انگیزه برای شرکت در اعتراضات سراسری و اعتصاب کارگران به شمار می‌رود. کارشناسان اقتصادی افزایش ضریب جینی در کنار افزایش تورم و بیکاری را «کنار هم بودن باروت و جرقه» ارزیابی می‌کنند که می‌تواند منجر به انفجار اعتراضی جامعه شود.

دولت ابراهیم رئیسی سال گذشته با شعارها و وعده‌های متنوع اقتصادی آغاز بکار کرد که کاهش تورم و کنترل گرانی‌ها در رأس آنها قرار داشت. عملکرد تیم اقتصادی دولت در طول سال گذشته اما فاصله عمیقی با وعده‌ها داشت. در این میان تورم مواد خوراکی که برای برخی اقلام به ۳۰۰ درصد در یک سال رسید به شدت بر افزایش آمار فقر و فلاکت در ایران موثر بود. آمارها و گزارش‌های مختلف نشان می‌دهد بخش بزرگی از جامعه ایران برای تهیه یک سبد خوراکی ضروری و کافی دچار بحران هستند. مصرف مواد غذایی ضروری به شدت کاهش یافته و مصرف اقلام شکم‌پرکن و مضر مانند کربوهیدرات به شدت افزایش یافته است. گزارش‌های دیگر از افزایش سوءتغذیه در میان اقشار مختلف و به ویژه کودکان حکایت دارد. یکی از آثار سوءتغذیه پدید آمدن کوتاهی قد و لاغری مفرط، در کنار افزایش بیماری‌های مرتبط با تغذیه نامناسب مانند دیابت و پوکی استخوان در کشور است. در یکی از جدیدترین اظهارنظرها در اینباره محمدتقی حسینی طباطبایی دبیر علمی هجدهمین همایش اورژانس‌ها و بیماری‌های شایع طب کودکان روز یکشنبه ۲۹ آبان به روزنامه اطلاعات گفته که «سوء تغذیه در استان‌های محروم کشور نگران‌کننده است و چون رشد مغزی کودکان در ۶ سالگی اتفاق می‌افتد، به همین دلیل تغذیه درست و سالم نقش مهمی دارد.»

محمدتقی حسینی طباطبایی افزوده که بر اساس مطالعات، در چهار استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد کوتاهی قد، کم‌وزنی و لاغری شیوع بالایی دارد که ناشی از سوء تغذیه است.

قابل توجه اینکه در استان سیستان و بلوچستان که در گزارش جدید مرکز آمار ایران در صدر جدول تورم مواد

افزایش انتقادهای و انزجار از جمهوری اسلامی پس از اعدام مجیدرضا رهنورد؛ حکومت از مراسم و تاج گل و تسلیت هم می ترسد!



خانه مادر بزرگ مجیدرضا رهنورد

شورای حقوق بشر سازمان ملل تصویب شده همکاری کند؛ این بیانیه افزوده که «اتحادیه اروپا به شدت استفاده گسترده، وحشیانه و نامتناسب از زور توسط مقام‌های ایران علیه معترضان مسالمت‌آمیز از جمله زنان و کودکان را که منجر به جان باختن صدها نفر شده و نقض آشکار اصول اساسی مندرج در حقوق بین‌الملل را محکوم می‌کند.»

معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در عفو بین‌الملل، در واکنش به اعدام مجیدرضا رهنورد، جوان ۲۳ ساله که پس از یک محاکمه ناعادلانه فرمایشی در ارتباط با اعتراضات سراسری، در ملاء عام اعدام شد، گفت: «امروز اعدام هولناک مجیدرضا رهنورد در ملاء عام، قوه قضاییه ایران را رسوا کرد.» بازداشت‌شدگانی که با اتهامات سنگین «محراربه» و «افساد فی الارض» روبرو هستند و در خطر اعدام قرار دارند از حق دسترسی به وکیل تعیینی (انتخابی) محروم بوده و قوه قضاییه آنها را مجبور کرده که از وکلای تسخیری استفاده کنند.

وکلای تسخیری به «مرکز وکلا کارشناسان رسمی و مشاوران قوه قضاییه» وابسته و بسیاری از آنها بازپرسان و قاضی‌های پیشین قوه قضاییه هستند. این وکلا مجوز وکالت خود را بجای کانون وکلا که نهاد صنفی این حوزه در ایران است، بطور مستقیم از قوه قضاییه دریافت کرده‌اند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که وکلای تسخیری نه تنها به نفع متهمان اقدامی انجام نمی‌دهند بلکه با بی‌اعتنایی و کارشکنی، و حتی اظهاراتی به زیان متهم در دادگاه، مسیر صدور احکام سنگینی چون حبس طولانی و اعدام را هموار می‌کنند.

در همین رابطه جمعی از وکلای مستقل دادگستری نامه‌ای خطاب به «وکلای تسخیری مورد تأیید رئیس قوه قضاییه» نوشته و اعلام کردند: «شما در محاکمات ظالمانه قرون وسطایی سهیم و نقش‌آفرین هستید.»

شده است.

دیروز و امروز دانشجویان معترض در چند دانشگاه ایران از جمله دانشگاه‌های تهران، آریامهر (شریف)، «علامه»، دانشگاه ملی ایران (بهشتی)، علوم و تحقیقات و «نوشیروانی» بابل اعتراضاتی علیه صدور احکام اعدام برگزار کردند.

شهروندان نیز در چند شهر ایران از جمله مشهد و تهران جمعیتی در انتقاد و اعتراض به صدور و اجرای احکام اعدام علیه شهروندان معترض و مخالف برگزار کردند. ایرانیان خارج کشور نیز ساعاتی پس از انتشار خبر اعدام مجیدرضا رهنورد، شامگاه دوشنبه ۲۱ آذر تجمع‌هایی در شهرهای مختلف جهان از جمله لندن، واشنگتن، استکهلم، لس‌آنجلس، هلسینکی و شیکاگو برگزار کردند و علیه جمهوری اسلامی شعار سر دادند.

شماری از مقامات خارجی نیز طی ساعات گذشته به اجرای دومین اعدام معترضان از سوی جمهوری اسلامی واکنش نشان دادند. ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، اعلام کرد که صدور احکام سنگین و اکنون اولین اعدام در ملاء عام علیه معترضان برای «ارباب مردم ایران» و «سرکوب مخالفان» است و نشان می‌دهد «واقعا رهبران ایران چقدر از مردم خود می‌ترسند.»

وزرای خارجه اتحادیه اروپا روز دوشنبه ۲۱ آذر با انتشار بیانیه‌ای از مقامات جمهوری اسلامی خواستند که فوراً به اعدام معترضان پایان دهند و بدون تأخیر احکام اعدام صادر شده برای دیگر معترضان را لغو کنند.

در این بیانیه تأکید شده که «اتحادیه اروپا به شدت با استفاده از مجازات اعدام در هر زمان و در هر شرایطی به عنوان نفی غیرقابل قبول کرامت انسانی مخالف است.» بیانیه وزرای خارجه اتحادیه اروپا همچنین از جمهوری اسلامی خواسته با کمیته حقیقت‌یاب که تشکیل آن در

● مأموران امنیتی شب گذشته برادر و یکی از دایی‌های مجیدرضا رهنورد را بازداشت و بنرها و تاج‌گل‌هایی را که از سوی اقوام، دوستان و شهروندان برای تسلیت ارسال شده بود جمع‌آوری کردند.

● صبح امروز نیز قرار بود مراسم ختم مجیدرضا رهنورد در مسجد «فاطمه زهرا» در میدان «امام حسین» مشهد برگزار شود اما نیروهای امنیتی در مسجد را بستند و قفل زدند و مراسم را لغو کردند.

● سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفته صدور احکام سنگین و اکنون اولین اعدام در ملاء عام علیه معترضان برای «ارباب مردم ایران» و «سرکوب مخالفان» است و نشان‌دهنده ترس جمهوری اسلامی از مردم است.

● وزرای خارجه اتحادیه اروپا روز دوشنبه ۲۱ آذر با انتشار بیانیه‌ای از مقام‌های جمهوری اسلامی خواستند که فوراً به اعدام معترضان پایان دهند و بدون تأخیر احکام اعدام صادر شده برای دیگر معترضان را لغو کنند.

● جمعی از وکلای مستقل دادگستری نامه‌ای خطاب به «وکلای تسخیری مورد تأیید رئیس قوه قضاییه» نوشته و اعلام کردند: شما در محاکمات ظالمانه قرون وسطایی سهیم و نقش‌آفرین هستید!

مجیدرضا رهنورد جوان ۲۳ ساله ساکن مشهد دومین قربانی اعدام‌های سازمانیافته جمهوری اسلامی در پی صدور اتهامات «محراربه» و «افساد فی الارض» علیه شهروندان معترض بود. چند روز پیشتر محسن شکاری ۲۳ ساله در تهران و به اتهام «بستن خیابان ستارخان» و «زخمی کردن یک بسیجی مسلح و سرکوبگر» اعدام شده بود.

اعدام دو جوان معترض موجی از خشم و انزجار از سوی شهروندان به همراه داشته و مقامات دولت‌های خارجی و سازمان‌های حقوق بشری نیز به این اعدام‌ها اعتراض کردند. مقامات قوه قضاییه در حالی مجیدرضا رهنورد را اعدام کرده و خودشان او را به خاک سپردند که حتی از برگزاری مراسم برای او نیز جلوگیری کرده‌اند. به گزارش منابع حقوق بشری از مشهد خانه مادر بزرگ مجیدرضا شامگاه دوشنبه ۲۱ آذرماه مورد یورش مأموران امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفت. مأموران برادر و یکی از دایی‌های مجیدرضا را بازداشت کردند و بنرها و تاج‌گل‌هایی را که از سوی اقوام، دوستان و شهروندان برای تسلیت به خانه مادر بزرگ مجیدرضا ارسال شده بود جمع‌آوری کردند.

صبح امروز نیز قرار بود مراسم ختم مجیدرضا رهنورد در مسجد «فاطمه زهرا» در میدان «امام حسین» مشهد برگزار شود اما نیروهای امنیتی در مسجد را بستند و قفل زدند و از ورود خانواده، اقوام و دیگر شهروندان به مسجد جلوگیری کردند.

شهروندانی که برای ابراز همدردی و همراهی با خانواده مجیدرضا به این مسجد آمده بودند با سر دادن شعارهایی چون «آگه با هم یکی نشیم، یکی یکی کشته میشیم» و «اینهمه سال جنایت، مرگ بر این ولایت» سر دادند.

اعدام دو جوان معترض که روند دادرسی، صدور اتهام و حکم اعدام، و اجرای حکم آنها حتی بر اساس قوانین تباه و ناکارآمد جمهوری اسلامی نیز دارای اشکالات زیادی است، با موجی از خشم و انزجار عمومی از سوی شهروندان روبرو

افزایش شتابان قیمت‌ها در دو بازار مهم ایران؛ دلار ۳۸ هزار و ۲۴۰ تومان و سکه ۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان



ماه‌های پیش رو و با توجه به وضعیت خیزش انقلابی مردم و موضع‌گیری غرب علیه جمهوری اسلامی دستیافتنی به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر عوامل دیگری نیز به عنوان محرک‌ها بر افزایش قیمت ارز اثرگذار هستند. وبسایت «تجارت نیوز» در همین رابطه نوشته که یکی از دلایلی که احتمال رشد قیمت دلار در ماه‌های آینده را بیشتر می‌کند قطع گاز پتروشیمی‌ها است. پتروشیمی ارزآورترین صنعت ایران است و حدود ۲۵ درصد از ارز سامانه نیما که بزرگترین بازار ارز ایران است از صادرات این صنایع تامین می‌شود. قطع گاز این صنعت یعنی کاهش ارزآوری و به طور خلاصه یعنی افزایش قیمت.

از سوی دیگر با پایان سال میلادی تجار و بازرگانان باید وجوه خود را تسویه کنند و همین موضوع تقاضا برای ارز را در بازار ایران افزایش می‌دهد. همچنین بسیاری از کارشناسان عقیده دارند کسری شدید بودجه دولت باعث می‌شود که قیمت بالای ارز برای دولت هم جذاب باشد چون اینگونه می‌تواند با ارزی که در اختیار دارد کسری بودجه را پوشش دهد.

جعفر قادری عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی اما «جو» را علت این افزایش قیمت‌ها ارزیابی کرده است! او با اشاره به افزایش قیمت دلار گفته که «یک مقدار آن تحت تاثیر فضا سازی و جوی است که الان از خارج کشور آمده؛ هم بحث اعتراضات و هم بحث ارتباطات چین با کشورهای عربی، بخشی هم به تقاضای سفته بازی برای ارز برمی‌گردد.»

اینهمه در حالیست که آنچه در بازار ارز و طلا در جریان است یکی دیگر از نشانه‌های شکست برنامه‌های اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی است که مهمترین وعده تیم اقتصادی آن کاهش تورم و کنترل قیمت ارز بود!

قابل توجه اینکه سازمان برنامه و بودجه ایران پارسال در گزارشی، یک پیش‌بینی از روندهای شاخص اقتصادی تا سال ۱۴۰۶ با و بدون تحریم‌ها منتشر کرد. بر اساس این گزارش، قیمت دلار با ادامه تحریم‌ها در سال ۱۴۰۱ حدود ۳۵ هزار تومان پیش‌بینی شده بود. این در حالیست که دلار هم‌اکنون بیش از ۲۸ هزار تومان فروخته می‌شود.

● هر یورو ۴۰ هزار و ۳۴۵ تومان، هر پوند ۴۶ هزار و ۷۲۵ تومان و هر دلار ۳۸ هزار و ۲۴۰ تومان معامله می‌شود.
● قیمت هر سکه طلا به ۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان افزایش یافته. هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز یک میلیون و ۶۳۹ هزار تومان قیمت‌گذاری شده است.

● آنچه در بازار ارز و طلا در جریان است یکی دیگر از نشانه‌های شکست برنامه‌های اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی است که مهمترین وعده تیم اقتصادی آن کاهش تورم و کنترل قیمت ارز بود!

قیمت ارز و طلا در ایران به سرعت در حال افزایش است بطوری که هر دلار آمریکا به بیش از ۳۸ هزار تومان و هر یورو به بیش از ۴۰ هزار تومان و هر سکه طلا به بیش از ۱۹ میلیون تومان رسیده است. کارشناسان معتقدند افزایش قیمت‌ها در این دو بازار ادامه خواهد داشت.

قیمت ارزهای رایج در ایران رکوردهای تازه‌ای ثبت کرده بطوری که امروز سه‌شنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۱ هر یورو ۴۰ هزار و ۳۴۵ تومان، هر پوند ۴۶ هزار و ۷۲۵ تومان و هر دلار ۳۸ هزار و ۲۴۰ تومان معامله می‌شود.

بازار طلا هم با افزایش شتابان قیمت‌ها روبروست و قیمت هر سکه طلا به ۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان افزایش یافته. هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز یک میلیون و ۶۳۹ هزار تومان قیمت‌گذاری شده است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در واکنش به افزایش نجومی قیمت‌ها در بازار طلا و ارز در گزارشی نوشته که به عقیده بسیاری از کارشناسان اقتصادی بازار تهران رشد ۱۲ درصدی نرخ سکه در بازه زمانی ۲۱ روز اخیر، سیگنال قابل توجهی به معامله‌گران جهت ورود به این بازار است. از سوی دیگر کم‌رنگ شدن احتمال رفع تحریم‌های اقتصادی نیز موجب افزایش سطح انتظارات تورمی در جامعه شده که در نتیجه این انتظارات، افراد با هدف در امان نگه داشتن دارایی‌های خود در برابر موج تورمی اقدام به سرمایه‌گذاری در بازارهایی مانند سکه و ارز می‌کنند.

به عقیده تحلیلگران، عوامل اقتصادی مانند رشد نرخ تورم و پایه پولی کشور را نیز می‌توان به عنوان دیگر فشارهای افزایشی موجود در بازار دانست.

برخی کارشناسان عقیده دارند افزایش نرخ نقدینگی و تورم به همراه کسری بودجه و شرایط سیاسی ایران سبب شده تا قیمت ارز در ایران روند افزایشی پیدا کند.

کمال سیدعلی معاون پیشین ارزی بانک مرکزی روز یکشنبه ۲۰ آذرماه گفته بود که «دو مولفه اقتصادی و سیاسی از جمله عوامل اثرگذار بر بازار ارز به شمار می‌روند. افزایش عمده نرخ ارز در شرایط اخیر به این دلیل است که هم به لحاظ اقتصادی و هم تنش‌های بین‌المللی و داخلی کشور در وضعیت حادثی قرار داریم؛ بنابراین تا این دو عامل مدیریت نشود، نمی‌توان چشم‌انداز مناسبی نسبت به آینده بازار ارز ارائه داد.»

معاون پیشین بانک مرکزی افزوده بود که «آنچه اکنون در بستر اقتصادی کشور شاهد آن هستیم، افزایش انتظارات تورمی و میل به مهاجرت و خروج قابل توجه سرمایه از کشور است.» از سوی دیگر برخی فعالان بازار ارز عقیده دارند تنها یک اتفاق عجیب و بزرگ مانند امضای برجام می‌تواند افسار دلار را بکشد؛ این «اتفاق عجیب و بزرگ» اما دستکم در

در این نامه با یادآوری سوگند وکالت آمده است: «آشکارا مهمترین خصیصه وکیل، استقلال از هر حکومت و قدرت و تمامی جناح‌های سیاسی است» تا وکیل بتواند از «حقوق بنیادین مردم، اصول قانونی و حاکمیت قانون، و راستی و درستی» دفاع کند.

امضاکنندگان در بخشی از نامه با یادآوری تلاش‌های «قدرت تمامیت‌خواه فعلی» نوشته‌اند که: «همه این اقدامات برای از بین بردن جایگاه شریف وکالت و نابودی اثرگذاری نقش و جایگاه وکیل در دفاع از کيان حق، و حقوقیانی مستقل حقوق بنیادین مردم بوده است.»

این وکلای مستقل، «وکلاهی مورد وثوق رئیس قوه قضائیه» را در برابر دیدگان «تمامی مردم ایران، اساتید و علمای حقوق، جامعه حقوق کشور، وکلای مستقل دادگستری و نسل جوان و دانشجویان ایران» در مورد «صدور فرامین کینه‌توزانه اعدام بجای حکم دادگاه» توسط «افرادی غاصب در جایگاه قضا» و در «محاکمات ظالمانه قرون وسطایی» سهیم و نقش‌آفرین دانسته‌اند و از آنان خواسته‌اند که «بیش از این به قدرت عنان‌گسیخته اجازه ندهند تا با نام و حضورشان موجبات کشتار و اعدام شهروندان معترض را فراهم آورند.»

اینهمه در حالیست که غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی در واکنش به انتقادهای صدور مجازات اعدام برای کسانی که به «محاربه» متهم می‌شوند گفت که انتخاب حد محاربه به اختیار قاضی است. محسنی اژه‌ای روز دوشنبه ۲۱ آذر گفت: «در ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی، حد محاربه یکی از چهار مجازات اعدام، صلب، قطع دست راست و پای چپ و نفی بلد است.»

او در نشست شورای عالی قوه قضائیه افزود: «در ماده ۲۸۳ نیز تصریح شده که انتخاب هر یک از حدود چهارگانه مذکور به اختیار قاضی است. این قانونی است که وجود دارد و قضات باید بر اساس آن عمل کنند.»

آمارها نشان می‌دهد که شمار زیادی از شهروندان بازداشت‌شده با خطر صدور احکام سنگین روبرو هستند. هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران اعلام کرده از ۲۶ شهرویر تا بیست و یکم آذر ۴۹۰ نفر در اعتراضات ایران جان خود را از دست داده‌اند که ۶۸ نفر از آنها کمتر از ۱۸ سال سن داشتند. هرانا تعداد بازداشت‌شدگان را هم تا پایان نوزدهم آذر ۱۸۲۶۲ نفر اعلام کرده است. سازمان عفو بین‌الملل نیز اعلام کرده که تعداد بیست نفر معترض بازداشتی که در معرض خطر اعدام قرار دارند را مستند کرده است.

بر اساس این گزارش «بازده نفر محکوم به اعدام» عبارتند از: ۱.سهند نورمحمدزاده، ۲.ماهان صدرات مدنی، ۳.منوچهر مهمان نواز، ۴.محمد بروغنی، ۵.محمد قبادلو، ۶.سامان (یاسین) سیدی، ۷.حمید قره حسنلو، ۸.محمد مهدی کرمی، ۹.سید محمد حسینی، ۱۰.حسین محمدی، ۱۱.فردی ناشناس در استان البرز.

همچنین «سه نفری» که تحت محاکمه‌هایی به اتهام جرایمی با مجازات اعدام قرار گرفته‌اند و یا در خطر محکوم شدن به اعدام قرار دارند یا ممکن است قبلاً به اعدام محکوم شده باشند، بدون اطلاعات عمومی در مورد وضعیت آنها عبارتند از: ۱.سعید شیرازی، ۲.ابوالفضل مهری حسین حاجیلو، ۳.محسن رضازاده قره قلو.

عفو بین‌الملل اعلام کرده که «شش نفر» هم ممکن است در انتظار یا تحت محاکمه به اتهامی با مجازات اعدام باشند که عبارتند از: ۱.اکبر غفاری، ۲.توماج صالحی، ۳.ابراهیم ریگی، ۴.امیر نصر آزادانی، ۵.صالح میرهاشمی، ۶.سعید یعقوبی.

امیر نصر آزادانی فوتبالیست بازداشت شده در خطر «اعدام» به اتهام «بغی»



امیر نصر آزادانی

گزارش‌هایی مبنی بر اینکه امیر نصر آزادانی، فوتبالیست حرفه‌ای، در جریان اعتراضات سراسری در ایران برای حقوق زنان و آزادی در کشورش با اعدام در ایران مواجه شده به شدت نگران است.

اتحادیه جهانی بازیکنان حرفه‌ای فوتبال تأکید کرد که «ما در همبستگی با امیر در کنار او ایستاده‌ایم و خواهان لغو فوری مجازات او هستیم».

آمارها نشان می‌دهد از ابتدای خیزش انقلابی مردم تا کنون ۴۹۰ نفر در اعتراضات ایران جان خود را از دست داده‌اند که ۶۸ نفر از آنها کمتر از ۱۸ سال سن داشتند. هرانا تعداد بازداشت‌شدگان را تا پایان نوزدهم آذر ۱۸ هزار و ۲۶۲ نفر اعلام کرده است.

سازمان عفو بین‌الملل نیز اعلام کرده که نام بیست نفر معترض بازداشتی را که در معرض خطر اعدام قرار دارند مستند کرده است.

بر اساس این گزارش «یازده نفر محکوم به اعدام» عبارتند از: ۱. سهند نورمحمدزاده، ۲. ماهان صدرات مدنی، ۳. منوچهر مهمان نواز، ۴. محمد بروغنی، ۵. محمد قبادلو، ۶. سامان (یاسین) سیدی، ۷. حمید قره حسنلو، ۸. محمدمهدی کرمی، ۹. سید محمد حسینی، ۱۰. حسین محمدی، ۱۱. فردی ناشناس در استان البرز.

همچنین «سه نفری» که تحت محاکمه‌هایی به اتهام جرایمی با مجازات اعدام قرار گرفته‌اند و یا در خطر محکوم شدن به اعدام قرار دارند یا ممکن است قبلاً به اعدام محکوم شده باشند، بدون اطلاعات عمومی در مورد وضعیت آنها عبارتند از: ۱. سعید شیرازی، ۲. ابوالفضل مهری حسین حاجیلو، ۳. محسن رضازاده قره قلو.

عفو بین‌الملل اعلام کرده «شش نفر» هم ممکن است در انتظار یا تحت محاکمه به اتهامی با مجازات اعدام باشند که عبارتند از: ۱. اکبر غفاری، ۲. توماج صالحی، ۳. ابراهیم ریگی، ۴. امیر نصر آزادانی، ۵. صالح میرهاشمی، ۶. سعید یعقوبی.

که «فضاسازها و جو سازی‌های مسموم در مورد پرونده‌ها در اراده قضات رسیدگی‌کننده به پرونده‌ها هیچ تأثیری ندارد و احکام بر اساس موازین قانونی و با قاطعیت صادر می‌شود و طبق قانون نسبت به اجرای احکام اقدام می‌شود.»

اتهام «بغی» علیه شهروندانی که در سه ماه گذشته و در جریان اعتراضات بازداشت شده‌اند، برای نخستین بار علیه متهمان این پرونده صادر شده است. در منابع فقهی و حقوقی اسلامی، «بغی» به معنی «خروج و شورش علیه امام و حاکم اسلامی» تعریف شده و مصادیق آن از جمله «جنگ‌های جمل، صفین و نهروان» در صدر اسلام ذکر شده است. «محاربه» و «بغی» دو اتهام جداگانه هستند که از دید فقهای شیعه، «محارب سلاح به روی مردم می‌کشد» و به منزله «جنگ با خدا و پیامبر است» و «باغی به قصد جنگ با حاکم سلاح می‌کشد». در قوانین جمهوری اسلامی برای هر دو اتهام، اشد مجازات «اعدام» است.

امیر نصر آزادانی متولد ۱۸ بهمن ۱۳۷۴ در اصفهان است. او فوتبال را از ۱۰ سالگی با پیوستن به آکادمی «سپاهان اصفهان» آغاز کرد و تا سال ۱۳۹۴ در پایه های این تیم عضویت داشت. او همچنین در چند دوره هم در تیم‌های راه آهن و تراکتور به عنوان هافبک بازی کرده است.

نسبت دادن اتهام «بغی» و خطر صدور حکم «اعدام» علیه این فوتبالیست با واکنش‌هایی از سوی ورزشکاران روبرو شده است. سهراب بختیاری‌زاده، مسعود شجاعی، سیاوش یزدانی، سیامک نعمتی، محمد نصرتی و مجید حسینی از جمله فوتبالیست‌هایی هستند که با انتشار مطالبی در صفحاتشان در شبکه‌های اجتماعی خواستار لغو حکم اعدام این ورزشکار و آزادی او شده‌اند.

اتحادیه جهانی بازیکنان حرفه‌ای فوتبال (فیفا) نیز در واکنش به محاکمه امیر نصر آزادانی با انتشار پیامی در توئیتر نوشت این اتحادیه از این خبر شوکه شده و از

● امیر نصر آزادانی فوتبالیست ۲۷ ساله به «بغی» و «عضویت در دسته‌های غیرقانونی به قصد بر هم زدن امنیت کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت» و «معاونت در محاربه» متهم شده است.

● این پرونده ۹ متهم دارد و متهم ردیف پنجم آن امیر نصر آزادانی است؛ متهمان به نقش داشتن در کشته شدن سه نیروی امنیتی در اعتراضات ۲۵ آبان اصفهان متهم هستند.

● سهراب بختیاری‌زاده، مسعود شجاعی، سیاوش یزدانی، سیامک نعمتی، محمد نصرتی و مجید حسینی از جمله فوتبالیست‌هایی هستند که با انتشار مطالبی در صفحاتشان در شبکه‌های اجتماعی خواستار لغو حکم اعدام این ورزشکار و آزادی او شده‌اند.

● اتحادیه جهانی بازیکنان حرفه‌ای فوتبال در پیامی تأکید کرد که «ما در همبستگی با امیر در کنار او ایستاده‌ایم و خواهان لغو فوری مجازات او هستیم».

امیر نصر آزادانی فوتبالیستی که در جریان اعتراضات هفته‌های اخیر بازداشت شده با اتهام سنگین «بغی» روبرو شده و در خطر اعدام قرار دارد. رئیس دادگستری استان اصفهان گفته «فضاسازی و جو سازی‌های مسموم» در نظر قضات برای صدور رأی اثری نخواهد داشت.

امیر نصر آزادانی در اعتراضات ۲۵ آبان در اصفهان حضور داشته و دو روز بعد توسط نهادهای امنیتی بازداشت شد. این ورزشکار حرفه‌ای از سوی قوه قضاییه به عنوان یکی از متهمان پرونده کشته شدن سه نیروی امنیتی در جریان اعتراضات شناخته شده است.

امیر نصر آزادانی به «بغی» و همچنین «عضویت در دسته‌های غیرقانونی به قصد بر هم زدن امنیت کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت» و «معاونت در محاربه» متهم شده است. اتهام «بغی» به احتمال زیاد صدور حکم اعدام علیه این ورزشکار را در پی خواهد داشت.

اسدالله جعفری رئیس دادگستری استان اصفهان روز یکشنبه ۲۰ آذر گفت که این پرونده ۹ متهم دارد که یکی از آنها متهم ردیف پنجم امیر نصر آزادانی است.

رئیس کل دادگستری استان اصفهان با بیان اینکه امیر نصر آزادانی از ۲۷ آبان‌ماه در بازداشت بسر می‌برد گفته او به «بغی» و «عضویت در دسته‌های غیرقانونی به قصد بر هم زدن امنیت کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت» و «معاونت در محاربه» متهم است.

اسدالله جعفری مدعی شده که «بر اساس کیفرخواست صادر شده این فرد متهم به بغی است. وی با عضویت در گروه مسلحانه به صورت شبکه‌ای و سازمان یافته به قصد مقابله با اساس نظام جمهوری اسلامی با ۳ نفر دیگر اقدام به اغتشاش مسلحانه در تاریخ ۲۵ آبان‌ماه کرده که در نتیجه این اقدام به وسیله یکی از اعضای گروه، ۳ تن از مأموران تأمین امنیت در اصفهان به شهادت رسیدند.»

او افزوده که رسیدگی به پرونده ۴ متهم در صلاحیت محاکم عمومی است و کیفرخواست ۵ نفر از متهمان از جمله امیر نصر آزادانی به دادگاه انقلاب ارسال شده است. رئیس کل دادگستری استان اصفهان همچنین تأکید کرده

و چنین احکامی محل اشکال است. اعدام‌هایی غیرشرعی و به قصد ارباب عمومی!!»

مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم نیز با صدور بیانیه‌ای درباره صدور و اجرای حکم اعدام علیه شهروندان معترض نوشته که اجرای حکم اعدام یکی از معترضان، آنهم در شرایطی که اقتضا می‌کند حکومت با شنیدن صدای اعتراض مردم در راه آرام کردن اوضاع گام بردارد، بخش عظیمی از جامعه به ویژه فرهیختگان و دلسوزان کشور را شگفت زده و وجدان عمومی را جریحه‌دارتر کرد.

محمود علیزاده طباطبایی، وکیل دادگستری، روز چهارشنبه ۲۳ آذر در گفت‌وگو با اعتمادآنلاین گفت زمانی که برای پذیرش وکالت حمید قره‌حسنلو، پزشک محکوم به اعدام، به دادگاه کرج مراجعه کرده به او اعلام شده است که «بنا به تصمیم رئیس دادگاه انقلاب روی پرونده‌های امنیتی حتی در مرحله دادگاه هم وکیل تعیینی قبول نمی‌شود.»

او این تصمیم را «غیر قانونی» دانست و از طرح شکایتی در این رابطه و نیز پیگیری حقوقی موضوع در مراجع قضایی خبر داد.

پیش از این محمدحسین آقاسی وکیل با سابقه دیگر برای پذیرش وکالت محمد مهدی کرمی جوان ورزشکار که به اعدام محکوم شده به دادگاه مراجعه اما مقامات قضایی از پذیرش وکالت او خودداری کرده بودند. این در حالیست که پدر محمد مهدی از عدم پاسخگویی و پیگیری وکیل تسخیری خبر داده است.

اینهمه در حالیست که قوه قضاییه روز چهارشنبه ۲۳ آذرماه در توضیح اتهام محاربه علیه معترضان بازداشت شده از احکام صادر شده دفاع کرد. بر اساس بیانیه قوه قضاییه «شرط تحقق محاربه قتل یا جرح نیست.»

قوه قضاییه در بیانیه خود در توضیح ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی درباره محاربه نوشته «رکن مادی جرم محاربه، کشیدن سلاح یعنی آشکار کردن اسلحه است؛ مشروط به آنکه اولاً کشیدن سلاح به قصد جان یا مال یا ناموس مردم و یا ارباب و ترساندن مردم باشد. ثانیاً موجب ناامنی در محیط گردد و به موجب ماده ۲۷۹، فعلیت یافتن جرح یا قتل، شرط تحقق محاربه نمی‌باشد.»

محسن شکاری در تهران و مجیدرضا رهنورد در مشهد و هر دو ۲۳ ساله، دو تن از معترضان محکوم به اعدام بودند که حکم آنها طی هفته گذشته اجرا شد. همچنان شمار دیگری از متهمان با حکم اعدام و در بیم‌وامید اجرا یا توقف این احکام در زندان هستند.

سازمان عفو بین‌الملل به تازگی نام بیست نفر معترض بازداشتی را که در معرض خطر اعدام قرار دارند مستند کرده است. بر اساس این گزارش «یازده نفر محکوم به اعدام» عبارتند از: ۱. سهند نورمحمدزاده، ۲. ماهان صدرات مدنی، ۳. منوچهر مهمان نواز، ۴. محمد بروغنی، ۵. محمد قبادلو، ۶. سامان (یاسین) سیدی، ۷. حمید قره حسنلو، ۸. محمد مهدی کرمی، ۹. سید محمد حسینی، ۱۰. حسین محمدی، ۱۱. فردی ناشناس در استان البرز.

همچنین «سه نفری» که تحت محاکمه‌هایی به اتهام جرایمی با مجازات اعدام قرار گرفته‌اند و یا در خطر محکوم شدن به اعدام قرار دارند یا ممکن است قبلاً به اعدام محکوم شده باشند، بدون اطلاعات عمومی در مورد وضعیت آنها عبارتند از: ۱. سعید شیرازی، ۲. ابوالفضل مهری حسین حاجیلو، ۳. محسن رضازاده قره قلو.

عفو بین‌الملل اعلام کرده «شش نفر» هم ممکن است در انتظار یا تحت محاکمه به اتهامی با مجازات اعدام باشند که عبارتند از: ۱. اکبر غفاری، ۲. توماس صالحی، ۳. ابراهیم ریگی، ۴. امیر نصر آزادانی، ۵. صالح میرهاشمی، ۶. سعید یعقوبی.

توقف موقت حکم اعدام ماهان صدرات برای اعاده دادرسی



در جلسه دادگاه به او اجازه دفاع نداده با اینهمه ماهان تأکید کرده که سلاح سرد نداشته و در ویدئویی هم که از مستندات دادگاه است، اثری از سلاح سرد نیست.

نکته قابل توجه این بوده که پس از تشکیل جلسه دادگاه، شاکیان خصوصی ماهان رضایت دادند اما به دلیل اینکه اتهام «محاربه» به او زده شده است، رضایت شاکی خصوصی مانع از اجرای حکم نمی‌شد و مدعی العموم یا دادستانی کل همچنان خواستار اعدام متهم شده بود.

یکی از نیروهای امنیتی که شاکی ماهان صدرات بود، با گشودن یک حساب کاربری در توئیتر مدعی شده بود در تلاش است که از اعدام ماهان جلوگیری شود تا خون ناحقی ریخته نشود.

اینهمه در حالیست که تا زمان روشن شدن رأی دیوان عالی، خطر اعدام این جوان وجود دارد. روند ناعادلانه بازداشت، اتهام، محاکمه و صدور حکم اعدام برای ماهان، درباره دیگر شهروندانی که به اعدام محکوم شده‌اند نیز وجود دارد. وکلا و حقوقدانان به شیوه بازداشت و اعتراف‌گیری، تدوین کیفرخواست و محاکمه این افراد ایرادهای حقوقی زیادی وارد می‌کنند.

محسن برهانی وکیل دادگستری که در حوزه علمیه درس خوانده طی روزهای گذشته با انتشار مطالبی در حساب کاربری‌اش در توئیتر اتهام «محاربه» و صدور احکام «اعدام» علیه معترضان را داری «اشتباه فاحش» خوانده است. او بطور مشخص احکام صادر شده علیه محسن شکاری و مجیدرضا رهنورد را که طی روزهای گذشته اعدام شدند با استناد به قوانین خود جمهوری اسلامی زیر سوال برده و اشتباه خوانده است.

محسن برهانی همچنین صدور احکام اعدام را «غیرشرعی» دانسته و نوشته که «در اعتراضات اخیر، کسانی که دست به سلاح بردند، هدفشان ترساندن مأموران امنیتی و انتظامی بود و اتفاقاً به دنبال ایجاد قوت قلب و تشجیع مردم بودند. بنابراین شرایط جرم محاربه محقق نشده است

● توقف حکم اعدام ماهان صدرات به صورت «موقت» و تا زمان مشخص شدن نتیجه اعاده دادرسی از دیوان عالی است. ● ماهان صدرات یکی از ده‌ها معترض بازداشت شده است که با اتهامات سنگین «محاربه»، «افساد فی الارض» و «بغی» روبرو و برخی از آنها به اعدام محکوم شده و حکم برخی دیگر هنوز صادر نشده است.

● پس از تشکیل جلسه دادگاه، شاکیان خصوصی ماهان رضایت دادند اما به دلیل اینکه اتهام «محاربه» به او زده شده است، رضایت شاکی خصوصی مانع از اجرای حکم نمی‌شد.

حکم اعدام ماهان صدرات از بازداشت‌شدگان اعتراضات برای «اعاده دادرسی» متوقف شده است. بیش از ۱۰ متهم دیگر همچنان زیر حکم اعدام قرار دارند.

عباس موسوی وکیل ماهان صدرات، اعلام کرد حکم اعدام موکل‌اش «مستند به درخواست اعاده دادرسی و موافق ماده ۴۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری» متوقف شده است. روابط عمومی دیوان عالی کشور هم با اعلام اینکه حکم اعدام ماهان صدرات تا حصول نتیجه از دیوان عالی کشور متوقف شد، نوشته که «درخواست اعاده دادرسی متهم «ماهان صدرات مرنی» نسبت به رأی صادره دادگاه انقلاب در اجرای ماده ۴۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری در شعبه نهم دیوان عالی کشور ثبت و اصول پرونده محاکماتی نامبرده جهت رسیدگی و بررسی تقاضای ثبت شده از دادگاه مربوطه مطالبه شده است. ضمناً در اجرای ماده ۴۷۶ قانون مذکور قرار توقف اجرای حکم اعدام تا حصول نتیجه از دیوان عالی کشور صادر شده است.»

همانطور که روابط عمومی دیوان عالی کشور تأکید کرده توقف حکم اعدام ماهان صدرات به صورت «موقت» و تا زمان مشخص شدن نتیجه اعاده دادرسی از دیوان عالی است. اگر رأی دیوان عالی بر تأیید حکم اعدام باشد، این حکم به اجرای احکام قوه قضاییه خواهد رفت و اگر دیوان رأی اعدام را رد کند و حکم دیگری صادر کند، اعدام ماهان صدرات بطور کلی متوقف خواهد شد.

بر اساس کیفرخواست صادر شده برای ماهان صدرات، او متهم به «محاربه، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، آتش زدن موتورسیکلت و تخریب گوشی شاکی خصوصی و ایراد جرح عمدی با چاقو نسبت به شاکی» شده بود.

ماهان صدرات یکی از ده‌ها معترض بازداشت شده است که با اتهامات سنگین «محاربه»، «افساد فی الارض» و «بغی» روبرو و برخی از آنها به اعدام محکوم شده و حکم برخی دیگر هنوز صادر نشده است.

حکم اعدام ماهان صدرات صبح امروز شنبه ۱۹ آذر و در روز جهانی حقوق بشر، به اجرای احکام ارجاع شد و نگرانی بابت اعدام این جوان ۲۳ ساله شدت یافت. همانطور که از کیفرخواست ماهان مشخص است، او به هیچ فردی آسیب وارد نکرده و قتلی مرتکب نشده است.

ماهان ۲۰ مهر در تهران بازداشت شد و ۱۲ آبان در شعبه بیست‌وشش دادگاه انقلاب تهران به اتهام «محاربه» و «اقدام علیه امنیت ملی» محاکمه شد. هفته گذشته و در کمتر از ۴۰ روز از برگزاری دادگاه، حکم اعدام او صادر و با وجود رضایت شاکیان، حکم اعدام او به اجرای احکام ابلاغ شد. ماهان صدرات از زمان بازداشت تا کنون در زندان تهران بزرگ (فشافویه) حبس بوده اما طی روزهای گذشته به زندان «رجایی‌شهر» کرج منتقل شد.

ماهان صدرات مانند دیگر متهمانی که در اعتراضات هفته‌های گذشته بازداشت شده‌اند، از حق داشتن وکیل تعیینی (انتخابی) محروم بوده است. قاضی یا حاکم شرع

تکرار سناریو نخهای جمهوری اسلامی؛ پنج ورزشکار به عنوان متهمان مب‌گذاری در شاهچراغ معرفی شدند



از راست: امیراسلان مهدوی، محمد خیوه، حسام موسوی، دنا شبیانی، اشراق نجف‌آبادی

آبان‌ماه سبب زخمی و کشته شدن شماری از شهروندان شد. شماری از مقامات و رسانه‌های رسمی و نزدیک به حکومت، بطور گسترده این اقدام را به «دشمن» و به خیزش سراسری که از ۲۶ شهریور آغاز شده نسبت دادند.

جمهوری اسلامی بلافاصله پس از حمله تلاش کرد داعش را مسئول این حمله معرفی کند اما جالب اینکه در سناریو جدید که پنج ورزشکار قربانی آن هستند، هیچ نامی از داعش در اعترافات آنها دیده شنیده نمی‌شود!

اینهمه در حالیست که افکار عمومی از نخستین لحظاتی که این حمله رخ داد، جمهوری اسلامی را عامل و مجری آن معرفی کردند که با انگیزه «تروریستی» جلوه دادن اعتراضات شهروندان و پایان دادن به خیزش مردمی چنین جنابیتی را مرتکب شده است.

همچنین آمارهای ضد و نقیضی درباره تعداد مجروحان و جانباختگان این حمله ارائه شد. وزیر کشور از کشته شدن ۱۳ نفر و زخمی شدن ۴۰ نفر خبر داده بود؛ روزنامه کیهان و روزنامه ایران، رقم کشته‌شدگان را ۱۵ نفر و زخمی‌ها را ۳۳ نفر اعلام کردند. روزنامه جوان هم تعداد زخمی‌ها را ۲۷ نفر نوشت و روزنامه جام‌جم از ۱۵ کشته و ۱۹ زخمی خبر داد. روزنامه آفتاب هم کشته‌شده‌ها را ۱۳ نفر و زخمی‌ها را ۲۱ نفر عنوان کرد!

کیهان لندن پس از این حمله در گزارشی نوشت که بر اساس اولویت‌بندی‌های کلاسیک، روش‌های مختلفی برای عملیات روانی جهت مهار اعتراضات و «ایجاد سپر بلا» با قربانی کردن عوامل خودی و یا مردم وجود دارد. چنین اقداماتی همواره از ترفندهای جمهوری اسلامی و حکومت‌های مشابه بوده است از جمله در مورد مب‌گذاری حرم امام هشتم شیعیان در مشهد (۳۰ خرداد ۷۳) که در آن ده‌ها تن کشته و زخمی شدند، گفته می‌شود که خود رژیم آن را مرتکب شد.

این مب‌گذاری دستگیر شدند حالا عوامل این مب‌گذاری جزئیات جدیدی از پشت پرده این عملیات را در اعترافات خود اعلام کردند. تروریست‌ها قصد داشتند همزمان با اغتشاشات در یک نقطه شهر مپی را منفجر کنند.

تسنیم نوشته که «خانم دنا به عنوان مسئول تبلیغات و تست عملیات در اعترافات خود گفت: در روزهای نخست اعتراضات در منزل یکی از دوستان جمع شدیم و مقرر شد در یک نقطه شهر مپی را منفجر کنیم و قرار بود این مپ از راه دور منفجر شود تا شهر بهم بریزد. هیچگاه فکر نمی‌کردم بازداشت شویم. فکر می‌کردیم امنیت بالایی داریم و می‌توانیم فرار کنیم.»

در ادامه این گزارش آمده که «اشراق به عنوان سرتیم این گروه تروریستی و مسئول عملیات نیز گفت: برای این عملیات مواد منفجره را تهیه کردم و همه چیز را برای انجام عملیات مهم فراهم کرده بودیم. قرار بود انفجار مهمی داشته باشیم که بازداشت شدیم. ارسال به عنوان یکی دیگر از اعضای این گروه تروریستی و مپ‌گذار اصلی نیز گفت: وقتی مپ آماده شد در داخل ماشین من گذاشتند و بعد از تهیه بنزین، قرار شد به عنوان زباله‌گرد برای اینکه ماموران به من شک نکنند محموله را در کیسه‌ای گذاشتم و به سمت میدان احسان حرکت کردم. از میدان احسان وارد معالی‌آباد شدم که یک بسیجی جلوی من را گرفت و گفت در داخل پلاستیک چی داری که بلافاصله دستگیر شدم. عقلم درگیر نبود و احساساتی عمل کردم.»

اعترافات احسان نیز از سوی تسنیم اینگونه روایت شده است: «احسان از طراحان عملیات مپ‌گذاری نیز درباره علت انتخاب میدان احسان و معالی‌آباد برای مپ‌گذاری نیز گفت به علت اینکه این میدان بیشترین دوربین را دارد و در روبه‌روی استانداری قرار داد اخبارش بیشتر منتشر می‌شد.» حمله مسلحانه در شاهچراغ شیراز روز چهارشنبه ۴

● دنا شبیانی مربی استوئرد و گرافیکست، حسام موسوی مربی سنگ‌نوردی، امیراسلان مهدوی مربی استوئرد، اشراق نجف‌آبادی مربی دوچرخه‌سواری و محمد خیوه مربی کوهنوردی و طبیعت‌گرد پنج قربانی سناریوسازی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند.

● جمهوری اسلامی بلافاصله پس از حمله تلاش کرد داعش را مسئول این حمله معرفی کند اما جالب اینکه در سناریو جدید که پنج ورزشکار قربانی آن هستند، هیچ نامی از داعش در اعترافات آنها دیده شنیده نمی‌شود!

سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (سپا) پنج ورزشکار جوان در شیراز را به مب‌گذاری در شاهچراغ متهم کرده است. این سناریو از دید کاربران شبکه‌های اجتماعی و کسانی که با این ورزشکاران آشنا هستند، «مضحک» ارزیابی شده است.

با گذشت حدود ۵۰ روز از حمله مسلحانه در شاهچراغ شیراز، سازمان اطلاع سپاه (سپا) در یک سناریو نخ‌نما پنج ورزشکار و مربی ورزشی در شیراز شامل یک زن و چهار مرد را بازداشت و آنها را تیم مب‌گذاری در شیراز معرفی کرده است! دنا شبیانی مربی استوئرد و گرافیکست، حسام موسوی مربی سنگ‌نوردی، امیراسلان مهدوی مربی استوئرد، اشراق نجف‌آبادی مربی دوچرخه‌سواری و محمد خیوه مربی کوهنوردی و طبیعت‌گرد پنج قربانی سناریوسازی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند.

ساعاتی قبل ویدئویی نیز به عنوان اعترافات این پنج نفر منتشر شد. خیرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گزارشی در اینباره مدعی شده که بعد از عملیات مب‌گذاری ناموفق و خنثی‌شده شیراز در شب حادثه تروریستی شاهچراغ که با اقدام اطلاعاتی سربازان گمنام امام زمان در اطلاعات سپاه استان فارس، عوامل

بودن تخلفات در حین ساخت» کوتاهی کرده و به تخلفات توجهی کردند.

مالک این ساختمان حسین عبدالباقی یکی از رانتخواران در استان خوزستان است که طی دو دهه از آجیل‌فروشی به همراه برادرانش در مغازه پدری در آبادان به یکی از مافیاهای زمین و ساختمان تبدیل شد.

بر اساس گزارش‌ها، بسیاری از مقامات شهر آبادان و استان خوزستان در روند تبدیل شدن حسین عبدالباقی به مافیای اقتصادی از وی حمایت کرده‌اند. حسین عبدالباقی با پولپاشی و رشوه مسیر خود را برای زمینخواری و ساخت‌وسازهای کلان در استان خوزستان هموار کرده بود. ساخت بناهای مختلف برای نهادهای حکومتی، ارسال تجهیزات اداری، نصب کولر در ادارات و سازمان‌ها، و آسفالت محوطه‌های متعلق به دستگاه‌های حکومت و انواع رشوه در غالب هدیه و به اصطلاح نیکوکاری از جمله این پولپاشی‌ها بوده است. گزارش‌های دیگری که در نخستین روزهای پس از ریزش ساختمان منتشر شد نیز نشان می‌داد که بیش از یک سال پیش عدم رعایت استانداردهای ایمنی و فنی در این ساختمان گزارش شده و حتی در مورد ریزش این ساختمان هشدار داده شده بود. در یک مورد از این گزارش‌ها که نامه رئیس وقت سازمان نظام مهندسی آبادان درباره ۱۴ مورد تخلف در ساخت متروپل بوده، این نامه به شهرداری آبادان، امام جمعه، رئیس وقت شورای اسلامی شهر، فرمانداری ویژه آبادان، معاونت شهرسازی و مدیریت حراست شهرداری آبادان ارسال شده اما هیچ اقدامی از سوی مسئولان صورت نگرفته است!

گزارش‌ها نشان می‌دهد مجتمع برج‌های دوقلوی متروپل به قدری سست بود که ستون اصلی و حمل‌کننده مجتمع‌ها نشست و طبله کرده بود. تصاویر و ویدئوهای منتشر شده در فضای مجازی نیز چنین چیزی را نشان می‌دهد. مالک این ساختمان داربست‌هایی در اطراف پروژه کشیده بود که برخی مدعی هستند با هدف پنهانکاری وضعیت وخیم ساختمان انجام گرفته است. نخستین ساختمان متروپل پیش از این به بهره‌برداری رسیده بود و ساختمان دوم این پروژه دوقلو که از آن به عنوان «مگا پروژه متروپل» یاد شده، در آخرین مراحل ساخت قرار داشت اما بهره‌برداری از طبقات پایینی آن آغاز شده بود.

حاشیه‌های ریزش ساختمان متروپل و جلب شدن توجه‌ها به هلدینگ عبدالباقی به عنوان یکی از رانتخواران حوزه ساخت در ایران که به برخی مقامات منطقه‌ای و کشوری متصل بودند، همچنان ادامه دارد.

با وجود ادعای مقامات حکومتی بر اینکه حسین عبدالباقی زیر آوار متروپل مانده و درگذشته است اما منابع محلی همچنان معتقدند حسین عبدالباقی چند ثانیه پیش از ریزش ساختمان از ساختمان خارج شده و برای فرار از خشم مردم و قانون، به یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس گریخته است.

از سوی دیگر مجید عبدالباقی برادر حسین عبدالباقی مالک ساختمان متروپل آبادان ظهر امروز شنبه اول مرداد ۱۴۰۱ در حال ورود به پارکینگ محل سکونتش مورد حمله افراد مسلح قرار گرفت و درگذشت.

پیش‌بینی شده حذف برادر حسین عبدالباقی پیش از تشکیل دادگاه با توجه به اطلاعات او از روابط پیچیده برادرش با مقامات محلی و کشوری ممکن است کار مافیاهای وابسته به حکومت یا نهادهای امنیتی باشد. با اینهمه دو نفر به اتهام نیش قبر او چند روز پس از خاکسپاری بازداشت شدند که احتمال دست داشتن خانواده قربانیان در این موضوع مطرح است.

رای نهایی پرونده متروپل با ۴۳ جانباخته اعلام شد: متهمان به سه سال زندان محکوم شدند!



ساختمان متروپل

نظام مهندسی نیز از جمله مقصران ریزش ساختمان متروپل هستند و ناظر تعیین شده بر این پروژه نیز وظایف خود را به درستی انجام نداده است. این کمیسیون در گزارش اولیه نیز که هفته پیش منتشر شد بر تخلف دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و نظارتی در روند ساخت متروپل تأکید کرده بود.

محمدرضا رضایی کوچی رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفته بود که «از نظر ما در کنار مالک، شهرداری آبادان و سازمان نظام مهندسی بیشترین تخلف را داشتند و البته دستگاه‌های ناظر نیز به وظایف خودشان به خوبی عمل نکردند.»

بر اساس توضیحات محمدرضا رضایی کوچی، «از ابتدای کار در انتخاب مشاور و ناظر پروژه کوتاهی صورت گرفته چرا که فرد و شرکت مذکور صلاحیت کافی نداشته و مجوز آن نیز غیرقانونی بوده است. همچنین در حین ساخت و ساز نیز ناظرهای متعددی تغییر کردند و علی‌رغم ارائه گزارش وضعیت نامناسب ساختمان متروپل به شهرداری آبادان، این مجموعه توجهی به تخلفات نکرده است و همچنین مسئولان در رده‌های مختلف نیز که از این وضعیت اطلاع داشتند، در انجام وظایف خود کوتاهی کردند.»

رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که حسین عبدالباقی مالک ساختمان تخلفات فراوانی داشته و شهرداری و سازمان نظام مهندسی نیز «علیرغم مشهود

● دادستان اهواز: متهمان به سه سال حبس تعزیری و پرداخت دیه به خانواده و ورثه جانباختگان حادثه، اقامت اجباری، انفصال از خدمات دولتی و عمومی، لغو پروانه اشتغال و منع اشتغال در حرفه مهندسی ساختمان محکوم شدند.

● رأی بدوی این پرونده که در آن ۲۱ نفر با اتهام «قتل شبه‌عمد» و «ایراد صدمه بدنی شبه‌عمد مصدومین» محاکمه شدند، شهریور امسال صادر شده بود.

دادستان اهواز از نهایی شدن احکام ۲۱ متهم حادثه فروریختن ساختمان «متروپل» آبادان خبر داد که بر اساس آن متهمان فقط به ۳ سال زندان و پرداخت دیه محکوم شدند. ساختمان متروپل آبادان که توسط یک شبکه مافیایی در استان خوزستان در حال ساخت بود خرداد گذشته فروریخت و دست‌کم ۴۳ شهروند در این حادثه جان باختند.

صادق جعفری چگینی دادستان اهواز از نهایی شدن احکام پرونده متهمان فروریختن ساختمان متروپل خبر داد و گفت: «هر کدام از محکومان به سه سال حبس تعزیری و پرداخت دیه به خانواده و ورثه جانباختگان حادثه، اقامت اجباری، انفصال از خدمات دولتی و عمومی، لغو پروانه اشتغال و منع اشتغال در حرفه مهندسی ساختمان محکوم شدند.»

دادستان اهواز با اعلام اینکه احکام نهایی محکومان در دادگاه تجدید نظر صادر و به مرحله اجرا رسیده، گفت: «تا کنون ۱۰ نفر از محکومان در حال حاضر دوران حبس خود را سپری می‌کنند و حکم مابقی محکومان صادر شده که در اسرع وقت حکم جلب آنها اجرایی خواهد شد.»

رأی بدوی این پرونده شهریور امسال صادر شده بود. مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه اعلام کرده بود که ۲۱ متهم این پرونده با اتهام «قتل شبه‌عمد» و «ایراد صدمه بدنی شبه‌عمد مصدومین» محاکمه شدند.

مسعود ستایشی افزوده بود که حسین عبدالباقی مالک ساختمان متروپل، که ادعا شده جانباخته است، ۷۵ درصد مقصر بوده است و «هر کدام از متهمان به سه سال حبس تعزیری محکوم و دو سال انفصال از خدمات عمومی و دولتی و منع اشتغال به حرفه ساختمان، لغو پروانه اشتغال و محرومیت از عضویت در سازمان نظام مهندسی محکوم شدند.»

ساختمان متروپل آبادان در نیمروز دوم خردادماه به دلیل تخلفات در ساخت و شکست ستون‌های ساختمان فرو ریخت و طبق آمار رسمی ۴۳ تن در این حادثه مرگبار جان باختند و دست‌کم ۳۷ نفر مصدوم شدند.

سه جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده متروپل طی امرداد جاری در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ شهر اهواز برگزار شد. علی دهقانی رئیس کل دادگستری خوزستان ۱۰ مرداد ۱۴۰۱ پس از برگزاری نخستین جلسه غیرعلنی دادگاه در جمع خبرنگاران گفت: «متهمان این حادثه ۲۱ نفر هستند که همه آن‌ها در دادگاه حاضر شدند که همگی بازداشت هستند و از زندان به جلسه دادگاه اعزام شده‌اند.»

رئیس کل دادگستری خوزستان گفته بود که «در این جلسه اظهارات ۲۲ نفر از اولیای دم متوفیان استماع شد و برخی از وکلای آنان نیز اظهارات خود را بیان کردند. بعضی متوفیان اعضای یک خانواده بوده اند که یک نفر به نمایندگی از اولیای دم در جلسه دادگاه حاضر شد.»

رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی یک ماه پیش از اعلام رأی بدوی و در امرداد گذشته اعلام کرده بود که بر اساس تحقیقات این کمیسیون، علاوه بر حسین عبدالباقی مالک ساختمان متروپل، شهرداری آبادان و سازمان

پاسخ مقامات جمهوری اسلامی به آژانس: وقتی اسلحه راحت وارد می شود چند گرم رادیواکتیو که چیزی نیست!



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی و محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در تهران

● به دعوت جمهوری اسلامی «یک تیم فنی» از آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار است یکشنبه ۲۷ آذر با هدف رسیدگی به «مسائل حفاظتی» به تهران سفر کند.

● در ایران غنی سازی اورانیوم در دو سایت زیرزمینی فردو و نطنز به ۶۰ درصد رسیده است که به گفته مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی ایندو مرحله از غنی سازی به سطحی نزدیک است که فقط کاربرد نظامی دارد.

● مقامات جمهوری اسلامی تا اواسط سال ۱۴۰۰ وجود تأسیسات اتمی اعلام نشده را که آلوده به ذرات اورانیوم هستند انکار می کرد اما پس از آنکه این سایتها لو رفتند در مورد علت وجود ذرات اورانیوم تناقض گویی می کنند.

به دعوت جمهوری اسلامی «یک تیم فنی» از آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار است یکشنبه ۱۸ دسامبر (۲۷ آذر) با هدف رسیدگی به «مسائل حفاظتی» به تهران سفر کنند.

آژانس بین المللی انرژی اتمی و جمهوری اسلامی دو اختلاف اساسی دارند. اولی مربوط به عدم پاسخگویی جمهوری اسلامی نسبت به علت ذرات اورانیوم کشف شده در تأسیسات اعلام نشده است و دومی مربوط به غنی سازی اورانیوم با غلظت ۶۰ درصدی که کاربرد غیرنظامی ندارد.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل مهرماه سال ۱۳۹۷ در مجمع عمومی سازمان ملل براساس آرشو اتمی که موساد از ایران سرقت کرده بود یک انبار سَرّی اتمی در «تورقوزآباد» تهران را افشا کرد اما مقامات جمهوری اسلامی آن را رد کردند. محمدجواد ظریف وزیر خارجه وقت جمهوری اسلامی و دستیارش عباس عراقچی در حاشیه نشست سازمان ملل می خندیدند و می گفتند نتانیاهو را سر کار گذاشتند!

چند ماه بعد با استناد به همان اسناد چند سایت



محمد بروغنی

در این پرونده محمد قبادلو به افساد فی الارض از طریق زیرگرفتن ماموران با خودرو متهم شد. سامان صیدی به محاربه از طریق کشیدن کلت کمری و شلیک سه تیر، اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور متهم شد. محمد بروغنی فرزند حسین به محاربه از طریق کشیدن سلاح سرد و درگیری با ماموران و آتش زدن فرمانداری پاکشدت متهم شد.

ابوالفضل مهری حسین حاجی لو به مقابله با حکومت اسلامی از طریق ایجاد حریق در وسیله مورد استفاده عمومی به منظور اخلاص در نظم و امنیت کشور متهم شد. محسن رضا زاده قراقلو به محاربه از طریق مشارکت در ایجاد حریق در وسیله مورد استفاده عمومی به منظور اخلاص در نظم و امنیت عمومی، اجتماع و تبانی جهت ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی کشور، ساخت اقلام انفجاری از نوع کوکتل مولوتوف برای مقاصد ضد امنیتی و سنگ پرانی بسوی عوامل انتظامی متهم شد. سعید شیرازی نیز به افساد فی الارض از طریق تحریک و تشویق گسترده مردم به ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و اخلاص در نظم متهم شد.

محمد قبادلو و سامان صیدی نیز در این پرونده به اعدام محکوم و خطر صدور حکم اعدام برای محسن رضازاده قراقلو، سعید شیرازی و ابوالفضل مهری حسین حاجی لو نیز وجود دارد.

سازمان عفو بین الملل به تازگی نام بیست نفر معترض بازداشتی را که در معرض خطر اعدام قرار دارند مستند کرده است. بر اساس این گزارش «یازده نفر محکوم به اعدام» عبارتند از: ۱. سهند نورمحمدزاده، ۲. ماهان صدرات مدنی، ۳. منوچهر مهمان نواز، ۴. محمد بروغنی، ۵. محمد قبادلو، ۶. سامان (یاسین) سیدی، ۷. حمید قره حسنلو، ۸. محمد مهدی کرمی، ۹. سعید محمد حسینی، ۱۰. حسین محمدی، ۱۱. فردی ناشناس در استان البرز.

همچنین «سه نفری» که تحت محاکمه هایی به اتهام جرایمی با مجازات اعدام قرار گرفته اند و یا در خطر محکوم شدن به اعدام قرار دارند یا ممکن است قبلاً به اعدام محکوم شده باشند، بدون اطلاعات عمومی در مورد وضعیت آنها عبارتند از: ۱. سعید شیرازی، ۲. ابوالفضل مهری حسین حاجیلو، ۳. محسن رضازاده قره قلو.

عفو بین الملل اعلام کرده «شش نفر» هم ممکن است در انتظار یا تحت محاکمه به اتهامی یا مجازات اعدام باشند که عبارتند از: ۱. اکبر غفاری، ۲. توماج صالحی، ۳. ابراهیم ریگی، ۴. امیر نصر آزادانی، ۵. صالح میرهاشمی، ۶. سعید یعقوبی.

افزایش نگرانی ها درباره اعدام محمد بروغنی نوجوان ۱۹ ساله

● محمد بروغنی به انفرادی بند ۳۹۰ زندان «رجایی شهر» انتقال داده شده است و چنین روندی عیناً در رابطه با محسن شکاری، در هفته گذشته، پیش از اعدام او اجرا شد.

● محمد بروغنی حق برخورداری از وکیل انتخابی (تعیینی) را نداشت و در دادگاه نیز اجازه پیدا نکرد از خود دفاع کند.

● مارتین دیدن هوفن نماینده پارلمان آلمان که کفالت سیاسی محمد بروغنی را پذیرفته، درباره وضعیت او ابراز نگرانی کرده و از همه خواسته است درباره وضعیت این زندانی اطلاع رسانی کنند.

محمد بروغنی نوجوان ۱۹ ساله که در اعتراضات هفته های اخیر بازداشت و به اتهام «محاربه» به اعدام محکوم شده از بند عمومی زندان «رجایی شهر» به مکان نامعلومی منتقل و خطر اجرای حکم اعدام او وجود دارد. بر اساس گزارش کمیته پیگیری وضعیت بازداشت شدگان، محمد بروغنی را روز چهارشنبه از بند عمومی زندان «رجایی شهر» به مکانی نامعلوم منتقل کرده اند و این احتمال وجود دارد که او را جهت اجرای حکم به انفرادی منتقل کرده باشند. به ویژه اینکه پیش از انتقال این نوجوان، او اجازه یافت با مادرش ملاقات کند.

گزارش فعالان مدنی در ایران نیز تأکید دارد که محمد بروغنی به انفرادی بند ۳۹۰ زندان «رجایی شهر» انتقال داده شده و چنین روندی عیناً در رابطه با محسن شکاری، در هفته گذشته، پیش از اعدام او اجرا شد.

محمد بروغنی متولد ۱۳۸۲ در یکی از شتابزده ترین دادگاه های معترضان هفته های اخیر، طی یک جلسه دادگاه به اعدام محکوم شد. این دادگاه در حالی برگزار شد که محمد بروغنی حق برخورداری از وکیل انتخابی (تعیینی) را نداشت و در دادگاه نیز اجازه پیدا نکرد از خود دفاع کند.

مارتین دیدن هوفن نماینده پارلمان آلمان که کفالت سیاسی محمد بروغنی را پذیرفته، درباره وضعیت او ابراز نگرانی کرده و از همه خواسته است درباره وضعیت این زندانی اطلاع رسانی کنند.

نخستین و تنها جلسه دادگاه محمد بروغنی و پنج متهم دیگر این پرونده هفتم آبان ۱۴۰۱ برگزار شد. محمد قبادلو، سامان صیدی، محسن رضازاده قراقلو، سعید شیرازی و ابوالفضل مهری حسین حاجی لو دیگر متهمان این پرونده بودند که در شعبه ۱۵ دادگاه عمومی و انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی محاکمه شدند.

تشدید حملات سایبری به زیرساخت‌های جمهوری اسلامی همزمان با تداوم خیزش سراسری



نشست مقابله با حملات سایبری به شهرک‌های صنعتی

«تاریخی» و هدف آن را همکاری سایبری علیه «دشمنان مشترک» نامید.

آنچه مقامات اسرائیلی پیشنهاد دادند تشکیل «گنبد آهنین سایبری» برای مقابله با اقدامات هکری جمهوری اسلامی است. هر سه کشور عضو «پیمان صلح ابراهیم» هستند. «گنبد آهنین» سیستم دفاع هوایی پیشرفته ساخت صنایع هوافضا و کارخانه‌های «رافائل» اسرائیل است که اکثر حملات موشکی و پهپادی علیه این کشور را خنثی می‌کند. در اوایل ماه دسامبر (دو هفته پیش) اسرائیل و ایالات متحده بزرگترین رزمایش سایبری را که تا کنون با هم برای مقابله با تهدید رژیم ایران انجام داده‌اند برگزار کردند. این رزمایش ابتدا در مرکز سایبری جورجیا در همین ایالت برگزار شد و هفتمین تمرین سایبری بود که بطور مشترک توسط دو متحد انجام شد.

اسرائیل به عنوان یکی از کشورهای پیشرفته در فناوری امنیت سایبری در نظر گرفته می‌شود و در اواخر نوامبر (آذرماه) میزبان کنفرانسی بود که فناوری سایبری خود را با حضور ۶۵ شرکت به نمایش گذاشت.

در ماه‌های اخیر همزمان با تظاهرات گسترده در ایران حملات سایبری میان اسرائیل و جمهوری اسلامی به شدت افزایش پیدا کرد. تنش‌های نظامی میان دو کشور نیز تشدید شد و بارها اسرائیل مواضع نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه را هدف قرار داد.

روزنامه «هآرتس» گزارش داد اسرائیل به دولت لبنان و جمهوری اسلامی هشدار داده است که اگر سپاه پاسداران از فرودگاه بیروت برای قاچاق تسلیحات به حزب‌الله لبنان استفاده کند، ممکن است این فرودگاه را هدف حمله قرار دهد.

تام توگندت وزیر امنیت بریتانیا پیش از این هشدار داده بود که «مداخله، تهدید و نفوذ» جمهوری اسلامی ایران در این کشور افزایشی نگران‌کننده یافته است.

مقامات پارلمان بریتانیا نیز ماه پیش هشدارنامه‌ای به نمایندگان فرستادند و به آنها توصیه کردند با توجه به افزایش تهدید حملات سایبری رژیم ایران، امنیت تلفن‌ها و سایر وسایل الکترونیک و کامپیوتری خود را تقویت کنند.

● **سردار غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی:** دشمن با کشف نقاط آسیب‌پذیر و حمله سایبری به بخش‌های خدمات‌رسان به دنبال توقف و قطع محصول خدمت و سرویس و ایجاد چالش برای مردم است.

● **بر اساس گزارش «آی ۲۴» اسرائیل، امارات متحده عربی، بحرین و مراکش نشست‌هایی برای ایجاد یک ساز و کار مشترک مشترک دفاع سایبری جهت مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی برگزار کردند.**

● **گابی پورت‌نوی رئیس اداره ملی سایبری اسرائیل می‌گوید هدف از تشکیل چنین ائتلافی همکاری سایبری علیه «دشمنان مشترک» است.**

سردار غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی می‌گوید همزمان با اعتراضات در ایران زیرساخت‌های صنعتی تحت شدیدترین حملات سایبری قرار گرفته است.

وی با اشاره به «هدف گذاری دشمن برای ضربه زدن به زیرساخت‌های سایبری و خدمات دهی» گفت «دشمن با کشف نقاط آسیب‌پذیر و حمله سایبری به بخش‌های خدمات‌رسان به دنبال توقف و قطع محصول خدمت و سرویس و ایجاد چالش برای مردم است که در این راستا از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی که عمدتاً خارج پایه هستند، بهره برده است.»

هکرهای ناشناس بارها علاوه بر وبسایت‌ها و سامانه‌های حساس حکومتی در ایران به شبکه تأسیسات و زیرساخت‌های آن نیز حمله کرده‌اند.

منابع منطقه‌ای نیز گزارش داده‌اند در هفته‌های اخیر حملات سایبری با منشاء روسیه و ایران افزایش پیدا کرده است. موضوعی که دو ماه پیش در سند امنیت ملی آمریکا نیز پیش‌بینی شده بود.

بر اساس گزارش «آی ۲۴» اسرائیل، امارات متحده عربی، بحرین و مراکش نشست‌هایی برای ایجاد یک ساز و کار مشترک دفاع سایبری جهت مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی برگزار کردند.

گابی پورت‌نوی رئیس اداره ملی سایبری اسرائیل چهارشنبه ۱۵ دسامبر (۲۳ آذر) با اعلام این خبر جلسات برگزار شده را

اعلام نشده آلوده به اورانیوم با منشاء انسانی لو رفت. بازرسان آژانس وجود این ذرات را شناسایی کردند و از همان دوران مدام تأکید می‌کنند که جمهوری اسلامی باید روشن کند که آنجا چه فعالیت‌هایی را داشته است و تهران پاسخگو نیست. رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز بارها به صراحت اعلام کرده تا مشخص نشود منشاء ذرات رادیواکتیو چه بوده توافق اتمی صورت نخواهد گرفت.

اکنون مقامات جمهوری اسلامی دیگر وجود چنین سایت‌هایی را تکذیب نمی‌کنند. حتی دیگر نمی‌توانند وجود ذرات آلوده اورانیوم را انکار کنند بلکه مرحله جدید نیرنگ و دروغ‌گویی آنها، توجیه وجود این ذرات است.

وقتی اسلحه راحت وارد می‌شود چند گرم مواد پرتوزا هم وارد می‌شود!

فریدون عباسی دوانی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی می‌گوید «آلوده شدن خاک تورقوزآباد به مواد رادیواکتیو صحت ندارد. اصلاً چنین اتفاقی در تورقوزآباد نیفتاده است. هر محلی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام می‌کند ربطی به فعالیت‌های هسته‌ای دارد خودشان قبلاً در آنجا مواد گذاشتند! در حقیقت کشور ایران بزرگ و مرزهای آن باز است وقتی به راحتی اسلحه وارد می‌شود و افراد رفت‌وآمد می‌کنند نمی‌توانند چند گرم مواد پرتوزا وارد کشور کنند و آن را در جایی بریزند؟»

عباسی در واکنش به اینکه درباره تورقوزآباد گفته شده به واسطه منهدم شدن کانیتیز خاک آنجا آلوده شده است گفت: «خیر؛ اصلاً موردی که منجر به آلودگی شود در تورقوزآباد وجود ندارد. اما ممکن است از مرزهای ایران آهن قراضه و وسایل آلوده وارد کشور شده و در جاهایی انباشت شده باشند.»

آهن قراضه‌های وارداتی آلوده به اورانیوم بود!

محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی می‌گوید گزارش‌های آژانس «همان مت‌هایی است که صهیونیست‌ها می‌نویسند و وجاهت سازمان‌های بین‌المللی با نفوذ لابی‌های صهیونیست، بی‌اعتبار شده است.»

اسلامی توضیح داده «مکان‌هایی که بازرسان آژانس آنجا را بازرسی کرده‌اند، یک گاوداری، یک معدن متروکه و یک ضایعات فروشی است... در یک ضایعاتی نمونه‌برداری کرده‌اند و این ضایعات از کشورهای مختلف، وارد کشور شده است.»

او توضیح داده «کارخانه‌های ذوب آهن گوناگونی در کشور داریم که کالای مورد نیاز خود را از کشورهای مختلف، تهیه و وارد کشور می‌کنند. ممکن است جایی ضایعاتی وارد شده باشد که آلودگی داشته باشد. این موضوع به آن معنا نیست که محل کشف این ضایعات، محل فعالیت هسته‌ای است یا ادعا شود سایت فعالیت‌های هسته‌ای اعلام‌نشده در ایران کشف شده است. ضایعات از عراق و کشورهای مختلف می‌آید. در موارد بسیاری شاهدیم ضایعاتی که از عراق، از سوی بخش خصوصی یا افرادی که در کار خریدوفروش ضایعات هستند وارد می‌شود، آلودگی‌هایی دارد. ما نمونه‌برداری کرده‌ایم و جلوی وارد شدن بسیاری از این ضایعات و کالاهای گرفته‌ایم.

این آلودگی است و مواد هسته‌ای نیست.»

رافائل گروسی اخیراً در مصاحبه با «الجزیره» تأکید کرده «پاسخ به پرسش‌های آژانس، اختیاری و انتخابی نیست؛ بلکه یک وظیفه است.» وی در پاسخ به پرسشی درباره غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم در تأسیسات فردو و نطنز گفت: «مطمئناً این میزان به سطح تسلیحاتی نزدیک‌تر است. سطح تسلیحاتی ۹۰ درصد است و این میزان ۶۰ درصد است.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها صراحتاً به رژیم ایران گفته فتوا به حرام بودن سلاح اتمی کافی نیست، باید ثابت شود که به دنبال آن نیستند.

سونیا شریفی نوجوان ۱۶ ساله به «محاربه» متهم شد!



سونیا شریفی

و گفته که «پرونده این متهم در حال حاضر در مرحله تحقیقات مقدماتی بوده و کیفرخواستی برای او صادر نشده است بنابراین ادعای صدور حکم محاربه برای متهم صحت ندارد.»

اینهمه در حالیست که طی هفته‌های گذشته بارها مقامات جمهوری اسلامی خواستار اعدام و اشد مجازات معترضان زندانی شدند. اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز در نامه‌ای به غلامحسین محسنی اژه‌ای از اعدام معترضان بازداشت‌شده حمایت کردند.

روز گذشته نیز مصطفی میرسلیم نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در سخنانی تبهکارانه گفت: «فاصله بین دستگیری عوامل ناآرامی‌ها تا اعدام آنها بسیار زیاد است و عوامل ناآرامی‌ها باید ۵ تا ۱۰ روز بعد از دستگیری اعدام شوند! منتها قوه قضائیه روال خودش را دارد.»

نوجوانان دیگری نیز در دیگر شهرها در بازداشت و با خطر صدور احکام سنگین روبرو هستند. در استان البرز نیز امیرحسین رحیمی نوجوان ۱۵ ساله دو ماه پیش در اعتراضات کرج بازداشت و در کانون اصلاح و تربیت زندانی شد. طبق آخرین خبرهایی که امروز پنجشنبه ۲۴ آذرماه منتشر شده است، این نوجوان بطور موقت آزاد شده است. پیش از بازداشت مأموران امیرحسین را با اسلحه‌ی ساچمه‌ای هدف قرار داده بودند و او با چند ساچمه که همچنان با گذشت دو ماه در بدن و سر دارد، زندانی و متهم به همراه داشت کوکتل مولوتف شده که با وجود آزادی موقت نیز می‌تواند حکم سنگینی برای او به همراه داشته باشد.

فعالان حقوق بشر در ایران، حاکی از آنست که از ۲۶ شهرویر تا بیست و سوم آذر ۴۹۴ نفر در اعتراضات ایران جان خود را از دست داده‌اند که ۶۸ نفر از آنها کمتر از ۱۸ سال سن داشتند.

هرانا تعداد بازداشت‌شدگان را هم ۱۸۴۲۶ نفر اعلام کرد و افزود از این تعداد هویت ۳۸۶۱ تن مشخص شده است. از این میان ۶۳۶ تن دانشجوی بوده‌اند.

برای شماری از نوجوانان بازداشت‌شده اتهامات سنگین «محاربه» و «افساد فی الارض» تعیین شده است. بیشتر نیز کمپین فعالان بلوچ گزارش داده بود محمد و علی رخشانی آزاد دو نوجوان ۱۵ و ۱۶ ساله که یک روز پس از «جمعه خونین» در برابر خانه‌شان بازداشت شده بودند با اتهام «محاربه» روبرو هستند که می‌تواند مجازات اعدام را در پی داشته باشد.

مقامات قضایی سیستان و بلوچستان مدعی شده‌اند خبر صدور اتهام «محاربه» برای این دو نوجوان صحت ندارد اما کمپین فعالان بلوچ به نقل از علی کریمی وکیل این دو نوجوان، صدور اتهام «محاربه» را تأیید کرده است.

اکنون با انتشار خبر متهم شدن سونیا شریفی، اتهام «محاربه» علیه او نیز از سوی مقامات قضایی تکذیب شده است. مسعود کارگر دادستان شهرستان آبدانان در استان ایلام در رابطه با جزئیات پرونده سونیا شریفی گفته: سونیا شریفی لیدر اصلی اغتشاشات اخیر بوده که اقدام به ساخت کوکتل مولوتف نیز کرده است.

دادستان شهرستان آبدانان همچنین ادعای ضرب و شتم و صدور حکم محاربه برای سونیا شریفی را تکذیب کرده

● سونیا شریفی کودک ۱۶ ساله و دانش‌آموز سال دوم دبیرستان در جریان اعتراضات هفته‌های گذشته بازداشت و با اتهام سنگین «محاربه» روبرو شده است.

● برای سونیا وثیقه یک میلیارد تومانی تعیین شده اما خانواده هنوز نتوانسته‌اند این وثیقه را تأمین و در نتیجه کودک همچنان در کانون اصلاح و تربیت زندانی است.

در حالی که صدور اتهامات سنگین برای بازداشت‌شدگان خیزش ملی ادامه دارد، قوه قضائیه جمهوری اسلامی در اقدامی وحشیانه و کم‌سابقه سونیا شریفی نوجوان ۱۶ ساله را به «محاربه» متهم کرده است.

سونیا شریفی کودک ۱۶ ساله و دانش‌آموز سال دوم دبیرستان در جریان اعتراضات هفته‌های گذشته بازداشت شد. پس از دو ماه از بازداشت این دختر نوجوان مشخص شده او با اتهام سنگین «محاربه» روبرو شده و خطر صدور حکم اعدام علیه او وجود دارد.

به گزارش منابع حقوق بشری، سونیا شریفی اهل شهرستان آبدانان در استان ایلام است که آبان‌ماه امسال در خانه مادر بزرگش در آبدانان توسط مأموران سازمان اطلاعات سپاه (ساز) بازداشت شد. بازداشت این دختر نوجوان با حمله شماری مأمور مسلح و با ضرب و جرح شدید او همراه بود. برخلاف قوانین، این کودک ۱۶ ساله در تاریخ ۲۸ آبان به زندان مرکزی ایلام منتقل و در میان زندانیان بزرگسال نگهداری شده و پس از مدتی و احتمالاً پس از جلسات بازجویی و صدور کیفرخواست به کانون اصلاح و تربیت ایلام منتقل شده است.

«شبکه حقوق بشر کردستان» گزارش داده که بازجویان اطلاعات سپاه، سونیا شریفی را مجبور به اعترافات اجباری در خصوص ساخت کوکتل مولوتف و شعارنویسی کرده‌اند. این گزارش می‌افزاید که دادرسی عمومی و انقلاب آبدانان و استان ایلام درباره وضعیت پرونده سونیا اطلاعاتی به خانواده ارائه نمی‌دهند و فقط مشخص شده اتهام این کودک «محاربه» است!

همچنین مانند ده‌ها پرونده مشابه که در شهرهای دیگر برای شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات تشکیل شده، قوه قضائیه از پذیرش وکیل تعیینی (انتخابی) در این پرونده هم خودداری کرده و اطلاعات وکیل تسخیری پرونده هم مشخص نیست.

کانال «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان» نیز خبر داد که سونیا شریفی بعد از دو ماه از زمان «ربوده شدن» به دست مأموران سازمان اطلاعات سپاه همچنان بازداشت است. گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان افزوده که برای سونیا وثیقه یک میلیارد تومانی تعیین شده اما خانواده هنوز نتوانسته‌اند این وثیقه را تأمین و در نتیجه کودک همچنان در کانون اصلاح و تربیت زندانی است. با انتشار خبر هولناک بازداشت و متهم شدن سونیا شریفی به «محاربه» و در شرایطی که خطر صدور حکم اعدام علیه این کودک وجود دارد، کاتیا لیکرت نماینده حزب دموکرات مسیحی آلمان اعلام کرد که «کفالت سیاسی» این دختر ۱۶ ساله را بر عهده گرفته و متعهد به آزادی او شده است.

شمار زیادی از نوجوانان طی سه ماه گذشته که از آغاز خیزش سراسری می‌گذرد بازداشت شده و شمار قابل توجهی نیز در این مدت با سرکوب مسلحانه مأموران حکومتی جان باختند. آخرین گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه

پرتاب کوکتل مولوتف به پایگاه‌های بسیج و نهادهای حکومتی

ادعای عجیب معاون امنیتی وزارت کشور: اقدامات ضدامنیتی در ازای پول و همخوابی با دختران است!



به آتش کشیدن بانک سپه در کامیاران

و سرقت از بانک باشند و برای مقابله با آن باید به تقویت سیستم‌های حفاظتی بپردازند.

در این میان، نهادهای امنیتی برای سرکوب اعتراضات از هر ترفند و سناریویی بهره می‌برند. در همین ارتباط سردار پاسدار مجید میراحمدی معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور جمهوری اسلامی در سخنانی عجیب ادعا می‌کند شعارنویسی برای اغتشاشگران سه میلیون تومان یا شعار شبانه دو میلیون تومان درآمد دارد! او حتا ادعا کرده دشمنان برای «حمله به مأمور ۵۰ میلیون تومان» پرداخت می‌کنند و با کشتن مأمور برای افراد شرایط پناهندگی یا فرصت خدمات قابل توجهی در خارج کشور فراهم می‌کنند!

این معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور بر اساس سناریوهای دستگاه شکنجه و اعترافات اجباری همچنین مدعی شده «متأسفانه از ابزارهای غیراخلاقی هم در پیشنهادها استفاده شده؛ برخی دختران را مأمور کرده بودند که مثلاً به جوانی پیشنهاد دهند فلان اقدام ضدامنیتی را انجام دهد تا بتواند در کنار آنها چند شب باشند! موضوعی کثیف و غیراخلاقی که حتی هیچ ابایی از آن نداشتند!»

این ادعاها و سناریوهای سخیف علیه مردم و جوانان معترض در حالیکه حتا از درون حکومت به مقامات هشدار داده می‌شود که «صدای مردم را بشنوید!» مهره‌ها و عوامل جریان اصلاح طلب که فرصت طلبانه به دنبال موج‌سواری بر انقلاب مردم علیه حکومت‌اند نیز هشدار داده‌اند «مردم عصبانی هستند» و بالای ۷۵ درصد نارضایتی از حکومت وجود دارد. در همین ارتباط، روزنامه «جمهوری اسلامی» هشدار داده با این مدیران و وزیران ضعیف و این سیاست‌های ضعیف‌تر نمی‌توان به جایی رسید!

گزارش‌ها از ایران حاکیست جمعه شب ۱۸ آذر و بامداد شنبه ۱۹ آذر دکل مخابراتی در جنت‌آباد تهران، پادگان بسیج ناحیه «امام حسین» اهواز، مسجد «ولایت» در صفائیه یزد، پایگاه بسیج «رضوانشهر»، دفتر بسیج دانشجویی دانشگاه آریامهر (شریف) و چند نقطه دیگر به آتش کشیده شد. خبرگزاری‌های حکومتی گزارش دادند شامگاه پنجشنبه نیز با کوکتل مولوتف به حوزه علمیه آیت‌الله یثربی در کاشان حمله شد. در هفته‌های گذشته چند شعبه بانک و مراکز حکومتی نیز به آتش کشیده شده است.

دفاتر چند نماینده مجلس شورای اسلامی در شهرستان‌ها، دفاتر امامان جمعه و نماینده‌های علی‌خامنه‌ای در استان‌ها ماشین چند مسئول استانی و چند حوزه علمیه نیز آتش زده شد. در چند شهر نیز با سنگ و چوب یا کوکتل مولوتف به منازل و ماشین‌آنها حمله کردند.

در بعضی شهرستان‌ها قطع جریان برق شهری گزارش شده اما مقامات «خرابکاری» بودن آن را رد کردند.

روابط عمومی سپاه «امام رضا» استان خراسان رضوی مدعی شد اعضای یک تیم را بازداشت کرده که قصد حمله به استانداری و ترور احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد را داشته‌اند.

چنین وضعیتی حکومت را به شدت نگران کرده به ویژه آنکه اقدامات ایدئولوژیک متوجه پرسنل و مقامات نظامی و امنیتی نیز شده است.

این در حالیکه سرکوب‌ها و اقدامات خشونت‌بار حکومت واکنش‌ها و پیامدهای اجتماعی زیادی به دنبال داشته است. به عنوان مثال کانون بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی به رؤسا و مدیران عامل چند بانک از جمله بانک آینده، اقتصاد نوین، پارسین، پاسارگاد، دی، بانک سرمایه و چند مؤسسه خصوصی دیگر هشدار داده با توجه به «ناآرامی‌های اخیر» باید مراقب نفوذ و غارت اموال

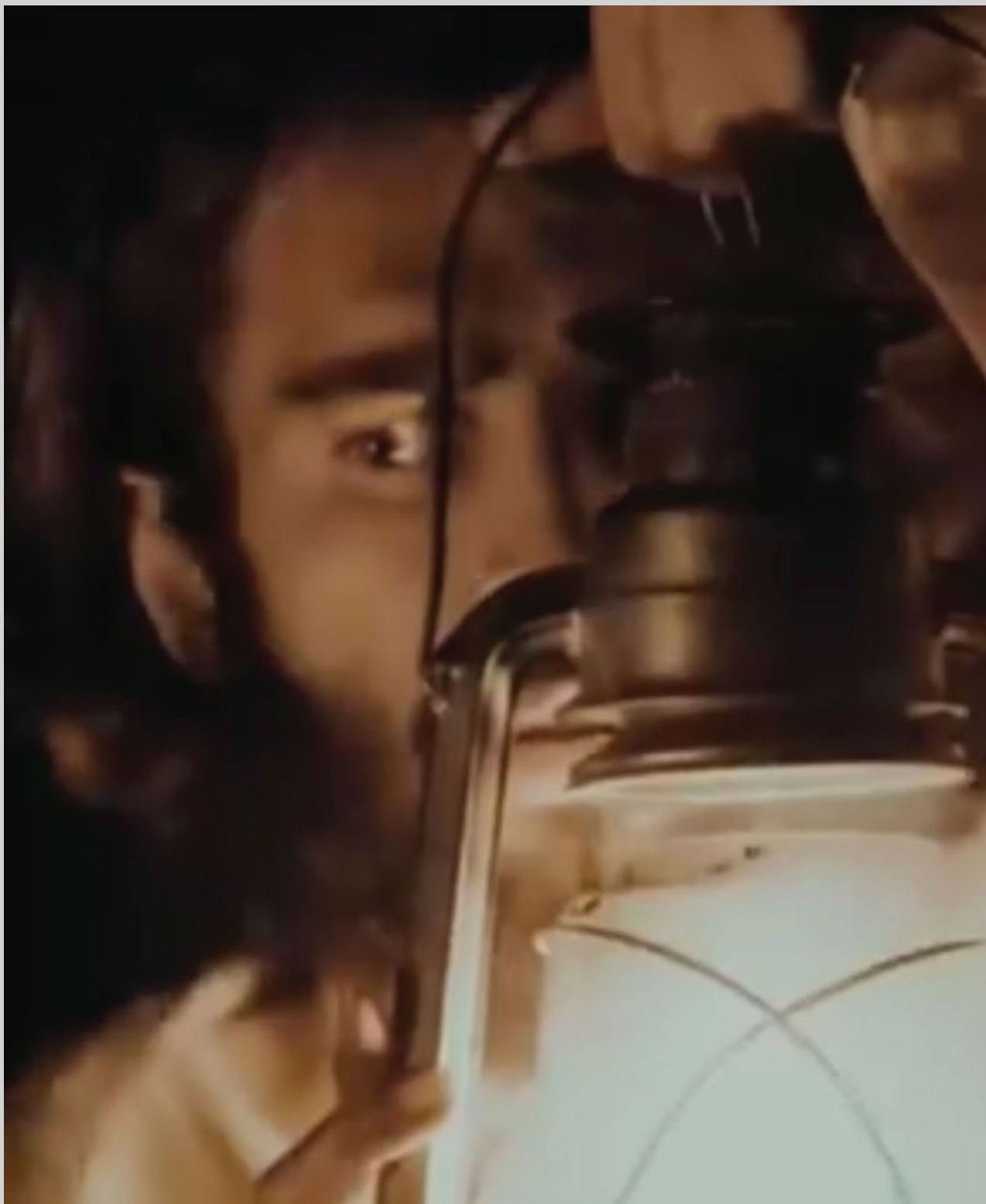
جمعه شب ۱۸ آذر و بامداد شنبه ۱۹ آذر دکل مخابراتی در جنت‌آباد تهران، پادگان بسیج ناحیه «امام حسین» اهواز، مسجد «ولایت» در صفائیه یزد، پایگاه بسیج «رضوانشهر»، دفتر بسیج دانشجویی دانشگاه آریامهر (شریف) و چند نقطه دیگر به آتش کشیده شد.

روابط عمومی سپاه «امام رضا» استان خراسان رضوی مدعی شد اعضای یک تیم را بازداشت کرده که قصد حمله به استانداری و ترور احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد را داشتند.

کانون بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی به رؤسا و مدیران عامل چند بانک از جمله بانک آینده، اقتصاد نوین، پارسین، پاسارگاد، دی، بانک سرمایه و چند مؤسسه خصوصی دیگر هشدار داده با توجه به «ناآرامی‌های اخیر» باید مراقب نفوذ و غارت اموال و سرقت از بانک باشند و برای مقابله با آن باید به تقویت سیستم‌های حفاظتی بپردازند.

سردار پاسدار مجید میراحمدی معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور جمهوری اسلامی در سخنانی عجیب ادعا می‌کند شعارنویسی برای اغتشاشگران سه میلیون تومان یا شعار شبانه دو میلیون تومان درآمد دارد! او حتا ادعا کرده برخی دختران را مأمور کرده‌اند که مثلاً به جوانی پیشنهاد دهند فلان اقدام ضد امنیتی را انجام دهد تا بتواند در کنار آنها چند شب باشند!

مهره‌ها و عوامل جریان اصلاح طلب که فرصت طلبانه به دنبال موج‌سواری بر انقلاب مردم علیه حکومت هستند هشدار داده‌اند که «مردم عصبانی هستند» و بالای ۷۵ درصد نارضایتی از حکومت وجود دارد. روزنامه «جمهوری اسلامی» هشدار داده با این مدیران و وزیران ضعیف و این سیاست‌های ضعیف‌تر نمی‌توان به جایی رسید!



عکس هفته | حسین محمدی ۲۶ ساله بازیگر حرفه‌ای تئاتر یکی از ۱۶ متهم پرونده‌ی چهل‌م حدیث نجفی
توسط دادگاه انقلاب اسلامی به اعدام محکوم شده است!